

تفسیر و شرح

زیارات اربعین

مؤلف

سید جعفر رفیعی

مؤسسہ فرہنگی و تحقیقاتی یاران قائم علیہ السلام

تفسیر و شرح

زیارت آل یاسین

نوشتہ:

سید جعفر رفیعی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شناسنامه کتاب

نام کتاب تفسیر و شرح زیارت آل یاسین
مؤلف سید جعفر رفیعی
ناشر مؤسسه یاران قائم علیه السلام
تاریخ چاپ ۱۳۷۹
نوبت چاپ اول
چاپخانه شریعت
نوع قطع وزیری
تیراژ: ۵۰۰۰ جلد

مرکز پخش:

**قم - ابتدای خیابان صفائییه مقابل بانک صادرات - فروشگاه زائر
مشهد - مؤسسه حضرت بقیة الله علیه السلام**

۰۲۵۱-۹۳۴۰۲۵

۰۲۵۱-۷۴۲۵۱۹

۰۹۱۱-۲۲۳۶۵۶۶

تلفن مراکز پخش

شابک ۹۶۴-۹۱۲۹۲-۶-۷

قیمت ۱۹۰۰ تومان

ای مولی و سرور ما

یا صاحب الزمان

این نوشته اهداء و عرض و عقائدی

است به پیشگاه مقدس شما

«تقریظ»

«از حضرت آیه الله حاج سید حسن ابطحی (دام ظلّه العالی)»

«بسم الله الرحمن الرحيم»

الحمد لله و صلی الله علی رسول الله و علی آله آل الله لا سیما علی بقیة الله
روحی فداء. صبح روز چهارشنبه سیزدهم ماه مبارک رجب ۱۴۲۱ سالروز
میلااد مسعود حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) مقداری از کتاب شرح
زیارت آل یاسین تألیف حجة الاسلام و المسلمین آقای سید جعفر رفیعی
دامت برکاته را مطالعه کردم خوشحال شدم که در وصف و معرفی امام عصر
(ارواحنا فداء) کتابی نوشته شده که از معرفت و معنویت خاصی منتبس از
قرآن و روایات منشأ گرفته و انشاء الله برای دوستان خاندان عصمت و
طهارت (علیهم السلام) مفید خواهد بود.

امید است معظم له که از دوستان و نزدیکان اینجانب اند از یاران با وفا و
خدمتگذاران به امام عصر (روحی فداء) بوده باشند و وجود پر فیضشان که
همیشه منشأ خیرات از طریق قلم و بیان بوده پر برکت تر و پرکارتر و مفیدتر
برای شیعیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) باشد و امیدوارم خدای تعالی
ایشان را در دنیا و آخرت از حسنات و زندگی خوب و حبات طیبه برخوردار
فرماید.

آمین یا رب العالمین

سید حسن ابطحی خراسانی

مقدمه

در دوران غیبت و دوری از امام زمان علیه السلام برای نجات و رستگار شدن باید مواظبت و مراقبت شدیدی بر اعمال و کردار خویش داشت و این امر میسر نمی شود مگر این که در راه و روش ائمه اطهار علیهم السلام سلوک کرده و به آنچه امر فرموده اند عمل نمود و از کجروی و انحراف از راهی که آنان ترسیم نموده اند بر حذر بود. تا به حیات طیبه در دنیا و آخرت دست یافت برای موفقیت در این راه احتیاج به تلاش و کوشش است و قدم اول در این راه تحصیل معرفت و عمل به آن است و قدم دوّم توسل و کمک گرفتن از ذوات مقدسه ائمه اطهار علیهم السلام است. چنانچه قرآن می فرماید:

و ابتغوا الیه الوسیله ^(۱)

یعنی: و وسیله ای برای تقرب به او بجوئید

طبق مضامین روایات و تفاسیر در ذیل این آیه شریفه یعنی بر توسلات خود به آل عصمت علیهم السلام خاصه حضرت بقیه الله علیه السلام بیفزائید و این خود احتیاج به شناخت دارد.

شناخت مقام ائمه علیهم السلام اصل و حقیقت دین است و حقیقت توحید و مغز عبودیت است و اصولاً بدون آشنایی و معرفت آن بزرگواران نجاتی وجود ندارد، لذا فرموده اند: من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة الجاهلیت ^(۲)

یعنی: هر کس بمیرد و امام زمانیش را نشناسد به مرگ جاهلیت مرده است. بله نجات و رستگاری و سعادت انسانی بستگی به معرفت این بزرگواران

۱- سوره مائده - آیه ۳۵

۲- بحار الانوار جلد ۸ صفحه ۳۴۸

۷ مقدمه

دارد چون معرفت آنها مکمل معرفت الله است چنانکه در روایاتی وارد شده:

من عرفنا فقد عرف الله (۱)

یعنی: هر کس ما را شناخت خدا را شناخته.

من لم يعرفنا لم يعرف الله

یعنی: و هر کسی ما را نشناخت (در حقیقت) نمی تواند خدا را بشناسد

می توان این معرفت و توسل را از زیارت ال یس تحصیل نمود و اگر چنانچه

گفته شود که تمام منازل و مقامات معرفت در این زیارت گنجانیده شده است

کلامی بی ربط نیست چون با دقت و تأمل در مضامین این زیارت واضح

می گردد که در آن موضوعات مهم معارف اسلامی و اصول اعتقادی وارد

شده است و می توان از این زیارت دریچه ای به سوی معارف حقه و کمالات

روحی باز نمود و آن را نردبان ترقی و کمال و دروازه رشد و فضیلت خود

قرار داده و گامی فراتر به سوی کمال انسانی از طریق راه وحی برداشت.

لذا با کوشش و تلاش پیگیر این زیارت مبارکه با کمک آیات و روایات و لغات

تفسیر و شرح داده شد تا جمعی از محبتین و منتظرین آن حضرت که

می خواهند از این طریق هم توسل نموده و هم عقائد خود را تنظیم و به

ساحت مقدس آن حضرت عرضه بدارند و هم ارتباط و پیوند معنوی ایجاد

کنند، موفق شوند.

در اینجا لازم می بینم چند مطلب را متذکر شوم.

- این زیارت معروفترین و مشهورترین زیارت حضرت بقیة الله (عج) می باشد

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۸

که برای تفسیر و شرح انتخاب شده است. زیارت آل یاسین - بطور کلی دارای دو قسمت می باشد اول به عنوان زیارت آن حضرت و قسمت دوم بعنوان دعای بعد از زیارت که ما با عنایت و الطاف آن حضرت هم زیارت و هم دعای بعد از آن را شرح نمودیم. برای تشویق و تحریص نمودن مؤمنین بر خواندن این زیارت، در آخر این کتاب حکایات افراد سعادت‌مندی که توسط «زیارت آل یس» به حوائج و مقصدهای خود رسیده‌اند آورده شده است.

- سعی نمودم تمام جملات و کلماتی که احتیاج به شرح دارد به طور واضح و روشن چه از طریق آیات و روایات و چه از جهت لغت شرح داده شود تا جای هیچ اجمال و ابهامی برای زائر باقی نماند و حتی المقدور ابعاد مختلف مسائل اعتقادی را از طریق این زیارت بشناسد و به آن معتقد شود. - مقدمتاً سند زیارت و کیفیت زیارت و ثواب زیارت آن حضرت، عرض عقائد به پیشگاه آن حضرت و درسی که از این زیارت گرفته می شود بطور اجمال ذکر می شود تا با اشتیاق بیشتری این زیارت خوانده شود بنابراین کتاب حاضر در واقع سیری است در معارف و اصول عقائدی که بر یک مسلمان پیرو مکتب اهل بیت علیهم السلام لازم است و ارتباط دهنده قلبها و پیوند دهنده معنوی با آن حضرت می باشد.

به امید روزی که پرچم حق در سراسر گیتی به اهتزاز در آید و جامعه بشریت در سایه حضرت بقیة الله (ارواحنا له النداء) از معارف حقه سیراب شوند و همه با وحدت کلمه به سوی کلمه توحید ره سپار گردند و باطل از میان مردم رخت بر بندد.

سند و راوی زیارت آل یس

این زیارت معروف به زیارت آل یاسین است و شباهت بسیار زیادی به زیارت ندبه دارد که از ناحیه مقدس امام زمان علیه السلام دستور رسیده در سرداب مقدس خوانده شود و اختصاص به سرداب مقدس دارد.

و مختصر اضافاتی در آن وجود دارد و آن را بحار الأنوار^(۱) از مصباح الزائر نقل نموده چون راوی هر دو زیارت جناب محمد بن عبدالله حمیری است بعضی از علما معتقدند که از ناحیه مقدس آن حضرت دو زیارت برای جناب حمیری صادر شده است یکی مختص به سرداب مقدس که همان زیارت معروف به ندبه است و دیگری همین زیارت (زیارت آل یس) که اختصاص به مکان و زمان خاصی ندارد و همه جا می توان از آن بهره مند شد.

سند زیارت آل یاسین را بر حسب تقدم تاریخی به ترتیب ذکر می کنیم:

۱- احتجاج جلد ۲ صفحه ۳۱۶ تألیف محدث جلیل القدر ابو منصور احمد

بن علی بن ابی طالب طبری رضی الله عنه

۲- بحار الأنوار درسه جلد از این کتاب نفیس، نقل شده است که نشانه

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۱۰

اهمیت و ارزش خاص این زیارت است.

- جلد ۵۳ صفحه ۱۷۱

- جلد ۹۴ صفحه ۲

- جلد ۱۰۲ صفحه ۸۱ بحار الانوار از تألیفات گرانقدر علامه بزرگوار محمد

باقر مجلسی رحمته الله است.

۳- فوز اکبر در توسلات به امام منتظر عجل الله تألیف میرزا محمد باقر فقیه ایمانی

رحمته الله صفحه ۶۸-۷۰

۴- تکلیف الانام فی غیبة الامام تألیف دبیر الدین صدر الاسلام علی اکبر

همدانی رحمته الله صفحه ۱۳۵

۵- مفاتیح الجنان تألیف حاج شیخ عباس قمی رحمته الله

فضیلت زیارت

امام زمان علیه السلام

زیارت به معنای دیدار و ملاقات می باشد و بطور کلی به دو نوع صورت می گیرد

۱- زیارت روحی یعنی از روی معرفت کامل به این که آن وجود مقدس مفترضی الطاعة و همچنین مظهر صفات جمال و کمال الهی هستند و در همه جا حاضر و ناظر می باشند، زیارت کند.

۲- زیارت با حواس ظاهره - به این معنا که آن حضرت را با بدن ظاهری زیارت کند و با حواس ظاهری مثل چشم و لمس وجود آن حضرت را درک کند این نوع زیارت اگر توأم با زیارت روحی و معنوی نباشد چندان حائز اهمیت نیست چون در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و یا دیگر ائمه معصومین علیهم السلام افراد بسیار زیادی بودند که آن حضرات را می دیدند و باصطلاح زیارت حسی و ظاهری داشتند در حالی که از جمله منافقین بودند و از زیارتشان بهره های معنوی نمی بردند.

پس زیارت حقیقی همان زیارت روحی است که مال اهل معرفت می باشد و فاصله زمان یا مکان در آن مؤثر نیست و ارتباط معنوی و روحانی از همین

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۱۲

طریق بر قرار می شود که در اثر آن زائر از نظر کمالات روحی در سطح بالائی قرار می گیرد و بهره های مادی و معنوی می برد و تا حتی جواب را با گوش دل می شنود.

گرچه دوریم به یاد تو سخن می گویم

بعد منزل نبود در سفر روحانی

زیارت حضرت بقیه الله (روحی له الفداه) دارای فضائل و مناقب بسیار زیادی می باشد و تمام آثار و برکات زیارت اجداد طاهرینش در زیارت آن بزرگوار نیز می باشد چنانکه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند:

هر کسی اول ما را زیارت کند آخرین ما را زیارت نموده و هر کس آخرین ما را زیارت کند اول ما را زیارت کرده (۱)

از این روایت ثابت می شود که تمام ثوابها و فضائلی که برای زیارت سایر ائمه معصومین علیهم السلام است برای زیارت حضرت ولی عصر علیه السلام نیز ثابت می باشد.

- سلیمان بن عیسی روایت کرده که پدرم خدمت حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد: چگونه شما را زیارت کنم در حالی که قادر به آمدن خدمت شما نمی باشم؟

فرمودند: هرگاه قادر بر آمدن نباشی چون روز جمعه شود غسل کن و یا وضو بگیر و بر بام خانه خود بالا برو و دو رکعت نماز بگذار و به سوی من متوجه شو

۱۳..... فضیلت زیارت

- خود حضرت صاحب الامر علیه السلام در توقیع و نامه‌ای به سوی محمد بن عبدالله حمیری می‌فرمایند:

هرگاه بخواهید مرا زیارت کنید و به سوی من توجه نمائید چنین زیارت کنید (السلام علی الیس...)^(۱)

- احمد بن ابراهیم روایت کرده که خدمت جناب محمد بن عثمان رضی الله عنه که نائب دوم حضرت بقیه الله رضی الله عنه بودند شکایت کردم از شوق خود برای رؤیت و ملاقات مولای خودم

فرمود: آیا با کمال میل و محبت قلبی طالبی که ایشان را ببینی؟
عرض کردم: بلی.

بعد از کلماتی چند فرمود: بدرستی که امر غیبت ایشان برای همه کس از امور حتمی الهی است و تسلیم شدن برای آن بهتر است و لکن به سوی آن حضرت بوسیله زیارت و سلام توجه کن^(۲)

ابن بابویه قمی می‌گوید خبر داد به من بعضی از مشایخ قمیین که به من غم و اندوه سختی وارد شد که در اثر آن طاقتم سست شد و نمی‌توانستم برای کسی آن را ذکر کنم در خواب شخصی که خوش رو و خوشبو بود و لباسهای نیکوئی در برداشت بدون مقدمه گفت:

در آنچه به آن گرفتار شدم به سوی خداوند تبارک و تعالی مراجعه کن و از حضرت صاحب الامر رضی الله عنه استعانت بجوی و ایشان را زیارت و سلام کن و

۱- احتجاج جلد ۲ صفحه ۴۹۲

۲- بحار الانوار جلد ۵۳ صفحه ۴۸۵

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۱۴

بخواه که برای تو نزد خداوند عزوجل در حاجتت شفاعت فرماید. (۱)
از مضامین این روایات چنین بر می آید که در هر مکان و هر زمانی می توان به
حضرت بقیة اللہ علیہ السلام توجه نمود و حضرتش را زیارت کرد.
- همچنین شهید رحمۃ اللہ علیہ در کتاب الدروس بر مستحب بودن زیارت امام زمان علیہ السلام
تصریح می کند و می نویسد:

مستحب است زیارت مهدی علیہ السلام در هر مکان و هر زمانی و دعا برای تعجیل
فرج او به هنگام زیارت آن بزرگوار، و زیارت آن حضرت در سرداب سامره
مورد تأکید واقع شده است. (۲)

از این روایات و جمالاتی که ذکر شد، ثواب زیارت آن حضرت و کیفیت و
چگونگی زیارت واضح و روشن می شود و معلوم گشت که بوسیله زیارت
آنجناب همان ثوابها و آثار و برکات ذکر شده در زیارت اجداد طاهرینش
کسب و حاصل می شود و همچنین زیارت آن حضرت انسان را با کمالات و
شئون و معرفت آن ولی الله الاعظم علیہ السلام آشنا می سازد و از نظر عاطفه و روح
دلهای تفدیده از فراق آن امام عزیز، تسکین می یابد. به این جهت است که از
نظر عبادت، زیارت یکی از بزرگترین مستحبات به شمار می رود که هیچ
مستحبی به منزله آن نمی گردد.

بله با این زیارت مبانی اعتقادی و معرفت امام علیہ السلام به نفس تلقین و تحکیم
می شود و از جهت تربیتی که به تجربه هم رسیده است زائری که مداومت بر

۱- بحار الانوار جلد ۱۰۲ صفحه ۲۴۵

۲- الدروس الشرعیة جلد ۲ صفحه ۱۶

۱۵..... فضیلت زیارت

این زیارت دارد از انحرافهای عملی و اخلاقی به دور بوده و از مسیر صراط مستقیم منحرف نشده است.

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود:

هر کس زیارت کند امام زنده در دنیا را در ماه مبارک رمضان و در وقت ملاقات ایشان بگوید: **الله اکبر لا اله الا الله وحده لا شریک له**.

روز قیامت تحفه و هدیه و منزلتی از حضرت رسول صلی الله علیه و آله به او در قرب مقام آن امام علیه السلام مرحمت می شود که در میزان عمل او سنگین تر باشد از هفت آسمان و هفت زمین و هر چه در آنها و هر چه زیر زمین است و برای او رضوان الله اکبر ثابت گردد، و واجب گردد که خداوند جل شأنه در دارالجلال میان او و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و حضرت ابراهیم علیه السلام و همه مرسلین علیهم السلام و آن امام علیه السلام جمع کند (۱).

درس معارف در زیارت آل یس

معرفت و شناخت اصل و ریشه تمام عبادتها و بندگیها می باشد و به منزله روحی است که در کالبد همه اعمال انسان جریان دارد و بدون آن عاری از حقیقت می شوند و نحوه کسب این شناخت و معرفت باید از ناحیه پروردگار ارائه شود چون عقل با یک سری استدلالهای فطری به بعضی از معارف اولیه پی می برد اما سایر معارف عالیه مثل طرز بندگی و شناخت و صفات کمال و جلال پروردگار عاجز است لذا حکم می کند این معارف باید از خود خدایتعالی اخذ شود و بخصوص که می دانیم خداوند ما را به حال خود رها نکرده تا هر طور که بخواهیم بندگی کنیم و یا از هر کس که خواستیم معارف را اخذ کنیم بلکه از جانب خودش رسولانی فرستاده تا آئین عبودیت و معرفت صحیح خودش را به ما بیاموزند و به این وسیله حجت خود را بر ما تمام کرده است و اصولاً فلسفه نبوت و امامت همین است.

و هنگامی که انسان ریشه آن معارف را از طریق وحی فرا گرفت بوسیله اختیاری که دارد آن را می پذیرد و تسلیم آن می شود مگر این که آن شخص

۱۷ درس معارف

مريض روحی باشد که به سبب سوء اختیار خود حقیقت را نمی پذیرد و از قبول آن امتناع می ورزد و تسلیم آن نمی گردد.

و این را باید دانست که بندگی و عبودیت از معرفت سرچشمه می گیرد و به معرفت هم ختم می شود زیرا روح و حقیقت بندگی همان معرفت است و هر چه معرفت بالا رود بندگی کاملتر می گردد و انسان را به عمل و اوستی دارد بنابراین هیچ معرفتی بدون عمل نمی شود و عمل بدون معرفت ارزش چندانی ندارد و در واقع مثل کالبد بدن می باشد که بدون روح حیات نداشته و ارزشی ندارد به این ترتیب هر چه معرفت انسان بالا رود ارزش عملش بیشتر می شود و می توان گفت معیار برتری افراد معرفت آنها است که شرط پذیرفتن عمل و موجب پیشرفت روحی و معنوی آنها می گردد.

لذا در روایتی آمده است:

بعضکم اکثر صلاة من بعض و بعضکم اکثر حجاً من بعض و بعضکم اکثر صدقةً من بعض و بعضکم اکثر صياماً من بعض و افضلکم افضلکم معرفةً
یعنی: برخی از شما بیش از بعضی دیگر اهل نماز هستید و بعضی بیشتر اهل حج و بعضی بیشتر صدقه می دهید و برخی بیشتر از برخی دیگر روزه می گیرید. (با وجود همه اینها) بهترین شما آنهایی هستند که معرفت بهتری دارند (۱).

و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در اهمیت معرفت می فرمایند:

العلم أوّل دلیل و المعرفة اخر نهاية (۱)

یعنی: علم اولین راهنماست و معرفت آخرین درجه و مرحله است»

و حضرت امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند:

لا يقبل عمل الا بمعرفة و لا معرفة الا بعمل و من عرف دلته معرفته على العمل و

من لم يعرف فلا عمل له

یعنی: هیچ عملی بدون معرفت پذیرفته نمی شود و هیچ معرفتی هم بدون

عمل نخواهد بود و هر کس معرفت داشته باشد معرفت او راهنمای عملش

می شود و آن که معرفت ندارد در واقع عمل هم ندارد.»

حضرت سیدالشهداء علیه السلام می فرمایند:

يا ايها الناس ان الله ما خلق العباد الا ليعرفوه فاذا عرفوه عبده فاذا عبده

استغفوا بعبادته عن عبادة من سواه (۲)

«ای مردم! خداوند بندگان را خلق نفرموده مگر برای این که او را بشناسند و

معرفت پیدا کنند، پس هنگامی که او را شناختند مشغول بندگی و عبادتش

می شوند و هرگاه او را پرستش کردند از اطاعت و عبادت غیر او بی نیاز

خواهند شد.»

و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

افضلکم ایماناً افضلکم معرفة (۳)

«بهترین شما در ایمان بهترین شما از جهت معرفت است»

۱- غرر و درر جلد ۲ صفحه ۱۲۳

۲- بحار الانوار جلد ۲۳ صفحه ۹۳

۳- بحار الانوار جلد ۳ صفحه ۱۷

۱۹. درس معارف

با توجه به این روایات به خوبی روشن می شود که فضیلت انسان به معرفت او است و هر چه معرفتش کاملتر و صحیح تر باشد ارزشش بالاتر است حال سؤال در این زمینه واقع می شود که چگونه معرفت را کسب کنیم که به دامهای مکتبهای باطل نیفتیم؟!

جواب این سؤال این است که خدایتعالی معارف و هدایتهای خویش را از طریق انبیاء و اولیائش بر بندگان نازل می فرماید و بر امت است که در تحصیل و کسب حقائق و معارف فقط بر طریق وحی اکتفا کنند تا به دامهای شیطان نیفتند و آیات و روایات بسیار زیادی بر این مطلب دلالت دارد که اگر بخواهیم آنها را ذکر کنیم خود کتابی مستقل می گردد، برای نمونه قرآن می فرماید:

فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (۱)

«اگر نمی دانید از آگاهان (اهل ذکر) پرسید.»

طبق تفاسیر «اهل الذکر» ائمه اطهار علیهم السلام می باشند که باید حقائق و معارفی که برای بشر مجهول و مخفی مانده است از طریق آنها کسب و تحصیل نمایند که یک نمونه آن زیارت آل یس است که از طریق حضرت بقیه الله (روحی له الفداء) شرف صدور یافته که در آن کمال معرفت و اطاعت و محبت بیان شده که از طریق آن می توانیم قلب خود را به اعتقادات و معارف حقه محکم کنیم.

این زیارت تسدید و محکم کردن مبانی عقائد با عباراتی که از آن حضرت به

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۲۰

ما تعلیم داده شده است می باشد و با خواندن و تکرار آن، معارف در قلب تأثیر و رسوخ نموده و روح بندگی و تسلیم را ایجاد می نماید طلبه ای می گفت هنگامی که در مرحله صراط مستقیم بودم استاد عزیزم فرمود هدف از خلقت بندگی است که بدون معرفت و تنظیم آن در صراط مستقیم هرگز حاصل نمی شود باید که عقائد خود را در صراط مستقیم قرار دهی.

گفتم: چگونه عقائد را در صراط مستقیم قرار دهم؟!

فرمود باید تمام اعتقاداتی که داری صد در صد از خاندان اهل بیت وحی علیهم السلام باشد و با فرموده های آنها تطبیق داشته باشد.

گفتم: باید شما محکی و میزانی به من بدهید که عقائد را به آن محک بزنم تا بفهمم عقائد با آنچه اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام فرموده اند تطبیق می کند یا نه؟

فرمود! بهترین محک و میزان زیارت آل یاسین است، شما هر روز این زیارت را بخوان و در معانی آن تأمل کن تا با تکرار آن در قلبت رسوخ و ثابت شود و به ایمان مستقر برسی و هر کجا برایت ابهام داشت سریعاً از من بپرس، باید تمام عقائدت با معارف زیارت آل یاسین تطبیق داشته باشد و سرسوزنی با آنها منافات نداشته باشد.

منهم بحمدالله زیارت آل یاسین را سرلوحه عقائد قرار دادم و با فراگیری درسهای عقائد که استخراج شده از آیات و روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بود توانستم عقائد را تنظیم و در جهت صراط مستقیم قرار دهم.

و زیارت آل یاسین را به عنوان دانشگاهی از معارف حقه که انسان را به کمال و حقیقت عبودیت می رساند، هر روز می خواندم و به امام مهربانم (که جانم فدای خاک پایش باد) این عقائد را عرضه می داشتم تا اینکه بحمدالله موفق شدم...

عرضه داشتن عقائد

به پیشگاه امام زمان علیه السلام

امام علیه السلام بر اعمال و افعال بشر علم دارند و می بینند چنانکه قرآن مجید بر این امر گواه است آنجا که می فرماید:

قل اعملوا فسیر الله عملکم ورسوله و المؤمنون (۱)

یعنی: بگو عمل کنید! خداوند و پیامبرش و مؤمنون می بینند

(در این آیه شریفه خداوند امر می کند به پیامبر خود صلی الله علیه و آله، که به مکلفین)

بگو عمل کنید به آنچه (به شما امر شده و اجتناب کنید از معاصی) زیرا

خداوند عمل شما را می بیند و رسولش نیز می بیند و مؤمنین (که منظور ائمه

علیهم السلام باشند) بر اعمال شما آگاه هستند و می بینند.

و در آیه دیگر می فرماید:

و یوم نبعث فی کل امۃ شهیداً علیم من انفسهم و جنابک شهیداً علی هؤلاء (۲)

یعنی: روزی که از هر امتی گواهی از خودشان بر آنها بر می انگیزیم و تو را

۱- سوره توبه آیه ۱۰۵

۲- سوره نحل آیه ۸۹

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۲۲

(ای پیامبر) گواه بر آنان قرار می دهیم.

در این صورت که ائمه اطهار علیهم السلام و بلاحض حضرت بقیه الله علیهم السلام که شاهد بر ما هستند باید اعتقادات قلبی خود که به آنها ایمان داریم به حضرتشان عرضه بداریم که اثر این عمل این است که مؤمن در ایمان قلبی خود مصمم تر و ثابت قدم می ماند لذا این عمل یعنی اظهار ولایت و اعتقادات قلبیمان خدمت امام علیه السلام یکی از اعظام مستحبات شمرده شده است چنانکه:

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

مردم دستور دارند که گرد کعبه طواف کنند و سپس به سوی ما کوچ کنند و ولایت و دوستی خود را به ما اعلام دارند و یاری خود را نسبت به ما عرضه کنند سپس این آیه شریفه را قرائت فرمود:

واجعل افئدة من الناس تهوى اليهم

و فرمود: یعنی دل‌های برخی از مردم را متوجه ما گردان. (۱)

در روایت دیگری از حضرت امام محمد باقر علیه السلام دارد که مرد مرا در مکه دیدند که چه می کنند، سپس فرمود:

کارهائی است مانند کارهای جاهلیت، بخدا سوگند که چنین دستور ندادند، بلکه آنچه دستور دارند این است که حج خود را انجام دهند و به نذر خود وفا کنند. سپس نزد ما آیند و ولایت خود را بما خبر دهند و نصرت خویش را

بر ما عرضه کنند (۱)

و باز در روایت دیگری سدید که یکی از اصحاب آن حضرت است می گوید در حالی که حضرت امام محمد باقر علیه السلام وارد مسجد الحرام می شدند و من خارج می شدم (آن حضرت را ملاقات کردم) دست مرا گرفتند و رو به کعبه ایستادند و فرمودند:

ای سدید! همانا مردم مأمور شدند که نزد این سنگها (کعبه) آیند و گرد آن طواف کنند سپس نزد ما آیند و ولایت خود را نسبت به ما اعلام دارند. (۲)

خلاصه این که به صریح این آیات و روایات آن حضرت شاهد و ناظر بر اعمال ما هستند و احاطه علمی بر جمیع مخلوقات دارند. لذا یکی از کارهای بسیار ممدوح در زمان غیبت عرض عقائد به پیشگاه آن امام همام است تا انسان در دوران غیبت از وسوسه ها و دامهای فکری و اعتقادی نجات یابد و در راه خدایتعالی ثابت قدم بماند چنانکه این مطلب (عرض عقائد) از زیارت آل یاسین بدست می آید که در آن حضرت ولی عصر علیه السلام را شاهد گرفته و به پیشگاه مقدسشان عقائدمان را اظهار می داریم.

یکی از افراد جلیل القدر که فیام به این عمل

نمود یعنی به پیشگاه امام زمانش عرض

عقائد کرد جناب عبدالعظیم حسنی رحمته الله علیه بوده:

جناب عبدالعظیم حسنی رحمته الله علیه می فرماید:

۱- اصول کافی جلد ۲ صفحه ۲۳۱

۲- اصول کافی جلد ۲ صفحه ۲۳۹

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۲۴

بر آقا و مولایم حضرت علی بن محمد علیه السلام وارد شدم، چون نظر آن حضرت بر من افتاد فرمود:

مرحبا ای ابوالقاسم توحقاً از دوستان ما هستی.

عبدالعظیم حسنی می گوید: عرض کردم ای فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله میل دارم عقائد دینی خود را بر شما عرضه بدارم، اگر مورد پسند باشد بر آن ثابت باشم تا بلقائ خداوند برسم.

امام علیه السلام فرمود: عقائد خود را اظهار نما

گفت: عرض کردم: من معتقدم خدا یکی است و مانند او چیزی نیست و از دو حد ابطال و تشبیه بیرون است خداوند جسم و صورت و جوهر نیست، بلکه پروردگار اجسام بوده، و به آنها جسمیت داده و صورت ما را تصویر فرموده، و اعراض و جواهر را آفریده است، او (خداوند) صاحب همه چیز و مالک و ایجاد کننده اشیاء است.

و عقیده دارم حضرت محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده، او و خاتم پیامبران است و پس از وی تا روز قیامت پیامبری نخواهد بود، شریعت وی آخرین شرایع بوده و پس از او دینی و مذهبی نخواهد آمد.

عقیده من درباره امامت این است که امام بعد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است بعد از او حسن علیه السلام پس از وی حسین علیه السلام و علی بن الحسین علیه السلام و محمد بن علی علیه السلام و جعفر بن محمد علیه السلام و موسی بن جعفر علیه السلام و علی بن موسی علیه السلام و محمد بن علی علیه السلام، بعد از اینها امام مفترض الطاعه، شما هستید در این هنگام حضرت هادی علیه السلام فرمود: پس از من فرزندان حسن علیه السلام امام است لیکن مردم درباره امام بعد از او چه

خواهند کرد.

عرض کردم: ای مولای من مگر جریان زندگی امام بعد از او از چه قرار است؟

فرمود: امام بعد از فرزندم حسن علیه السلام شخصش دیده نمی شود و اسمش در زبانها جاری نمی گردد تا آن گاه که از پس پرده غیبت بیرون شود زمین را از عدل و داد پر نماید، همانطور که از ظلم و ستم پر شده باشد.

عرض کردم: به این امام غائب، هم معتقد شدم، و اکنون می گویم: دوست آنان دوست خدا و دشمنان ایشان دشمنان خدا هستند، طاعت آنان طاعت پروردگار و معصیت و نافرمانی از آنها موجب معصیت است.

من عقیده دارم که معراج و پرسش در قبر و همچنین بهشت و دوزخ و صراط و میزان حَقُّند و روز قیامت خواهد آمد و در وجود آن شکی نیست و خداوند همه مردگان را زنده خواهد کرد و نیز عقیده دارم که واجبات بعد از اعتقاد بولایت و امامت عبارت اند از: نماز، زکات، و روزه، حج، جهاد، امر به معروف، و نهی از منکر.

در این هنگام حضرت هادی علیه السلام فرمود: ای ابوالقاسم به خدا سوگند این معتقدات شما دین خداست که برای بندگانش برگزیده، براین عقیده ثابت باش، خداوند تو را به همین طریق در زندگی دنیا و آخرت پایدار بدارد^(۱)

و همچنین جناب محمدعلی فشنیدی که یکی

از سعادت‌مندان عالم است، هنگامی که

خدمت حضرت بقیه‌الله روحی لثراب مقدمه

الفداه شرفیاب می شود عقائد خود را خدمت

آن حضرت عرضه می‌دارد و امام علیه السلام نیز عقائد او را تایید می‌کنند و می‌فرمایند: اعتقاد خوبی داری، اصل حکایت محمدعلی فشنیدی چنین است:

من از اول جوانی مقید بودم که تا ممکن است گناه نکنم و آنقدر به حج بروم تا به محضر مولایم حضرت بقیه‌الله روحی فداه مشرف گردم لذا سالها به همین آرزو بمرگه معظمه مشرف می‌شدم.

در یکی از این سالها که عهده دار پذیرائی جمعی از حجّاج هم بودم، شب هشتم ماه ذیحجه با جمیع وسائل به صحراء عرفات رفتم تا بتوانم یک شب قبل از آنکه حجّاج به عرفات می‌روند من برای زواری که با من بودند جای بهتری تهیه کنم.

تقریباً عصر روز هفتم وقتی بارها را پیاده کردم و در یکی از آن چادرهایی که برای ما مهیا شده بود مستقر شدم (و ضمناً متوجه گردیده بودم که غیر از من هنوز کسی به عرفات نیامده) یکی از شرطه‌هایی که برای محافظت چادرها آنجا بود نزد من آمد و گفت تو چرا امشب اینهمه وسائل را به اینجا آورده‌ای، مگر نمیدانی ممکن است سارقین در این بیابان بیایند و وسائلت را ببرند؟ بهر حال حالا که آمده‌ای باید تا صبح بیدار بمانی و خودت از اموالت محافظت بکنی.

گفتم: مانعی ندارد بیدار میمانم و خودم از اموالم محافظت می‌کنم. آنشب در آنجا مشغول عبادت و مناجات با خدا بودم و تا صبح بیدار ماندم تا آنکه نیمه‌های شب بود که دیدم سید بزرگواری که شال سبز سردارد به در خیمه من آمد و مرا به اسم صدا زد و گفت حاج محمد علی سلام علیکم، من جواب دادم و از جا برخواستم. او وارد خیمه شد و پس از چند لحظه

جمعی از جوانها که هنوز تازه مو از صورتشان بیرون آمده بود مانند خدمتگزار به محضرش رسیدند، من ابتداء مقداری از آنها ترسیدم ولی پس از چند جمله که با آن آقا حرف زدم محبت او در دلم جای گرفت و به آنها اعتماد کردم، جوانها بیرون خیمه ایستاده بودند ولی آن سید داخل خیمه شده بود.

او به من رو کرد و فرمود حاج محمد علی خوشا به حالت، خوشا بحالت. گفتم: چرا؟

فرمود: شبی در بیابان عرفات بیتوته کرده‌ای که جدم حضرت امام حسین علیه السلام هم در اینجا بیتوته کرده بود.

گفتم: در این شب چه باید بکنیم؟

فرمود: دو رکعت نماز می خوانیم، پس از حمد یازده قل هو الله بخوان. لذا بلند شدیم و این کار را با آن آقا انجام دادیم، پس از نماز آن آقا یک دعائی خواند که من از نظر مضامین مثلش را نشنیده بودم، حال خوشی داشت اشک از دیدگانش جاری بود، من سعی کردم که آن دعاء را حفظ کنم، آقا فرمود این دعاء مخصوص امام معصوم است و تو هم آن را فراموش خواهی کرد.

سپس به آن آقا گفتم ببینید من توحیدم خوب است؟

فرمود: بگو.

منهم به آیات آفاقیه و انفسیه بوجود خدا استدلال کردم و گفتم معتقدم که با این دلایل خدائی هست.

فرمود: برای تو همین مقدار از خداشناسی کافی است.

سپس اعتقادم را به مسئله ولایت برای آن آقا عرض کردم.

فرمود: اعتقاد خوبی داری.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۲۸

بعد از آن سؤال کردم که به نظر شما الان امام زمان علیه السلام در کجا است؟
فرمود: الان امام زمان در خیمه است.

سؤال کردم: روز عرفه که میگویند حضرت ولی عصر علیه السلام در عرفات
است در کجای عرفات میباشند؟

فرمود: حدود جبل الرّحمة.

گفتم: اگر کسی آنجا برود آن حضرت را میبیند؟

فرمود: بله او را میبیند ولی نمی شناسد.

گفتم: آیا فردا شب که شب عرفه است حضرت ولی عصر علیه السلام به
خیمه های حجّاج تشریف می آورند و به آنها توجهی دارند؟

فرمود: به خیمه شما می آید، زیرا شما فردا شب به عمویم حضرت
ابا الفضل علیه السلام متوسّل می شوید در این موقع آقا بمن فرمودند حاج محمد
علی چائی داری؟ (ناگهان متذکر شدم که من همه چیز آورده ام ولی چائی
نیاورده ام).

عرض کردم آقا اتفاقاً چائی نیاورده ام، و چه قدر خوب شد که شما تذکر
دادید زیرا فردا می روم و برای مسافرین چائی تهیه می کنم.

آقا فرمودند: حالا چائی با من.

و از خیمه بیرون رفتند و مقداری که بصورت ظاهر چائی بود ولی وقتی دم
کردیم بقدری معطر و شیرین بود که من یقین کردم آن چائی از چائی های دنیا
نمی باشد آوردند و بمن دادند، من از آن چائی خوردم.

بعد فرمودند: غذائی داری بخوریم؟

گفتم: بلی نان و پنیر هست.

فرمودند: من پنیر نمی خورم.

گفتم: ماست هم هست.

فرمود: بیاور. من مقداری نان و ماست خدمتش گذاشتم.

او از آن نان و ماست میل فرمود.

سپس بمن فرمود حاج محمد علی بتو صد ریال (سعودی) میدهم تو برای پدر من یک عمره بجا بیاور.

عرض کردم: چشم اسم پدر شما چیست؟

فرمود: اسم پدر من سید حسن است.

گفتم: اسم خودتان چیست؟

فرمود: سید مهدی، (پول را گرفتم) و در این موقع آقا از جا برخواست که برود، من بغل باز کردم و او را بعنوان معانقه در بغل گرفتم، وقتی خواستم صورتش را ببوسم دیدم خال سیاه بسیار زیبایی روی گونه راستش قرار گرفته، لبهایم را روی آن خال گذاشتم و صورتش را بوسیدم.

پس از چند لحظه که او از من جدا شد من در بیابان عرفات هر چه اینطرف و انطرف نگاه کردم کسی را ندیدم یکمرتبه متوجه شدم که او حضرت بنیة الله ارواحنا فداه بوده بخصوص که او:

اسم مرا می دانست!

فارسی حرف می زد!

نامش مهدی بود!

پسر امام حسن عسگری بود!

بالاخره نشستم و زار زار گریه کردم، شرطه ها فکر می کردند که من خوابم برده و سارقین اثاثیه مرا برده اند، دور من جمع شدند، به آنها گفتم شب است مشغول مناجات بودم گریه ام شدید شد.

فردای آن روز که اهل کاروان به عرفات آمدند من برای روحانی کاروان قضیه را نقل کردم، او هم برای اهل کاروان جریان را شرح داد، در میان آنها شوری

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۳۰

پیدا شد.

اول غروب شب عرفه نماز مغرب و عشا را خواندیم بعد از نماز با آنکه من به آنها نگفته بودم که آقا فرموده‌اند فردا شب من به خیمه شما می‌آیم زیرا شما به عمویم حضرت اباننضال علیه‌السلام متوسل می‌شوید خود بخورد روحانی کاروان روضه حضرت اباننضال علیه‌السلام را خواند شوری بر پا شده و اهل کاروان حال خوبی پیدا کرده بودند ولی من دائماً منتظر مقدم مقدس حضرت بقیة الله روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء بودم. بالاخره نزدیک بود روضه تمام شود که من حوصله‌ام سر آمد از میان مجلس برخوایم و از خیمه بیرون آمدم، دیدم حضرت ولی عصر روحی فداء بیرون خیمه ایستاده‌اند و به روضه گوش می‌دهند و گریه می‌کنند. خواستم داد بزنم و بمردم اعلام کنم که آقا اینجا است با دست اشاره کردند که چیزی نگو و در زبان من تصرف فرمودند که من نتوانستم چیزی بگویم، من اینطرف در خیمه ایستاده بودم و حضرت بقیة الله روحی فداء آنطرف خیمه ایستاده بودند و هر دو مان بر مصائب حضرت اباننضال علیه‌السلام گریه می‌کردیم و من قدرت نداشتم که حتی یک قدم بطرف حضرت ولی عصر علیه‌السلام حرکت کنم، وقتی روضه تمام شد آن حضرت هم تشریف بردند. (۱)

در اینجا جای دارد که من مخاطب قلمم را وجود مقدس امام زمان (روحی فداء) قرار دهم و عرض کنم: ای سید و سالار ما و ای امام و مقتدای ما! این نوشته ناچیز نیز عرض اعتقادی است به پیشگاه شما، امید دارم از این حقیق پذیرید و مرا مورد مهر و لطف خاص و تصدیق و هدایت خویش قرار دهید و اگر لغزشی و خطائی است مرا رهنمائی نمائید.

تفسیر و شرح

زیارت آل یاسین

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

لا لامره تعقلون

«به نام خداوند رحمان و رحیم. شما نسبت به امر پروردگار تعقل نمی‌کنید»
«(امر)» به معانی متعددی آمده و بطور خلاصه می‌توان گفت امر یا «قولی»
است یا «فعلی» و به عبارت دیگر یا «تکلیفی» است یا «تکوینی»، قولی و
تکلیفی به معنای دستور و خواستن می‌باشد.

فعلی به معنای کار و فعل است.

معنای فعلی و تکوینی مثل این که در قرآن می‌فرماید:

شاورهم فی الامر (۱)

یعنی: در کار با آنها مشورت کن

الی الله ترجع الامور (۲)

یعنی: کارها عاقبت به خدا بر می‌گردد.

و معنای قولی مثل این آیه شریفه که می‌فرماید:

وما امر فرعون برشید (۳)

یعنی: در حالی که فرمان فرعون، مایهٔ رشد و نجات نیست.

۱- سوره ال عمران - آیه ۱۵۹

۲- سوره حدید - آیه ۵.

۳- سوره هود - آیه ۹۷.

بیا توجه به این دو معنی، امر پیروردنگار می‌تواند به معنای الواحمر و دست‌ورالت الهی باشد بیا الفعّال و کردار پیروردنگار که حکایت از قدرت بی‌لامنازع خدا تعالی دارد و هر چه در این نوع «امر» تفکر و تدبیر شود بی‌ایمانان افزوده می‌شود

و الهی معنای سوره می‌هم بی‌ای «امر» هست و آن امام علیه السلام می‌باشد که بلید دالماً به یلدا او بود و در شناخت حضرتش تعقل و فکر نمود.

چنانکه در روایتی علی بن مهزیار در هنگام ملاقاتش با حضرت بقیة الله علیه السلام می‌گوید عرض کردم: ای سرورم فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله «امر» در این آیه شریفه: **الهمنا الیلاً او نهلاً** ^(۱۱) چیست؟

فرمودند: نحن امر الله و جفوده

«و ما لیم» «امر» خدا او جفودش ^(۱۲)

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل شده که فرمود: کسی که در انظار «امر» ما باشد زیانی به او نخواهد رسید و این شخص مانند این است که در وسط خیمه حضرت مهلبی و در میان لشکر آن جناب مرده باشد ^(۱۳)

و حضرت امام حسن عسکری علیه السلام در روایتی دیگر را جمع به «امامت» می‌فرمودند:

هذا الامر من امر الله و سر می‌امر الله

یعنی: این امامت امیری از امرهای خدا و سروری و زاری از اسرار خداوند

۱- سوره یونس آیه ۲۴۴.

۲- کمال الدین جلد ۲۲ صفحه ۴۶۹۹

۳- کافی جلد ۱ صفحه ۱۱۶۰

۳۴..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

می باشد (۱)

خلاصه اینکه با توجه به آیات و روایات ذکر شده یکی از معانی «امر» «امام»
علیه السلام می باشد.

در این عبارت قبل از زیارت حضرت بقیه الله علیها السلام می فرمایند چرا در «امر»
امامت تفکر و تعقل نمی کنید و چرا او را به فراموشی سپرده اید و از براهان
عقلی خود در جهت شناخت آن حضرت استفاده نمی کنید.

لا لامره تعقلون - اشاره به برهان عقلی دارد

و لا من اولیائه تقبلون - اشاره به برهان نقلی دارد.

و لا من اولیاءه تقبلون

«و از اولیاء او نیز نمی پذیرید»

حال که خود از حجت باطن یعنی عقل استفاده نمی کنید تا «امر» پروردگار را بشناسید و به آن عمل کنید، اینقدر در غفلت بسر می برید که از اولیاء و حجج خدا نیز قبول نمی کنید.

چون هنگامی که روح و عقل انسان غبار جهل آن را پوشاند و نتوانست از آن بهره برد یقیناً از حجج و اولیاء خدا نیز نمی تواند استفاده و در جهت سیر به سوی حقائق گام بردارد، اولیائی که حجت ظاهر می باشند و می توان از طریق اطاعت و گوش فرا دادن به کلامشان به «امر» پروردگار رسید و آن را شناخت و در جهت اطاعت از آن برآمد. و خود را رستگار نمود همانطور که قبلاً متذکر شدیم این جمله اشاره به برهان نقلی دارد و معنای آن این می شود: که بعضی آنقدر در امیال نفسانی و جهل فرو رفته اند که حتی از اولیاء خدا هم حقیقت «امر» را قبول نمی کنند و از آنها اطاعت نمی نمایند.

حکمت بلغة

«حکمتی است بس کلام و تتملم»

حکمت یعنی حق و واقعیتی که هیچ فسلاد و بلطلی دور آن راه ندادد و محکم و معتقن می باشد و فقط می توان از راه روحی الهی به آن رسید. و بعضی از علماء حکمت را به کلام حقی که از آن بهره برده می شود تفسیر کرده اند.

بلغة از ملاء «بلغ» به معنای بلوغ و البلاغ و رسیدن به انتهای مقصد و نزدیک شدن و پیلان اجل و مهلت، معنای شده است.

و دور اینجا یعنی امر خلد حکمتی است که دور نهایت واقع خواهد شد چنانکه دور آیه شریفه می فرمایند:

ان الله بلغ امره (طوق - ۲۳)

یعنی خلد ای تقالی به «امر» خویش می رسد و آن واقع می شود و هیچ کس نمی تواند او را منفع کند و از طرفی الله سُبْحَانَهُ می فرمایند:

نحن مفلتج الحکمه

معدان الحکمه

یعنی: ما هستیم کنیلهائی حکمت و معادن حکمت، پس حکمت بالغة همانا حجت بالغة الیهی است.

چنانکه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرموده:

نحن الحجّة الیالغّة

یعنی: ما هستیم حجت بالغة (۱)

یا توجه به مطالب فوق معنای عبارت چنین می شود:

این امر الیهی (اعانت) که شما در آن فکر نمی کنید و از دلیل و برهان عقل برای درک و فهم آن استفاده نمی کنید و همچنین از دلیل و برهان نقلی نیز استفاده نمی کنید همانا حکمت بالغة الیهی است که واقع خواهد شد و هیچ قدرتی نمی تواند مانع از وقوع آن گردد.

فما تغنی النذر عن قوم لا یؤمنون

«بیم‌ها و رهنمون‌ها نسبت به جمعی که ایمان نمی‌آورند سودی ندارد»

فما تغنی - یعنی بی‌نیاز نمی‌سازد و اثر نمی‌بخشد

النذر - به معنای بیم‌دادن و آگاه‌ساختن و ترسانیدن آمده است.

یعنی: انذار و تذکرات و ارشاد ما، فایده‌ای بحال قومی که ایمان به ولایت

نیاورند ندارد این جمله توفیق شریف برگرفته از این آیه شریفه است که

می‌فرماید:

فما تغنی الایات و النذر عن قوم لا یؤمنون (۱)

یعنی: اما این آیات و انذارها به حال کسانی که ایمان نمی‌آورند مفید نخواهد

بود

و در آیه دیگر وارد شده است.

حکمة بالغة فما تغنی النذر (۲)

یعنی: (آیات) حکمت بالغه الهی است اما انذارها فایده نمی‌دهد.

۱- سوره یونس - آیه ۱۰۱

۲- سوره قمر - آیه ۵.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۳۹

از امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده است منظور از «النذر» انبیاء هستند و منظور از «آیات» ائمه اطهار علیهم السلام می باشند. (۱)

البته این تفسیر از «النذر» و «الایات» در مقام بیان اعظم مصادیق آیه شریفه است و منافاتی با عموم آیه ندارد به این معنا که مراد از آیات تمام آثار قدرت الهی اعم از عالم بالا و عالم سفلی است که تمام مظهر وجود خالق آنها و صفات او از وحدانیت و علم و قدرت و سایر صفات او می باشد که در بین آنها ائمه اطهار علیهم السلام اعظم آیات الهی هستند، چون مظهر تام و اتم جمیع صفات کمال و جمال حق هستند بطور کلی معنا این است که کسانی که قلوب آنها سیاه شده و قساوت گرفته باشد این انذارها و تذکرات و مشاهدات و اقامه برهانهای عقلی و نقلی در آنها تأثیر نمی کند و ایمان نمی آورند و خلاصه اینکه این ادله و براهین آنها را بی نیاز نمی کند و ایمان نمی آورند.

السلام علینا و علی عیالنا و علی الصالحین

«سلام بر ما و بر یارانمان شایسته خدا»

الصالحین:

کلمه صالحین از ماده «صلح» گرفته شده است یعنی سازش، شایسته و خوب. صالح که مفرد صالحین است نیز به معنای فرد و شخص شایسته و خوب که در آن فساد نیست معنا می شود.

بطور کلی صلح یا در عمل است یا در نفس به این معنا که عمل خود را به صلح در آورده و یا نفس را در اثر ترکیب آن به صلح بکشاند، اگر صلح در عمل را در نظر بگیریم معنای آن این است که هر عمل صالحی که مطابق با عدل و انصاف و مورد رضای حق باشد، و اگر صلح در نفس را در نظر بگیریم به معنای این است که نفس را از آلودگی رها کردن و به خوبی و شایسته شدن در آوردن می باشد.

در هر دو صورت یعنی چه صلح در «عمل» یا در «نفس» باید توأم با ایمان باشد لذا در قرآن هر کجا می فرماید: **عملوا الصالحات** یا کلمه **ایمان (امنوا)** ذکر شده است.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۱۴۱

به این معنا که عملی صالح با ایمان پذیرفته می شود نه اینکه بدون ایمان باشد و مورد قبول حق قرار بگیرد، چون عملی صالح بدون ایمان نیز ایجاد می شود. پس با در نظر گرفتن ایمان، هر کار شایسته و صالحی که مطابق با موازین عدل و انصاف باشد مورد رضای خدا ایتعالی قرار می گیرد.

اما صالح در نفس، اصلاً بدون ایمان تصور ندارد چون اول باید ایمان آورده باشد تا بتواند نفس را تربیت کند و در واقع صالح نفس مقصد برای عملی شایسته و ایمان می باشد و واضحتر بگوییم: ایمان آورده که به صالح نفس برسد چنانکه قرآن می فرماید:

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ (۱۱)

یعنی: و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، آنها را در زمره صالحان وارد خواهیم کرد

پس با توجه به این مطالب اصلاً صالح نفسی بدون ایمان متصور نیست و امکان پذیر هم نمی باشد. لذا در مرتبه اول باید ایمان آورد و سپس مشغول اعمال شایسته مثل افعال و تکالیفی که از طریق وحی به عنوان وظیفه و فریضه برای بنادگان فرستاده شده است، شد تا به نتیجه و مقام صالحین در آمد. لذا در این عبارت حضرت بقیه الله روحی له الفداء می فرمایند:

عباد الله الصالحین

اول عباد بودن را فرموده اند سپس صالحین را.

بهر حال در این عبارت قبل از زیارت آن حضرت بر خودشان و بر عباد صالح

۴۲..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

سلام نموده‌اند و فرموده‌اند السلام علينا و علی عباد الله الصالحین
چنانکه جدّ امجدشان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در شب
معراج که نماز خواندند در سلام نماز گفتند:

السلام علينا و علی عباد الله الصالحین

خلاصه اینکه سلام آن حضرت یک نوع دعا و طلب رحمت از خدای تعالی
می‌باشد سلام آن حضرت هم بصورت انشاء می‌تواند باشد یعنی از خداوند
طلب کنند و یا بصورت خبر باشد یعنی اینکه مقام سلام بر بندگان صالح
خدا رسیده است. و اینکه عباد صالح را در ردیف خود ذکر کرده‌اند اشاره به
مقام و منزلت والای عباد صالح خدا دارد.

و از این عبارت و عبارتهای قبلی چنین بر می‌آید که عباد الله الصالحین "
افرادی هستند که در "امر" خدا تعقل و فکر نموده و مطیع و منقاد اولیاء خدا
می‌باشند لذا مورد محبت آن حضرت واقع شده‌اند که به آنها سلام
فرستاده‌اند.

اذا اردتم التوجه بنالی الله و الینا

«هرگاه خواستید بوسیله ما به پروردگار توجه پیدا کنید و به ما متوجه شوید»
توجه - بمعنای اقبال و روی آوردن می باشد

توجه به سوی پروردگار باید با قلبی مطمئن و مملو از ایمان به حقائق باشد و اگر قلبی ناقص الایمان باشد نمی تواند توجه کامل و تام به سوی خداوند داشته باشد و نمی تواند در مقام رسیدن به قرب حق و در اخذ و قضاء حوائج موفق شود.

لذا آن حضرت در این زیارت تمام وسائل و مسائلی که باید یک فرد مسلمان به آنها اعتقاد راسخ داشته باشد ذکر می کنند و ایمان وی را کامل گردانیده و به سر حدّ اعلاّی آن می رسانند در این صورت است که یک فرد مسلمان می تواند توجه حقیقی و ارتباط روحی با خدای خود برقرار کند.

نکته دیگر که از این عبارت فهمیده می شود این است که توجه به خداوند باید از راه و روشی باشد که پروردگار خود برای مخلوقات ترسیم نموده است چنانکه در زیارت جامعه می خوانیم.

من الراد الله بدارکم و من وحده قبل عنکم و من قصده توجهکم بکم
 یعنی: هر کسی اراده خدا القضاستی و الشقیاتی بخدا در دل یافت به پیروزی شما
 یافت و هر کسی خدا را بیگانگی شماخت بتعلیم شما پذیرفت و هر کسی خدا
 را طلب کرد با توجه شما بوده لذا آن حضرت می فرماید:

إذا ارتحم التوجه بنا إلى الله

یعنی اگر بخوانید توجه به خداوند پیدا کنید «بوسیلته» باید باشد. چون
 حضرتش واسطه تمام فیوضات بین خالق و مخلوق می باشد.

شفاعت

نکته دیگر که از این عبارت فهمیده می شود مسئله شفاعت است به این معنا
 که هرگاه خواریم در خانه خداوند برویم آن حضرت و اهل گرامش را شفیع
 قرار دهیم. شفاعت به معنای واسطه، وسیله و کمک آمده است.

به عبارت دیگر شفاعت همان کمک کردن اولیاء خدا است به اذن
 خدا ایستادی به افرادی که در اثر توجه و توسل پیوند معنوی با خدای خود و
 اولیائش ایجاد می کنند.

و از این جمله امام علی علیه السلام نیز فهمیده می شود که هرگاه خواریم
 به درگاه خداوند بروید باید با شفیع بروید شفیع در دنیا، و شفیع در آخرت
 نیز است و به همین معنا پیامبر اکرم ﷺ اشاره فرموده اند:

يشفع اهل بيتي فيشفعون (۱)

یعنی: و اهل بیت من شفاعت می کنند و شفاعتشان پذیرفته می شود.

فقولوا كما قال الله تعالى سلام على آل يس

همانگونه که خدا این تعالی فرموده بگوئید برای آل یس سلام و درود بنام او اولین فقره از زیارت از اللطف و مدحی نخلصی بر خورده است که ما آن را در سینه موضوع دهیم بررسی و مورد بحث قرار می دهیم. موضوع اول این که آن حضرت فرموده اند:

فقولوا كما قال الله

«بگوئید همانطور که خدا فرموده»

این کلام حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) اثنای آیه ۱۱۳۰ در سوره صافات دارد و این عبارت از زیارت آل یسین یکی از بهترین دلیلهائی است که آیه ۱۱۳۰ «الیسین» نمی باشد بلکه «آل یس» می باشد چنانکه حضرت امام رضا علیه السلام نیز تصریح می کنند که آیه ۱۱۳۰ سوره صافات «آل یس» می باشد المصلی روایت چنین است که «مؤمنان عجماء و مذاهب مختلف را در خراسان گود آورده بودند و در فضائل خاندان پیامبر ﷺ بحثهای مفصلی می نمودند در این بین مؤمنان گفت: سئوالی دارم و آن این است که آیا آیه ای در قرآن در فضیلت آل پیامبر ﷺ و اوصیای او و دشمنان او (آنچه تا بحال گفتیم) وجود

۴۶..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

دارد؟

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: بله، آنوقت آن حضرت رو به علماء کرده و فرمودند: به من بگوئید معنای کلام خدا که در قرآن می فرماید: یس. و القرآن الحکیم. انک لمن المرسلین ^(۱)

چیست؟ و منظور از «یس» کیست؟

گفتند: تردیدی نیست که «یس» اسم پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است و هیچ کس در این موضوع شک ندارد.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام فرمود: خدایتعالی در اینجا به «آل محمد» صلی الله علیه و آله فضیلتی عطا کرده که اخدی جز کسانی که خوب فکر کنند و بیندیشند آن را درک نمی کنند و به گُنه عظمت آن نمی رسند و آن این است که خدایتعالی به هیچ کس در قرآن جز به انبیاء سلام نداده و فقط به انبیای عظام می فرماید: سلام علی نوح فی العالمین ^(۲)

و فرموده سلام علی ابراهیم ^(۳)

سلام علی موسی و هارون ^(۴)

و نگفته سلام علی ال نوح

یا سلام علی ال ابراهیم

یا سلام علی ال موسی و هارون

۱- سورة یاسین آیه ۳ و ۲ و ۱.

۲- سورة صافات آیه ۷۹

۳- سورة صافات آیه ۱۰۹

۴- سورة صافات آیه ۱۲۰

و حال آنکه می بینم فرموده:

سلام علی آل یس

یعنی سلام بر آل محمد ﷺ

مأمون گفت: حال دانستم که نزد معدن علوم نبوت شرح و معنی فضائل آل پیامبر ﷺ هست و او است که می تواند این حقیقت را بیان کند. و در آن مجلس هیچیک از علماء مذاهب دیگر، زبان به اعتراض باز نکردند که این آیه الیاسین می باشد.

و حتی بسیاری از علمای اهل سنت در تفسیر خود به این مطلب اشاره کرده اند که آیه شریفه «ال یس» می باشد که همان «آل محمد» ﷺ هستند مانند ابن حجر عسقلانی و فخر رازی و غیره و همچنین چهار نفر از قراء آیه را «آل یس» خوانده اند.

خلاصه این که جمله «قولو کما قال الله» دلیل بسیار متقن و محکمی می باشد که آیه شریفه سوره صافات «آل یس» است نه «الیاسین».

سلام

موضوع دوم که در این فقره از زیارت مورد بحث قرار می گیرد معنای سلام است.

سلام جمله اسمیه می باشد و برای آن معانی متعددی ذکر شده است بعضی گفته اند «سلام» یعنی خداوند شما را از جمیع بلیات و آفات جسمی و روحی در سلامت دارد و بعضی گفته اند «سلام» اسمی از اسماء خداوند است و خاصیت آن این است که بنده را پاک و مطهر می گرداند یعنی چنانکه خداوند «سلام» است و هیچ نقصان و پلیدی و جهل در او متصور نیست،

۴۸ تفسیر و شرح زیارات آل یاسین

شماره را نیز متصنف به سلام می گردانند.

و بعضی گفته اند: سلام یعنی از جانب من الزهر جهت (جوارج و قلب) سلام است از فضیل بن عباس نقل شده که می گویند: حضرت رسول ص فرمودند: ای فضیل! آیا تفسیر «سلام علیکم» را می دانی، هنگامی که شخصی به دیگری بگوید: «السلام علیکم» و رحمة الله؟

سپس فرمودند: یعنی بگو من است پیمان و عهد خداوندی که تو را اخیت نکند و سختی را به ضرر و زیان عیب نسیم و خود استلار بلدی و بیچارگی و ذلت تو نباشد و زمانی که جواب سلامت را بدهد به «علیکم السلام» و رحمة الله و بركاتی»

همان گفتار را معتاداً بلا نسبت به تو می رسانند و خداوند رحمان و رحیم بر آنچه می گویند شاهد و ناظر است (۱)

خلاصه کلام این که «سلام» یعنی درود فرستادن و تحیت فرستادن، و در اینجا به این معنا است که: حفظ خداوند بر شما باشد ای فرزندان پیامبر، در آنچه خداوند شماره را به آن اهل علم و لطیف فرموده از طهارت و نظافت و نوازش و از هر عیب و نقصان در ظاهر و باطن.

«آل یس»

موضوع سوم که در اینجا مورد بحث قرار می گیرد این است که روایات متعددی وارد شده است که منقول از «آل یس» همان «آل محمد ص» می باشد چنانکه حضرت امام جعفر صادق ع از حضرت امیر المؤمنین ع نقل می

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۴۹

نقل نموده‌اند که درباره‌ی آیه شریفه «سلام علی ال یس» فرمود:

یس محمد ﷺ و نحن آل یس علیهم السلام

یعنی: یس محمد ﷺ است و ما دودمان و خاندان یس هستیم^(۱).

و کلمه «یس» نامی از نامهای حضرت رسول اکرم ﷺ است و احادیثی از فریقین خاصه و عامه رسیده است از جمله سفیان ثوری به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد:

ای فرزند رسول خدا ﷺ معنای کلام خداوند عزوجل که می فرماید «یس» چیست؟

حضرت فرمودند «یس» نامی است از نامهای پیامبر ﷺ و معنایش «ای شنوده وحی» است

و منظور «ال یس» ال محمد ﷺ می باشد^(۲).

عنایت ظریفی در ابتداء این زیارتنامه بکار رفته و آن این است که «زائر» در ابتداء زیارت با جمله «سلام علی ال یس» سلام و درود می فرستد که از آن چند حقیقت استفاده می شود اول این که آن حضرت فرزند پیامبر هستند، دوم این که این سلام اشاره به آیه شریفه‌ای دارد که خداوند بر فرزندان پیامبر ﷺ سلام فرستاده: سلام علی آل یس سوّم این که در ابتدا این زیارت از سلام بر فرزندان پیامبر اعم از معصوم و غیر معصوم شده است که سلام عام نامیده می شود و سپس متوجه امام عصر علیه السلام شده که به آن سلام خاص گفته

۱- تفسیر برهان جلد ۴ صفحه ۳۳

۲- معانی الأخبار صفحه ۲۲

۵۰..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

میشود.

که این خود یک نوع اظهار ادب و احترام و محبت به پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و تمامی فرزندان آن حضرت می باشد.

السلام علیک یا داعی الله وربانی آیاته

«سلام و درود بر شما ای دعوت کننده به سوی خداوند»

در این فراز از زیارت اولین سلام خطاب به آن حضرت است که در آن به دو صفت از صفات کمال آن حضرت یاد شده است ۱- داعی الله، ۲- ربانی آیاته.

داعی الله - داعی یعنی طلب کننده، درخواست کننده، و دعوت کننده این جمله اشاره دارد به اینکه آن حضرت همانند ابا معصومش علیه السلام خلق را به سوی ایمان و شناخت پروردگار و رسیدن به کمال و قرب حق دعوت می کنند و چنانکه قرآن از زبان جد بزرگوارش حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید :

قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیرة و انا و من اتبعنی (۱)

«ای پیامبر بگو این راه من است که من و پیروانم با بصیرت کامل همه مردم را بسوی خداوند دعوت می کنم».

حضرت امام محمد باقر علیه السلام ذیل این آیه شریفه می فرمایند :

مقصود از «ادعوا الی الله» رسول خدا صلی الله علیه و آله امیر المومنین علیه السلام و اوصیائش علیهم السلام

۵۲ تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

از فرزندانش می باشند (۱)

و همچنین در تفسیر آیه ممن دعا الی الله (۲)

در تفسیر جوامع الجامع آمده است : من دعا الی الله هو رسول الله و الائمة
الدعاة الی الحق و القائمون مقامه (۳)

یعنی : دعوت کننده بسوی خدا رسول اکرم ﷺ و ائمه هدی علیهم السلام هستند که
قائم مقام اویند و مردم را به سوی حق دعوت می کنند

لذا آن حضرت با وجود اینکه در پس پرده غیبت بسر می برند «داعی الله»
می باشند و خلق را به وسایل گوناگون به سوی حق دعوت می کنند و حافظ
دین می باشند و این منصب از زمانی که پدر بزرگوارشان به شهادت رسیدند
تا زمان ما و تا زمانی که اراده خداوند به حیات و زندگی آن حضرت تعلق
گرفته، حضرتش صاحب مقام «داعی الله» هستند و در زمان ظهور آن
حضرت این صفت بر مردم آشکار می گردد

پر واضح است که این صفت به نحو اتم و اکمل مخصوص آن جناب می
باشد که خلق را به سوی معرفت و طاعت و عبادت و کیفیت آنها دعوت
می کنند چون فقط آن وجود مقدس است که ولایت تکوینی و تشریحی
داشته و دارای قدرت و علم الهی نیز هستند تا جائی که تمام اهل عالم را
«داعی» خواهند شد به دین واقعی که پس از آن غیر از اسلام دین دیگری

۱- تفسیر صافی جلد ۳ صفحه ۵۳

۲- سوره فصلت - آیه ۳۳

۳- تفسیر جوامع الجامع جلد ۲ صفحه ۴۸۲

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۵۳

نخواهد ماند چنانکه در تفسیر آیه شریفه و الله متم نوره و لو کره المشرکون^(۱) وارد شده است .

ربانی آیاته

برای واضح شدن معنای این جمله که در بر دارنده صفت کمالیه دیگری از آن حضرت است دو کلمه « ربانی » و « آیاته » را مورد بررسی قرار می دهیم « ربّ » یعنی تربیت کننده و پرورش دهنده و همچنین به معنای رئیس و مالک و رفیق و مربی آمده است ، این کلمه بطور مطلق جز به خداوند به فرد دیگری گفته نمی شود و در غیر خدا همراه باقیدی آورده می شود مثل رب الدار یا رب الارض

یعنی: صاحب خانه و پرورش دهنده زمین

و در این عبارت از زیارت « ربانی » با قید « آیاته » آورده شده یعنی آن وجود مقدس پرورش دهنده و تربیت کننده تمام موجودات و مخلوقات خداوند عالم است چنانکه در ذیل آیه ۶۹ سوره مبارکه زمر: و اشرق الارض بنور ربها

چنین روایت شده است که: رب الارض امام الارض^(۲)

یعنی: رب زمین امام زمین است و مفاد آیه مبارکه چنین می شود: زمین به نور

امام علیه السلام منور می شود

آیاته

۱- سوره صف آیه ۸.

۲- تفسیر صافی جلد ۳ صفحه ۳۳۱

۵۴ تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

در اینجا آیات به ضمیر «الله» اضافه شده است و در کتب لغت آیات که مفردش «آیه» است معنا کرده اند به علامت و نشانه.

و در مورد پروردگار تمام موجودات و خلق عالم علامت و نشانه اویند و حضرت بقیة الله ارواحنا فداء پرورش دهنده و تربیت کننده تمام آیات خداوند هستند و تا حتی آسمان و کرات آسمانی که از آیات بزرگ الهی هستند بوجود حضرت بقیة الله (ارواحنا فداء) ثبات دارند و در مدار تعیین شده خود در حال حرکتند چنانکه در شأن آن حضرت در دعای عدیله می خوانیم:

بیمنه رزق الوری و بوجوده ثبتت الارض و السماء (۱)

یعنی: به برکت و یمن حضرتش تمام موجودات رزق داده می شوند و به وجود مبارکش زمین و آسمانها ثبات دارند.

لذا معنای «ربانی آیاته» چنین می شود که حضرت امام عصر علیه السلام پرورش و تربیت کننده تمام موجودات و مخلوقات پروردگار عالم است.

السلام علیک یا باب الله و دیان دینه

«درود و سلام بر شما ای درگاه (لطف و رحمت) خدا و حافظ و حاکم بر دین
او»

باب الله

برای رسیدن به قرب حق باید از راهی و دربی که خدایتعالی تعیین کرده
است رفت چنانکه قرآن می فرماید:
و اتوا البيوت من ابوابها (۱)

یعنی وارد شوید در خانه ها از درهای آنها

در ذیل این آیه شریفه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل شده است که
فرمود: ما ابواب خداوند و طریق رسیدن به او و دا عیان بسوی بهشت خدا
می باشیم. و به همین جهت است که کرارا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

انا مدينة العلم و علی بابها و لایوتی المدينة الا من بابها

یعنی: من شهر علم هستم و علی درب آن شهر است و هیچ کس وارد شهر
نمیشود مگر از درب آن

انا مدينة الحکمة و علی بابها و من اراد الحکمة فلیأتها من بابها
یعنی: من شهر حکمت هستم و علی درب آنست و هرکس حکمت می
خواهد از درب آن وارد شود

و بهمین دلیل که ائمه علیهم السلام باب الله هستند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حضرت امیر
المومنین علیه السلام فرمود: مثل تو در امت من مثل «باب حطه» است در بنی
اسرائیل، که هرکس از آن «باب» داخل شد بنحوی که بنی اسرائیل به آن
مأمور شده بودند نجات یافت و هرکس تخلف کرد گمراه شد و هرکس
داخل در «ولایت تو» شد داخل «باب» شده چنانکه خداوند امر فرموده و
حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند .

نحن باب حطکم

یعنی: ما به منزله «باب حطه» برای شما هستیم
گویند «باب حطه» در بی بوده برقبه‌ای که در آن نماز می خواندند و یا یکی از
در بهای هشتگانه بیت المقدس بوده که بنی اسرائیل امر شدند از آن «باب»
در حالت رکوع وارد شوند و هنگامی که به «درب» رسیدند دیدند «درب»
بلند و بزرگ است و داخل شدن در آن بدون خم شدن و به رکوع رفتن میسر
است. گفتند: ما گمان می کردیم درب کوتاه است که بدون خم شدن و به
رکوع رفتن در آن نمی شود داخل شد چقدر (حضرت موسی علیه السلام و یوشع
علیه السلام) ما را مسخره می کنند و امر به رکوع و سجود بی جابه ما می کنند، لذا
پشت به «درب» کردند و بجای لفظ «حطه» (که به معنای ریختن گناهان
است) از روی مسخره گفتند «حنطه» (یعنی گندم) و آن «درب» را رها کردن
و مشغول مسخره کردن شدند.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۵۷

به این جهت است که حضرت علی علیه السلام می فرمایند: منم «باب حطة» یعنی خود را تشبیه به «باب حطه» میکنند که مردم امر شده اند از آن وارد شوند. حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرمایند: جانشینان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همان «ابواب الله» هستند که از طریق آنها می توان به حق رسید، اگر آنها نبودند هر آینه خدایتعالی شناخته نمی شد خدا به وسیله آنان بر بندگانش احتجاج نموده است^(۱) و در دعای ندبه با همین صفت حضرت بقیه الله ارواحنا فداء رامی خوانیم:

این باب الله الذی منه یؤتی

«کجاست آن «باب الله» که از طریق او می توان به خدا رسید»

خلاصه اینکه حضرت بقیه الله (عج) «باب الله» هستند که هرگز مسدود نخواهد شد و اگر راهی به سوی آن «باب» نداریم به جهت این است که دریچه قلب ما به وسیله رذائل مسدود شده است که آن «باب الهی» را مسدود می بینیم و آلا آن درب تا ابد باز خواهد بود برای افرادی که دنبال سعادت و خوشبختی هستند، برای افرادی که می خواهند به خداوند برسند و از نعمتهای بی نهایت او بهرمنند شوند و از جمیع آفات و هولها و خوفها و لغزشها ایمن و نجات یابند، من دخره کان امنا و این امر اختصاص به آن حضرت و اباء گرامش دارد یعنی راه خدا فقط آن بزرگان هستند لذا در زیارت جامعه می خوانیم و الباب المبتلی به الناس.

یعنی: بابی که مردم باید از آن طریق آزمایش شوند و به خدا برسند.

دیّان دینه

دیّان به معنای یاری دهنده و حمایت کننده و حاکم آمده است یعنی حضرت امام عصر علیه السلام یاری دهنده و حمایت کننده و حاکم بر دین خداوند است.

و به خوبی روشن است که یکی از وظایف آن امام همام حمایت از دین خدا و هدایت خلق به سوی صراط مستقیم دین می باشد.

در کتاب مجمع البحرین می نویسد: دیّان از اسماء خداوند متعال است و به معنای حاکم و قاضی نیز آمده است.

و در وصف حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز گفته شده است:

یا سید الناس و دیّان العرب (۱)

یعنی: ای آقای مردم و حاکم عرب

و در روایتی در شأن حضرت امیر المؤمنین چنین آمده است:

کان علی علیه السلام دیّان هذه الأمة (۲)

یعنی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دیّان و حاکم این امت بود

از مطالبی که راجع به «دیّان» ذکر شد چنین بدست می آید که امر رسالت به

امام زمان علیه السلام تفویض شده و برای برقراری دین الهی مأموریت یافته و حاکم

بر دین خداوند قرار گرفته اند.

۱- مجمع البحرین جلد ۶ صفحه ۲۵۳

۲- مجمع البحرین جلد ۶ صفحه ۲۵۳

السلام علیک یا خلیفة الله و ناصر حقه

«سلام بر تو ای خلیفه و جانشین خدا و یاور حق او»

خلیفة الله

خلیفه یعنی جانشین و قائم مقام، به این معنا که حضرت بقیة الله ارواحنا فداء جانشین و قائم مقام خداوند هستند لذا تمام صفات کمال و جلال پروردگار آنقدر که صرف وجودشان پذیرا باشد خداوند به جانشین خود عطا فرموده است لذا اراده او اراده خداوند است و خواست و مشیت او خواست و مشیت پروردگار است چنانکه احتمال هیچ انحرافی در آن وجود مقدس متصور نیست و یک پارچه نور محض می باشند و هیچ فرقی با خدای خود ندارند جز اینکه مخلوق اویند چنانکه در دعای ماه رجب می خوانیم:

لا فرق بینک و بینها (بینهم) الا انهم عبادک و خلقک

یعنی: (خداوندا) هیچ فرقی بین تو و بین آنها نیست مگر اینکه آنها بندگان و مخلوق تواند

با این بیان که آن حضرت «خلیفة الله» هستند در تمام امور دو عالم باذن خداوند قدرت تصرف دارند و این معنا از جمله «خلیفة الله» که در این زیارت

۶۰..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

آمده است استفاده می شود چون خلیفه بودن آن حضرت در این زیارت به چیزی مقید نشده است لذا خلافت کلیه و ولایت کلیه آن حضرت را می رساند و اگر در بعضی از عبارات روایات و زیارات خلافت آن حضرت مقید آورده شده مثل اینکه خلیفه الله فی ارضه ، خلافت و ولایت در زمین منظور است که در حقیقت این جزئی از آن خلافت کلیه است.

مثلا در قرآن آمده است:

انا جعلناک خلیفه فی الارض

یعنی: ما تو را خلیفه (و نماینده خود) در زمین قرار دادیم (۱)

که در بسیاری از تفاسیر نقل شده است این آیه شریفه درباره حضرت مهدی موعود علیه السلام نازل شده است.

و یا در جای دیگر قرآن می فرماید:

امن یجیب المضطر اذا دعاه و یكشف السوء و یجعلکم خلفاء الارض

یعنی: کسی که دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد، شما را خلیفه های زمین قرار می دهد (۲).

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت شده که می فرمود این آیه درباره قائم آل محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است، بخدا قسم «مضطر» اوست که دو رکعت نماز در مقام حضرت ابراهیم علیه السلام بگذارد و خدا را بخواند، پروردگار نیز اجابت کند و گرفتاری او را برطرف سازد و حضرتش را در زمین خلیفه خود

۱- سوره ص - آیه ۲۶

۲- سوره نمل - آیه ۶۲.

گرداند (۱)

خلاصه اینکه در مواردی که خلیفه بودن آن حضرت همراه قید آورده شود جزئی از خلافت کلیّه را بیان می کند و در این عبارت زیارت «خلیفه الله» به چیزی مقید نشده است و اطلاق دارد که این معنا را در بر دارد که آن حضرت خلیفه پروردگار در تمام عالم هستی می باشند و چون خلیفه و جانشین خدا هستند خداوند نیز قدرت خود را تا حدّ امکان به وی عطا فرموده لذا قدرت تصرف در تمام مخلوقات عالم را دارند.

ناصر حقه

ناصر یعنی یاور و یاری دهنده

حق از نظر لغت به معنای مطابقت و موافقت آمده است و به معنای امر ثابت که انکار آن روا نباشد، ضد باطل، صدق و وجود ثابت نیز آمده است (۲) و همچنین به معنای راست و درست و ضد کاذب گفته اند (۳) و در این فقره از زیارت کلمه «حق» به ضمیر الله اضافه شده است یعنی هر چیزی که منصوب به خداوند است حق است.

لذا حضرت ولی عصر (روحی له فداء) مأموریت دارند که دین خدا را که حق است یاری کنند و احیا نمایند و به همین معنا حضرت امام محمد باقر آیه

۳۵ سوره یونس را تفسیر کردند: من یمهدی الی الحق

فرمودند: منظور از این آیه شریفه حضرت محمد ﷺ و بعد از او آل او

۱- بحار الانوار جلد ۵۱ صفحه ۴۸.

۲- قاموس جلد ۲ صفحه ۱۵۸

۳- فرهنگ نوین صفحه ۱۵۸

۶۲..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

ﷺ می باشند. (۱) و به این جهت است که خداوند به وسیله حضرتش «حق» را یاری می فرماید، لذا ۱۲۴ هزار پیامبر الهی انتظار ظهور موفورالسرور آن حضرت را می کشند تا حضرتش دین آنان را یاری نماید و آن خواست و انگیزه بعثت انبیاء محقق شود. و خداوند نیز وعده فرموده که آرزوی تمامی انبیاء را جامه عمل خواهد پوشاند چنانکه می فرماید:

وكان حقاً علينا نصر المؤمنين

یعنی: یاری مؤمنان، همواره حقی است بر عهده ما (۲)

و در آیه دیگر می فرماید: لیظهره علی الدین کلّه (۳)

«خداوند (دین پیامبر ﷺ را) بر همه ادیان عالم تسلط و برتری می دهد» طبق روایات و تفاسیر بوسیله وجود مقدس امام عصر عجل الله فرجه تمام ادیان باطل و انحرافی را از بین می برد و به دین حق ظفر و پیروزی عطا می کند.

۱- تفسیر صافی جلد ۲ صفحه ۴۰۲.

۲- سوره روم - آیه ۴۷.

۳- سوره توبه - آیه ۳۳

السلام علیک یا حجة الله و دلیل ارادته

«سلام بر تو ای حجت خدا بر خلق عالم و راهنمای بندگان بمقاصد الهی»
حجة الله

حجت یعنی برهان و دلیل که مقصود را روشن کند. حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) برهان و دلیلی است که انسان را به خداوند می رساند، اوست که می تواند امر توحید و معارف الهیه را حفظ نموده و به اهلش برساند اگر حجت بر روی زمین نباشد حق نابود می گردد لذا از اول آفرینش تا پایان آن اگر حجت بر روی زمین نباشد حق نابود می گردد لذا از اول آفرینش تا پایان آن زمین بدون حجّت باقی نبوده و نخواهد بود چنانکه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

زمین پابرجا نماند مگر آنکه برای خدا در آن حجتی باشد که حلال و حرام را به مردم بفهماند و مردم را براه خدا دعوت کند.

و در قرآن نیز آن حضرت و اباء معصومش به «حجت» یاد شده اند آنجا که می فرماید:

قل لله الحجة البالغة (۱)

یعنی: بگو برای مردم از آن خداوند است حجت رسا و قاطع.

حضرت امام محمد باقر علیه السلام ذیل این آیه شریفه می فرماید:

ما حجت تمام و رسائیم بر هر که در پایین آسمان و هر که در بالای زمین است. (یعنی تمام مخلوقات)

و «حجت» بودن آن حضرت اختصاص به این دنیا و آخرت ندارد بلکه در تمام عوالم و جود «حجت خداوند» می باشند چنانکه در زیارت جامعه وارد شده است:

وحجج الله على اهل الدنيا والاخرة والاولى

یعنی: ائمه معصومین حجت‌های خداوند هستند بر اهل دنیا و آخرت «والاولی» یعنی و اول خلقت که شامل تمام جهان هستی و عوالم و جود می شود. به این معنا که آن حضرت و اباء کرامشان علیهم السلام از روز «الست» حجت‌های الهی بودند و تا انقضاء خلق خواهند بود
دلیل ارادته

دلیل به معنای گواه، شاهد و برهان و مرشد آمده است

یعنی امام زمان علیه السلام راهنمای خلق به سوی اراده پروردگار می باشد در اینجا یکی از معانی بسیار وسیع و عرفانی نهفته است که باید به آن دقت بیشتری شود، حقیقتاً چه معنای بسیار وسیعی در جمله «دلیل ارادته» نهفته است که حضرتش دلیل و عنوان برای اراده پروردگار قرار گرفته است برای واضح شدن بیشتر معنای این جمله از زیارت رجوع به کلمات خودشان که نشأت

گرفته از وحی الهی می باشد می رویم

حضرت امام علی الهادی علیه السلام می فرمایند:

خداوند دل‌های ائمه علیهم السلام را محل ورود «اراده خود» قرار داده است هرگاه

خداوند چیزی بخواهد آنان می خواهند چنانکه می فرماید:

ما تشائون الا ان یشاء الله

«شما نمی خواهید مگر آن که خداوند بخواهد»^(۱)

و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

ان الامام و کثر لارادة الله عزوجل^(۲)

«بدرستی که امام علیه السلام محل و آشیانه اراده پروردگار است».

و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام

فرمودند: ارادة الرب في مقادير أموره تهبط إليكم و تصدر من بيوتكم

یعنی: اراده پروردگار در امور مقدرش به سوی شما خاندان فرود می آید و از

خانه های شما صادر می شود.^(۳)

و در کتاب «روائح النسمات» آورده که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

نحن مشية الله

با توجه به روایت و کلمات دربار ائمه اطهار علیهم السلام قدری معنای «دلیل ارادته»

روشن می شود که آن حضرت دلیل و راهنمای اراده پروردگار است یعنی

هرگاه خواستید از اراده خدا و علم خدا اطلاع پیدا کنید به امام علیه السلام رجوع

کنید چون اوست دلیل و راهنمای اراده خدا

۱- بحار الانوار جلد ۲۵ صفحه ۳۷۲

۲- بحار الانوار جلد ۲۵ صفحه ۳۸۵

۳- مفاتیح الجنان صفحه ۱۷۳

السلام علیک یا تالی کتاب الله و ترجمانه

«سلام بر تو ای خواننده قرآن و ترجمان کتاب خدا»

تالی کتاب الله

تالی از قرائت و خواندن گرفته شده است یعنی آن حضرت تلاوت کننده قرآن کما هو حقّه می باشد به این معنا که آن جناب چنانکه حامل قرآن می باشند بیان کننده حقائق و تلاوت کننده آن، آنچنان که بر پیامبر اکرم نازل شده بود هستند. مثلاً یکی از موارد اختلاف موجود در مفسرین اختلاف در قرائت از جهت کلمه و اعراب و تقدم و تأخر می باشد.

و این قرآنی که در دست ما می باشد از جهت بعضی از کلمات و اعرابها و تقدم و تأخر مورد اختلاف مفسرین و قراء می باشد که باعث احناء بعضی از حقایق قرآن گردیده البته این امر به این معنا نیست که قرآن تحریف گردیده و از حجیت ساقط شده است. چون به طور کلی تحریف بر سه گونه است تحریف به اضافه، تحریف به نقیصه و تحریف به اعراب که تحریف به اضافه و نقیصه موجب سقوط از حجیت می گردد که یقیناً چنین تحریفی در قرآن صورت نگرفته است ولی هیچ یک از مفسرین نمی توانند منکر به تحریف

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۶۷

با عراب شوند یعنی بعضی از کلمات قرآن را از جهت ترکیب اعرابی ، به انواع مختلف خوانده اند و حضرت بقیه الله (روحی له الفداء) تنها کسی هستند که تالی و قرائت کننده قرآن آنچنانکه بررسول اکرم ﷺ نازل شده است هستند. هرگاه نوای کتاب صامت از دلب مبارک کتاب ناطق صادر شود چنان به دل‌های مرده حیات می بخشد و قلوب آنان را تسخیر می کند که از خود بیخود شده و به عالم ملکوت منتقل می شوند چنانکه علی بن محمد نوفلی می گوید : خدمت حضرت امام موسی بن جعفر «ع» بودم که کلام از قرآن خواندن حضرت امام علی السجاد علیه السلام به میان آمد آن حضرت فرمود : امام سجاد علیه السلام چنان قرآن را تلاوت می کرد که افرادی که در حال عبور بودند تاب راه رفتن را از دست می دادند و هوش از سرشان می رفت . سپس فرمود : اگر امام از این امر (قرائت و تلاوت قرآن) چیزی اظهار نماید مردم به خاطر حسن و خوبی و (توجه معنوی) تاب تحملش را ندارند . عرض کردم مگر رسول خدا (ص) صدای خود را در نماز به خواندن قرآن بلند نمی کرد ؟

فرمود : آن حضرت به مقدار تاب و توان جمعی که پشت سرش بودند رفتار می نمود (۱)

و همچنین از سید بحر العلوم رحمته الله نقل شده که مجذوب قرآن خواندن حضرت بقیه الله (ارواحنا فدا) می گردد .

عالم ربانی زین العابدین سلماسی می گوید: روزی جناب سید بحر العلوم رحمته الله

وارد حرم امیر المؤمنین علیه السلام شد به این بیت شعر ترنم می گرد.

چه خوش است صوت قرآن زتودلرباشنیدن

پس، از سید بحر العلوم رحمته الله سؤال کردم از سبب خواندن این بیت شعر فرمود: چون وارد حرم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام شدم دیدم حضرت حجت (ارواحنا فداه) در بالای سر تلاوت قرآن می فرمود به آواز بلند چون صدای آن بزرگوار را شنیدم آن بیت را خواندم چون وارد حرم شدم قرائت را ترک نمود و از حرم بیرون رفتند ^(۱)

و معنای دیگر که برای «تالی کتاب الله» می توان تصور نمود این است که آن حضرت پشت سر و همراه قرآن کریم است و این معنا مطابق آن روایتی است که به طرق متعدده از طریق خاصه و عامه نقل شده است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

انی تارک فیکم ثقلین کتاب الله و عترتی کل واحد منهما ملازم لصاحبه غیر مفارق له حتی یرد الی الله فیحکم بینهما و بین العباد

یعنی: من دو ثقل (قرآن و عترتم) را در بین شما گذاشتم و هر یک از این دو قرآن و عترت ملازم یکدیگر می باشد و هرگز از هم جدا نمی شوند تا بر خداوند وارد شوند آنگاه او میان آنها و بندگانش حکم نماید. ^(۲)

با این بیان و تصریح حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله باید قرآنی را قبول داشت که تالش و پشت سرش عترت و اهل بیت او صلی الله علیه و آله باشند.

۱- امام زمان و سید بحر العلوم صفحه ۱۷۹

۲- بشارة المصطفی صفحه ۳۰

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۶۹

لذا در این فقره از زیارت، اقرار و اعتراف به این معنا و مضمون است که شما (امام زمان) تالی و همرا قرانید که جدتان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله به تمسک به آن امر فرموده است.

و ترجمانه

- در لغت «ترجمان» به معنای این است که کسی دوزبان یا چند زبان بداند و زبانی را به زبان دیگر ترجمه نماید و همچنین ترجمان به معنای مفسر و توضیح دهنده آمده است که موضوعی را با بیان رساتری بیان کند و حقیقت را آشکار نماید

در این زیارت آن حضرت را «ترجمان کتاب خدا» می خوانیم چون فقط اوست که می تواند حقایق قرآن را بیان کند و به خلق برساند. و غیر از حضرتش و اباء معصومش علیهم السلام هیچ کسی نمی تواند قرآن را تفسیر کند لذا تفسیر منحصر می شود به معلمان قران که اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله می باشند حضرت امام محمد باقر علیه السلام در شرح حدیث ثقلین می فرمایند:

کتاب خدا پیوسته با دلیلی از (کلام و علم ما) همراه است^(۱)

و در روایت دیگری می فرماید:

بر مردم لازم است قران را آن گونه که نازل شده است بخوانند و چون به تفسیر آن نیاز پیدا کردند، به سوی ما (اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله) آیند و از ما هدایت و راهنمایی جویند^(۲)

۱- بحار الانوار جلد ۲ صفحه ۱۴

۲- تفسیر فرات کوفی صفحه ۹۸

السلام علیک فی آناء لیلک و اطراف نهارک

«سلام بر تو در همه ساعات شب و در همه لحظات و جوانب روزت»
آناء الیل

«آناء الیل» لفظ جمع است و به «ساعات شب» و همچنین به «هنگام» و «اوقات» معنا شده است

اطراف نهار

اطراف جمع «طرف» به معنای «ناحیه» و «جهت» و «کنار هر چیز» و «آخر هر چیز» معنا شده است

این دو جمله در قرآن نیز آمده است آنجا که راجع به تسبیح می فرماید:

.... و من آناء الیل فسبح و أطراف النهار لعلک ترضی (۱)

مرحوم طبرسی در مجمع البیان ذیل این آیه شریفه می فرماید: معنای ظاهری آن این است که مداومت بر تسبیح و تمجید الهی در عموم اوقات داشته باش (۲) در این صورت مرحوم طبرسی «آناء» و «اطراف» را «عموم

۱- سوره طه، آیه ۱۳۰

۲- مجمع البیان جلد ۷ صفحه ۳۶

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... VI

اوقات» تفسیر نموده‌اند، که نهایتاً معنای این فراز از زیارت چنین می‌شود: سلام و درود من که حکایت از ادب و اطاعت و محبت به شما دارد در جمیع اوقات و لحظات شب و روز بر شما باد، یا اینکه بگوئیم در این فراز زائر قید زمان را بر داشته است و به محضر امام زمان علیه السلام عرض می‌کند: لحظه لحظه از شب و روز من منتاد و مطیع و فرمانبردار شمایم و در مقابل هر امری که بفرمائید تسلیم محض هستم لذا سلام من در هر لحظه از زمان بر شما باد نکته دیگری که می‌توان از این سلام و سلامهای دیگر فهمید این است که: «اناء الیل» و «اطراف النهار» دلالت بر زمان دارند به این معنا که زمان بر حضرت می‌گذرد و آن وجود مقدس محکوم به مکان و زمان هستند که نشانه عبودیت و مخلوق بودن آن جناب است و نهایتاً زائر از غلو بر حذر و دور نگاه داشته می‌شود.

السلام عليك يا بقية الله في ارضه

«سلام بر تو ای بقیه الله در زمین خدا»

بقیه الله فی ارضه

در کتب لغت «بقیه» را به معنای بازمانده، پاینده و پابرجا معنا کرده‌اند و علامه جلیل القدر مجلسی رحمته الله راجع به معنای «بقیه الله» چنین می‌فرماید: «بقیه الله» یعنی بقیه و بازمانده خلفای خدا در زمین از انبیاء و اوصیا یا کسانی که خداوند بوسیله آنها بندگان را باقی می‌دارد و مورد رحمت قرار می‌دهد ولی معنای اول ظاهر تر است (۱)

پر واضح است که علامه مجلسی رحمته الله «بقیه الله» را به بازمانده خلفای خدا تفسیر کرده‌اند و این معنا نیز در بعضی از زیارت آن حضرت وارد شده است چنانکه در زیارت چهارم آن حضرت می‌خوانیم:

السلام عليك يا بقية الله من اوليائه و حججة

یعنی: سلام بر شما ای بازمانده از اولیاء خدا و حجج الهی

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۷۳

کلمه «بقیة» که به همین معنا نیز می باشد در سوره ذخرف آمده است آنجا که می فرماید: وجعلنا کلمة باقیه فی عقبه (۱)

این آیه شریفه در شأن حضرت ابراهیم علیه السلام است هنگامی که به پدر و قوم خود گفت من از آنچه می پرستید بیزارم سپس این آیه در شأن آن حضرت وارد شده است، طبق بعضی از تفاسیر «کلمه باقیه» امامت می باشد که خداوند در نسل حضرت ابراهیم علیه السلام قرار داد چنانکه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرمایند:

مراد از «کلمه باقیه» که ابراهیم علیه السلام در میان اعقاب خود گذاشته، امامت است که تا روز قیامت در میان ذریه او باقی خواهد بود.

منظورم از نقل آیه شریفه «کلمه باقیه» این بود که معنای «بقیة» که همان بازمانده است روشن شود

جان کلام اینکه آن حضرت بازمانده همه حجج و اولیاء و اوصیاء و انبیاء الهی می باشند که بعد از حضرتش نه پیامبری و نه وصی دیگری نخواهد آمد و او آخرین حجت الهی است که مأموریت و رسالت جمیع انبیاء و اوصیاء را بشمر می رساند لذا تمامی آن پیامبران و اوصیائشان منتظر روزی هستند که آن حضرت ظهور نماید و نتیجه مأموریتشان که ناتمام مانده است، را به اتمام رساند.

البته تمامی انبیاء و اوصیاء در زمان خودشان «بقیة الله» بوده اند چنانکه راجع به دیگر ائمه معصومین علیهم السلام «بقیة الله» خطاب شده است مثل زیارت جامعه

که می فرماید :

السلام علی الأئمة الدعاء ... وبقية الله

در این زمینه که تمامی ائمه معصومین علیهم السلام «بقية الله» بودند روایات زیادی هست ولی ما بجهت اختصار به نقل یک روایت اکتفا می کنیم .
حضرت امام محمد باقر علیه السلام هنگامی که از سفر شام برمی گشتند ، سفری که به دستور خلیفه مروانی صورت گرفته بود، به نزدیکی شهر مدین رسیدند مردم به خاطر تبلیغات سوئی که علیه آن حضرت شده بود دروازه ها رابسته و مانع از ورود آن حضرت و همراهانشان به شهر شدند ، حتی از فروختن آذوقه به آنان هم خود داری نمودند امام محمد باقر علیه السلام بالای کوهی که مشرف به شهر بود رفته و با صدای بلند فریاد زدند:

یا اهل المدینه الظالم أهلها أنا بقية الله - يقول الله:

بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين (۱)

یعنی: ای اهل شهری که ساکنانش ستم پیشه اند ، هر آینه من بقية الله هستم چنانکه خداوند می فرماید : بقية الله خير است بر شما اگر مؤمن باشید (۲)
ولی چون امام زمان علیه السلام بقية تمام بقية الله ها هستند این جمله در حقیقت نامی از نامهای مبارک آن حضرت گردیده چنانکه ائمه اطهار علیهم السلام که خود «بقية الله» هستند هنگامی که آن حضرت را یاد می کنند با کلمه «بقية الله» یاد می کنند و همچنین وقتی از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال می کنند

۱- سورة هود آیه ۸۶.

۲- اصول کافی جلد ۱ صفحه ۴۷۱

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۷۵

که «بقیة الله» در آیه شریفه - که می فرماید بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین چیست ؟

می فرماید : مقصود مهدی علیه السلام است که در هنگامی که این مهلت پایان پذیرفت ، خواهد آمد و زمین را از عدل پر میکند آنگونه که از ظلم و جور مملو گشته است و از نشانه هایش «غیبت» است (۱)

و یا هنگامی که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سؤال می کنند که آیا می شود به قائم آل محمد علیه السلام به عنوان امیر المؤمنین سلام کرد؟ آن حضرت در جواب می فرماید : نه این اسمی است که خداوند امیر المؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام را به آن نامیده و قبل و بعد از او جز کافر به این نام نامیده نمی شود.

راوی از حضرتش سؤال می کند پس چگونه باید سلام کرد؟

می فرماید : باید گفت السلام علیک یا بقیة الله

آنگاه این آیه را تلاوت نمودند :

بقیة الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین (۲)

فی ارضه

یعنی باقی مانده خداوند در زمین از جمیع انبیاء و اوصیاء حضرت حجة بن الحسن علیه السلام می باشد که زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود و مأموریت و رسالت جمیع انبیاء و اوصیاء را در کره خاکی به اتمام می رساند و اوست یادگار الهی در زمین (روحی له فداه)

۱- بحار الانوار جلد ۹۳ صفحه ۱۱۹

۲- اصول کافی جلد ۱ صفحه ۴۱۱

السلام علیک یا میثاق الله الذی أخذہ و وکده

«سلام بر تو ای میثاق و پیمان الهی که وفای به آن را خداوند از مردم گرفت و بر آن تأکید نمود»

میثاق از ماده «وثق، و وثوق» به معنای اعتماد کردن، محکم و ثابت نمودن، پیمان بستن و استوار نمودن، معاهده و عهد نمودن آمده است

خداوند تبارک و تعالی بر ولایت و اطاعت حضرت بقیة الله روحی له الفداء میثاق گرفته و از بس این میثاق مهم و محکم بوده مثل اینکه خود حضرت میثاق شده‌اند لذا در این عبارت خود امام علیه السلام را میثاق معرفی می کند و می فرماید: یا میثاق الله، ای میثاق خدا

عالم میثاق، عالمی بوده که خداوند ارواح تمام افراد بشر را خلق و آفریده سپس با بدن ذری مرکب نمود و در صلب حضرت آدم علیه السلام مستقر گردانید و سپس برای گرفتن میثاق از صلب وی خارج نمود این عالم را عالم میثاق گویند و در این زمینه آیات و روایات متعددی وارد شده است که صراحتاً حکایت می کنند از این که انسان قبل از خلقت بدن خاکی، خلق شده و در جریان اخذ پیمان الهی حاضر بوده است و نسبت به پروردگار معرفت پیدا کرده و به یگانگی او و نبوت انبیاء و ولایت اعتراف نموده است و در اینجا

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۷۷

نمونه هائی از آیات و روایات را در مورد عالم «ذر» یا عالم «میثاق» ذکر می کنیم

خداوند در سوره اعراف می فرماید:

و اذا اخذ ربك من بنى آدم من ظهورهم ذريتهم و اشهدهم على انفسهم الست بربكم قالوا بلى شهدنا ان تقولوا يوم القيامة انا كنا عن هذا غافلين^(۱) - او تقولوا انما اشرك آباءنا من قبل و كنا ذرية من بعدهم افتهلكنا بما فعل المبطلون^(۲)

یعنی: (به خاطر آور) زمانی که خدای تو از پشت فرزندان آدم ذریه آنها را بر گرفت (و خارج نمود) و آنها را بر خودشان گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند: «بلی» ما بخدائی تو گواهی می دهیم، (چنین کرد که مبادا) که دیگر در روز قیامت بگویند ما از این واقعه غافل بودیم یا آنکه بگویند پدرانمان پیش از ما مشرک بودند و ما هم فرزندان بعد از آنها بودیم (و چاره‌ای جز) پیروی از پدران خود نداشتیم، آیا ما را به آنچه اهل باطل انجام دادند مجازات می کنی؟

با توجه و دقت در این آیات شریفه چند مطلب بخوبی استفاده می شود اول خداوند نسل آدمی را از صلب آدمیان بیرون آورده و میثاق گرفته است.

- و همچنین آیه شریفه دلالت صریح دارد که انسانها (ذریه) را بر خودشان و بر وقوع چنین جریانی (عالم میثاق) گواه گرفته است

- مطلب دیگر اینکه از این آیات استفاده می شود که خداوند متعال بعد از

۱- سوره اعراف آیه ۱۷۲

۲- سوره اعراف آیه ۱۷۳

۷۸..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

انکه ذریهٔ آدم را علم و قدرت و سایر شرایط و مقدمات تکلیف را عطا کرده، از آنها میثاق گرفته است

بر خداوند متعال از «ذریه» بر یک سری تکالیف مثل «ربوبیت» خود میثاق گرفته است لذا در آیات بعدی می فرماید راه عذر و بهانه نمی ماند که در روز قیامت بگویند ما عالم نبودیم و به چنین تکالیفی معرفت نداشتیم و غافل بودیم و همچنین کفار و اهل شرک از بنی آدم عذر نیاوردند که پدران و اجدادشان که مشرک بودند و پیش از «ذریهٔ خود» بودند و اینها نسل چنین پدران و مادران مشرکی بودند که باعث شدند از رویهٔ آنان پیروی کنند، لکن خداوند این راه عذر و بهانه را بسته است و از روی لطف و فضل، خودش را در آن مرحله یعنی اخذ میثاق به آنها شناساند و بر آن میثاق گرفت و آنان علاوه بر اینکه عارف به رب خود شدند و بر آن عرفان پیدا کردند، بر آن پیمان هم بسته اند که مشرک و کافر نشوند

لذا رفاعه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می پرسد که آیا اخذ میثاق از تمامی انسانها گرفته شده است؟

حضرت می فرمایند: آری! خداوند حجت را بر تمام مخلوقاتش کامل نموده، در روزی که اخذ میثاق شده، این چنین (آنگاه حضرت دو دست خود را به هم چسبانید.)^(۱)

خداوند عالم افراد بشر را دو هزار سال قبل از خلقت بدن خاکی حضرت آدم خلق نموده و آنها را در ذراتی شبیه به همین بدن خاکی امروز بشر تعلق داد،

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۷۹

این تعلق ارواح به ذرات به این جهت بوده که اهل این دنیای خاکی شوند و بتوانند در آن وارد شده و همانند گلاس متحمل تکالیفی گردند، لذا بدن خاکی امروز جمیع خصوصیات ساختمانی آن ذرات را دارا می باشد به این معنا که آن ذرات همانند یک «ماکت ساختمانی» برای بدن خاکی امروز بوده که در آن تمام خصوصیات بدنی از قبیل رنگ و پوست و خصوصیات قد و قیافه و قواره آن تعیین و مشخص شده بود

بعد از تعلق «ارواح» به آن ذرات مسئله «میثاق» پیش آمد و از تمام افراد بشر بر حسب تعلیمات و معارفی که در عالم ارواح دیده بودند «میثاق» گرفته شد، درسهایی که در آن عالم گرفته شد، به طور کلی می توان به چند بخش تقسیم کرد اول درسهایی که در ارتباط با ربوبیت پروردگار بوده از قبیل صفات خدا علم و قدرت، وحدانیت، غنی، خالقیت و ... فرا گرفته بودند میثاق گرفته شد.

دوم درسهایی که در ارتباط با انبیاء و بلاخص خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله گرفته بودند از قبیل عصمت، عبودیت، رسالت، کمال و اطاعت از آنها و غیره میثاق گرفته شد

سوم، درسهایی مثل قبح بدیها مثل قبح ظلم و دروغ و سایر صفات زشت داده شد و همچنین حُسن دیگر ارزشها مانند عدالت، و رأفت و صفات حمیده که بعد از تعلیم بر آنها میثاق گرفته شد

چهارم درسهایی که در ارتباط با ولایت ائمه علیهم السلام بوده مانند عصمت، ولایت و اینکه تمام آنها آئینه تمام نمای الهی هستند و عقل کل بوده و احاطه بر همه چیز دارند که اولشان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و صدیقه طاهره

۸۰..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

فاطمه (سلام الله علیها) بوده و آخرشان حضرت قائم ال محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عهد و میثاق گرفته شد.

چنانکه حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

میثاقی که از خلق گرفته شد بر ربوبیت پروردگار و نبوت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و امامت ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام بوده و خداوند در آن عالم میثاق و (ذُر) فرموده:

آیا من پروردگار شما نیستم؟

آیا محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیامبر شما نیست؟

آیا علی عَلَيْهِ السَّلَام امام شما نیست؟

آیا امامان هدایت گرانمایان شما نیستند؟^(۱)

و از دیگر آیاتی که دلالت بر عالم میثاق (و ذر) دارد این است که می فرماید:
اذاخذنا من النبیّن میثاقهم ومنک ومن نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم و
اخذنا منهم میثاقاً غلیظاً^(۲)

یعنی: (بخاطر آور) هنگامی که از پیامبران پیمان گرفتیم و همچنین از تو و نوح و ابراهیم و موسی و عسی بن مریم، و ما از همه آنها پیمان محکمی گرفتیم.

در ذیل این ایه شریفه در تفسیر برهان می نویسد «میثاقی» که از انبیاء در «عالم ذر» گرفته شد بر ربوبیت و رسالت پیامبر و ولایت ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام بوده^(۳)

۱- بحار الانوار جلد ۵ صفحه ۲۳۶

۲- سوره احزاب - جلد ۷

۳- تفسیر برهان جلد ۳ صفحه ۲۹۴

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۸۱

از جمله روایت اصبع بن نباته است که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می کند که : عبد الله بن کوا به آن حضرت عرض کرد: آیا خداوند قبل از حضرت موسی بن عمران علیه السلام با کسی تکلم کرده است ؟

آن حضرت فرمودند: آری خداوند با تمام فرزندان آدم اعم از نیکوکار و بدکار تکلم فرموده و آنان نیز جواب داده اند.

اصبع می گوید این سخن امیرالمؤمنین علیه السلام بر ابن کوا سنگین آمد، چون معرفت نداشت گفت: چطور این امر واقع شده یا امیرالمؤمنین علیه السلام ؟

آن حضرت فرمودند: آیا کتاب خدا را خوانده ای که خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید:

و اذا اخذ ربك من بني آدم من ظهورهم ذريتهم واشهدهم على انفسهم الست بربكم قالوا بلى. (۱)

پس خداوند کلام خویش را به آنان شنوید و آنان نیز جواب دادند چنانکه دنباله آیه می فرماید در جواب گفتند « بلی » تو پروردگارا ما هستی و فرمود: انى انا الله لا اله الا الله و من رحمانم

پس همگی بر لزوم اطاعت و ربوبیت او اقرار نموده و سپس پیامبران و وصی آنان را مشخص نموده و بر مخلوقات خود امر نمود که از آنان اطاعت نمایند و بر آن « میثاق » گرفت و ملائکه نیز گواهی دادند (۲)

الذی اخذه ووکده

۱- سورة اعراف - آیه ۱۷۲.

۲- نورالثقلین جلد ۲ صفحه ۹۱

۸۲ تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

اخذ- به معنای گرفت، بندگرد، و پذیرفت می باشد.
وکده - به معنای محکم کرد، استوار نمود، سفارش غلیظ و تأکید شدیدی نمود.

باتوجه به آیات و روایات ذکر شده خدای متعال در «عالم ذر» بر امامت و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام و بالأخص حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) میثاق گرفت و چون فرد آخر از معصومین علیهم السلام دارای خصوصیات بوده مثل اینکه فقط اوست که دین خدا را بنحواتم واکمل برپا خواهد کرد، بر ولایت و امامت و اطاعت حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) تأکید بیشتری نمود و عبارت «الذی اخذه و کده» که در زیارت آمده است اشاره به همان تاکیدات خداوند است بر ولایت و امامت حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) چنانکه تا حتی از انبیاء بر آن میثاق گرفته و تأکید نموده است و در حقیقت می توان گفت این «میثاق» میثاق دیگری است که بسیار مهم و حائز اهمیت بوده و جداگانه گرفته شده و نه فقط از مخلوقات عادی بلکه تا حتی از انبیاء و رسل و پیامبران اولی العزم بر آن عهد و میثاق جداگانه ای گرفته است چنانکه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

خداوند از پیامبران اولی العزم پیمان و میثاق گرفت که:

من پروردگار شما هستم

و محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول من است

و علی علیه السلام امیر مؤمنان و جانشینان پس از او اولیاء امر من و گنجینه های علم من اند و به درستی که به وسیله مهدی علیه السلام دینم رایاری کنم و دوستیم را ظاهر می سازم و از دشمنانم انتقام می گیرم و به وسیله او خواه ناخواه ربوبیتم

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۸۳

محقق می‌گردد (۱)

در خاتمه این شرح جای این تذکر وجود دارد که اینطور تصور نشود که خداوند فقط در عالم «ذر» بر ولایت و امامت حضرت بقیة الله (ارواحنا فدا) تأکید نموده و میثاق گرفته بلکه حضرت رسول خاتم الانبیاء ﷺ در روز غدیر خم و در زمانها و مکانهای متعدد ولایت و امامت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و ائمه هدی علیهم السلام نهایتاً حضرت بقیة الله (ارواحنا فدا) را به مردم تذکر می‌داد و امر به اطاعت از آنان می‌نمود و روایات در این زمینه از فرقین شیعه و سنی به حد تواتر وجود دارد.

السلام علیک یا وعدالله الذی ضمنه

«سلام بر تو ای وعده خدا، که خداوند آن وعده را ضمانت کرده»
و عدالله

«وعد» به معنای نوید دادن و امید به خیر دادن و تعهد نمودن آمده است.
در این عبارت از زیارت آل یاسین می فرماید «وعدالله»، یعنی آن حضرت
وعدۀ خدا می باشد
خداوند به ظهور آن حضرت نوید و وعده داده فلذا آن حضرت «موعود»
یعنی وعده داده شده می باشند و از شدت وعده ای که به آن حضرت داده
شده مثل اینکه خود «وعدہ» شده اند و پر واضح است که «وعدہ» خدا
تخلف پذیر نیست.

چنانکه قرآن می فرماید :

لن یخلف الله وعده^(۱)

یعنی: خداوند هرگز از وعده خود تخلف نخواهد کرد
و خداوند در آیات متعددی از قرآن، قیام و ظهور آن حضرت را و نصرت

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۸۵

دین به دست آن حضرت را وعده فرموده چنانکه می فرماید :

وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتض لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم امنا (۱)

«خداوند افرادی از شما که ایمان آورده اند و عمل صالح و شایسته انجام داده اند وعده داده است که روی زمین جانشین سازد چنانکه پیشینیان را جانشین ساخت، و آنان را از دینی که برای آنها پسندیده متمکن سازد و آنها را پس از خوف و وحشت به امنیت برگرداند»

و هنگامی که خداوند وعده ظهور آن حضرت را محقق سازد حضرتش پشت به کعبه می دهند و این آیه را تلاوت می فرمایند:

الحمد لله الذی صدقنا وعده و اورثنا الأرض (۲)

«همه سپاس و نیایش از آن خداوندیست که وعده اش را در حق ما تحقق بخشید و زمین را به ارث ما در آورد».

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام پرسید از کجا و چگونه ظاهر می شود ؟

فرمود : ای مفضل به تنهایی ظاهر می شود ، به تنهایی وارد مسجد الحرام می شود و به تنهایی قدم در کعبه می گذارد ، شب را به تنهایی سپری می کند چون تاریکی همه جا را فراگرفت جبرئیل و میکائیل و فرشتگان در صفهای فشرده به محضر آن حضرت می شتابند.

۱- سوره نور- آیه ۵۵

۲- سوره زمر- آیه ۷۴

جبرئیل عرضه می دارد: ای سرور من! فرمان تو مطاع است، آنچه فرمائی انجام می پذیرد. آنگاه دست مبارک آن حضرت را (به رسم بیعت) مسح می کند سپس می فرماید

الحمد لله الذي صدقنا وعده و اورثنا الارض (۱)

خلاصه کلام این است که از شدت وعده هائی که در آیات و روایات به ظهور آن حضرت و نصرت حق بوسیله آن حضرت داده شده است، مثل اینکه خود آن حضرت «وعده» شده اند لذا در این زیارت خطاب به آن حضرت می گوئیم: یا وعدالله الذي ضمنه

ضمنه از ماده «ضمن» که مصدر آن «ضمناً» می باشد گرفته شده به معنای کفالت کردن. فراهم کردن و ملتزم بودن

خداوند ظهور امام زمان علیه السلام را وعده داده و آن را ضمانت فرموده به این معنا که حتماً واقع خواهد شد، و آنچنان خداوند آن را تضمین کرده که ظهور از «محتومات» شمرده شده است یعنی هرگز این وعده الهی تخلف پذیر نیست. چنانکه حضرت امام محمد باقر علیه السلام به ابو حمزه ثمالی فرمودند:

ای ابا حمزه! از امور حتمیه ای که خداوند حتمی ساخته است قیام قائم ما علیه السلام است و هرکس در این گفتار شک و تردید کند خدا را در حال کفر ملاقات خواهد کرد

سپس فرمود: پدر و مادرم فدای کسیکه همانام و هم کُنیه من است او هفتمین فرزند من است که زمین را پراز عدالت می کند هنگامی که پراز جور و ستم

شده باشد

ای ابو حمزه! کسی که او راد رک کند و در برابر او تسلیم شود آنچنانکه در برابر پیامبر ﷺ و امیر المؤمنین علیه السلام تسلیم است، بهشت بر او واجب می شود و هر کس تسلیم نشود بهشت بر او حرام می شود و جایگاهش دوزخ است و جایگاه ستمگران چه زشت است (۱)

و همچنین حضرت امام موسی کاظم علیه السلام فرمودند: ان امر القائم حتم من الله یعنی: ظهور قائم علیه السلام از طرف خدا حتمی است (۲)

این بود معنای «ضمنه» که خداوند ظهور آن حضرت را تضمین کرده و حتماً واقع خواهد شد.

۱- بحار الانوار جلد ۵۱ صفحه ۱۳۹

۲- بشارة الاسلام صفحه ۱۵۳

السلام علیک ایها العلم المنصوب والعلم المصبوب والغوث والرحمة الواسعه وعداً غیر مکذوب

«سلام بر تو ای پرچم برافراشته و علم و دانش ریزان، و پناه و فریاد رس بی
کسان و درماندگان و ای رحمت واسعه الهی و وعده حق که صدق محض
است و هرگز تکذیب نشود»

العلم المنصوب

عَلَمٌ به معنای پرچم و علامت گفته شده و همچنین «کوه» را هم به جهت
معلوم بودن و نشانه بودنش عَلَمٌ گفته اند

منصوب از ماده «نصب نصباً» به معنای برپاداشتن و غرس کردن آمده است.
با توجه به معنای لغوی «العلم المنصوب» که پرچم نصب شده و برافراشته
است کنایه از این می باشد که حضرت ولی عصر علیه السلام نشانه الهی است که
بوسیله او خلق هدایت می شوند همانطور که پرچم و علامت نشانه است
و هر کجا برافراشته شود همه دور او گرد آیند و از گمراهی نجات یابند.

در این عبارت از زیارت به امام علیه السلام عرض می کنیم شما نشانه ای هستید که
خداوند برای هدایت بندگانش نصب فرموده تا هم نشانه خدا و هم سبب

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۸۹

هدایت ممکنات از اولین و آخرین شوید. بنابراین هر نحو هدایت در عالم صورت گیرد و هر کجا ظهور یابد از آن حضرت می باشد و قرآن به همین معنا اشاره می کند آنجا که می فرماید .

وعلامات وبالنجم هم یهتدون^(۱)

که معنای ظاهرش این است که راه روندگان در تاریکیهای شب در راه یابی با نشانه ها و علامت ستارگان راه خود را می یابند .

ذیل این آیه شریفه روایت شده است که داود جصاص گوید از حضرت امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: منظور از «نجم» در این آیه شریفه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است و منظور از «علامات» ائمه هدی علیهم السلام می باشند. لذا هر کس که طالب حق و حقیقت است باید چشم به این علم و نشانه بدوزد و سعی کند به او نزدیک شود و از او اطاعت کند تا هرگز گمراه نگردد و به دین خدا برسد چنانکه حضرت امام سجاد علیه السلام می فرماید:

اللهم انک ایدت دینک فی کل اوانٍ بامامٍ اقمته علماً لعبادک و مناراً فی بلادک بعد ان وصلت حبله بحبلک.

«خدا یا تو دین خود را در هر زمانی به امامی تأیید کردی و او را چون علامت و پرچمی برای بندگان برافراشتی و چون شاخص و منار در شهرهای خود بپا داشتی پس از آنکه ریسمان او را بریسمان خود پیوستی»

والعلم المصبوب

مصبوب اسم مفعول از ماده «صَبَّ» است و «صَبَّ» به معنای ریزش است و

۹۰..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

«علم مصبوب» یعنی علم و دانش ریخته شده جهت استفاده خلق برای رشد و کمال به این معنا که تمام علوم الهی و اسرار ربّانی و معارف حقیقی و هر آنچه از علوم که در کتب الهی جمع است نزد آن حضرت می باشد که خداوند بر مردم مثل باران رحمت باریده است و به همین معنا قرآن اشاره دارد که می فرماید:

بل هوایات بینات فی صدور الذین اتوا العلم (۱)

یعنی: این آیات روشنی است که در سینه صاحبان علم جای دارد

مفسرین «صدور الذین» را به ائمه معصومین علیهم السلام تفسیر کرده اند

در کتاب بصائر الدرجات نقل می کند که ابابصیر می گوید من این آیه را از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام شنیدم و وقتی به کلمه «صدور» رسیدند اشاره به سینه خود فرمودند.

بله حضرتش یکی از آن دوازده نفری می باشد که سینه شان مخزن علوم الهی است لذا «صدور الذین» جمع است یعنی تمامی ائمه معصومین علیهم السلام سینه هایشان مخزن علوم الهی می باشد که حضرت بقیه الله علیه السلام آخرین آنان می باشد.

چند نمونه از کلمات ائمه معصومین علیهم السلام که در مورد علم حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) وارد شده است ذکر می شود:

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۹۱

السلام علی الحق الجدید و العالم الذی علمه لایبید (۱)

یعنی: سلام بر حق جدید و عالمی که علمش هرگز تمام نگیرد.

السلام علیک با وارث کنز العلوم الإهیة (۲)

یعنی: سلام بر شما ای وارث کنج علوم خدایی

انک خازن کل علم و فاتق کل رتی (۳)

یعنی: بدرستی که تو خزینه دار هر علم و کشایش دهنده هر بسته ای و

مشکلی هستی.

السلام علیک یا معدن العلوم النبویة (۴)

یعنی: سلام بر شما ای معدن علوم پیامبر.

با توجه به این چند نمونه از کلمات ائمه معصومین علیهم السلام راجع به علم آن

بزرگوار روشن می شود که آن وجود مقدس مخزن علوم الهی هستند که

خداوند برای رشد و کمال مخلوقات بالأخص بشریت قرار داده چنانکه

بسیاری از افرادی که طالب علم و حقیقت بودند. ظرف دل خود را در خانه

آن حضرت برده و آن را مملو از علوم و معارف الهی نمودند چنانکه در

شرح احوالات علامه سید بحر العلوم رحمته الله نقل می شود.

که از آن جناب سؤال کردند چگونه شما به این مرتبه از علم رسیدید و

دریائی موج از علوم گردیدید؟

۱- بحار الأنوار جلد ۱۰۲ صفحه ۲۲۸.

۲- بحار الأنوار جلد ۱۰۲ صفحه ۲۲۶

۳- مفاتیح الجنان صفحه ۵۲۶

۴- بحار الانوار جلد ۱۰۲ - صفحه ۱۱۷

۹۲..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

در جواب می فرماید: چگونه این طور نباشد و حال آنکه حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) مرا شبی در مسجد کوفه به سینه خود چسبانید.

از سید سؤال می شود چگونه خدمت آن حضرت رسیدید؟

می فرماید: شبی به مسجد کوفه رفته بودم دیدم آقایم حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) مشغول عبادت است، ایستادم و سلام کردم جوابم را مرحمت فرمود و دستور دادند که پیش بروم، من مقداری جلو رفتم ولی ادب کردم زیاد جلو نرفتم

فرمود: جلوتر بیا پس چند قدمی نزدیکتر رفتم.

باز فرمودند: جلوتر بیا!

من نزدیک شدم تا آنکه آغوش گشودند و مرا در بغل گرفتند و به سینه مبارکشون چسبانیدند در اینجا آنچه خدا خواست به این قلب و سینه سرازیر شود سرازیر شد. (۱)

والغوث

غوث به معنای یاری، نصرت، کمک، دادرسی، فریادرسی آمده است این لقب باز گرفته شده از اسماء پروردگار است چون در حقیقت خدایتعالی دادرسی و فریادرس بندگانش می باشد چنانکه وارد شده است.

اذتستغیثون ربکم فاستجاب لکم (۲)

۱- امام زمان و سید بحر العلوم صفحه ۱۵۶.

۲- سوره انفال - آیه ۹

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۹۳

یعنی: زمانی که از پروردگارتان فریادرسی خواستید، و او خواسته شما را استجابت کرد

همچنین وارد شده است: یا غوث من اراد^(۱)

یعنی: ای فریادرسی که هرکسی خواست (به فریادش می‌رسی)

یا غوث المستغیثین^(۲)

یعنی، ای فریادرس استغاثه‌کنندگان

و در اکثر زیارات و دعاها این لقب به سایر ائمه معصومین علیهم‌السلام نیز داده شده است چون آنها نمایندگان خدایتعالی می‌باشند لذا نمی‌شود خدایتعالی منصب غوث و فریادرسی را به نمایندگانش ندهد و این از الطاف حق است که تمام صفات کمال و جلال خود را برای هدایت خلق به خلفائش عطا می‌کند و امروز این منصب الهی به حضرت بقیه الله (ارواحنا فدا) داده شده لذا حضرتش «غوث» و «فریادرس» در ماندگانی است که به حضرتش التجاء و توسل جویند.

چنانکه مرحوم میرزا حسین نوری رحمته‌الله در کتاب نجم الثاقب در حکایتی که از مولی علی رشتی نقل می‌کند از زبان حضرت بقیه الله علیه‌السلام جمله‌ای را ذکر می‌کند که معنایش این است:

هزار نفر در اطراف شهرها از من فریادرسی خواسته‌اند، می‌خواهم به

۱- بحار الانوار جلد ۱۰۲ صفحه ۵۶

۲- بحار الانوار جلد ۹۷ صفحه ۲۳۴

۹۴..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

فریاد آنها برسم، این جمله را فرمود و از نظرم غائب شد.

و همچنین باز مرحوم محدث نوری رحمته الله در جای دیگر از کتاب نجم الثاقب می فرماید:

یکی از القاب آن حضرت «الغوث» است (با مختصری تصرف در عبارت) می نویسد:

از القاب خاصه آن حضرت «الغوث» است که در زیارتهای معتبره وارد شده است و معنی آن «فریادرسی» است و حقیقتاً معنی این لقب الهی مجرد اسم نیست و این معنا محقق نشود مگر این که صاحب این لقب (الغوث) دارای قوه سامعهای باشد که هر کسی در هر جایی در مقام استغاثه بر آید، بشنود. بلکه دارای احاطه علمی به حالات درماندگان باشد و همچنین دارای قدرت و توانائی باشد که اگر صلاح دانست درمانده و استغاثه کننده را نجات دهد و از گرداب بلا رهایی بخشد و این مقام شایسته کسی است که دارای مقام امامت و بساط ولایت باشد^(۱)

بله هر کسی حقیقتاً به آن وجود مقدس استغاثه جوید و حالت انقطاع از همه کس و همه جا در خود ایجاد کند و توسل و التجاء جوید، عاقبت مورد لطف و عنایت آن حضرت واقع خواهد شد.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۹۵

و الرحمة الواسعة

رحمت - به معنای احسان، بخشش و فضل و نعمت آمده است لذا آن حضرت رحمت الهی است که وسعت داده شده و تمام اعالم از وجود مبارک او بهره مند می شوند و قرآن به این مطلب گواهی می دهد و می فرماید:

ربنا وسعت كل شيء رحمة وعلما^(۱)

یعنی: خدایا! رحمت و علم تو همه چیز را فرا گرفته است

و در جای دیگر می فرماید:

و رحمتی وسعت كل شيء^(۲)

یعنی: رحمتم همه چیز را فرا گرفته

حضرت ولی عصر علیه السلام بزرگترین مرتبه از مراتب رحمت الهی است چون رحمت پروردگار مراتبی دارد که هر نعمتی به تناسب مقام و منزلتش نزد پروردگار دارای مراتب عالیتری می باشد و بالاترین و والاترین و مهمترین از مراتب نعمت و رحمت الهی وجود مقدس امام زمان علیه السلام است چنانکه قرآن این مرتبه را در مورد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تصریح می کند و می فرماید

ما ارسلناك الا رحمة للعالمين

یعنی نفرستادیم تو را ای (پیامبر ما) مگر در حالی که محض رحمت برای تمام عوالم باشی.

پر واضح است که مقام و منزلت حضرت بقية الله (ارواحنا فداه) در این زمان

۱- سوره غافر - آیه ۷

۲- سوره اعراف - آیه ۱۵۶.

۹۶..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

همان مقام و منزلت رسول الله ﷺ می باشد، باضافه بر این که هر دو از یک نور هستند پس چنانکه پیامبر ﷺ رحمت بر تمام جهانیان می باشد خلیفه و جانشین او نیز رحمت بر تمام جهانیان می باشد.

و در حدیث شریف لوح اشاره به همین مقام و منزلت «رحمة للعالمین» می کند و می فرماید:

...سپس مقام جانشینی را به فرزند (حضرت امام حسن عسکری علیه السلام) که رحمة للعالمین است برای جهانیان و دارنده کمال حضرت موسی و بهاء حضرت عیسی و صبر حضرت ایوب می باشد، تکمیل می کنم ^(۱)

با توجه به این روایات و دلایل نقلی که ذکر شد پی به مرتبه و فرد اکمل این فقره از دعای کمیل، می بریم که می فرماید:

اللهم انی اسألك برحمتک التي وسعت کل شیءٍ

یعنی: بارالها من تورا می خوانم به آن رحمت واسعه تو که وسعتش همه چیز (عالم) را فرا گرفته.

مفضل بن عمر از حضرت امام صادق علیه السلام نقل فرموده که به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم: صاحب الامر پس از ظهور در مکه امامت می کند؟

فرمود: او کسی را به جانشینی خویش می گذارد و بیرون می رود پس از رفتن حضرتش اهل مکه بروی می شورند و او را می کشند امام علیه السلام مراجعت کرده و برمی گردند، اهل مکه گریان و سرافکنده عذر می خواهند و توبه می کنند،

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۹۷

آن حضرت توبه آنها را می پذیرد و شخصی دیگری را به عنوان خلافت تعیین می کند و باز می گردند برای دومین بار جانشین آن حضرت را می کشند.

اینجاست که آن حضرت جمعی از انصار و یاران خود را می فرستند و به آنها چنین دستور می دهند:

إرجعوا فلا تبقوا منهم بشراً الآمن آمن فلو لا ان رحمة ربكم وسعت كل شيء و اناتلك الرحمة لرجعت اليهم معكم فقد قطعوا الأعدار بينهم و بين الله و بيني و بينهم.

یعنی: برگردید و از آنان هیچ کس باقی نگذارید مگر آنهایی که ایمان آورند و اگر نبود رحمت پروردگارتان که همه جا را فرا گرفته است که من آن «رحمت» می باشم با شما بر می گشتم.

آنان جایی برای عذر میان خود و خدا و میان من و خودشان باقی نگذاشتند^(۱) در این روایت هنگامی که از (رحمت واسعه) صحبت به میان می آید امام علیه السلام می فرمایند آن رحمت من هستم.

لذا وجود مقدس امام زمان علیه السلام همان رحمت الاهی است که (وسعت کل شیء) همه جا را فرا گرفته است.

و عداً غیر مکذوب

و عداً، این کلمه را در عبارات قبل در شرح سلامها (السلام علیک یا وعدالله) بیان کردیم که حضرت ولی عصر (ارواحنا فدا) وعده اللّهی است.

مکذوب - از «ماده کذب» به معنای دروغ و خلاف واقع وانگار آمده است حال در این عبارت از زیارت می فرماید: این آقا و امامی که بعضی از اوصافش را شنیدید و خواندید و وعده اللّهی است که خواهد آمد و به دست او رسالت انبیاء و تعالیم ناقص مانده آنها را به اتمام می رساند و در این وعده اللّهی هیچ راه کذب و انکاری وجود ندارد.

انقدر از ادله نقلی و عقلی بر وجود و ظهور آن حضرت دلالت دارد که هیچ صاحب عقل سلیمی نمی تواند آن را رد کند مگر شخص منافق که خلاف واقع می گوید و قرآن در مورد آنها می فرماید:

والله یشهد انّ المنافقین لکاذبون^(۱)

یعنی: خداوند شهادت می دهد که منافقان دروغگو هستند

و در جای دیگر می فرماید:

کذبوا بایاتنا کذاباً^(۲)

یعنی: آیات ما را به شدت تکذیب کردند.

و در سوره قمر می فرماید:

کذبوا بایاتنا کلّها^(۳)

۱- سوره منافقون - آیه ۱.

۲- سوره نباء - آیه ۲۸

۳- سوره قمر - آیه ۴۲.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۹۹

یعنی: تمامی آیات ما را تکذیب کردند

ذیل این آیه شریفه یونس بن یعقوب از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت فرمودند مقصود از «ایاتنا کلّها» اوصایاء یعنی ائمه اطهار علیهم السلام هستند، که تکذیب شدند. (۱)

خلاصه این که هر چند منافقین و مشرکین آیات خدایتعالی را تکذیب کنند ولی خداوند به وعده‌اش عمل می‌نماید و وعده‌ای که داده ظاهر خواهد گردید، و هرگز تخلف نپذیرد.

السلام علیک حین تقوم، السلام علیک حین تقعد

«سلام بر تو هنگامی که بر پا می ایستی (و قیام و ظهور می فرمائی) سلام بر شما هنگامی که می نشینی (و در پرده غیبت قرار می گیری)»

حین تقوم

تقوم از ماده «قام قیاماً» می باشد و به معنای برخاستن بپاخواستن و پرداختن است.

حین تقعد

تقعد از ماده «قعد فعوداً» می باشد و به معنای نشستن، باز ایستادن و از کار دست کشیدن می باشد.

قیام و قعود در این جمله از زیارت به دو معنا می تواند باشد معنای اول همان معنای ظاهری است یعنی برخاستن و نشستن که زائر در تمام این حالات سلام می کند به این معنا که به تمام حالات امام علیه السلام (از نشستن و برخاستن) که جدای از پروردگارشان نمی باشند سلام می کند چنانکه در سوره آل عمران می فرماید:

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۱۰۱

الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً^(۱)

یعنی: آنان در حال ایستاده و نشسته خدا را یاد می‌کنند

معنای دوم شاید کنایه از «قیام» بپا خواستن برای احقاق حق و تشکیل حکومت الهی و ظهور باشد و «قعد» به معنای اینکه دست به قیام نزده و در دوران غیبت بسر می‌برند، در هر دو صورت مؤمن باید مطیع و منقاد امام خود باشد چه قیام کند یا قیام نکند چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله راجع به امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام فرمود:

الحسن و الحسین امامان قیاماً و قعداً^(۲)

یعنی امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام هر دو امام و پیشوا هستند چه برخیزند و قیام کنند و چه بنشینند و صلح نمایند.

معنای دیگری که از «قیام و قعود» فهمیده می‌شود این است که معصوم در هر حالی متوجه او امر الهی است و برای برپائی آن قیام می‌نماید لذا دائماً در حال «قیام» هستند. قاعدند یعنی باز ایستاده از هر چه که انسان را از خدایتعالی باز می‌دارد.

بهر حال معنای این سلام چنین می‌شود که درود و سلام بر شما چه هنگام قیام و ظهور، و سلام و درود من بر شما چه در هنگامی که در غیبت و در حالت قعود بسر می‌برید.

۱- سوره ال عمران - آیه ۱۹.

۲- علل الشرایع، صفحه ۲۱۱.

السلام علیک حین تقرء و تبین

«سلام بر تو هنگامی که می خوانی و بیان می نمائی»

حین تقرء و تبین

تقرء از ماده «قرء یقرأ» گرفته شده و به معنای جمع کردن و خواندن می باشد و از این جهت قرائت را «خواندن» معنا می کنند که حروف و کلمات کنار هم جمع می شوند.

تبیین از ماده «بیین» به معنای پیدا نمودن و آشکار کردن است.

در این عبارت از زیارت «تقرأ» و «تبیین» بدون مضاف ذکر شده است و معنای آن این است که «هنگامی که می خوانی» و «بیان می کنی» که می توان و جوهری را فهمید، از جمله شاید منظور خواندن قرآن و روشن و بیان نمودن حقائق آن باشد.

وجه دیگر اینکه شاید نظر به خواندن لوح محفوظ دارد که آن حضرت پرونده های عباد و بندگان بر حضرتش عرضه می شود و سپس آن را تبیین کرده و به ملائکه موکل امر به صدور آن می کنند.

وجه دیگر شاید اشاره به زمان ظهور آن حضرت دارد که نظر به مقدرات الهی می کنند و سپس آن را برای امت خود تبیین و روشن می نمایند چنانکه

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۱۰۳

روایات بسیار زیادی وارد شده است که آن حضرت حقائق و علوم را در زمان ظهور بر مردم آشکار و بیان می کنند چنانکه در مکیال المکارم می فرماید:

قد بیّنا لكم الايات (۱)

به قائم آل محمد عَلَيْهِ السَّلَام صورت می گیرد. (۲)

و از حضرت امیرالمؤمنین نقل شده است که فرمودند:

گویا می بینیم شیعیان مادر مسجد کوفه خیمه ها زده اند و قرآن را به همان نحو که نازل شده به مردم می آموزند.

۱- سوره بقره - آیه ۱۱۸

۲- مکیال المکارم جلد ۱، صفحه ۱۰۹.

السلام علیک حین تصلی و تقنت

«سلام بر تو هنگامی که نماز می‌گذاری و قنوت می‌خوانی»

حین تصلی و تقنت

تصلی - در لغت به معنای دعا و تسبیح می‌باشد و در فقه به معنای عبادت مخصوص (یعنی نماز) با افعال و اذکار مخصوصی که در روز پنج مرتبه در پنج وقت واجب است.

تقنت - در لغت به معنای طاعت با خضوع و خشوع می‌باشد و در فقه به معنای دعائی می‌باشد که بعد از قرائت رکعت دوم در حالی که دستها را پیش رو گرفته می‌خوانیم، می‌باشد.

نماز و عبادت آن حضرت عبادتی جامع، کامل، پر محتوا و در بردارنده تمام اقسام و ابعاد یک عبادت کامل است و از عبادت‌های بدنی و قلبی گرفته تا ظاهری و باطنی و روحانی و معنوی، واجب و مستحب و دیگر چهره‌ها و جلوه‌های پرستش، خالصانه و عشاقانه، در آن موج می‌زند و از هر نمونه نوع آن بهترین و کاملترین و زیباترین عبادتِ بندگان خداست.

و بجهت اهمیت این عمل عبادی امام علیه السلام است که در زیارت جامعه خطاب

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۱۰۵

به خاندان وحی ﷺ می خوانیم:

درود بر شما که جان گرامی خویش را در راه خشنودی خدا نثار کردید و آنچه در راه او بر شما رسیده شکیبای ورزیدید و نماز را بپا داشتید و زکات را پرداختید.

و در زیارت مخصوص امام حسین ﷺ نیز می گوئیم:

سلام بر تو ای فرزند گرامی پیامبر گواهی می دهم که تو نماز را آن چنان که می باید پیاداشتی و زکات را پرداختی و به حق و حقیقت فراخواندی و از تباهی و ناپسندیها نهی کردی و قرآن را چنانکه می باید، تلاوت کردی. (۱)

این ویژگی روحی که در «صلاة» و «قنوت» آشکار میشود از صفات پیام آوران الهی است که برترین و والاترین مرحله آن در حضرت بقیه الله (ارواحنا فدا) نماینگر است و همانند جدّ بزرگوارشان حضرت ابراهیم ﷺ می باشند که قرآن با کلمه «قنوت» شهادت به وجود این ویژگی معنوی و روحی از خضوع و خشوع در آنجناب می دهد و می فرماید:

ان ابراهیم کان امة قانتا لله

یعنی: ابراهیم (به تنهایی) امتی بود مطیع (وخاضع و خاشع) در فرمان خدایتعالی

و اگر مقصود از «صلاة» و «قنوت» همین معنای ظاهری عبادت که در فقه است باشد، به جهت اهمیت این دو عمل عبادی نزد پروردگار است چنانکه

۱- بحار الانوار جلد ۱۰۰ صفحه ۲۹۳.

- سوره نحل - آیه ۱۲۰.

۱۰۶..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

بر عموم مسلمانان واجب گردانید، هر روز پنج مرتبه آن را بر پا دارند. و همچنین ذکر «قنوت» در این سلام به این جهت است که یکی از مواردی که وعده به استجاب دعا داده‌اند قنوت نماز است لذا در دعاهای قنوت که از حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) نقل شده بیش از هر چیز برای ظهورش دعا می‌کند و بیش از همه خدا را برای فرجش می‌خواند چنانکه سید بن طاووس در مهج الدعوات قنوت آن حضرت را ذکر می‌کند و می‌نویسد آن حضرت در قنوت چنین دعا می‌کردند:

...یا من لا یخلف المیعاد، انجزلی ما وعدتني واجمع لی اصحابی... (۱)

یعنی: ای خدایی که وعده‌هایش تخلف پذیر نیست، وعده مرا بر آورده ساز و یارانم را جمع و گردآور...

نکته‌ای که باید در این سلام یادآور شویم این است که زائر از این سلام متوجه اهمیت نماز و خشوع و خضوع به پیشگاه پروردگار می‌گردد و هر کسی که حضرتش امام و مقتدای اوست باید به حضرتش در نماز و خشوع و قنوت تاسی جوید و به آن اهمیت دهد.

السلام علیک حین ترکع و تسجد

«سلام بر تو هنگامی که رکوع و سجود بجای می آوری»

ترکع و تسجد

ترکع - از ماده «رکع رکوعاً» یعنی منحنی شدن و فروتنی نمودن .

تسجد - از ماده «سجد سجوداً» یعنی سر و پیشانی را بر زمین نهادن - به خاک افتادن در حالت خضوع و فروتنی .

رکوع و سجود اگر چه از اجزاء نماز می باشند و قبلاً بر حضرتش در حال نماز سلام دادیم ولی به جهت اهمیت این دو عمل عبادی که انسان را به سرحد تواضع و خشوع نسبت به پروردگار می رساند، جداگانه ذکر شده اند و این از خصائص اولیاء خداست که در خلوتگه راز با معبود دائماً در خشوع و خضوع بسر می برند چنانکه قرآن می فرماید:

تراهم رکعاً سجداً یبتغون فضلاً من الله ورضواناً^(۱)

یعنی: می بینی آنها در حال رکوع و سجود هستند و فضل و رضای خدا را می طلبند

۱۰۸..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

و یکی از بهترین حالات بنده که خدایتعالی آن را دوست می دارد و به آن امر نموده همین رکوع و سجود است چنانچه در سوره بقره می فرماید:

واركعوا مع راکعین^(۱)

یعنی: و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید

ذیل این آیه شریفه در تفسیر برهان می نویسد: یعنی تواضع کنید همراه تواضع کنندگان به جهت عظمت خدایتعالی و در انقیاد و اطاعت اولیاء خدا حضرت محمد نبی الله ﷺ و علی ولی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام بعد از آن دو که بزرگ برگزیدگان خدایند باشید.^(۲)

از تفسیر برهان چنین استفاده می شود که منظور از «راکعین» حضرت رسول اکرم ﷺ و حضرت علی علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام می باشند که آخرین آنها امام زمان علیه السلام است چنانکه حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در روایتی از رکوع و سجود آن حضرت یاد می کند و می فرماید:

«...بابی من لیلة یرعی النجوم ساجداً و راکعاً...»

پدرم به فدای آن آقائی که ستارهای شب را همراه رکوع و سجود تعقیب می کند.^(۳)

کنایه از این که دائماً مشغول عبادت و بندگی و در حال رکوع و سجود است و شب زنده دار هستند.

۱- سوره بقره - آیه ۴۳.

۲- تفسیر برهان جلد ۱، صفحه ۹۲.

۳- بحار الأنوار جلد ۸۶، صفحه ۸۱.

السلام علیک حین تهلیل و تکبّر

«سلام بر تو هنگامی که تهلیل و تکبیر می گوئی»

حین تهلیل و تکبّر

تهلیل - ذکر «لا اله الا الله» را تهلیل گویند.

تکبّر - ذکر «الله اکبر» را تکبیر گویند.

توجه دائمی به ذات اقدس پروردگار یکی از خصائص امام علیه السلام است که همیشه و در همه حال در حال، ذکر بسر می برد و هرگز از ذکر خدایتعالی غافل نیست چنانکه در دعای ابو حمزه ثمالی می فرماید:

بارالها ذکر خود را در جلالت و خلوت، شب و روز، آشکار و نهان، در راحتی و سختی در دل ما انداز و با ذکر خفی ما را مانوس فرما.
و یا در دعای کمیل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

ان تجعل اوقاتی فی الیل و النهار بذكرک معموره

یعنی: در اوقات شبانه روز مرا بیاد خودت قرار ده

و به همین معنا اشاره دارد این آیه شریفه که می فرماید:

۱۰..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

الذین یذکرون الله قیاماً و قعوداً^(۱)

یعنی: آنان مشغول ذکر پروردگار می باشند چه در حال قیام (ایستاده) باشند یا در حال قعود (نشسته).

تهلیل

تهلیل همان ذکر «لا اله الا الله» است که اکثر اولیاء خدا آن را ذکر خفی و جلّی خود قرار می دهند و این ذکر انسان را به «توحید» نزدیک می کند و از شرک خفی و جلّی نیز رهایی می بخشد چنانکه قرآن می فرماید:

قل انما هو اله واحد وانى برىء مما تشرکون^(۲)

یعنی: توحید را به آنها گوشزد کن و به آنها بگو من از شرک شما بیزارم خلاصه اینکه «تهلیل» نشانه توحید است و انسان را به توحید می رساند.

تکبر

تکبیر همان گفتن ذکر «الله اکبر» است یعنی خداوند بزرگتر از آن است که بوصف آید و خدایتعالی در قرآن امر به گفتن این ذکر نموده است، آنجا که می فرماید:

و کبره تکبیراً^(۳)

یعنی: او را بسیار بزرگ شمار (و بگو: «الله اکبر»)

و ربک فکبر^(۴)

۱- سوره ال عمران - آیه ۱۹۱.

۲- سوره انعام - آیه ۱۹.

۳- سوره اسراء - آیه ۱۱۱.

۴- سوره مدثر - آیه ۳.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۱۱۱

یعنی: پروردگارت را بزرگ شمار (و بگو: الله اکبر)
در این سلام زائر با توجه به اهمیت این دو ذکر که آن حضرت مأنوس و
مستغرق در آن است بر حضرتش سلام و درود می فرستد.

السلام علیک حین تحمد و تستغفر

«سلام بر تو هنگامی که خدا را ستایش می‌کنی و از او آمرزش می‌خواهی»

حین تحمد

تحمد از ماده «حمد حمداً» می‌باشد و به معنای ثنا کردن، ستایش نمودن و ستودن می‌باشد.

تستغفر از ماده «غفر غفراً» به معنای پوشاندن، فروگرفتن و بخشیدن آمده است و استغفار به معنای طلب آمرزشی و بخشش می‌باشد.

در این فراز از سلامها توجه زائر را به ذکر دائمی امام علیه السلام می‌دهد که در آنها مستغرق است و دائماً به آنها مترنم می‌باشد چنانکه قرآن به جدّ امجدش صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

فسبح بحمد ربک و استغفره (۱)

یعنی: پروردگارت را تسبیح و حمد کن و از او استغفار بخواه

در اینجا نکته‌ای که قابل توجه است این است که بدلیل واضح و برهان قاطع ثابت شده است که معصوم هرگز خطا و اشتباه بلکه خیال و فکر خطا از او

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۱۱۳

سر نمی زند، به جهت این که منافات با عصمت او دارد و همیشه و در همه حال بیاد خدا و مشغول به انس اوست و خاطرشان مستغرق در توجه بمقام الوهیت است و دائماً در مقام مراقبه می باشند و چنان حال حضوری دارند که گوئی همیشه خدا را می بینند و لحظه ای از رؤیت آن باز نمی مانند و تا حتی هر گاه به عالم ماده و ملک توجه کنند و به امور دنیوی از قبیل خوردن و آشامیدن و امثال اینها در کارهای مباح روی می آورند، در آن حال نیز مستغرق در انس با پروردگار خویش می باشند.

پس استغفار آنان به چه معنائی می باشد؟!

و از چه پوزش و طلب مغفرت می کنند؟!

در جواب می گوئیم: استغفار آن حضرت را می توان بر وجوهی حمل و تفسیر کرد. وجه اول این که اولیاء خدا خود را در مقابل حضرت حق ناچیز و محتاج می بینند لذا از جهت معرفت و محبت و تقرب جستن به ذات احدیت، استغفار می کنند مثل این که شما در مقابل محبوبی که بسیار به او محبت دارید با گذاشتن احترامات لازم می گوئید اگر از من خطائی سرزده مرا مورد عفو قرار دهید در حالی که خود شما و محبوب شما می دانید که خطائی نکرده اید، ولی این خود نوعی اظهار ادب و عشق و محبت است به ساحت محبوب.

وجه دوم این که هنگامی که به امر خدا توجه به امور دنیوی می کنند این را برای خود نوعی سیئه می شمارند لذا می فرمایند

حسنات الابرار سیئات المقربین، به این جهت استغفار می کنند.

وجه سوم استغفار معصوم برای تعلیم و تربیت امت می باشد تا به حضرتش

۱۱۴..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

تأسی شود، چون اعمال و اقوال امام علیه السلام حجت است. وجه چهارم اینکه استغفار آن حضرت نوعی دعا از برای شیعیانسان می باشد که در حقیقت برای آمرزش آنان استغفار می کنند چنانکه قرآن می فرماید:

یسبحون بحمد ربهم و یؤمنون به و یتغفرون للذین آمنوا (۱)

یعنی: تسبیح و حمد پروردگارشان را می گویند و به او ایمان دارند و برای مؤمنان استغفار می کنند

ذیل این آیه شریفه در تفسیر برهان روایات متواتر وارد شده است که ائمه معصومین علیهم السلام و ملائکه برای شیعیان استغفار و طلب آمرزش می کنند. (۲)

۱- سوره غافر - آیه ۷۱.

۲- برهان جلد ۴، صفحه ۹۳.

السلام علیک حین تصبح و تمسی

«سلام بر تو در هر زمانی که صبح و شام می کنی»

حین تصبح و تمسی

تصبح از ماده «صبح صبحاً» به معنای بامداد، روز و آشکار شدن آمده است و تمسی از ماده «مسی مساءً» به معنای شبانگاه و خلاف صبح آمده است. در اینجا زائر در صبح و شام به حضرت ولی عصر علیه السلام سلام می دهد که در این سلام چند نکته قابل توجه است.

اول اینکه این سلام اشاره دارد به این که زائر در هر صبح و شام متوجه آن حضرت است چنانکه قرآن امر به توجه و ذکر پروردگار می فرماید:

و سجوه بکره و اصیلاً^(۱)

یعنی: و صبح و شام او را تسبیح گوئید.

دوم این که توجه به صبح و شب انسان را به یاد طول و درازی غیبت می اندازد که چقدر سخت است که این همه شب و روز می گذرد و آن حضرت در انتظار امر الهی بسر می برند.

۱۱۶ تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

سوم این که زائر می فهمد آن حضرت در صبح و شام نیازمند عنایات پروردگار خویش است و آن خدایتعالی است که بی نیاز مطلق می باشد چهارم سلام زائر در هر صبح و شام به معنای انتظار و آمادگی برای نصرت و یاری حضرتش می باشد چنانکه در روایات زیادی فرموده اند هر صبح و شام منتظر ظهور حضرتش باشید و مثل روایت منضل بن عمر که از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: نزدیکترین حالت بندگان نسبت به خدای عزوجل خشنودی خدا از آنها موقعی است که حجت خدای را نیابند و برای آنها اشکار نشود و جایگاهش را ندانند در حالیکه می دانند حجت خداوند باطل نگشته است، پس در آن هنگام هر صبح و شام منتظر فرج باشند. (۱)

مطلب مهمی که بد نیست در این قسمت متذکر شویم و آن این است که در طول این سلامها به حالات مختلف امام عصر علیه السلام سلام شده است اما به حالت خواب و بیداری امام سلام نشده است.

پرواضح است که بدن ملکی امام علیه السلام با ابدان دیگر انسانها فرقهائی دارد و از یک قداست خاصی برخوردار است و در عین حال که احتیاج به استراحت و غذا خوردن دارد ولی روح مطهر و مقدس امام علیه السلام در آن بدن هرگز مانند انسانها به خواب نمی رود لذا فرموده اند خواب و بیداری امام مساوی است و آنان هرگز مثل بشر به خواب نمی روند که مشاعر آنها از کار بیفتد و متوجه اطراف خویش نگردد، چون این حالت نقص می باشد و امام علیه السلام از آن مبرا است.

لذا در طول این سلامها به خواب و بیداری آن حضرت سلام نشده است.

السلام علیک فی اللیل اذا یغشی و النهار اذا تجلی

«سلام بر تو در شب که همه جا را فراگیرد و درود بر تو در روز هنگامی که بر تو افکند»

اللیل اذا یغشی

یغشی - غشی به معنای پوشاند و فراگرفت است و معنای «اللیل اذا یغشی» یعنی شب که همه جا را پوشانده و فراگرفته است.

و النهار اذا تجلی

تجلی - جلی به معنای آشکار شدن و ظاهر شدن می باشد و معنای «النهار اذا تجلی» یعنی روز که ظاهر و آشکار می گردد.

در این فقره از زیارت در این دو زمان (شب و روز) بر حضرتش سلام شده است و شاید این دو زمان کنایه از زمان غیبت و زمان ظهور آن حضرت باشد چنانکه در روایتی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدند:

منظور از «اللیل اذا یغشی» در سوره والیل چیست؟

فرمود: دولتهای باطل که در صدر اسلام برابر ولایت کبری مولای متقیان علی علیه السلام عرصه گیتی را جولانگاه خود قرار داده اند و خورشید امامت

۱۱۸..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

انتظار می‌کشد که دولتشان سرآید.

و فرمود: منظور از «والنهار اذا تجلی» روز ظهور قائم اهل بیت علیهم‌السلام است که به هنگام طلوع دولتش دولتهای باطل از صحنه هستی ریشه کن می‌شوند. (۱)
بله از روزی که حق را از مسیر خود منحرف کردند و خورشید امامت و خلافت را خانه نشین نمودند، شب یلدای سیاه و تاریکی آغاز گردید که تا زمان ما آن «لیل» همه جا را فرا گرفته و عرصه جهان را جولانگاه شیطان صفتان قرار داده است اما خداوند وعده فرموده که این شب به پایان می‌رسد و «نهار» متجلی می‌گردد و خداوند هرگز خلف وعده نمی‌کند و به وعده‌هایش وفا می‌نماید.

نکته ظریفی که بد نیست در اینجا ذکر شود این است که در عبارت زیارت «اللیل» بر «نهار» مقدم داشته شده چون «لیل» اشاره به زمان غیبت دارد که مقدم است و «نهار» اشاره به زمان ظهور آن حضرت دارد که پس از دوران غیبت، فرا می‌رسد.

در این صورت معنای این سلام این چنین می‌شود که سلام و درود ما بر شما ای امام عزیز که در «لیل» و زمان غیبت بسر می‌بری و سلام بر شما در زمان «نهار» روشنگر که زمان ظهور شما است.

السلام علیک ایها الامام المأمون

«سلام بر تو ای امامی که امین هستی (و یا ای امامی که محفوظ و ایمن یافته‌ای)»

الامام المأمون

امام - به معنای پیشوا و رهبر و مقتدا آمده است و کسی که از وی پیروی کنند و به او اقتدا نمایند و به معنای زمامدار خلق نیز آمده است.

مأمون - به معنای امین، معتمد، امانت دار، اعتماد شده و همچنین به معنای محفوظ و ایمن یافته آمده است.

امام زمان پیشوا و مقتدائی است که خداوند او را مأمون و مورد اطمینان خود دانسته و تمام اسرار عالم و رموز خلقت و علوم اولین و آخرین را به حضرتش بودیعت سپرده است لذا در بعضی از زیارتها خطاب به آن حضرت وارد شده است:

السلام علیک یا امین الله علی و حیه

یعنی: سلام بر شما ای امین خدا بروحیش

۱۲۰..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

خدایتعالی در قرآن در شأن آن حضرت و اباء معصومش علیهم السلام می فرماید:
و جعلناهم ائمة یهدون بامرنا^(۱)

یعنی: آنان را امام و پیشوا قرار دادیم تا بفرمان ما رهبری کنند

پر واضح است که کسی که دارای مقام امامت و ولایت از جانب خدایتعالی گردید بر علوم و اسرار خلقت نیز مطلع می گردد و امین بر تمام خزائن علم و حکمت و اسرار قرار می گیرد لذا در این فراز از زیارت «امامت» و «مأمون بودن» پیوست داده شده و می فرماید «الامام المأمون».

معنای دیگر این است که مأمون به معنای محفوظ و ایمن یافته باشد که در این صورت معنا چنین می شود که امام زمان علیه السلام در حفظ و امن الهی قرار دارند و از جمیع بلیات محفوظ می باشند.

السلام علیک ایها المقدم المأمول

«سلام بر تو ای مقدّم و پیشوای مورد امید (همه عالم)»

ایها المقدم

المقدم از ماده «قدم قدماً» گرفته شده به معنای پیش گرفته شده، جلودار و پیش در آمدن می باشد.

المأمول

مأمول از ماده «امل املاً» گرفته شده و به معنای امید و آرزو آمده است. و این کلمه «مأمول» یکی دیگر از القاب آن جناب می باشد که به معنای «آرزو و امید» است چنانکه مؤمنین امید او را دارند و در آرزوی او بسر می برند، با توجه به معنای لغوی این دو کلمه معنای این جمله از زیارت چنین می شود که سلام و درود بر تو ای پیش داشته‌ای که مورد آرزو و امید هستی. و در روایتی که مأمول را از القاب آن حضرت می شمارد این چنین است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام بعد از ذکر جمله‌ای از علامت ظهور آن حضرت می فرمایند:

آنگاه بر می خیزد قائم مأمول و امام مجهول یعنی قیام می کند امامی که آرزوی او را می کشند و امامی که قدر منزلتش بر مردم مجهول و ناشناخته

بوده است. (۱)

و حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هنگامی که از اموری که بعد از خودشان تا قیام حضرت بقیة الله (ارواحنا فدا) واقع می شود خبر می دادند، نور دیده اش حضرت امام حسین علیه السلام گفت: یا امیر المؤمنین! کی خدا زمین را از ستمگران پاک می کند؟

آن حضرت فرمودند: خداوند زمین را تا آن زمان که از ظالمان خون حرامی ریخته می شود، پاک نسازد - آنگاه پس از نقل علائم بسیار - فرمود:

ثم يقوم القائم المأمول...

آنگاه آن امام قائمی که آرزویش را می کشند قیام می کند و زمین را پاک می سازد. (۲)

مفضل بن عمر می گوید: به خدمت امام جعفر صادق علیه السلام شرفیاب شدم و عرض کردم: ای سرور من ای کاش در مورد جانشین بعد از خود برای ما پیمانی مقرر می کردید.

فرمود: الامام من بعدی النبی موسی، والخلف المأمول (م ح م د) بن الحسن بن علی محمد بن علی بن موسی علیه السلام

امام بعد از من پسر موسی است و اما خلف مأمول منظور (امام زمان) پسر حسن پسر علی پسر محمد پسر علی پسر موسی علیه السلام می باشد. (۳)

این بود معنای «مقدم المأمول».

۱- بحار جلد ۵۲، صفحه ۲۳۶.

۲- غیبت نعمانی صفحه ۲۷۵.

۳- کمال الدین صفحه ۳۳۴.

السلام علیک بجوامع السلام

«سلام بر تو به سلامی کامل و جامع (به جمیع انواع سلام و تحیّت)»

جوامع السلام

جوامع از کلمه جمع گرفته شده است و «جوامع» لفظ جمع از «جامع» است و لفظ «جامع» اسم فاعل جمع است و معنایش: ضمیمه، پیوند و با هم شدن و جمع شدن معنا کرده‌اند.

این سلام آخرین سلامی است که زائر به پیشگاه آن حضرت عرض می‌کند. زائر پس از این که سلامهای متعددی در قالب اوصاف و القاب آن حضرت و همچنین در حالات و زمانهای متعدد تقدیم کرد حال با این سلام جامع و کامل نهایت عرض ادب خود را اظهار می‌دارد و سلام را با تمام معانی آن تقدیم می‌کند.

چنانکه در معانی سلام گفته‌اند:

معنی سلام «حیاک الله»، یعنی خداوند ترا زنده بدارد و بعضی سلام را به معنای سلامت و صحت معنا کرده‌اند و بعضی دیگر گفته‌اند سلام چون یکی از نامهای پروردگار است به معنای خیر و برکت و رحمت الهی می‌باشد. و بعضی سلام را به معنای درود و تحیّت گفتن دانسته‌اند و بعضی بی عیب

۱۲۴..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

بودن و تندرستی و سلامتی و بعضی گفته‌اند چون سلام یکی از اسماء خداوند است یک نوع ذکر محسوب می‌شود و در موقع سلام یعنی خدا حافظ تو باشد.

بعضی گفته‌اند معنای سلام این است که من تو را دوست می‌دارم و از در صلح و صفا و صمیمیت و دوستی و محبت آمده‌ام و هرگز با تو ستیز و دشمنی ندارم و هیچ خطری از من متوجه تو نیست.

سلام دلیل بر فروتنی و تواضع است

سلام به معنای سلامتی است

سلام به معنای تسلیم هم آمده است.

سلام به رحمت و رأفت الهی گفته شده است چنانکه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: تحیت و درود خداوند متعال به شما شیعیان سلام است. (۱)

حال زائر در این یک جمله کوتاه (جوامع السلام) تمامی معانی سلام را در نظر گرفته و به پیشگاه امام زمانش نثار و تقدیم می‌کند.

البته این مطلب مهم را نیز باید متذکر شویم که جوامع السلام، سلام در اعضاء و جوارح را نیز شامل می‌شود به این معنا که هرگاه زائر با زبان اظهار سلام می‌کند باید از طریق اعمال و اعضایش نیز سلام را اظهار کند و همانطور که از طریق زبان و سلام می‌گوید تو از هر جهت از جانب من در سلامت هستی و هرگز خاطر شما را آزرده نمی‌کنم و موجبات ناراحتیان را فراهم نمی‌آورم، در اعمال و اعضایش نیز این معنا باید آشکار باشد و با

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۱۲۵

اعمال خود موجبات ناراحتیشان را فراهم نیاورد و اعضاء و جوارحش را از آلودگی و گناه و معصیت نگاه دارد.

تا در نهایت لیاقت، جواب سلامهایش را بیابد و در زندگیش ببیند.

اشهدک یا مولای

«شما را ای مولا و سرورم شاهد و گواه می‌گیرم»

اشهدک یا مولای

اشهدک، از ماده «شهد مشهوداً» می‌باشد و به معنای گواه و شاهد و درک کردن است

«مولای» به معنای متولی امور، سرپرست و اداره‌کننده می‌باشد و به معنای دوست نیز آمده است

از این قسمت زیارتنامه، زائر با علم به این که حضرت حاضر و ناظر می‌باشند حضرتش را شاهد و گواه بر آنچه که اعتقاد قلبی بر آن دارد می‌گیرد و عقائد خود را بر زبان جاری می‌سازد، این چنین اظهار عقائد و گواه گرفتن آن حضرت طریقی برای تثبیت اعتقادات می‌باشد و از این قسمت زیارت عرض عقائد شروع می‌شود.

عرض عقائد

بطور مسلم تمام انبیاء و اوصیاء بر اعمال و رفتار و گفتار امتهای خود گواه بوده‌اند و تا زمان قیامت که این شهادت خود را بر خلق اعلام می‌دارند

چنانکه قرآن می فرماید:

انا ارسلناک شاهداً و مبشراً و نذیراً^(۱)

یعنی: ما تو را (ای پیامبر) بعالم فرستادیم تا شاهد بر امت باشی و خلق را به

رحمت حق بشارت دهی و از قهر و عذاب او بترسانی

و در آیه دیگر می فرماید:

و تكونوا شهداء علی الناس^(۲)

یعنی: و شما برای سایر خلق گواه باشید

ذیل این آیه شریفه در روایات ائمه اطهار علیهم السلام آمده است که این آیه در شأن

ما نازل شده است:

و نحن شهداء علی الناس .

و در آیه دیگر می فرماید:

فکیف اذا جئنا من کلّ امة بشهید و جئناک^(۳)

یعنی: چگونه خواهد بود آنگاه که از هر امتی گواهی آوریم

در تفسیر این آیه شریفه نیز ائمه علیهم السلام می فرمایند:

این آیه راجع به امت حضرت رسول صلی الله علیه و آله است که در همراهمی از امت آن

حضرت شاهد و گواهی از ائمه اثنا عشر علیهم السلام وجود دارد.

لذا زائر با توجه به این معنا آن حضرت را شاهد و گواه بر عقائد خود می گیرد

یا مولای

۱- سوره فتح - آیه ۸.

۲- سوره حج - آیه ۷۸.

۳- سوره نساء - آیه ۴۱.

۱۲۸..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

در اینجا لازم است معنای «مولی» را روشن کنیم که فقط محبت نیست چون بعضی خواسته‌اند بگویند «مولی» یعنی دوست و حال آنکه به معنای «متولی امور» است لذا به رأیس قوم «والی» گویند.

در قاموس قرآن می‌فرماید: ولی از ماده «ولی» است و به معنای نزدیکی و قرب و مباشر می‌باشد چنانکه در عرب گویند «تباعَدنا بعد ولی» یعنی پس از نزدیکی دور شدیم. (۱)

لذا به آقا «مولی» گویند چون به امر بنده نزدیک و سرپرستی و مباشرت دارد و همچنین به بنده «مولی» گویند چون بوسیله اطاعت نزدیک و مباشر امر آقای خود است و در تفسیر آیه شریفه:

الله ولی الذین آمنوا (۲)

آمده است: خداوند سرپرست و متولی امور کسانی است که ایمان آورند. لذا در معنای «ولی» متولی امر، صاحب اختیار و اولی بتصرف ذکر کرده‌اند، چنانکه در تفسیر آیه ولایت آمده است که:

انما ولیکم الله ورسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکوة و هم راکعون (۳)

در این آیه شریفه «ولیکم» را با کلمه «انما» ذکر کرده که از اداه حصر می‌باشد یعنی فقط خدا و رسول و الذین آمنوا «ولی» شما هستند، که طبق تفاسیر اگر معنای «ولی» محبت باشد، حصر محبت به این سه مورد ذکر شده معنا ندارد

۱- قاموس قرآن، جلد ۷ صفحه ۲۴۵.

۲- سوره بقره، آیه ۲۵۷.

۳- سوره مائده - آیه ۵۵.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۱۲۹

چون به حکم عقل و شرع انسان می‌تواند به غیر از این سه مورد، موارد دیگری مثل پدر و مادر و غیره محبت داشته باشد پس معنای «ولی» باید همان ولایت و سرپرستی باشد که فقط این سه مورد مذکور ولایت و سرپرستی تام و عام دارند.

خلاصه این که معنای «ولی» شامل جمیع اقسام ولایت مثل صاحب اختیار و سرپرست، هم اولی بتصرف، هم نگهبان، هم ناصر و هم دوست می‌باشد. و در این فقره از زیارت خطاب به امام زمان علیه السلام «مولای» عرض می‌کنیم یعنی مولا اضافه به یاء متکلم شده است یعنی ای کسی که بر ما ولایت داری و صاحب اختیار ما هستی.

انی اشهدان لا اله الا الله وحده لا شریک له

اولین درس اصول اعتقادی ایمان به خدا است که او یکتا و بی همتاست و تمام قدرت در نظم عالم در یدِ قدرت اوست و در واقع ایمان آوردن به اینکه قدرتی غیر از او بر عالم حکمفرما نیست. که همان «توحید» که زیر بنای معتقدات ادیان آسمانی است می باشد و پیامبران الهی این ندای یکتاپرستی را با تحمل سختترین رنجها و دردها در اجتماع ترویج می نمودند و مردم را به پرستش خدای یگانه و پرهیز از هرگونه شرک دعوت می نمودند.

توحید یعنی خدا یگانه است و برای او شریک نیست و حرکت تکاملی همه موجودات به سوی توحید یعنی خدای یگانه می باشد و رمز رستگاری انسانها در قبول همین مسئله اعتقادی «توحید» است.

ولی این اعتقاد باید از پهنه ذهن و اعتقاد در محیط و اجتماع پیاده شود چنانکه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام سؤال شد: که کدام عمل نزد خدا با فضیلت بیشتری است؟

فرمود: ما لا یقبل الله شیاً الا به

یعنی: آنچه که خدا بدون آن هیچ چیز را نمی پذیرد

سؤال شد: آن چیست؟

فرمود: الايمان بالله الذي لا اله الا هو. اعلى الاعمال درجةً و اشرفها منزلةً و اسناها حظاً.

یعنی: ایمان به خدائی که جز او معبودی نیست بالاترین و شریفترین مقام و بیشترین بهره را از اعمال دارد.

سؤال شد: آیا درباره ایمان توضیح نمی دهید که آیا ایمان مجموع قول و عمل است یا آنکه قول بدون عمل است؟

فرمود: الايمان عمل كله و القول بعض ذلك العمل

یعنی ایمان همه اش عمل است و قول هم یکی از آن اعمال است. (۱)

و از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل شده است که فرمود:

اول عبادة الله معرفة

یعنی: اساس و پایه بندگی، خداشناسی است

حضرت امام صادق علیه السلام هنگامی که کبائر را شرح می دادند فرمود: بزرگترین

گناهان شرک به خداست، خداوند می فرماید:

هر کس برای خدا شریکی قائل شود، پروردگار بهشت را بر او حرام خواهد

ساخت (۲)

لذا زائر در پیشگاه امام زمان علیه السلام شهادت بر توحید و یگانه بودن خداوند

۱- اصول کافی کتاب ایمان و کفر.

۲- سوره مائده - آیه ۷۲.

۱۳۲..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

می دهد و آن حضرت را شاهد می گیرد تا به رضوان اللهی برسد چنانکه حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمودند:

هر کسی در مقابل امام علیه السلام تکبیر بگوید و سپس بگوید:

لا اله الا الله وحده لا شریک له

خداوند رضوان اکبرش را برای او بنویسد و هر کس خدا برای او رضوان اکبرش را نوشت او را همراه (حضرت) ابراهیم و (حضرت) رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سایر پیامبران در دار جلال جمع و یک جا قرار دهد. (۱)

در اینجا مناسبت دارد تعلیم «علم توحید»

بوسیله امام زمان علیه السلام بجناب سید محمد باقر

قزوینی علیه السلام را ذکر کنیم:

جناب سید مهدی قزوینی علیه السلام از دائی خود علامه سید محمد باقر قزوینی نقل نموده که فرموده:

در سال هزار و یکصد هشتاد و شش مرض طاعون سرزمین عراق را فرا گرفت، در آن سال جمعی از مردم شهر از نجف کوچ کرده و از شهر خارج شدند و تا حتی بعضی از علماء و بزرگان مانند علامه طباطبائی و محقق و صاحب کشف الغطاء و غیره نیز کوچ کردند و جمع زیادی نیز در اثر مرض طاعون وفات یافتند و باقی نماند مگر معدودی از اهل نجف که یکی از این افراد مرحوم سید محمد باقر قزوینی بود.

سید محمد باقر قزوینی می گفت: من روزها در صحن مطهر (برای رسیدگی

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۱۳۳

به امور مؤمنین) می نشستم و غیر از من احدی از اهل علم نبود مگر یکنفر معتم (از مجاورین که (غیر عرب) و عجم بود، روزی در این ایام شخص معظم و بزرگواری را در کوچه های نجف ملاقات کردم و من او را پیش از این ملاقات ندیده بودم و بعد از آنهم نیز ندیدم، با این که اهل نجف در آن ایام بجهت مرض طاعون بسیار اندک شده بودند و احدی نیز وارد شهر نمی شد. آن شخص بزرگوار تا مرا دید ابتداءً فرمود: بعد از مدتی «علم توحید» به تو روزی خواهد شد

بعد از این بشارت در شبی از شبها در خواب دیدم دو فرشته ای را دیدم که از آسمان نازل شدند و در دست یکی از آن دو چند لوح بود که در آن چیزی نوشته و در دست دیگری میزانی بود.

پس مشغول شدند به این که هر لوحی را در کفه ای از میزان می گذاشتند و با هم موازنه می کردند سپس آن لوح را مقابل من گرفته و بر من عرضه می داشتند و من آنها را می خواندم تا آخرین لوح.

و دیدم آنها عقیده هر یک از اصحاب پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام را مقابله می کنند با عقیده یکی از علماء امامیه، از سلمان و ابوذر گرفته تا آخرین نواب اربعه و همچنین از علما از کلینی و صدوقین و شیخ مفید و سید مرتضی و شیخ طوسی تا سید بحر العلوم و علماء بعد از ایشان و من.

سید می افزاید: من در آن عالم مطلع شدم بر عقاید جمیع امامیه از اصحاب پیامبر ﷺ و اصحاب ائمه علیهم السلام و بقیه علماء امامیه و بر اسراری از علوم واقف شدم که اگر عمر من عمر نوح علیها السلام بود و می خواستم این علوم را طلب کنم و فراگیرم نمی توانستم به یک عشر از معشاران، این علم را پیدا کنم.

۱۳۴ تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

این علم و معرفت بعد از آن بود که فرشته‌ای که در دستش میزان بود به فرشته دیگری که در دستش لوح بود گفت: این الواح را عرضه بدار بر فلانی (یعنی من) چون ما مأموریم که این الواح را بر او عرضه بداریم. پس از آن من صبح کردم در حالتی که علامه زمان خود بودم در معرفت.

وان محمداً عبده ورسوله

«و اینکه محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست»

وان محمداً عبده ورسوله

لازمه ایمان به حقتعالی ایمان به رسول ﷺ او و اوصیاء علیهم السلام او می باشد لذا در این فقره از زیارت ایمان به رسالت را مطرح می کند چنانکه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرمایند: ... وبعده معرفة الرسول و لشهادة له بالنبوة و ادنی معرفة الرسول الاقرار بنبوته. (۱)

یعنی (پس از شناخت خدا) معرفت حضرت رسول ﷺ و شهادت دادن به نبوت او واجب می باشد و پائینترین حد معرفت رسول ﷺ این است که انسان به نبوت او و این که هر چه آورده از طرف خدایتعالی می باشد اقرار و اعتراف کند.

و در روایت دیگری که آن حضرت وظایف اعضا و جوارح را بر می شمارند می فرمایند: وظیفه قلب ایمان و اقرار به توحید است.... و آن محمد عبده ورسوله صلوات الله علیه و اله، و الاقرار بما جاء من عند الله من نبي او كتاب

۱۳۶..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

فذلک ما فرض علی القلب من الاقرار و المعرفة و هو عمله و هو رأس الایمان
یعنی: و این که حضرت محمد ﷺ بنده و فرستاده خداست و اقرار به آنچه
از جانب خدا آمده چه پیامبر و چه کتاب آسمانی، این چیزی است که خدا
بر قلب واجب کرده که عبارت است از اقرار و معرفت و این عمل قلب است
که رأس ایمان می باشد.

نکته قابل توجه در این فقره از زیارت این است که عبودیت و عبدبودن
پیامبر اکرم ﷺ اول ذکر شده و سپس رسالت آن جناب و این به جهت این
است که مرتبه عبودیت مقدم بر مرتبه رسالت است چون اول عبودیت است
که موجب رسالت آن حضرت ﷺ گردیده و تا حتی در تشهد نماز اول
شهادت بر عبودیت و بندگی آن حضرت ﷺ مقدم آورده شده بر مقام
رسالتشان چنانکه می گوئیم (اشهدان محمداً عبده و رسوله ﷺ)

پیامبر ﷺ باید دارای صفاتی باشند، پاک و بی گناه و هرگز به ناپاکی شرک و
انحراف آلوده نشده باشد لذا در این زیارت تصریح به بندگی و یکتاپرستی
پیامبر می کند و می فرماید «عبده» یعنی «بنده» خدا و سپس قید «رسالت» را
ذکر می کند و می فرماید: «و رسوله»

لا حیب الا هو و اهله

«محبوبی جز او صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و خاندانش نیست»

انبیاء هر کدام به جهتی دارای عنوان و لقبی شدند مثلاً حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَام صفی الله است و یا حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَام خلیل الله و حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَام کلیم الله است و حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام روح الله است و پیامبر بزرگ اسلام محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ حیب الله است پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جهت این که بهترین مخلوق خدایتعالی و برتر از جمیع انبیاء و اوصیاء بوده محبوب خداوند گردید، و حضرت حق فقط به او و اهل بیتش «محبت مطلق» دارد لذا حضرتش «حیب الله» است.

و اهله

یعنی در کنار پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرزندان او که عبارتند از تمام ذریه آن حضرت نیز محبوب خدایتعالی می باشند و در عالم هیچ مخلوقی لیاقت مطلق محبت را نداشت جز حضرت رسول اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ذریه اش.

پرواضح است که منظور از «اهل» حضرت فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام و دوازده امام و تمام ذراری فاطمه عَلَيْهَا السَّلَام می باشند چنانکه روایات زیادی اهل بیت پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را

۱۳۸ تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

اینگونه معنا کرده‌اند مثلاً ابن اثیر در کتاب اسدالغابه به اسناد امّ سلمه می‌نویسد:

هنگامی که آیه تطهیر نازل شد پیامبر اکرم ﷺ فاطمه علیها السلام و علی بن ابی طالب و حسن علیهما السلام و حسین علیهما السلام را طلب کرد و فرمود: هؤلاء اهل بیتی. (۱)

وسیوطی در الدر المنثور نقل می‌کند هنگامی که این آیه نازل شد.

قل لا اسألكم عليه اجراً الا المودة فی القربی (۲)

یعنی: بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی‌کنم جز بر دوست داشتن اهل بیتم

از پیامبر ﷺ سؤال کردند: یا رسول الله «قربی» شما چه کسانی هستید که واجب است بر ما محبت به آنها؟!

فرمود: علی بن ابی طالب و فاطمه علیها السلام و فرزندانشان. (۳)

حاکم در مستدرک از سعد بن ابی وقاص نقل می‌کند هنگامی که آیه مباحله نازل شد پیامبر ﷺ فاطمه علیها السلام و علی بن ابی طالب و حسن علیهما السلام و حسین علیهما السلام را طلب کرد و فرمود:

اللهم هؤلاء اهلی. (۴)

یعنی: بار خدایا! اینان اهل بیت من هستند.

و در امر به محبت به اهل بیت پیامبر ﷺ از خود آن حضرت روایت شده

۱- اسدالغابه جلد ۷ صفحه ۳۴۳.

۲- سوره شوری - آیه ۲۳.

۳- الدر المنثور جلد ۷، صفحه ۳۴۸.

۴- مستدرک علی الصحیحین جلد ۳، صفحه ۱۵۰.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۱۳۹

که فرمود:

والله لا يدخل قلب امرء مسلم ايمان حتى يحبكم الله و للقرابتی^(۱)

قسم بخدا ایمان داخل در قلب شخص مسلمان نمی شود مگر شما (اهل بیت) را بخاطر خدا و بخاطر من دوست بدارد.

و در روایت دیگری حضرت رسول ﷺ فرمود:

لا يؤمن عبد حتى اكون احب اليه من لنفسه و تكون عترتی احب اليه می عترته و يكون اهلی احب اليه من اهله و يكون ذاتی احب اليه من ذاته^(۲)

یعنی: ایمان نمی آورد بنده ای مگر اینکه من را بیشتر از نفس خودش دوست بدارد و عترتم نزد او از عترتش محبوبتر باشد و اهل من نزد او از اهلش محبوبتر باشد و ذات من محبوبتر از ذات خودش باشد.

چرا نام حضرت فاطمه علیها السلام در زیارت ال یاسین نیامده است؟!

این پرسش و سؤالی است که اکثر مؤمنین سؤال می کنند که نام تمام امامان علیهم السلام در زیارت ال یس برده شده است اما نام حضرت فاطمه علیها السلام برده نشده است.

در جواب می گوئیم: اولاً این زیارت در مقام شرح و تبیین عقائد اصولی یک فرد مسلمان است و اینکه نام تمام امامان علیهم السلام برده شده است به جهت مقام خلافت و امامتشان بوده که یکی از اصول اعتقادی ما است و به نام «اصل امامت» می باشد به این معنا که بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باید تمام مسلمانان

۱- المستدرک علی الصحیحین جلد ۴، صفحه ۷۵.

۲- نظم در السمطین، صفحه ۲۳۳.

۱۴۰..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

اعتقاد داشته باشند خلیفه و جانشین آن حضرت علی ابن ابیطالب علیه السلام بوده و سپس امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام و... و آخرین آنها حضرت بقیه الله علیه السلام می باشد.

لذا حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در عین حالی که مساوی و هم ردیف امیرالمؤمنین علیه السلام است و برتر از جمیع مخلوقات عالم و تا حتی برتر از فرزندان معصومش می باشد، چون در ظاهر جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خلافت و امامت نبوده نامی از آن حضرت ردیف نام امامان علیهم السلام برده نشده است.

ثانیاً و اینطور نیست که از آن حضرت یادی نشده باشد چون با صراحت و جرأت می توان گفت که عبارت «لا حیب الا هو و اهله» منظور از «اهل»، حضرت فاطمه علیها السلام می باشند بلکه منحصر به آن حضرت می باشد چون به شهادت روایات و لغت عرب اهل پیامبر صلی الله علیه و آله فقط «فاطمه» علیها السلام بوده و اگر دیگر معصومین و سادات داخل در «اهل» پیامبر صلی الله علیه و آله می شوند به جهت یمن وجود حضرت فاطمه علیها السلام بوده است.

و اشهدک یا مولای ان علیاً امیر المؤمنین حجه

«و شما را گواه می‌گیرم ای مولایم! که علی امیر المؤمنین علیه السلام حجت خداست.»

ان علیناً امیر المؤمنین حجه

در این عبارت زیارت، شهادت بر ولایت امیر المؤمنین علیه السلام و فرزندان معصومش می‌دهد بطور کلی امامت و رهبری اصلی از اصول دین است زیرا از بالاترین اهمیت برخوردار است و منصبی است الهی که خداوند به بهترین مخلوقاتش واگذار نموده است تا مهمترین نقش خود را ایفا کنند و آن حفظ دین اسلام و رهبری جهان پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است. بنابراین حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بدستور پروردگار در غدیر خم و پس از آخرین حج خود که آن را حجة الوداع می‌نامند حضرت علی بن ابیطالب رضی الله عنه را به این سمت نصب فرمود و امت با حضرتش بیعت کردند.

بریده در روایتی می‌گوید: حضرت رسول صلی الله علیه و آله امر فرمود: مردم به علی ابن ابیطالب رضی الله عنه به عنوان امیر المؤمنین سلام دهند.

عمر بن الخطاب به حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: یا رسول الله! این

امر از جانب خداوند است یا از طرف خودت می باشد؟
 آن حضرت فرمود: بلی از جانب خدا و رسول او است. (۱)
 در روایتی که از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل می شود.
 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علی بن ابیطالب علیه السلام را این گونه معرفی نمود که به او فرمود:
 یا علی تو حجت خدائی و باب الهی و توراهاست هستی بطرف خدا و تو
 نباء عظیم هستی و تو صراط مستقیم هستی و تو هستی مثل الأعلى
 یا علی تو هستی امام مسلمین و امیر المؤمنین و خیر الوصیین و
 سید الصدیقین، یا علی تو هستی فاروق اعظم و تو هستی صدیق اکبر، یا علی
 تو هستی خلیفه من بر امت من و تو هستی که قرضهای مرا اداء می نمائی و تو
 هستی که بوعده های من وفا می نمائی، یا علی تو مظلوم هستی بعد از من، یا
 علی تو فاروق هستی بعد از من، یا علی تو افسرده هستی بعد از من، شاهد
 می گیرم خدای متعال را و آنهایی را که حاضرند از امت من بدرستیکه حزب
 تو حزب من است و حزب من حزب الله است و بدرستیکه حزب دشمنانت
 حزب شیطان می باشند. (۲)

امیر المؤمنین

لقب امیر المؤمنین از القاب خاص علی بن ابیطالب علیه السلام است و هر کسی اهل
 ایمان باشد امیر او علی علیه السلام است و در امتهای پیشین هیچ وصی پیامبری
 چنین لقبی نداشته است.

این لقب نه تنها از باب تشریفات یا تجلیل و تکریم علی بن ابیطالب علیه السلام

۱- بحار الانوار جلد ۳۷، صفحه ۳۰۱.

۲- عیون اخبار الرضا جلد ۲، صفحه ۶.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۱۴۳

می باشد بلکه اشاره به یک حقیقت و واقعیت دارد و آن امارت و حکومت

آن حضرت است بر جسم و جان اهل ایمان

ابن بابویه از حضرت امام حسین علیه السلام نقل می کند که فرمود:

بریده گفته حضرت رسول صلی الله علیه و آله ما را امر کرد. بر پدر شما به لقب

امیرالمؤمنین سلام دهیم.

بله این لقب خاص حضرت علی بن ابیطالب علیه السلام می باشد و تا حتی دیگر

معصومین علیهم السلام را جایز نیست با این لقب بخوانیم چنانکه از حضرت امام

جعفر صادق علیه السلام سؤال شد: آیا می شود به حضرت «قائم آل محمد» صلی الله علیه و آله

گفت:

السلام عليك يا اميرالمؤمنين؟!

حضرت فرمودند: خیر نمی شود، زیرا خداوند متعال فقط کلمه امیرالمؤمنین

را به اولین امام و جانشین رسول خدا علی بن ابیطالب علیه السلام اختصاص داده

است و کسی قبل و یا بعد از آن حضرت خود را به نام «امیرالمؤمنین»

نمی خواند مگر کافر باشد.

راوی عرض کرد: قربانت گردم پس چگونه به آن حضرت باید سلام کرد.

فرمود: به این طریق السلام عليك يا بقية الله

سپس این آیه شریفه را تلاوت فرمود: بقية الله خير لكم ان كنتم مؤمنين. (۱)

**والحسن حجه والحسین حجه و علی بن الحسین حجه و محمد بن
علی حجه و جعفر بن محمد حجه و موسی بن جعفر حجه و علی بن
موسی حجه و محمد بن علی حجه و علی بن محمد حجه و الحسن
بن علی حجه.**

همانطور که قبلاً متذکر شدیم خلق پس از پیامبر ﷺ در سیر به سوی کمال مطلق که همان حق تعالی است، نیاز به راهنما دارد تا پیشاپیش امت حرکت کند و هیچ لغزش و انحرافی نیز نداشته باشد و آن امام علیه السلام است، چنین کسی را فقط خداوند می تواند تعیین و معرفی کند لذا آنان برگزیدگان الهی هستند و خداوند به علم ذاتی خود می دانست که اگر اینها در شرایط مساوی با دیگر مخلوقات خلق می شدند باز هم مطیع ترین افراد نسبت به خدا و خیر خواه ترین آنها به مخلوقات بودند به همین جهت به آنها امتیازی بخشید که به دیگران نداده و آنها را بر تمامی مخلوقاتش فضیلت داد و تمام مخلوقات را از اطاعت و پیروی آنان امر نمود و حجت خود قرار داد لذا یکی از اصول اعتقادی بسیار مهم «اصل امامت» است به این معنا که امت باید مطیع و منقاد امامی باشند که پیامبر اکرم ﷺ از جانب حق تعالی بر مردم گماشت و

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۱۴۵

معرفی کرد که به تصریح روایات عامّه و خاصه آنها دوازده نفر و از فرزندان پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می باشند.

از جمله روایاتی که دلالت بر ائمه اثنا عشر عَلَيْهِمُ السَّلَام می کند این است: صدوق نقل می کند که مردی گوید: در آن میان که ما نزد عبدالله بن مسعود بودیم و قرآن های خود را به او عرضه می کردیم ناگاه جوان نوری باو گفت: آیا پیغمبر به شما عهدی سپرد که پس از او جانشینی آن حضرت چند نفر خواهند بود؟ عبدالله بن مسعود گفت: تو با این سن و سال کم پرسشی از من نمودی که پیش از تو کسی چنین سؤالی از من نکرده است آری پیغمبر به ما عهدی سپرده است که پس از آن حضرت، دوازده خلیفه بشماره نقبای بنی اسرائیل خواهند بود. (۱)

زرارة ابن اعینی گوید: شنیدم حضرت امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام می فرمود: دوازده تن از آل محمد همگی پس از پیغمبر محدث بودند که علی بن ابیطالب عَلَيْهِ السَّلَام یکی از آنان بود. (۲)

و همچنین حضرت امام محمد باقر عَلَيْهِ السَّلَام در روایت دیگر می فرمایند: پس از حسین بن علی عَلَيْهِ السَّلَام نه تن امام خواهند بود که نهمی شان قائم عَلَيْهِ السَّلَام آنان است. (۳)

- تمیم بن بهلول می گوید: از عبدالله بن الهذیل پرسیدم که امامت در چه کسی ثابت است؟

۱- اختصاص جلد ۲ صفحه ۵۵۰

۲- اختصاص جلد ۲ صفحه ۵۶۶

۳- اختصاص جلد ۲ صفحه ۵۶۶

۱۴۶..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

و نشانه کسیکه امامت بروی واجب است چیست؟

گفت: نشانه و دلیل کسیکه امام بود و بر مؤمنین حجت و بکارهای مسلمانان قیام کرد و نطق و گفتارش از قرآن بود و دانا با حکام الهی بود، همان شخصی که برادر پیامبر خدا ﷺ و جانشین او بر امتش و وصیش بر آنان و ولی او بود.

همان کسی که نسبت به پیامبر همانند هارون نسبت به موسی بود و اطاعت او بر همه لازم بود چنانکه قرآن در حق وی فرمود: یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله را و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم و او را چنین توصیف نمود:

انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یوتون الزکوة و هم راکعون

کسی که در روز غدیر خم مردم به ولایت او دعوت شدند و امامت از برای او ثابت گردید چنانکه حضرت رسول به دستور خدایتعالی فرمود: الست اولى بکم من أنفسکم؟ قالوا: بلی.

سپس فرمود: هر که من مولای اویم علی مولای اوست، بار الها دوست بدار آنکسی که علی را دوست می دارد و دشمن بدار آنکسی را که علی را دشمن بدارد و یاری کن کسی را که علی را یاری کند و رها کن کسی را که علی را رها کند و کمک فرما کسی را که علی را کمک کند او علی بن ابیطالب علیه السلام است که امیرالمؤمنان است و رهبر روسفیدان و برترین جانشینان و پس از پیامبر صلی الله علیه و آله بهترین خلق می باشد.

و پس از او حسن بن علی علیه السلام است و سپس حسین بن علی علیه السلام که هر دو

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۱۴۷

نواده رسول خدا صلی الله علیه و آله و دو فرزند بهترین زنان عالم اند. و سپس علی بن الحسین علیه السلام و محمد بن علی علیه السلام و جعفر بن محمد علیه السلام و موسی بن جعفر علیه السلام و علی بن موسی علیه السلام و محمد بن علی علیه السلام و علی بن محمد علیه السلام و حسن بن علی علیه السلام است که تا به امروز یکی پس از دیگری امام می باشند و آنان از خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله که به وصایت و امامت شناخته شده اند.

در هیچ عصر و زمان و هیچ وقت و هنگام زمین از حجتی که از اینان است خالی نمی ماند و آنانند عروة الوثقی و پیشوایان راه حق و حجت بر مردم دنیا، تا اینکه خداوند وارث زمین و هر که بر آن است شود.

و هر کسی با آنان مخالفت و رزد گمراه است و گمراه کننده می باشد و حق و راه حق را رها کرده است، آنانند که از قرآن سخن گویند و از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله حرف می زنند و هر کس بمیرد و آنان را نشاخته باشد به مرگ دوران جاهلیت مرده است.

دین آنان پرهیزگاری و عفت و صدق و صلاح و اجتهاد می باشد و امانت را به نیکوکار و فاجر رد کردن و سجده های طولانی و شب زنده داری نمودن و از محرّمات دوری گزیدن و با بردباری در انتظار فرج بودن و همچنین خوب و مایه نیکو بودن می باشند.

سپس تمیم بن بهلول می گوید: ابو معاویه از اعمش و او از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام درباره امامت همین مطالب را بی کم و زیاد برای من نقل کرد. (۱) و تا حتی برخی از علمای اهل سنت اسماء آنها را ذکر کرده اند و بخاری و مسلم در صحیح شان که از کتب بسیار معتبر نزد اهل سنت است عددائمه را که دوازده نفر و همگی آنها از قریش اند، آورده اند. (۲)

۱- اختصاص جلد ۲، صفحه ۵۶۵.

۲- صحیح بخاری، جلد ۸، صفحه ۱۲۷.

و اشهد انک حجت الله

«و شهادت می دهم که شما حجت خدایی»

در این فقره از زیارت، شهادت بر ولایت و امامت حضرت بقیة الله علیه السلام جداگانه ذکر شده بجهت اینکه آن حضرت امام این زمان و عصر می باشند و زمان امامت ائمه قبل علیهم السلام به پایان رسیده و حال باید متوجه امام حاضر شد و خود را برای اطاعت و یاریش آماده نمود لذا بعد از اعتراف و شهادت به ولایت ائمه اطهار علیهم السلام، اعتراف و گواهی به حجت زمان، جداگانه ذکر شده است که خود دارای تأکید و اهمیت بیشتری است.

و به همین جهت نیز هست که در روایات برای کسی که متوجه امام زمان علیه السلام باشد و به حضرتش ایمان بیاورد تشویق نموده اند و پاداشهایی در نظر گرفته شده است چنانکه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرمایند:

المقر بالثانی عشر منهم کالشاهر سیفه بین یدی رسول الله صلی الله علیه و آله یدب عنه

یعنی: کسی که به دوازدهمین آنها ایمان بیاورد همانند کسی است که شمشیر کشیده در پیشگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله جهاد می کند و از حضرتش دفاع

می نماید. (۱)

و در روایات شیعه و سنی افرادی که منکر آن حضرت هستند و حاضر نیستند این حقیقت را بپذیرند کافر شمرده شده‌اند و اسلامشان پذیرفته نیست.

چنانکه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: من انکر القائم من ولدی فقد انکرنی (۲)

یعنی: هر کس امام قائم از فرزندانم را منکر شود، در حقیقت مرا منکر شده است

و در روایت دیگر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرمایند:

من اقر بجميع الائمة عليهم السلام و جحد المهدي عليه السلام كان كمن اقر بجمع الانبياء و جحد محمداً صلی الله علیه و آله بنبوته (۳)

یعنی: کسی که به همه امامان عليهم السلام معتقد باشد و حضرت مهدی علیه السلام را رد کند مانند کسی است که همه پیامبران را بپذیرد و رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را رد کند.

با توجه به روایات ذکر شده اهمیت شهادت بر ولایت و امامت حضرت بقیه الله علیه السلام معلوم و روشن می شود لذا باید گواهی و شهادت خاصی بر ولایت و امامت آن حضرت داد و گفت: اشهد انک حجة الله.

۱- بحار الانوار جلد ۵۱، صفحه ۱۴۴.

۲- منتخب الاثر، ص ۴۹۲

۳- منتخب الاثر، ص ۲۲۶.

انتم الاول والاخر

«شما اول (موجود خلقت) و آخر (در اجسام) هستید.»

به این مضمون روایات متعددی وارد شده است و ما برای اینکه شرح و معنای این جمله از زیارت آل یاسین را بیان کنیم، اول روایاتی که در این زمینه وارد شده است ذکر کرده سپس وارد شرح و معنای این جمله می شویم:

۱- در روایتی پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: هنگامی که به معراج رفتم خداوند تبارک و تعالی با من تکلم نمود و فرمود:
یا محمد علی الاول والاخر...

یعنی ای محمد ﷺ (ای رسول ما) علی ﷺ اول و آخر است. (۱)

۲- و در روایت دیگر هنگامی که حضرت رسول ﷺ نماز صبح را به جماعت خواندند روی مبارک خویش را به طرف امیرالمؤمنین علی ﷺ نمودند و فرمودند: به امر خدا و رسولش برو بطرف بقیع...
(در بقیع) خورشید به حضرت علی ﷺ گفت: السلام علیک یا اخ الرسول و

وصیه اشهد انک الاول و الاخر (۱)

یعنی: سلام بر تو ای برادر پیامبر و جانشین او شهادت می دهم که تو اول و آخر هستی

۳- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام هنگامی که در مسجد بصره خطبه ایراد می فرمود، گفتند:

فانا اول و الاخر (۲)

یعنی: من هستم اول و آخر

۴- در روایت دیگری از علی علیه السلام وارد شده است:
نحن الاولون و نحن الآخرون. (۳)

یعنی: ما هستیم از اولین و ما هستیم از آخرین

۵- در روایتی پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: نحن الاولون و نحن الآخرون. (۴)

یعنی: ما هستیم اول و ما هستیم آخر

۶- روایت شده که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روزی در مسجد نشسته بودند و جماعتی هم حضور داشتند، آنها به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردند برای ما سخن بگوئید حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: وای بر شما! کلام من صعب و فهمیدنش سخت است و کسی آن را درک نمی کند مگر عالمان.
گفتند: حتماً برای ما سخن بگوئید (و از حقائق بفرمائید)

۱- بحار الانوار جلد ۳۵، صفحه ۲۷۸.

۲- بحار الانوار جلد ۳۹، صفحه ۳۴۸.

۳- بحار الانوار جلد ۱۵، صفحه ۱۵.

۴- بحار الانوار جلد ۱۵، صفحه ۲۲.

۱۵۲..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

فرمود: با من همراه شوید، آن حضرت داخل منزل شدند پس فرمودند:
انا الذی علوت فقهرت، انا الذی احيى و أمیت، انا الاول و الآخر و الظاهر و
الباطن.

یعنی: منم آن کسی که بلند مرتبه است و به قهر می اندازد، منم که میمیرانم و
زنده می کنم، منم اول و آخر، و ظاهر باطن
آن افراد غصبناک شدند و گفتند: علی علیه السلام کافر شده و بلند شدند که از منزل
خارج شوند حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به «درب منزل» گفتند: بگیر آنها را، آن
افراد نتوانستند از منزل خارج شوند.

سپس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: من نگویم کلام من سخت و
فهمیدنش مشکل است مگر علماء، حال بیایید تا برایتان تفسیر کنم.
آنجا که گفتم انا الذی علوت فقهرت، یعنی من آن کسی هستم که شما را علو و
برتری دادم به شمشیرم، و شما را به قهر در آوردم تا اینکه ایمان به خدا
ورسولش آوردید.

و آنجا که گفتم: انا احيى و أمیت، من آن کسی هستم که سنت را زنده، می کنم
و بدعت را می کشم و میمیرانم.

و آنجا که گفتم: انا الاول و الآخر، من اول کسی هستم که ایمان به خدا آورده و
اسلام را پذیرفتم و من آخر کسی هستم که با پیامبر وداع نمود و در پیراهنش
کفن نموده و به خاک سپرد. و آنجا که گفتم: انا الظاهر و الباطنى، نزد من است
علم ظاهر و علم باطن.

وقتی آن گروه، این (توجیهاً) را از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام شنیدند آرام
گرفتند و گفتند: ما را خوشحال کردی خداوند خیر دهد ترا، اندوه و غم را از

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۱۵۳

ما برطرف کردی.

این عده با شنیدن این کلام حضرتش را تکذیب کردند و نتوانستند حقیقت و معنای آن را درک کنند لذا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و معانی کنائی و مجازی و تأویلاتی بیان می‌کنند و حال آنکه پر واضح است که منظور آن حضرت همین تأویلات و مجازها نبوده و گرنه چه علتی داشت که گوینده‌ای حکیم و بلیغ مثل علی بن ابیطالب علیه السلام که خود ضامن نظم در اجتماع و حفظ خلق از انحراف فکری و عقیدتی است مبادرت به کلماتی کند که ظاهر آن یک عده را مضطرب کند پس یقیناً این تأویلات معنای حقیقی این جملات نبوده است بعلاوه این که حضرتش در ابتداء روایت فرمودند که شما نمی‌توانید کلام مرا درک کنید. پس منظورشان معنای دیگری بوده که برای اهلش که پذیرا باشند روشن می‌شود و آن افرادی که اهل نیستند به همان تأویلات و کنایات اکتفا کنند.

روایات متواتری داریم که می‌فرماید: ائمه اطهار علیهم السلام اول خلق و اول پدیده خلقت می‌باشند مانند این که جابر می‌گوید به پیامبر صلی الله علیه و آله عرض کردم: اول شیئی که خداوند خلق کرد چه بوده؟

فرمود: نورنبیک یا جابر خلقه ثم خلق منه کلّ خیر (۱)

یعنی: نور پیامبر تو ای جابر! سپس از آن نور تمام خیر و خوبیها خلق شد.

در روایت دیگر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

۱۵۴..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

ان الله خلق نور محمد ﷺ قبل خلق المخلوقات كلها. (۱)

یعنی: خداوند نور حضرت محمد ﷺ را قبل از جمیع مخلوقات خلق نمود

و در روایت دیگر دارد که ملائکه گفتند:

انتم الاول ما خلق الله (۲)

شما ائمه اطهار علیهم السلام اول خلق خدا هستید

ابن عباس می گوید: شنیدم پیامبر ﷺ به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود:

يا علي ان الله تبارك و تعالی كان و لا شيء معه فخلقني و خلقك روحين من نور جلاله (۳)

یعنی: ای علی! هنگامی که خدا بود و هیچ مخلوقی با او نبود، روح مرا و تو را از نور جلالش خلق نمود

همچنین در معنای آخر در روایات زیادی ذیل آیه شریفه ۸۸ قصص آمده است که فقط ائمه اطهار علیهم السلام باقی خواهند ماند هنگامی که در صور دمیده می شود:

كل شيء هالك الا وجهه (۴)

یعنی: همه چیز جز وجه خدا، فانی و نیست می شود

۱- بحار الانوار جلد ۲۵، صفحه ۲۴.

۲- بحار الانوار جلد ۱۵، صفحه ۸.

۳- بحار الانوار جلد ۲۵، صفحه ۳.

۴- سوره قصص آیه ۸۸.

و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام (۱)

یعنی: تنها وجه پروردگارت که صاحب جلال و اکرام است، باقی می ماند
ذیل این دو آیه شریفه روایت زیادی هست که خداوند «وجه» خود که به
ائمۀ اطهار علیهم السلام تفسیر شده است، باقی می گذارد و نیست و نابود نمی شوند
و همچنین در این زمینه روایات زیادی در شان آن بزرگواران ذکر شده است
که ذکر آنها بطول می انجامد مثل اینکه خطاب به آن بزرگواران می گوئیم:
ان ذکر الخیر کنتم اوله و اصله و فرعه و معدنه مأوه و منتها

یعنی: هرگاه خیر ذکر شود اول آن و اصل و فرع آن و معدن و مبداء و منتهای
آن شماست.

با توجه به آیات و روایات وارده در این مورد و جوهری را می توان در معنای
«انتم الاول و الآخر» بیان کرد.

وجه اول: پیش از خلقت موجودات که نه زمانی بوده و نه مکانی و نه
پدیده‌ای از پدیده‌های خلقت خدایتعالی انوار مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه
معصومین علیهم السلام را آفرید لذا آنها اول خلقت و اول بنده خدایتعالی می باشند و
هنگامی که ستایشی نبود خدا را ستایش می نمودند و هنگامی که به تقدیسی
امر نشده بود خدایتعالی را تقدیس می کردند و آنها سبب خلقت سایر
مخلوقات گردیدند لذا آنها اول هستند و مقدم بر جمیع عوالم وجود، اعم از
عالم ارواح و عالم ذر و عالم دنیا می باشند و باقی خواهند بود بعد از فناء
عالم وجود اعم از عالم برزخ و عالم قیامت

وجه دوم: یعنی شما اکمل و افضل مخلوق در دستگاه خلقت هستید از

۱۵۶..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

اولین و آخرین کسی به مقام شما نمی‌رسد لذا شما «اول و آخر» هستید.
وجه سوم: شما در بین مخلوقاتِ مکلف اعم از انسان و جن و ملک کاملترین مخلوق مکلف خدا هستید و هیچیک از این مکلفین به منزلت و مقام شما نمی‌رسند لذا شما «اول و آخر» هستید.

وجه چهارم: شما در مقام و مرتبه آدمیت مقدم هستید تا حتی بر انبیاء و اوصیاء الهی پیشی دارید و هیچ انسان و بشری تا حتی انبیاء و اوصیاء و فرستادگان الهی به مرتبه شما نمی‌رسند لذا شما «اول و آخر» هستید.

وجه پنجم: خداوند شما را در مرتبه‌ای و الی خلق نمود و صفات خود از علم و قدرت و کمال و جلال به شما عطا فرمود و شما و ولایتان را مورد امتحان برای تمامی مخلوقات قرار داد و تا حتی در روز قیامت به حکم و قضاوت شما تمام مخلوقات تا حتی انبیاء و اوصیاء وارد بهشت میشوند لذا شما «اول و آخر» هستید.

وان رجعتکم حق لا ریب فیها

«و بازگشت شما به دنیا حق است و شکی در آن نیست»

ان رجعتکم حق

زمان ظهور حضرت بقیة الله علیه السلام «رجعت» شروع می شود به این معنا که عده ای از مؤمنین خالص و عده ای از مشرکین خالص با بدن خاکی دوباره زنده می شوند و به دنیا رجوع می نمایند گروه اول در خدمت آن حضرت به یاری و نصرت می پردازند و گروه دوم به کیفرهای شدیدی می رسند تا هم در دنیا و هم در آخرت مؤاخذه شوند.

رجعت از مسلمیات مذهب اهل بیت علیهم السلام است و اهل سنت منکر آن می باشند و آن را وسیله ای بر طعن شیعه قرار داده اند در حالی که آیات بسیار زیادی وجود دارد که دلالت بر رجعت می کند و ما به جهت اختصار به چند آیه اکتفا می کنیم:

در سوره بقره داستان عزیز را بیان می کند و می فرماید:

عزیز از کنار آبادی عبور می کرد و در حالی که دیوارهای آن فروریخته بود و اجساد و استخوانهای اهل آن در هر سو پراکنده شده بود، از خود پرسید

۱۵۸ تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

چگونه خداوند اینها را پس از مرگ زنده می‌کند؟

خداوند او را یکصد سال میراند، سپس زنده کرد و به او گفت: چقدر درنگ کردی؟

گفت: یک روز یا قسمتی از یک روز.

فرمود: نه یکصد سال بر تو گذشته است. (۱)

در حقیقت رجعت نمونه‌ای از معاد جسمانی است که در سوره یس می‌فرماید:

قال من يحيى العظام وهى رميم (۲)

یعنی: می‌گویند کیست بتواند این استخوانهایی که پوسیده شده و از هم پاشیده شده است را دوباره زنده کند

قل يحيى الذى انشأها اول مرّة وهى بکلّ خلق علم (۳)

بگو در جواب آنها: زنده می‌کند این استخوانهای پوسیده را آن کسی که در اول آنها را خلق کرد و او بهر قسمت خلق کردن دانا و قادر است.

حضرت امام جعفر صادق عليه السلام می‌فرماید:

انّ الرجعة ليست بعامة وهى بخاصة لا يرجع الا من محض الايمان محضا او محض الشرك محضا

یعنی رجعت عمومی نیست بلکه جنبه خصوصی دارد تنها گروهی بازگشت

۱- سوره بقره - آیه ۲۵۹.

۲- سوره یس آیه ۷۸.

۳- سوره یس آیه ۷۹.

می کنند که ایمان خالص یا شرک خالصی دارند. (۱)

و در روایت دیگری امام جعفر صادق علیه السلام می فرمایند:

لیس منا من لم یؤمن بکرتنا

یعنی: از ما نیست کسی که بر جعت ما ایمان نداشته باشد.

البته تمامی ائمه اطهار علیهم السلام رجعت می کنند و بر مسند خلافت و سلطنت

می نشینند و خلق را به سوی کمالات و حقائق سوغ می دهند و رهبری کنند

چنانکه در زیارت جامعه می خوانیم:

معترف بکم مؤمن بایابکم مصدق بر جعتکم

یعنی: من معترف به حقانیت شما هستم و تصدیق و ایمان بر جعت و

بازگشت شما دارم.

و در زیارت وارث امام حسین علیه السلام می خوانیم:

انی بکم مؤمن و بایابکم موقن

یعنی: من به امامت شما ایمان داشته و به رجعت و بازگشت شما یقین دارم.

سید مرتضی رحمته الله که از بزرگان شیعه است چنین می فرماید: خداوند متعال

بعد از ظهور حضرت مهدی علیه السلام گروهی از کسانی که قبلاً از دنیا رفته اند به این

جهان باز می گرداند تا در ثواب و افتخاریاری او و مشاهده حکومت حق بر

سراسر جهان شرکت جویند و نیز گروهی از دشمنان سر سخت را باز می

گرداند تا از آنها انتقام گیرد.

سپس می فرماید: دلیل بر صحت این مذهب این است که هیچ عاقلی نمی

۱۶۰..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

تواند قدرت خدا را بر این امر انکار کند چرا که این مسأله محالی نیست در حالی که بعضی از مخالفان ما چنان این موضوع را انکار می‌کنند که گویی آن را محال و غیر ممکن می‌شمارند (بعد اضافه می‌کند) دلیل بر اثبات این عقیده اجماع امامیه است زیرا احدی از آنها با این عقیده مخالفت نکرده است. (۱)

لا ریب فیها

ریب - یعنی شک، تردید و اضطراب قلب

معنای عبارت زیارت این چنین می‌شود که رجعت شما حق است و واقع خواهد شد و هیچ شک و تردیدی در وقوع آن نیست

حق

حق - این کلمه یکی از اسماء و صفات الهی و به معنای «عدل» نیز می‌باشد به این معنا که تمام اعمال خداوند حق و عدل است لذا بعد از ذکر هر یک از مسائل و مقامات اعتقادی در این زیارت، می‌گوئیم «حق» یعنی عین «عدالت» است. عدل صفتی است که در همه اندامهای وجود گسترده شده است و بر همه قوانین هستی حاکم و سیطره دارد، لذا این زیارت منادی آن است، در این عبارات که کلمه «حق» بعد از آنها ذکر می‌شود در حقیقت از «عدالت» موجود در نظم خلقت و جهان هستی سخن می‌گویید و عدالت آفرینش را بیان می‌کند.

یوم لا ینفع نفساً ایمانها لم تکن امنة من قبل او کسبت فی ایمانها خیراً

یعنی: آن روزی که سود نمی بخشد ایمان کسانی که قبلاً ایمان نیاورده اند یا از ایمانشان بهره نیکو و خوبی نداشته اند.

یوم لا ینفع نفساً

منظور از «یوم» دوران ظهور و حکومت آن حضرت است که در این مدت با دیدن حقائق مثل رجعت و معجزات و نشر معارف و علوم حقه مردم به رشد و تکامل می رسند و حجت بر آنها تمام می گردد و با رشد فکری و عقلی که میابند مطیع و منقاد آن حضرت می شوند.

ولی گروهی با این وجود ایمان نمی آورند ولی چون قدرت و شمشیر آن حضرت را روی سرشان می بینند می گویند ایمان آوردیم، ایمان اینگونه افراد پذیرفته نیست چون ایمانشان از روی بینش و اختیار نیست بلکه از روی ترس و قهر می باشد و در حقیقت ایمان اجباری و اضطراری دارند و چه بسا این افراد منتظر فرصتی هستند که ضربه به حکومت آن حضرت وارد کنند و یا لااقل از وارد شدن ضربت به حکومت آن حضرت خرسند و خوشحال می گردند لذا این عبارت می فرماید باید این گروه قبل از دیدن شمشیر که

۱۶۲..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

کنایه از حکومت و قدرت آن حضرت است بر سرشان از روی بینش و حقیقت ایمان آورده باشند.

او کسبت فی ایمانها خیرا

و یا افرادی که به ظاهر از قبل ایمان آورده بودند ولی از ایمانشان خیری در جهت کسب کمالات و انسانیت، و بهره‌ای نبرده‌اند ایشان نیز همانند افرادی می‌باشند که روح و قلب آنها آلوده به رذائل است و اصلاح‌پذیر نیستند و وجودشان برای جامعه مضر و مفسده‌انگیز می‌باشد این گروه ایمانشان به حالشان نفعی نمی‌بخشد.

این عبارت زیارت برگرفته از این آیه شریفه است که در شأن حضرت بقیة الله ﷺ تفسیر شده است:

یوم یأتی بعض آیات ربک لا ینفع نفساً ایمانها لم تکن امنّت من قبل او کسبت فی ایمانها خیراً قل انتظر و انا منتظران. (۱)

یعنی: آن روز که بعضی از آیات پروردگارت بیاید، ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده‌اند، یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده‌اند سودی به حالشان نخواهد داشت، بگو (اکنون که شما چنین انتظار نادرستی دارید) انتظار بکشید! ما هم انتظار (کیفر شما را) می‌کشیم!

ذیل این آیه شریفه از امام جعفر صادق ﷺ در تفسیر آن وارد شده است که فرمودند: آیات پروردگار امامان ﷺ هستند و آیه منتظره قائم ﷺ می‌باشد، که اگر کسی قبل از قیام او بشمشیر، ایمان نیاورده باشد دیگر ایمان آوردنش

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۱۶۳

سودی نبخشد اگر چه به امامان علیهم السلام پیشین ایمان داشته باشد. (۱)
و همچنین این روایت در تفسیر و شرح این آیه شریفه وارد شده است که
فرمودند:

ای ابابصیر! خوشا به شیعیان قائم علیه السلام ما که در دوران غیبت انتظار ظهور را
بکشند و در روز ظهور فرمان آن حضرت را اطاعت کنند، آنها اولیاء خداوند
هستند و برای آنها ترسی نیست و اندوهناک نمی گردند. (۲)

۱- کمال الدین صفحه ۳۳۶. المحجة فیما نزل فی الحجة صفحه ۶۹.

۲- المحجة فی ما نزل فی الحجة صفحه ۶۹.

وان الموت حق

«و (شهادت می‌دهم) بر اینکه مرگ حق است» همانطور که قبلاً متذکر شدیم «زیارت ال یس» در مقام تثبیت و تبیین اعتقادات صحیح است که از طریق دو ثقل یعنی قرآن و عترت علیهم‌السلام رسیده است.

و از این قسمت وقایعی که در بعد از کلاس دنیا برای افراد بشر رخ می‌دهد بیان می‌گردد که هر فرد مسلمان باید به آنها ایمان داشته باشد و خود را برای رفتن به آن آماده سازد. این را هم تذکر بدهیم شخصی که اعتقاد به این وقایع و مقامات بعد از دنیا نداشته باشد هرگز خود را برای رفتن به آن آماده نمی‌کند پس اول باید به این منازل و مقامات اعتقاد و ایمان داشت و سپس خود را آماده و مهیا نمود و تا وقتی این منازل (مانند معاد جسمانی - رجعت - حشر و نشر...) به همان حقیقتی که «دو ثقل» بیان کرده‌اند نپذیرفت، برای آنها وجود خارجی قائل نمی‌شود بلکه حمل بر معانی می‌گردانند و نتیجه آن می‌شود که بعضی از عرفا و فلاسفه می‌گویند که خارج از معارف قرآن و عترت علیهم‌السلام است.

(حدیث مجمل گفتم تو حدیث مفصل بخوان از این مجمل)
لذا زیارت آل یاسین یک یک این منازل و مقامات پس از مرگ را با تصریح ذکر می کند و می فرماید: «حق» یعنی تمام این منازل و مقاماتی که «قرآن و عترت» فرموده اند حقیقت دارد و آنها را پذیرفتم و خلیفه پروردگار را بر این اعتقاد شاهد و گواه گرفتم.

ان الموت حق

یکی از این مقامات و حقائق «مرگ» است چنانکه قرآن می فرماید:
کل نفس ذائقة الموت (۱)

یعنی: هر انسانی مرگ را می چشد

و یا این که در سوره جمعه می فرماید:

قل ان الموت الذی تفرّون منه فانه ملا قیکم (۲)

یعنی: بگو مرگی که از آن فرار می کنید سرانجام با شما ملاقات خواهد کرد

امام محمد باقر علیه السلام می فرماید از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسیدند: کدام یک از مؤمنان زیرکتر است؟

فرمود: آن که بیشتر از همه مرگ را یاد کند و آمادگی اش برای آن شدیدتر باشد. (۳)

در روایت دیگر از امام محمد باقر علیه السلام سؤال شد مرگ چیست؟

فرمود: مانند خوابی است که همه شب به سراغ شما می آید جز این که

۱- سوره عنکبوت آیه ۵۷.

۲- سوره جمعه آیه ۸.

۳- کافی جلد ۳، صفحه ۲۵۷.

۱۹۹..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

مدتش طولانی است و تا روز قیامت از آن بیدار نمی شوید، برخی از انسانها اقسام شادیهایی را که نمی توان آنها را اندازه گیری کرد در خواب می بینند و برخی انواع ترس و بیماریهای را که نمی توان اندازه آنها را تعیین کرد در خواب مشاهده می کنند، پس چگونه خواهد بود حالت شادی و ترس آنها در مرگ، این است مرگ که باید برای آن آماده شوید (۱)

به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردند: مرگ را برای ما توصیف کنید فرمود آن برای مؤمن مانند پاکیزترین بوی خوش است که استشمام می کند، به سبب آن بوی خوش به خواب می رود و همه دردها و رنجها از او برطرف می شود. (۲)

۱- معانی الاخبار صفحه ۲۸۹.

۲- محجة البيضاء جلد ۸، صفحه ۳۰۶.

وان ناکراً و نکیراً حق

«و در فرشته پرسشگر در قبر حق است»

یکی از منازل و مقاماتی که انسان پس از مرگ در پیش دارد «سؤال و جواب» در قبر است به این معنا که دو ملک که به آنها «ناکر و نکیر» گفته می شود بر میت در قبر نازل می شوند و از میت سؤال کنند از خدایش، پیامبرش، امامش و کتابش اگر جواب درست و به حق داد او را تسلیم به ملائکه نعیم می کنند و اگر جواب درست و بحق نباشد او را تسلیم ملائکه عذاب می کنند.

در این زمینه روایات زیادی وارد شده است مانند:

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

از شیعه ما نیست هر که انکار کند سه چیز را معراج، سؤال در قبر و شفاعت را (۱)

حضرت امام سجاده علیه السلام می فرمایند:

دو ملک نکیر و منکر اول چیزی که سؤال می کنند از خداوندی است که او را پرستش می کردی و از پیامبری است که به دین او عمل می کردی و از کتابی

۱۶۸..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

است که آن را تلاوت می‌کردی و از امامی است که به او اقتدای می‌کرد. (۱)
در روایت دیگری آمده است

آن دو ملک به هیبت هولناک بیایند، صدای ایشان مثل رعد غرند و چشمهایشان مثل برق خیره کننده، سؤال کنند که پروردگار تو کیست؟ پیغمبرت کیست؟ دنیست چیست و نیز سؤال از امام و ولایت کنند. (۲)
حضرت امام و موسی بن جعفر علیهما السلام می‌فرمایند:

وقتی مؤمنی می‌میرد هفتاد هزار فرشته او را تا قبرش مشایعت می‌کنند و هنگامی که داخل قبرش می‌گذارند «منکر و نکیر» بر او وارد شده او را می‌شناسند و به او می‌گویند؟ پروردگار تو کیست؟ دین تو چیست؟ پیامبر تو کیست؟

سپس در جواب می‌گوید: پروردگار من «الله» است و حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبرم و اسلام دینم می‌باشد آنها قبرش را تا آنجا که چشمش کار می‌کند می‌کشایند و برایش غذای بهشتی می‌آورند و روح و ریحان بر او عرضه می‌کنند و این همان سخن خداوند است که فرمود:

و اما ان كان من المقربين فروح و ريحان و جنت نعیم (۳)

یعنی: پس اگر او از مقربان باشد در راحتی و بهشت پر نعمت است و «جنت النعیم» را در آخرت به او عطا می‌کنند (آنگاه حضرت ادامه داده می‌فرمایند): وقتی کافر می‌میرد هفتاد هزار از ملائکه عذاب (زبانیه) او را تا

۱- امالی صدوق، صفحه ۳۰۱.

۲- بحار جلد ۲، صفحه ۲۶۱.

۳- سوره واقعه - آیه ۸۸

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۱۶۹

قبرش مشایعت می کنند و او همواره حاملین جنازه اش را به صدایی که تمام ملکوتیان بجز انس و جن می شنوند، قسم می دهد و می گوید اگر یکبار دیگر به من فرصت داده شود مؤمن می شوم و می گوید:

ارجعون لعلی اعمل صالحاً فیما ترکت

یعنی: مرا بازگردانید تا آنچه که ترک کردم (و کوتاهی نمودم) از اعمال صالح، انجام دهم. زبانیة (یعنی ملائکه عذاب) به او جواب می دهند:

کلاً انما کلمة هو قائلها

یعنی: هرگز! این سخن است که او بزبان جاری می کند

فرشته ای به همه فرشتگان ندای دهد: اگر به دنیا برگردد همان کارهایی که قبلاً کرده بود از سر می گیرد.

البته بد نیست این مطلب را نیز تذکر بدهیم که آن دو فرشته ای که برای سؤال و جواب وارد قبر می شوند برای مؤمنین و اهل تزکیه نفس «بشیر و مبشر» نام دارند به این معنا که با صورتهای بسیار زیبا و دل انگیز بر مؤمنین وارد می شوند و به آنها بشارت نجات و نعمتهای ابدی خدایتعالی را می دهند.

و به همین مطلب دعائی که روزهای ماه رجب مستحب است خوانده شود اشاره کند و می فرماید:

و ادراعنی منکراً و نکیراً و ارعینی مبشراً و بشیراً

یعنی: (بارالها در قبر) نیکرو منکر را از من دفع کن و دو فرشته مبشر و بشیر را به چشم من بنما.

و اشهد ان النّشر حق

«شهادت می‌دهم که زنده شدن و منتشر شدن (در صحرای محشر) حق است»

النشر حق

نشر و انتشار - به معنای پراکنده کردن، پخش نمودن و گسترده شدن، گسترده شدن (لازم و متعددی آمده است). در اینجا نشر به معنای برانگیختن مردگان و انتشار و پخش کردن آنها در پهنه صحرای محشر است. و به همین معنا پخش و نشر، سوره قمر اشاره می‌نماید و می‌فرماید:

خشعاً ابصار هم یخرجون من الاجداث کانهم جراد منتشر^(۱)

یعنی: در حالی که چشمهایشان (کافران) از شدت وحشت به زیرافتاده همانند ملخهایی پخش می‌شوند.

تشبیه به ملخ از این باب است که انبوه ملخها چگونه در صحرائی و مکانی پخش می‌شوند و هر کدام می‌خواهد به راهی و مکانی برود، انسانها نیز در صحرای محشر پخش و پراکنده می‌شوند.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۱۷۱

و در سوره فرقان می فرماید:

لا یملکون موتاً و لا حیاتاً و لا نشوراً^(۱)

یعنی: (انسان) مالک مرگ و حیات و نشر و پراکنده شدن در صحرای محشر، نمی باشد

در این آیه شریفه منظور از موت همان مرگ است و منظور از حیات زنده شدن پس از مرگ، و منظور از نشور پراکنده شدن در صحرای محشر می باشد و در دعا راجع به نشر چنین آمده است.

اسألك بالقدرة التي بها تنشر ميت العباد

یعنی: خدایا تو را می خوانم به قدرتی که بوسیله آن مردگان را نشر و پراکنده می گردانی

و در دعای سمات می خوانیم:

اللهم انی اسئلك باسمک العظیم الاعظم الاعزالاجل الاکرم و الذی.. اذا دعیت به علی الاموات للنشور انتشرت

یعنی: خدایا از تو درخواست می کنم به نام بزرگ (آن نامی که) بزرگتر و با عزت و جلال و گرامی است آن.. هنگامی که بخوانی بر مردگان برای نشور همه زنده شده و پراکنده می شوند.

فرق حشر و نشر

منظور از حشر، محشر شدن انسانها بایکدیگر در صحرای محشر است ولی نشر یعنی خداوند آنها را حسب موقعیت و مقامی که بوسیله ایمان و کفر

۱۷۲..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

کسب کرده‌اند دسته دسته و گروه گروه در صحرای محشر پراکنده می‌سازد و هر کس در جایگاه و مکان مخصوصی اسکان داده می‌شود تا به حساب و کتاب وی رسیدگی شود مثل «اعراف» که محلی و مکان فراخی است که عده‌ای از یاران و دوستان امیرالمؤمنین علیه السلام در آن قرار می‌گیرند.

و به همین جهت یعنی فرق بین «حشر» و «نشر» است که در این زیارت هر کدام جداگانه ذکر شده‌اند. لذا ترتیب عقبات و منازل پس از مرگ اینگونه می‌باشد: بعث، حشر، نشر.

یعنی اول زنده شدن (بعث) و سپس محشور شدن در صحرای محشر (حشر) و سپس پراکنده شدن در صحرای محشر (نشر) می‌باشد.

و البعث حق

«و برانگیخته شدن و خروج از قبر حق است»

البعث حق

البعث از ماده «بعث بعثاً» برانگیختن و بیدار کردن و زنده نمودن می باشد. معاد جسمانی که انبیاء جامعه بشری را به اعتقاد به آن دعوت فرموده اند یکی از ضروریات دین از نظر اسلام به شمار می رود و منکر آن کافر و خارج از زمره مسلمین محسوب می شود که همان «بعث» و معاد جسمانی و حشر بدنی است، یعنی انسان که برگزیده مخلوقات و سَنبل بر جهان هستی است مرکب از بدن و روح می باشد و پیش از آنکه به صورت کنونی در آید روح و بدن وی خلق شده و بهمدیگر ترکیب یافتند منتهی بدن بطور «ذر» بود که بعد از گذراندن مراحل به صورت کنونی در آمد و رسید به مرحله ای که یک انسان کامل دارای عقل و شعور و سایر شرایط تکلیف شده و بعد از گذراندن آزمایش و امتحان در این دنیای خاکی با حلول مرگ، زندگی در این عالم خاتمه می یابد و روح از بدن خارج می گردد و از عالم ماده تجرد حاصل می نماید و به قالب مثالی درمی آید و وارد عالم برزخ می شود.

به حیات و فعالیت خود در این عالم (برزخ) ادامه می دهد بی آنکه به جسم مادی و خاکی نیاز داشته باشد. این عالم تا قیامت کبری یعنی لحظه ای که با نفخ صور اولی همه برزخیان نیست و فانی می شوند، ادامه دارد و با نفخه صور دوم است که ارواح با همان صورت به طرفه العینی به جسمی که با عناصر جسم مادی قبل از برزخ بوده، تعلق می گیرد و این تکوین جسم انسان در لحظه قیامت به سرعتی غیر قابل بیان و تصور صورت می گیرد و هیچگونه گذشت زمان و سیر تدریجی را نمی طلبد چنانکه قرآن می فرماید:

و ما امر الساعة الا کلمح البصر و هو اقرب (۱)

یعنی: امر قیامت و زنده شدن، همانند چشم بر هم زدن و از آن نزدیکتر رخ می دهد

قرآن مثالهای متعددی برای بعث و معاد جسمانی برای بشر بیان فرموده مثل زنده شدن پرندگان در دست حضرت ابراهیم علیه السلام و زنده شدن عزیز و اصحاب کهف و زنده شدن بعضی از انسانها در زمان ظهور امام زمان علیه السلام و رجعت.

و از روایات و آیات چنین استفاده می شود که انسان با تمام خصوصیات شخصیش و موجودیتش مبعوث می گردد، یعنی با همان ملکات و صفات روحی و همان جسم خاکی و اعضاء و جوارح اولیه که در دنیا بوده، روح به همان دمیده می شود و قرآن در این زمینه می فرماید:

أیحسب الانسان ان نجمع عظامه، بلی قادرین علی ان نسوی بنانه (۲)

۱- سوره نحل آیه ۷۷.

۲- سوره قیامت آیه ۳.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۱۷۵

یعنی: آیا انسان می‌پندارد که (نمی‌توانیم استخوانهایش را جمع کنیم، آری (نه تنها برایین قادریم بلکه) حتی بر درست کردن خطوط سرانگشتانش نیز قادریم.

در سوره حج می‌فرماید:

و ان الله يبعث من في القبور^(۱)

یعنی: و خداوند تمام کسانی را که در قبرها هستند زنده می‌کند آیات بسیار زیادی در قرآن موجود می‌باشد که دلالت بر بعثت و معاد جسمانی دارد که به جهت اختصار از ذکر آنها صرف نظر می‌کنیم و در این قسمت روایتی را که بشارت به دوستان و شیعیان امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان پاکش دارد ذکر می‌کنیم

ابوسعید خدری می‌گوید:

از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که به علی علیه السلام می‌فرمود:

یا علی به تو بشارت می‌دهم و تو هم به شیعیانت بشارت بده که بر شیعه تو نه بهنگام مرگ و نه در تنهایی قبر و نه در ماتم سرای محشر هیچ حسرت و اندوهی نیست انکار که هم اکنون (آنها را می‌بینم که از قبرهایشان مبعوث شده و خارج می‌شوند و خاک‌ها را از سرو صورتشان می‌تکانند و می‌گویند: الحمد لله الذی اذهب عنا الحزن^(۲))

یعنی: حمد و ستایش برای خداوندی است که اندوه و حزن را از ما برطرف ساخت

۱- سوره حج - آیه ۷.

۲- سوره فاطر - آیه ۳۴.

وان الصراط حق

«و بتحقیق که صراط حق است»

الصراط الحق

صراط - به معنای طریق و راه می باشد.

پس از مواقف «حشر و نشر» مردم به سوی «صراط» رانده می شوند، صراط راه یا پلی است که بر روی جهنم کشیده شده و در روایات دارد که برای بعضی از شمشیر تیزتر و از موی باریکتر می شود.

هر کسی در دنیا به راه راست و شریعت مقدس اسلام بوده و از صراط مستقیم دین منحرف نشده، عبور از صراط آخرت برای او آسان است و به نجات و به رستگاری و فلاح می رسد، و هر کس در این دنیا از راه راست منحرف شده و در آن استقامت نورزیده و نفس خود را به رذائل اخلاقی آلوده کرده باشد در نخستین قدم از صراط می لغزد و به دوزخ می افتد.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

مردم که از صراط می گذرند چند دسته اند و صراط از مو باریکتر و از شمشیر تیزتر است دسته ای مانند برق و بعضی مانند دویدین، گروهی بر روی سینه

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۱۷۷

و دستها و برخی با پا از آن می‌گذرند و دسته‌ای آویخته به آن عبور می‌کنند در حالی که آتش بخشی از بدن آنها را می‌سوزاند و بخشی را رها می‌کند. (۱)

حضرت پیامبر ﷺ به علی علیه السلام فرمود:

ای علی! چون روز قیامت شود من و تو و جبرئیل را بر صراط می‌نشانند و کسی از آن که که عبور نمی‌کند مگر آن که بادوستی تو برائت (از آتش) به همراه داشته باشد. (۲)

در روایات زیادی صراط به ولایت و متابعت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه اطهار علیهم السلام تفسیر شده است و هرکس که از این صراط متابعت کند و صد درصد خود را در جهت آن قرار دهد در صراط آخرت در نهایت آسانی و راحتی از آن می‌گذرد و مانند برق جهنده، از آن عبور می‌کند و هرکس از این صراط عدول کند و میل به باطل نموده و خود را آلوده به پلیدیها کرده باشد به دشواری از آن می‌گذرد و نهایتاً به جهنم سرازیر می‌شود.

۱- محجة البیضاء جلد ۸، صفحه ۴۰۱.

۲- معانی الاخبار صفحه ۳۵.

و المرصاد حق

«و (گواهی می‌دهم) که مرصاد حق است»

المرصاد حق

مرصاد از ماده «رصد» گرفته شده و به معنای مراقبت کردن و چیزی را زیر نظر گرفتن و نیز به معنای مراقب و مراقبت شده آمده است (کمین کردن و کمین کننده).

و همچنین «مرصاد» به معنای اسم مکان نیز آمده است و به مکانی که مخصوص کمین است گفته می‌شود که یکی از خصائص پروردگار است که قرآن می‌فرماید:

ان ربك لبالمرصاد^(۱)

یعنی: بتحقیق پروردگار تو در کمینگاه است

و به همین معنا (کمین کننده) است آیه که می‌فرماید:

ان الله كان عليكم رقيباً^(۲)

۱- سوره فجر - آیه ۱۴.

۲- سوره نساء - آیه ۱.

یعنی: خداوند مراقب شما است

و در جای دیگر می فرماید:

وكان الله على كل شيء رقيباً^(۱)

یعنی: و خداوند مراقب هر چیز است

لذا در دعای کمیل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید:

و كنت انت الرقيب على من ورائهم و الشاهد لما خفي عنهم

یعنی: تو پس از آنان (ملائکه موکل)، در کمین من می باشی و گواه بر آنچه از

آنها پوشیده مانده، هستی

لذا خداوند در «مرصاد» است یعنی در کمین است هیچ چیز از اعمال عباد از

او فوت نمی شود و به تمام افعال و احوال خلق آگاه است و در منظر دید او

می باشد.

و معنای دیگر مرصاد: پلی است در روز قیامت که بر روی صراط قرار گرفته

شده است و هر کسی بر گردن مظلّمه‌ای داشته باشد نمی تواند از روی آن

عبور کند چنانکه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

(مرصاد) هي قنطرة على الصراط لا يجوزها عبد بظلمة

یعنی: (مرصاد) پلی است بر روی صراط که هیچ بنده‌ای که مظلّمه‌ای بر ذمه

داشته باشد، نمی تواند از روی آن عبور کند.^(۲)

مظلّمه یعنی حق الناسی که بغیر حق اخذ شده باشد.

۱- سوره احزاب - آیه ۵۲.

۲- برهان جلد ۲، صفحه ۴۵۸.

والمیزان حق

«میزان و ترازوی سنجش اعمال حق است»

المیزان حق

میزان - از ماده «وزن» بمعنای سنجش و اندازه گیری می باشد.

میزان وسیله سنجش است و محاسبه و رسیدگی به امور خلاق بدون میزان معنا ندارد زیرا باید الگو و معیاری وجود داشته باشد تا بر اساس آن روحيات و اعمال انسانها محاسبه شود و بر طبق آن مجازات یا پاداش داده شوند.

چنانکه قرآن از «میزان» در روز قیامت خبر می دهد و می فرماید:

نضع الموازين القسط يوم القيامة فلا تظلم نفس شيئاً وان كان مثقال حبة من خردل
أتینها بها و كفى بنا حاسبين^(۱)

یعنی: ما ترازوهای عدل را در روز قیامت برپا می کنیم، و به هیچ کس کمترین
ستمی نمی شود و اگر به مقدار سنگینی یک دانه خردل (کار نیک و بدی)
باشد ما آن را حاضر می کنیم، و کافی است که ما حساب کننده باشیم^(۲)

۱- سوره انبیاء - آیه ۴۷.

۲- سوره انبیاء - آیه ۲۷، ۴۹.

و در سوره اعراف می فرماید:

و الوزن يومئذ الحق فمن ثقلت موازينه فاولئك المفلحون^(۱)

یعنی: وزن کردن (اعمال) در آن روز حق است، کسانی که میزانهای عمل آنها سنگین است، رستگارانند

با وجود میزان در حق کسی ظلم نمی شود و بر اساس آن، سنجش صورت می گیرد و هر کس کفه ترازویش سنگین از خوبیها شد آن شخص ممدوح و متنعم است چنانکه آیات قبل که این معنا را در برداشت و همچنین سوره القارعة که می فرماید:

فاما من ثقلت موازينه فهو عيشة راضية؟^(۲)

یعنی: هر کسی که (در آن روز) ترازوی اعمالش سنگین است. در یک زندگی خشنود کننده خواهد بود

در روز قیامت میزانی که با آن خلائق سنجیده می شوند، امام علیه السلام است و هر کس به اندازه ای که اعمال و صفات روحیش به امام علیه السلام تطبیق داشته باشد از حق برخوردار است و هر اندازه که از آن حضرت دور باشد و اعمالش با او تطبیق نداشته باشد در باطل قرار دارد.

و حضرت امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه «نضع الموازين القسط» می فرمایند:

ما در روز قیامت موازین قسط را برقرار می کنیم.

و فرمودند: این موازین همان انبیاء و اوصیاء هستند.

۱- سوره اعراف - آیه ۸.

۲- سوره القارعه، آیه ۷، ۶.

۱۸۲..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

و در روایات دیگر در تفسیر موازین القسط از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

الرسول و الائمه من آل محمد صلی الله علیه و آله

یعنی: منظور پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام از اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله می باشند. خلاصه این که میزان در روز قیامت وجود مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله و علی بن ابیطالب علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام و فرزندان معصومان علیهم السلام می باشند که تمام اعمال بر اساس آنها اندازه گیری می شود و هر فردی که با آنها از نظر روحی سنخیت بیشتری داشته باشد به همان اندازه به خداوند نزدیکتر بوده و مشمول رحمت و انعام ذات احدیت می گردد.

والحشر حق

«و (گواهی می‌دهم که) حشر حق است»

والحشر

حشر - به معنای جمع کردن اخراج نمودن و گرد آوردن آمده است. پس از ورود انسان به عالم برزخ با دو نفخه (إماتة و احیاء) مرگ و حیات جمیع موجودات تحقق می‌پذیرد و با نفخه دوم هر انسانی بعد از «بعث» و زنده شدن، ناگهان خود را در جایی می‌بیند که نه گوهی دارد و نه دره و دریایی و نه درختی و نه گیاهی و نه خانه و آشیانه‌ای، صحرایی بی‌کران و بزرگ از وجود انسانها موج می‌زند.

با کمک آیات و روایات تصویری از این عالم عجیب بدست می‌دهیم چون طبیعت هر انسانی این است که آنچه را ندیده و به آن انس نگرفته، نمی‌تواند خود بخود به آن پی ببرد مثلاً اگر حیوان درنده‌ای با خصوصیاتش مانند شیر را اگر ندیده باشد خود بخود نمی‌تواند به آن پی ببرد مگر اینکه شخصی که از آن علم دارد و آن را دیده برای وی بازگو کند، عوالم بعد از حیات دنیوی نیز این چنین می‌باشد که منازل و مقامات از شگفتیهای قیامت و بعد از حیات

دنیا، را چون ندیده و نمی داند باید برای او بازگو شود تا به آن ایمان آورد و خود را مهیّا برای ورود به آن سازد لذا زیارت آل یاسین در صدد بیان این منازل و عقبات است و در صدد تصحیح عقائد نیز می باشد، و ما به این جهت به آیات و روایات رجوع می کنیم: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: وقتی روز قیامت فرا رسد خداوند همه انسانها را در بیابانی گرد آورد در حالی که آنها پا برهنه و عریانند و در صحرای محشر متوقف می شوند بحدی که دچار عرقی شدید می گردند تا آنجا که نفس کشید نشان دشوار می شود. (۱)

و در روایت دیگری حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مثالی برای صحرای محشر می زنند و می فرمایند: مثل انسانها که در روز قیامت (در صحرای محشر) در پیشگاه حضرت حق می ایستند، مثل تیرهای بهم چسبیده، در تیر دان است و برای هر انسان زمینی جز موضعی که در آن قدم نهاده است وجود ندارد یعنی نمی تواند از آنجا به جای دیگر نقل مکان کند. (۲)

آیات قرآن نیز عقبه محشر را تأیید و بیان می کند چنانکه در سوره «ق» می فرماید:

ذَلِك حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ (۳)

یعنی: این حشر و جمع کردن برای ما آسان است
و در سوره آل عمران می فرماید:

۱- بحار الانوار جلد ۷، صفحه ۱۰۱.

۲- بحار الانوار جلد ۷، صفحه ۱۱۱.

۳- سوره ق، آیه ۴۴.

و لئن متم او قتلتم لإلی الله تحشرون (۱)

یعنی: اگر بمیرید یا کشته شوید به سوی خدا محشور می شوید.

و در سوره طه می فرماید:

و یوم ینفخ فی الصور و نحشر المجرمین یومئذ ذرقات (۲)

یعنی: همان روزی که در صور دمیده می شود و مجرمان را با بدنهای کبود، در

آن روز، حشر و جمع می کنیم.

و در سوره بقره که سه منزل از منازل و عقبات بعد از مرگ «موت، بعث، و

حشر» را بیان می کند و می فرماید:

کیف تکفرون بالله و کنتم أمواتاً فاحیاکم ثم یمیتکم ثم یحییکم ثم الیه ترجعون (۳)

یعنی: چگونه به خداوند کافر می شوید در حالی که شما مردگان بودید، و او

شما را زنده کرد، سپس شما را می میراند و بار دیگر شما را زنده می کند،

سپس به سوی او بازگردانده می شوید.

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۵۱.

۲- سوره طه، آیه ۱۰۲.

۳- سوره بقره، آیه ۲۸.

و الحساب حق

«و حسابرسی (اعمال و کردارها) حق است»

و الحساب حق

حساب از ماده «حسب حساباً» به معنای شمردن و حساب و اندازه گرفتن آمده است.

یکی دیگر از مواقف و عقباتی که پس از مرگ برای هر انسانی وجود دارد موقف حساب است که به تمام اعمال انسانی از ریز و درشت رسیدگی می شود و با اصطلاح مور را از ماست جدا می کنند چنانکه قرآن می فرماید:

يا بَنِي آدَانِآن تَك مَثَقَال حَبَة مَن خَرَدَل فَتَكُن فِ صَخْرَة اَو فِ السَّمَوَاتِ و اَو فِ الْاَرْضِ يَات بِهَالله (۱)

یعنی: پسر! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کارنیک یا بد) باشد و در دل سنگی و یا در (گوشه ای از) آسمانها و زمین باشد، خداوند آن را می آورد و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای می فرماید:

از نفوس، از وزن یک دانه خردل هم سؤال خواهد شد.

و در سوره غاشیه راجع به حساب در روز قیامت می فرماید:

و ان الینا ایا بهم - ثم ان علینا حسابهم (۱)

یعنی: بازگشت (همه) آنها به سوی ماست - و مسلماً حسابشان با ماست.

و در سوره بقره می فرماید:

ان بتدو اما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به الله فیغفر لمن یشاء و یغذّب من یشاء و

الله علی کلّ شیءٍ قدیر (۲)

یعنی: اگر آنچه را در دل دارید، آشکار سازید یا پنهان نمائید، خداوند شما را

بر طبق آن محاسبه می کند و هر کسی را بخواهد می بخشد و هر کسی را

بخواهد مجازات می کند و خداوند به همه چیز قدرت دارد

حضرت رسول ﷺ راجع به حساب در روز قیامت می فرمایند:

در روز قیامت بنده خدا قدم از قدم بر نمی دارد تا اینکه از او درباره چهار چیز

سؤال شود از عمرش که در چه چیزی صرفش کرده؟ و از جوانیش که آن را

چگونه بسر آورد؟ و از مالش که از کجا کسب کرده و در چه چیزی خرجش

نموده؟ و از محبت ما اهل بیت ﷺ (۳)

همچنین حضرت رسول در روایت دیگری می فرمایند:

اولین سؤالی که از عبد می شود محبت ما اهل بیت رسالت است (۴)

و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در تفسیر این آیه:

۱- سوره غاشیه - آیه ۲۵، ۲۶.

۲- سوره بقره، آیه ۲۸۴.

۳- بحار الانوار جلد ۷، صفحه ۲۵۸.

۴- بحار الانوار جلد ۷، صفحه ۲۶۰.

ان السمع و البصر و الفواد کل اولئک کان عنه مسؤولاً^(۱)

فرمودند: همانا گوش و چشم و قلب همگی مورد سؤال قرار می‌گیرند و از گوش سؤال می‌شود که چه شنیدی و از چشم سؤال می‌شود چه دیدی و از قلب سؤال می‌شود که به چه چیزی اعتقاد پیدا نمودی (و به چیزی دل بست) (۲)

این مطلب را متذکر شویم که در روز قیامت محاسبه یکسان نبوده بلکه هر فردی بر حسب عقل و درک و فهمش مورد حساب قرار می‌گیرد چنانکه امام محمد باقر علیه السلام می‌فرمایند:

همانا مذاقه خداوند در حسابرسی از بندگان در روز قیامت به اندازه عقل آنها در دنیا است. (۳)

۱- سوره اسراء، آیه ۳۶.

۲- بحار الانوار جلد ۷، صفحه ۳۱۳.

۳- بحار الانوار جلد ۷، صفحه ۲۷۳.

والجنة والنار حق

«بهشت و جهنم حق می باشند»

الجنة، بهشت، محل زندگی پاکان در قیامت است.

النار، آتش، شعلة محسوس، به حرارت و آتش جهنم «نار» گفته می شود یکی دیگر از منازل و حقائقی که باید به آن معتقد بود بهشت و جهنم است که حالا وجود دارد و خداوند آنها را خلق نموده و برای بندگانش مهیا نموده است و اینطور نیست که بعضی از فلاسفه یا عرفا می گویند چنانکه «جنت و نار» را بر معانی دیگری، حمل کرده و یا بعضی قائلند هنوز خلق نشده است بلکه با ضرس قاطع باید معتقد بود آنها خلق شده و هم اکنون وجود دارند، و بزرگترین دلیل بر خلق و وجود آنها آیات قرآن است و همچنین روایات متواتری که وجود دارد.

مخفی نماند اگر بخواهیم بطور متصل راجع به «جنت» و «جهنم» دلیل آورده و سخن بگوئیم باید صدها آیه و روایت را نقل کنیم ولی ما به چند آیه و روایت اکتفا می کنیم تا این شرح و نوشته بطول نینجامد.

از لفت الجنة للمتقين (۱)

یعنی: بهشت نزدیک و مقدم داشته شد برای متقین

و لقد راه نزلةً اخرى، عند سدرۃ المنتهى عندها جنة المأوى. (۲)

یعنی: بار دیگر او را مشاهده کرد - نزد سدرۃ المنتهى - که جنة المأوى در آنجاست

هو الذى انشأ جنات معروشات و غیر معروشات (۳)

یعنی: اوست که بهشتهائی معروش (که درختانش روی داریست)ها قرار دارد

و بهشتهائی غیر معروش (که درختانش نیاز به داریست ندارد) آفرید

اعد الله لهم جنات (۴)

یعنی: خداوند برای آنها بهشتهائی فراهم ساخته

ان للمتقين عند ربهم جنات النعيم (۵)

یعنی: مسلماً برای متقین نزد پروردگارشان بهشتهائی است

و النار

در قرآن در سوره دهر می فرساید «اعتدنا» یعنی مهیا و آماده نمودیم که

دلالت بر خلق و ایجاد آنها دارد.

انا اعتدنا للكافرين سلسلاً و اغلاًلاً و سعيراً (۶)

۱- سوره شعراء، آیه ۹۰.

۲- سوره نجم، آیه ۱۵ و ۱۴ و ۱۳.

۳- سوره انعام، آیه ۱۴۱.

۴- سوره توبه، آیه ۸۰.

۵- سوره قلم، آیه ۳۴.

۶- سوره دهر، آیه ۴.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۱۹۱

یعنی: ما برای کافران، زنجیرها و غلها و شعله‌های سوزان آتش مهیا کرده‌ایم
و اعتدنا لهم عذاب السّعیر^(۱)

یعنی: برای کافران عذاب جهنم آماده کردیم
انا اعتدنا للظالمین ناراً احاط بهم سراقها^(۲)

یعنی: ما برای ستمگران آتشی آماده کرده‌ایم که سراپرده‌اش آنان را از هر سو
احاطه کند

پیامبر ﷺ فرمود: یا علی همانا جبرئیل به من خبر داد که امت من بعد از من
به تو خیانت می‌کنند، پس «ویل» بر آنها باد، «ویل» بر آنها باد، «ویل» بر آنها
باد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید سؤال کردم: «ویل» چیست؟

فرمود: نام وادی است که در جهنم که بیشتر اهل آن از دشمنان و قاتلین ذریه
من و بیعت شکنان تو هستند.^(۳)

حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود: دوزخیان (جهنمیان) به سبب عذابهای
دردناکی که بر آنها وارد می‌شود مانند سگها و گرگها عوعو می‌کنند تو چه
گمان داری درباره گروهی که فرمان مرگ آنها صادر نمی‌شود و عذاب آنها
تخفیف داده نمی‌شود، چون آنها در جهنم تشنگان و گرسنگانی خواهند بود
که چشمانشان نمی‌بیند و کرو گنگ و کورند و رویهایشان سیاه است،
طردشدگان به دوزخند و پشیمان از کردار خویشند، آنها مورد ترحم قرار

۱- سوره ملک، آیه ۵.

۲- سوره کهف، آیه ۲۹.

۳- بحار الانوار جلد ۸، صفحه ۳۱۲.

۱۹۲..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

نمی گیرند و از عذابشان تخفیف داده نمی شود در آتش دوزخ شعله ور می شوند و از آب جوشان می نوشند و از زقوم می خورند، با انبر آتش در هم شکسته و با گرزهای آهنین کوبیده می شوند و فرشتگان غلاظ و شداد به آنها رحم نمی کنند. آنها بر صورتهایشان به سوی آتش جهنم کشیده می شوند، و با شیاطین همنشین می گردند و در قید غل و زنجیرها مقید و مغلول میشوند، اگر دعا کنند اجابت نمی شود و اگر حاجتی را مسألت کنند برآورده نمی گردد، این است حالت کسانی که وارد دوزخ می شوند. (۱)

هر وی که یکی از اصحاب حضرت امام رضا علیه السلام است به آن حضرت عرض می کند: یا بن رسول الله! درباره بهشت و جهنم به من خبر دهید آیا آن دو هم اکنون خلق شده اند؟

امام علیه السلام فرمود: آری رسول خدا صلی الله علیه و آله زمانی که به معراج رفتند داخل بهشت شدند و جهنم را هم دیدند

عرض کرد: عده ای می گویند بهشت و جهنم مقدر هستند و روزی آفریده می شوند و اکنون خلق نشده اند.

امام علیه السلام فرمود: آنها از ما نیستند و ما هم از آنها نیستیم کسی که آفرینش فعلی بهشت و جهنم را انکار می نماید همانا پیامبر خدا صلی الله علیه و آله را انکار نموده و ما را تکذیب کرده و بر ولایت ما نیست و در آتش جهنم مخلد خواهد بود. (آنگاه به آیه ای از آیات قرآن استناد می فرمایند:)

هذه جهنم التي يكذب بها المجرمون (۱)

یعنی: این همان دوزخی است که مجرمان آن را انکار می‌کردند (۲)

در حدیث معراج پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمایند:

آنگاه که مرا به آسمان بردند، داخل بهشت شدم سپس در آنجا ملائکی دیدم که مشغول بنائی هستند، خشتی از طلا و خشتی از نقره می‌گذارند و گاهی هم از کار باز می‌ایستند به آنها گفتم:

چرا گاهی می‌گذارید و گاهی از کار باز می‌ایستید؟

عرض کردند: منتظر می‌مانیم تا مصالح برسد

گفتم: مصالح شما چیست؟

عرض کردند: قول مؤمن در دنیا به سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و آنگاه که می‌گویند ما هم مشغول ساختن می‌شویم و هنگامی که نمی‌گویند ما هم کاری انجام نمی‌دهیم. (۳)

و همچنین حضرت رسول اکرم ﷺ در روایت دیگری می‌فرماید: هنگامی

که بهشت را بر من عرضه کردند دیدم بر درهایش این عبارت نوشته بود:

لا اله الا الله - محمد حبیب الله - علی ولی الله - فاطمه امة الله و الحسن و الحسين صفوة الله علی مبغضیهم لعنة الله (۴)

از این روایاتی که ذکر شد استفاده می‌شود که بهشت خلق شده و موجود

۱- سوره الرحمن، آیه ۴۳

۲- بحار الانوار جلد ۸، صفحه ۱۱۹.

۳- بحار الانوار صفحه ۸، صفحه ۱۲۴.

۴- بحار الانوار جلد ۸ صفحه ۱۹۱.

می باشد.

طبق آیات و روایات، بهشت و جهنم دارای طبقات و درجاتی می باشند که مؤمن حسب درجه و مقام و قربش در آنها جایگزین می شود چنانکه حضرت رسول ﷺ در روایتی می فرمایند:

بهشت صد درجه است ما بین هر درجه ای از این درجات بمرتبه تفاوت بین آسمان و زمین است و فردوس عالیتین درجه است که در وسط آن جایی است که از آن نهرهای بهشتی جاری می شود. (۱)

هر کدام از این درجات نامی دارد که قرآن کریم بعضی از آنها را ذکر فرموده است: رضوان (۲) جنات النعیم (۳) دارالسلام (۴) جنات عدن (۵) جنات الفردوس (۶) جنة الخلد (۷) جنات المأوی (۸) مقعد صدق (۹) و همچنین جهنم به نامهای متعددی آمده است:

جهنم (۱۰) مثوالمتکبرین (۱۱) جحیم (۱۲)
سعیر (۱۳) حصیر (۱۴) مآب (۱۵) زبانیه (۱۶) حطمة (۱۷) دارالبوار (۱۸) سقر (۱۹)

۱- بحار الانوار جلد ۸، صفحه ۱۹۶.

۲- سوره آل عمران، آیه ۱۵.

۳- سوره مائده، آیه ۶۵.

۴- سوره انعام، آیه ۱۲۷.

۵- سوره توبه، آیه ۷۲.

۶- سوره کهف، آیه ۱۰۷.

۷- سوره فرقان، آیه ۱۵.

۸- سوره تنزیل، آیه ۱۹.

۹- سوره قمر، آیه ۵۵.

۱۰- سوره آل عمران، آیه ۱۰.

۱۱- سوره نحل، آیه ۲۹.

۱۲- سوره بقره، آیه ۱۱۹.

۱۳- سوره نساء، آیه ۱۰.

النار (۲۰) عذاب الیهون (۲۱) شرالمکان (۲۲)

۱۴- سوره اسراء، آیه ۸.

۱۵- سوره بناء، آیه ۲۲.

۱۶- سوره علق، آیه ۱۸.

۱۷- سوره همزه، آیه ۵.

۱۸- سوره ابراهیم، آیه ۲۸.

۱۹- سوره قمر، آیه ۴۸.

۲۰- سوره بقره، آیه ۸۰.

۲۱- سوره احقاق، آیه ۲۰.

۲۲- سوره فرقان، آیه ۳۷.

الوعد و الوعید بهما حق

«وعدہ و وعیدہائی (کہ نسبت بہ بہشت و جہنم دادہ شدہ) حق است»

الوعد و الوعید

در این عبارت از زیارت ال یاسین، می فرماید آن وعدہ‌ها کہ خداوند بہ بہشت دادہ و وعیدہائی کہ بہ جہنم دادہ ہمگی حقیقت دارند و واقع خواهد شد و خداوند ہرگز از این وعدہ‌هایش تخلف نمی کند چنانکہ قرآن می فرماید

ان الله وعدکم وعدالحق^(۱)

یعنی: خداوند بہ شما وعدہ دادہ، و وعدہ او حق است

وعدالله لا یخلف الله وعدہ^(۲)

یعنی: این وعدہ خداست و خداوند ہرگز وعدہ‌اش تخلف نمی کند

این ہمہ تأکید و تأیید در قرآن برای صدق وعدہ پروردگار برای چیست؟ آیا برای این نیست کہ زائر خود را برای وعدہ‌های پروردگار آمادہ کند؟! و

۱- سوره ابراہیم - آیه ۲۲.

۲- سوره روم - آیه ۶.

خود را مستحق نعمتهای بی پایان الهی نماید چنانکه قرآن به مؤمنین وعده داده و فرموده:

وعد الله الذين آمنوا وعملوا الصالحات لهم مغفرة وأجر عظیم (۱)

یعنی: خداوند! به آنانی که ایمان آورده و اعمال صالح انجام داده، وعده آمرزش و پاداش عظیمی داده است.

و انسان باید از کفر و نفاق و رذائل روحی خود را بر حذر دارد تا به آنچه که خداوند به کفار و منافقین وعده داده مبتلی نشود چنانکه قرآن می فرماید:

وعد الله المنافقين والمنافقات والكفار نار جهنم خالدين فيها (۲)

یعنی: خداوند به مردان و زنان منافق و کفار، وعده آتش دوزخ داده که همیشه در آن خواهند ماند

بله قرآن با بیاناتی دیگر مردان و زنان مؤمن را به جنات نعیم و رحمت بی پایان الهی وعده داده و کفار و منافقین را به عذاب و جهنم وعده داده، خداوند این وعدههای خود را با لسان محکم و قبول آمیزی تثبیت فرموده چنانکه در سوره و الذاریات بعد از چند قسم می فرماید:

انما توعدون لصادق (۳)

یعنی: آنچه (خداوند) به شما وعده داده (از بهشت و جهنم و ثواب و عقاب) همه و همه راست است و واقع خواهد شد.

قرآن می فرماید: این وعدههای الهی به (جنت و نار) در روز قیامت و بعث از

۱- سوره مائده، آیه ۹.

۲- سوره توبه - آیه ۶۸.

۳- سوره ذاریات - آیه ۵.

۱۹۸..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

قبور برای همه به یقین خواهد رسید، در آن هنگامی که از قبر برانگیخته می‌شوند، می‌گویند:

یاویلنا من بعثنا من مرقدنا هذا ما وعد الرحمن (۱)

یعنی: ای وای بر ما! چه کسی ما را از جایگاهمان برانگیخت این همان وعده خداوند است

و مؤمنین نیز اقرار به وعده‌های خداوند می‌کنند و می‌گویند:
انا قد وجدنا ما وعدنا ربنا حقا (۲)

یعنی: آنچه را پروردگار ما به ما وعده داده بود، همه را حق یافتیم
و بر سبیل استهزاء و شماتت به کفار می‌گویند:

فهل وجدتم ما وعد ربكم حقا قالو نعم (۳)

یعنی: آیا شما هم آنچه را پروردگارتان به شما وعده داده بود حق یافتیم؟!
در جواب می‌گویند آری.

خلاصه کلام اینکه در این فقره از زیارت، عقیده به تخلف ناپذیری وعده‌های خداوند را به انسان تعلیم می‌دهد و جزء عقائد او تثبیت می‌کند.

۱- سوره یس - آیه ۵۲.

۲- سوره اعراف - آیه ۴۴.

۳- سوره اعراف - آیه ۴۴.

یا مولای شقی من خالفکم و سعد من أطاعکم

«ای مولای من! آنکه با شما به مخالفت برخاست شقی است و آنکه اطاعت شما را نمود سعید است»

شقی به معنای شدت و عسر و سختی در دنیا و آخرت آمده است.

سعد به معنای آسایش و رفاه و تیسیر در دنیا و آخرت آمده است.

ائمہ علیہم السلام بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تنها وسیله نجات و بلندگوی رسیدن به معارف و کمالات معنوی و روحی می باشند که باید در درجه اول اعتراف به حجیت آنها از جانب پروردگار بشود و پس از این اعتراف، باید تسلیم حقیقی و کامل در مقابل آنها و اوامرشان داشته شود لذا هیچ عملی بدون معرفت و اطاعت از آنها پذیرفته نیست و اهمیت مطلب به اندازه ای است که اگر کسی نسبت به مقام خدادادی آنها فقط شک داشته باشد از جانب پروردگار مورد هیچ عنایت و توجهی قرار نمی گیرد چه رسد به اینکه با آنان مخالفت کند و اطاعت ننماید.

چنانکه قرآن می فرماید:

۲۰۰..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

فمنهم شقی و سعید - فاما الذین شقوا ففی النار... (۱)

یعنی: بعضی از خلق شقی و بعضی دیگر سعید هستند - آن دسته که شقی شدند در آتش جهنم واقع می شوند.

فاما الذین سعد و افق الجنة... (۲)

یعنی: و اما اهل سعادت در بهشت مخلد خواهند ماند

این آیات شریفه مردم را به دو گروه تقسیم می کند شقی و سعید، سپس می فرماید: اشقیاء در جهنم خواهند بود و سعداء در بهشت، در تفسیر دارد هر کسی که ولایت ائمه اطهار علیهم السلام را پذیرفت جزء سعداء می باشد و هر کسی آن را نپذیرفت جزء اشقیاء می باشد.

و در حقیقت این جمله زیارت آل یاسین نیز تفسیر همین آیه شریفه است که ذکر شد.

و به همین مطلب «سعادت و شقاوت» در زیارت جامعه اشاره می کند:

سعد من والاکم و هلك من عاداکم

یعنی: رستگار شد هر کس به ولایت شما چنگ زند، و هر کسی با شما دشمنی کند هلاک خواهد شد

و در جای دیگر می فرماید:

من اتبعکم فالجنة مأواه و من خالفکم فالنار مثواه

یعنی: هر کسی از شما پیروی کند بهشت جایگاه او و مسکن او خواهد شد و

۱- سوره هود - آیه ۱۰۶ - ۱۰۵

۲- سوره هود - آیه ۱۰۸

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۲۰۱

هر کسی با شما مخالفت کند و از شما پیروی نکند آتش جهنم جایگاهش خواهد بود.

خلاصه این که سعادت در اطاعت و پیروی آن حضرت و اباء گرامش علیهم السلام می باشد و شقاوت و بدبخت کسی است که آن بزرگواران را رها کند. افرادی که این باب الهی را رها کردند هیچ عملی از آنها پذیرفته نیست ولو در عبادت و بندگی سخت کوشش کنند چنانکه در روایتی دارد:

در بنی اسرائیل خانواده‌ای بودند که هر کدام از آنها اگر چهل شب به درگاه خدا دعا می کرد و حاجتی را طلب می نمود هرگز دست خالی بر نمی گشت تا آنکه یکی از ایشان برای خواسته خود، چهل شب تهجد کرد و آنگاه دعانمود ولی جاجتش روانشد.

خدمت حضرت عیسی علیه السلام رسید و از حال خود نزد ایشان گلایه کرد و از او در خواست دعا نمود حضرت عیسی علیه السلام هم به نماز ایستاد و با خداوند مناجات نمود و برای آنها دعا کرد خداوند در پاسخ به پیامبرش چنین فرمود: ای عیسی! بنده من از غیر آن دری که می توان نزد من آید، آمده است. (۱)

فاشهد علی ما اشهدتک علیه

«پس گواه باش (ای مولای من) بر آنچه که شما را بر آن شاهد گرفتم»

فاشهد علی ما اشهدتک علیه

فاشهد از ماده «شاهد» یعنی گواه و شهادت دهنده آمده است.

ائمه علیهم السلام و بخصوص حضرت بقیه الله علیه السلام که امام این زمان می باشند شاهد

بر خلق پروردگار نیز هستند و بر این مطلب آیات و روایات بسیار زیادی

دلالت دارد چنانکه قرآن در سوره نساء می فرماید:

فکیف اذا جئنا من کل امة بشهید و جئناک علی هؤلاء شهیداً^(۱)

یعنی: پس چگونه است آنگاه که از هر امتی گواهی بیاوریم و تو را بر اینان گواه

بیاوریم.

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام ذیل این آیه شریفه می فرمایند:

این آیه درباره امت حضرت محمد صلی الله علیه و آله بخصوص نازل شده و در هر قرنی

از این امت امامی از می باشد که گواه بر ایشان است، و حضرت محمد صلی الله علیه و آله

گواه بر ما است.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۲۰۳

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در نهج البلاغه می فرماید:

أنا شاهد لكم و حجج يوم القيامة عنكم

یعنی: من گواه شما و حجت آورنده‌ام روز قیامت از جانب شما هستم
خلاصه اینکه حسب آیات و روایاتی که در این زمینه هست ائمه اطهار علیهم السلام
شاهد و گواه اعمال مردم می باشند و هیچوقت زمین از اینگونه شهدا خالی
نخواهد بود.

لذا «زائر» از این مقام ائمه علیهم السلام استفاده می نماید و آن حضرت را گواه و شاهد
بر عقائد خود می گیرد تا پیشاهنگام خداوند شهادت بر صحت عقائدش
بدهند.

و انا ولی لک برئ من عدوک

«و من دوست دار شما و پذیرای ولایت شما هستم و از دشمنانت بیزارم»

انا ولی لک برئ من عدوک

طبق اخبار متواتری که از طایفه سنّی و شیعه بر وجوب محبت و مودت اهل بیت علیهم السلام رسیده ایجاب می کند که مسلمان با زبان و قلب و اعضاء و جوارح خود، این محبت و دوستی را آشکار سازد.

چنانکه در زیارت جامعه و وجوب محبت ائمه اطهار علیهم السلام را بیان می کند و می فرماید:

لکم المودة الواجبة

یعنی: آن مودت و محبتی که خداوند واجب کرده از آن شماست.

و پر واضح است که دوستی و محبت ائمه اطهار علیهم السلام لازمه اش خارج کردن محبت دشمنان آنان از قلب و بغض آنها را بدل داشتن است، این محبت باز کشتش به مسئله ولایت و امامت از جانب پروردگار است و حدّ فاصل بین حق و باطل است یعنی محبت آنها و بغض دشمنانشان بیانگر ایمان و کفر است لذا لازمه تولّی، تبرّی نیز هست.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۲۰۵

در روایتی وارد شده که شخصی به حضرت امام جعفر صادق علیه السلام عرض کرد:

فلان شخص شما را دوست می دارد الا اینکه برائت او از دشمنان شما ضعیف است.

فرمود: هیئات، دروغ می گویند کسی که ادعا می کند محبت ما را و برائت ندارد از دشمنان ما.

و در روایت دیگری حضرت امام رضا علیه السلام فرمودند:

کمال دین و لایت ما و برائت از دشمنان ما است.

لذا در این عبارت از زیارت آل یاسین با تمام وجود خطاب به آن حضرت این توالی و تبرای خود را ظاهر می سازیم و عرض می کنیم من شما را دوست می دارم و از دشمنانتان بیزارم.

فالحق ما رضیتموه و الباطل ما اسخطتموه

«حق همان است که شما آنرا پسندید و باطل آن است که شما از آن بیزارید»
فالحق ما رضیتموه

رضیتموه - از «رضی رضواناً» به معنای خوشنود گردیدن، پسندیدن، اختیار کردن آمده است.

اسخطتموه - از ماده «سخط سخطاً» به معنای ناخشنود شدن، مکروه داشتن و خشم گرفتن آمده است.

هر امری که ائمه اطهار علیهم السلام به آن رضایت داشته باشند همان امر خداوند است و حق می باشد که باید اطاعت و پیروی شود و هر چه که ائمه اطهار علیهم السلام از آن بیزاری جسته و اظهار ناخشنودی کردند باطل بوده و باید از آن پرهیز و دوری کرد لذا در زیارت جامعه حق را با تمام فروعش، به ائمه اطهار علیهم السلام نسبت می دهد و می فرماید:

والحق معکم و فیکم و منکم و الیکم و انتم اهله و معدنه

یعنی: حق با شما و در خاندان شما و مبدأش شما و مرجعش بسوی شما است و اهل حق و معدن حق و حقیقت شمائید.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۲۰۷

محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام راجع به حق چنین می شنود که آن حضرت فرمودند:

نزد هیچ کسی از مردم «حق» و «صواب» یافت نمی شود و هیچ کس از مردم قضاوت به «حق» نمی تواند بکند مگر این که از روی آنچه که از جانب ما خارج شود عمل کند.

لذا قرآن می فرماید:

ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا^(۱)

یعنی: آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیرید و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید

راوی می گوید خدمت امام جعفر صادق علیه السلام رسیدم و عرض کردم:

نزد ما شخصی است که نامش کلب می باشد هر چه که از شما به او برسد (و بگویند امام علیه السلام اینطور فرموده) زود می گوید: تسلیمم در مقابل آن، و ما به او می گوئیم: کلب تسلیم

حضرت او را دعا کردند و فرمودند: رحمت خدا بر او باد

سپس حضرت فرمودند: می دانید معنای تسلیم چیست؟

راوی می گوید ساکت شدیم

حضرت فرمودند: هو والله الاخبات

یعنی: قسم بخداوند آن «اخبات» است چنانکه خداوند می فرماید: الذین

۲۰۸..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

آمنوا و عملوا الصالحات و اخبثوا الی ربهم (۱).

انخابات یعنی خشوع و تواضع و معنای این آیه چنین است: کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و در برابر پروردگارشان خضوع و خشوع کردند آنها اهل بهشتند

در این فقره از زیارت همین مطلب «تسلیم در مقابل آن حضرت» را بیان می‌کند و عرض می‌کند هر چه شما به آن راضی باشید همان حق است و تسلیم آن هستم و هر چه را که شما از آن بیزار باشید باطل و من نیز از آن بیزارم.

و المعروف ما امرتم به والمنکر ما نهیتم عنه

«معروف (وخیر) همان است که شما به آن امر کردید، و منکر (شر) همان است که شما از آن نهی فرمودید»

و المعروف ما امرتم به

المعروف - معروف در لغت به معنی «شناخته شده» و «مشهود» می باشد و المنکر ما نهیتم عنه

المنکر - و منکر به معنی «ناشناس» و «ناخوشایند» آمده است.

معروف آن است که امام علیه السلام به آن امر کند و منکر چیزی است که امام علیه السلام از آن نهی نماید و در حقیقت این منصبی از منصبها و مأموریتی از مأموریتهای الهی امام علیه السلام می باشد چنانکه در زیارت جامعه می خوانیم:

و المظهرین لامرالله و نهیه

یعنی: شما آشکارکنندگان امر و نهی ایزد متعال هستید.

و در جای دیگر از این زیارة شریفه می خوانیم:

وامرتم بالعروف و نهیتم عن المنکر

یعنی: شما امر به معروف و نهی از منکر فرمودید:

۲۱۰..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

و قرآن در این زمینه می فرماید:

و منکم امة يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و اولئك هم
المفلحون^(۱)

یعنی: باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از
منکر کنند و آنها همان رستگارانند

ذیل این آیه شریف در تفسیر وارد شده است:

امتی که مردم را دعوت به معروف و نهی از منکر می کنند. آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
می باشند.^(۲)

و در روایت دیگری ذیل این آیه شریف نیز آمده است:

ما عني بها الا محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اوصيائه عَلَيْهِمُ السَّلَام

یعنی: این آیه فقط در شأن حضرت محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اوصیانش نازل شده
است.^(۳)

و در قرآن در سوره حج می فرماید:

الذين ان مكناهم في الارض اقاموا الصلوة و اتوا الزكاة و امروا بالمعروف و نهوا
عن المنكر و لله عاقبة الامور^(۴)

یعنی کسانی (که خدا را یاری می کنند) اگر اقتدار و امکاناتی در زمین به آنان
دهیم نماز بپا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

۲- البرهان جلد ۱، صفحه ۶۷۶.

۳- البرهان جلد ۱، صفحه ۶۷۶.

۴- سوره حج، آیه ۴۱.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۲۱۱

می‌کنند و عاقبت امور از آن خداوند متعال است

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در ذیل این آیه شریفه می‌فرماید:

این مطلب درباره آل محمد صلی الله علیه و آله همگی تا آخرین امامان، حضرت مهدی علیه السلام و اصحاب او است که خدا مشارق و مغارب زمین را در تصرف آنان قرار می‌دهد. (۱)

خلاصه این که چون امام علیه السلام خلیفه خداوند است خواست او خواست خداوند می‌باشد لذا به هر چه امر کند همان معروف اسلام است و از هر چه اظهار تنفر بنماید همان منکر در اسلام است.

فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَآخِرَكُمْ

«پس روح و جانم ایمان دارد به خدای یکتای بی همتا و به رسول ﷺ و به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و به شما ای مولایم از اولین شما و آخرین شما»
فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ

نفسی به معنای ذات و اصل، قلب و روح آمده است.
در این عبارت از زیارت ال یس حقیقت و واقعیت ایمان بیان شده است چنانکه می فرماید:

«فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ» یعنی «نفس من ایمان آورده»، پر واضح است که منظور از «نفس» همان قلب و روح است به این معنا که ایمان باید اقرار به زبان توأم با تصدیق قلبی باشد و الا فقط اقرار با زبان ایمان محسوب نمی شود چنانکه خدایتعالی در سوره حجرات می فرماید:

قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِنْ قَوْلُوا أَسْلَمْنَا لَمَّا يَدْخُلُ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا يَلْتَمِسْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي

سبیل الله اولئک هم الصادقون. (۱)

یعنی: (گروهی از اعراب)، گفتند: ما ایمان آورده‌ایم (ای پیامبر ما) به آنها بگو ایمان نیاورده‌اید لیکن بگوئید: اسلام آورده‌ایم و هنوز ایمان در قلب‌های شما وارد نشده است و اگر خدا و پیامبر را اطاعت کنید از اجر شما کم نمی‌کند و از گناهان شما میگذرد که خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است و در حقیقت مؤمنین کسانی هستند که به خدا و رسول او ایمان آورند و بعداً هیچگاه شک و ریبی به دل راه ندادند و در راه خدا بامال و جانشان جهاد کردند، ایشان به حقیقت راستگو هستند.

و در روایات هنگامی که «ایمان» را معرفی می‌کنند می‌فرمایند با تصدیق و اعتقاد قلبی و عمل باید همراه باشد چنانکه حضرت رسول اکرم ﷺ می‌فرماید:

الایمان معرفة بالقلب و اقرار باللسان و عمل بالارکان (۲)

یعنی: ایمان اعتقاد به قلب و اقرار بزبان و عمل است.

و حضرت امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

الایمان عقد بالقلب و لفظ باللسان و عمل بالجوارح لا یكون الا هكذا

یعنی: ایمان اعتقاد به قلب و گفتار بزبان و عمل با اعضاء می‌باشد و ایمانی

نیست مگر اینگونه. (۳)

با توجه به آیات و روایات ذکر شده معلوم می‌شود که ایمان سه رکن دارد.

۱- سوره حجرات، آیه ۱۴، ۱۵.

۲- بحار الانوار جلد ۹، صفحه ۶۵.

۳- بحار الانوار جلد ۶۹، صفحه ۶۶.

۲۱۴..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

۱- و اعتراف به زبان

۲- شناخت و عقیده قلبی

۳- انجام دادن وظایف دینی

و این سه رکن در عبارات این زیارت برای افرادی که اهل دقت باشند روشن و واضح است در مرتبه اول به زبان اظهار عقیده نموده و در مرتبه دوم با کلمه «نفسی مؤمنه» عقیده قلبی خود را ظاهر می سازد و در مرتبه سوم با جمله «نصرتی معده لکم» ایمان با عمل را اظهار می دارد.

و نصرتی معدة لکم

«و من همواره آماده یاری و نصرت شما هستم»

نصرتی معدة لکم

نصرتی - از ماده «نصرناً» اخذ شده است و به معنای یاری دادن، رهانیدن و کمک کردن معنا شده است

معدة - از ماده «عدّ عدّاً» می باشد و به معنای شمردن، جمع نمودن و آماده کردن می باشد.

بعد از آنکه زائر مراتب اولیة ایمان را ذکر کرد و به آنها اعتراف نمود حال به این جمله «و نصرتی معدة لکم» فرمانبرداری خود را نسبت بهرگونه امر و فرمان آن حضرت اظهار می دارد و اطاعت ایشان را بر خود فرض و واجب و مسلّم می شمارد چون در حقیقت یاری آن حضرت، یاری خدای تعالی می باشد و قرآن می فرماید:

ان تنصروا الله ینصرکم و یشبب اقدامکم

یعنی: اگر خداوند را یاری کنید او شما را یاری می کند و گامهایتان را ثابت و استوار می سازد

۲۱۹..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

پر واضح است که یاری کردن خداوند یعنی یاری کردن دین خدا و یاری کردن پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام است.

منظور از یاری نمودن آن حضرت، به دو صورت می باشد، صورت اول اینکه خود را مهیا نماید تا اینکه هرگاه آن حضرت ظهور نمودند در رکاب و خدمت آن جناب باشد.

صورت دوم، از هم اکنون سعی در یاری کردن آن حضرت بنماید.

هر دو صورت از یاری کردن، با تحصیل تقوی و تزکیه نفس و دوری جستن از معاصی، و اعمالی که آن حضرت را ناخوشایند می سازد، حاصل می شود که لازمه آن عمل نمودن به دستورات شرع مقدس اسلام است و به همین معنا این آیه شریفه اشاره می فرماید:

و لينصرن الله من ينصره ان الله لقوي عزيز - الذين ان مكناهم في الارض اقاموا الصلاة و اتوا الزكات و امرؤا بالمعروف و نهوى المنكر و لله عاقبه الامور^(۱)

یعنی: خداوند کسانی را که یاری او کنند، یاری می کند خداوند قوی و شکست ناپذیر است - همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیم نماز را بر پا می دارند و زکات می دهند و امر به معروف و نهی از منکر می کنند و پایان همه کارها از آن خداوند است.

و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام به این نوع یاری کردن اشاره می فرمایند و می گویند:

من سرّه ان یكون من اصحاب القائم فلينتظر و اليعمل بالورع و محاسن الاخلاق
یعنی: هرکسی می خواهد از یاوران حضرت قائم عجل الله فرجه باشد باید انتظار کشد و

در عین انتظار باید به تقوی و صفات خوب اخلاق عمل و کسب نماید. بعضی از بزرگان و منتظرین قدوم حضرت بقیه الله علیه السلام آمادگی خود را در جهت یاری و نصرت آن حضرت با تهیه مرکب و سلاح و شمشیری اعلام می نمودند و به این صورت هر لحظه در حالت انتظار بسر می بردند.

البته این عمل آنها مستند به روایاتی بود که در اخبار وارد شده است مثل اینکه از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام وارد شده است که فرمودند: ليعدن احدكم لخروج القائم عليه السلام ولو سهماً فان الله تعالى اذا علم ذلك من نيته رجوت لان ينسى في عمره

یعنی: هر یک از شما برای خروج حضرت قائم علیه السلام (سلاحی) مهیا کند هر چند که یک تیر باشد که خدایتعالی هرگاه بداند که کسی چنین نیّتی دارد امیددارم عمرش را طولانی کند. (۱)

و در روایت دیگری از حضرت امام محمد باقر علیه السلام وارد شده است: هر کسی در راه ما برکبی و یا سلاحی مهیا نماید به مقدار وزن (و ارزش) آن برایش اجر و ثواب خواهد بود. (۲)

۱- مکیال جلد ۲، صفحه ۵۸۳.

۲- مکیال جلد ۲، صفحه ۵۸۴.

و مودتی خالصه لکم

«و محبتم خالص بوده و فقط برای شماست»

مودتی خالصه لکم

مودتی - از ماده «ودّ وداً» و مودّه به معنای دوست داشتن و محبت نمودن می باشد.

خالصه - از ماده «خلص خلوصاً» می باشد و به معنای صاف شدن، بی خلط شدن و از هر آلودگی پاک نمودن، آمده است.

موده و محبت به اهل بیت رسالت علیهم السلام از فرائض و واجبات اسلام می باشد و هیچ یک از فرقه های دیگر اسلامی در موده و محبت اهل بیت علیهم السلام شک نداشته و متفق القول اند و این اتفاق آنها بجهت آیاتی که امر به موده اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نموده است می باشد مانند:

قل لا اسئلكم علیه اجراً الا الموده فی القربى (۱)

یعنی: بگو من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم در خواست نمی کنم جز دوست داشتن اهل بیتم

پر واضح است هنگامی که مودة و محبت اهل بیت علیهم السلام واجب و فریضه شد با محبت دشمنانشان جمع نمی شود، و این یک معنا از معانی «مودة خالص» است چنانکه خدایتعالی می فرماید:

ما جعل الله لرجل من قلبين في جوفه (۱)

یعنی: خداوند برای هیچ کسی دو دل و قلب در درونش نیافریده.

که با یک قلب اهل بیت علیهم السلام را دوست داشته باشد و با قلب دیگر دشمنانشان را دوست داشته باشد بلکه قلب و روح بشر یکی بوده و همانند ظرف می ماند چنانکه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

ان هذه القلوب او عية (۲)

یعنی: ارواح و قلبها مثل ظرف می باشند.

حالا اگر این ظرف پر از نور ایمان شده مسلماً ظلم و شرک و کفر در آن جای نخواهد داشت و اصلاً تا وقتی که ظلمت و شرک و کفر از قلب و روح خارج نشود جایگاه ایمان واقع نشده است و در روایتی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند: دوستی و محبت ما با دوستی دشمنان ما ابداً در یک قلب جمع نمی شود. (۳)

کلام آن امام بزرگوار اشاره به همین آیه شریفه دارد که خداوند دو قلب برای کسی قرار نداده که با یکی اهل بیت علیهم السلام را دوست داشته باشد و با دیگری دشمنانشان را.

۱- سوره احزاب - آیه ۴.

۲- نهج البلاغه، صفحه ۱۱۴۵.

۳- سفینه البحار جلد ۱، صفحه ۲۰۳.

۲۲۰..... تفسیر و شرح زیارت آل یاسین

چنانکه در روایتی وارد شده است که اگر کسی بگوید من اهل بیت پیامبر ﷺ را دوست می‌دارم و همچنین به دشمنان آنان محبت داشته باشد، این شخص در ولاء و محبت خود نسبت به اهل بیت ﷺ دروغگو است.

مفاد دوم از صفت "مودة خالص" این است که محبت و مودة فقط بخاطر ذوات مقدسه اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ باشد نه بجهت طمع و یا برای بر آمدن حاجت و پاداش و مزد.

معنای سوم از معانی "مودة خالص" این است که در کنار محبت به اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ نه فقط محبت به دشمنان آنان ندارد بلکه به هیچ چیز و هیچ کس محبت ندارد و اگر به کسی یا چیزی میل می‌کند به جهت تقرب آن کس یا چیز است به آن ذوات مقدسه ﷺ و یا اینکه چون آن ذوات مقدسه امر کردن توجه و میل به کسی یا چیزی پیدا کنید، توجه می‌کند، چون محبت و مودة آنها محبت و مودة به خداوند متعال است که نباید در کنار محبت به خدا محبت به غیر داشت چنانکه در زیارت جامعه می‌خوانیم:

من احبکم فقد احب الله

هر کس شما را دوست بدارد در حقیقت خداوند را دوست داشته است. و هرگاه مودة به مرحله خلوص رسید دیگر بجز محبوب چیزی نمی‌بیند و نمی‌شناسد لذا یکی از مراحل والای تزکیه نفس تنظیم محبت به همین معنا است که بجائی می‌رسد نزد خداوند و ملائکه و جمیع خلق به همین عنوان معروف می‌شود روایات زیادی در تأیید این معنا وارد شده است از جمله چنانکه در زیارت جامعه می‌فرماید:

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۲۲۱

معروفین بتصدیقینا ایّاکم

یعنی: ما به تسلیم و تصدیق مقام شما معروفیم

حضرت امام صادق علیه السلام می فرمایند: بنده‌ای از خانه برای حاجتی بیرون می‌رود و بر می‌گردد بدون آنکه هیچ عمل خیری از او صادر شود ولی نامه عملش از حسنات پر می‌شود.

پرسیدند: این مطلب چگونه است؟ فرمود: آن شخص بر جمعی که درباره اهل بیت علیهم السلام کلمات ناشایسته می‌گویند عبور می‌کند، تا او را می‌بینند به هم دیگر می‌گویند: ساکت شوید! این شخص اهل بیت علیهم السلام را دوست می‌دارد و هوادار آنهاست.

در این هنگام یکی از آن دو ملک (فرشته) که نویسندگان اعمال اویند به آن دیگری می‌گویند بنویس که این مرد هبه آل محمد در فلان روز شد ^(۱)

آمین آمین

«همین را می خواهم و از خداوند استجابت آن را طلب می کنم»

آمین آمین

امین از ماده «امن اماً» به معنای تصدیق کردن، قبول نمودن و استجابت کردن آمده است.

هنگامی که زائر در پیشگاه حضرت بقیة الله علیه السلام عقائد خود را عرضه داشت و آن وجود مقدس را بر آنچه گفت شاهد گرفت، با این دو کلمه «امین امین» بار دیگر به آنچه که معتقد است و بیان کرد، ایمان خود را تثبیت می کند و از خداوند نیز می خواهد که همانطور که از اول زیارت آل یاسین قرائت نموده و بر زبان آورده، او را قرار دهد و مستجاب گرداند.

لذا مرحوم طریحی می فرمایند: امین با مدّ و قصر به معنای اللهم استجب می باشد یعنی بار خدایا مستجاب گردان. (۱)

تفسیر و شرح

دعای

زیارت آل یاسین

اللهم انی اسئلك ان تصلى علی

«بارالها! از تو می خواهم که دورود و صلوات فرستی بر»

اللهم

اللهم - اصل آن یا الله بوده سپس یا حذف شده و الف و لام بجای آن آورده شده و از آنجا که این نام شریف مخصوص ذات پروردگار است و مستجمع جمیع صفات کمال و جلال است بطوری که بعضی گفته اند آن اسم اعظم و سریع الاجابة است.

و در معنای آن «خواهش و طلب» نهفته است یعنی کلمه «اللهم» معنای «ای خدا! از تو درخواست می کنم» را می دهد و این معنای «درخواست و طلب» که در اللهم است در لفظ «یا الله» نیست چون «یا الله» معنایش فقط اقبال و توجه به پروردگار است بدون معنای «درخواست و سؤال» لذا در دعا کردن و درخواست و مبالغه نمودن برای طلب حاجت «اللهم» ترجیح دارد.

و با یک نگاه اجمالی بردعاهائی که از ائمه علیهم السلام به ما رسیده در میابیم که این ذکر بیشتر از هر ذکر یاد شده است که اهمیت آن را می رساند لذا در سرآغاز خواستها و دعاها ذکر می شود.

انی اسئلك ان تصلى علی

صلوات در اصل به معنای «دعا» می باشد و تا حتی به نماز صلاة می گویند چون مشتمل بر دعا می باشد و صلوات بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مضمونش آن است که: خداوند بر ازدیاد رحمت و قرب ختمی مرتبت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیفزاید و استدعای رفعت درجه و مقام بلند او را دارم.

از ابو حمزه نقل شده است که از حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام سؤال نمودم از آیه:

ان الله و ملائکته یصلون علی النبی یا ایها الذین آمنوا صلّوا علیه و سلّموا تسلیما
یعنی: خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم (فرمان او) باشید.
آن حضرت فرمود: صلوات از جانب خداوند رحمت است و از ملائکه تزکیه و تنزیه، و از مردم دعا و سلام و تسلیم بودن در آنچه بر آن حضرت نازل شده است می باشد.

در روایات بسیاری وارده شده است که هر کس نام پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بشنود و درود نفرستد از رحمت الهی دور خواهد شد و در عذاب جهنم واقع می گردد لذا از مستحباتی که بسیار به آن سفارش و تأکید شده و بعضی از علماء آن را واجب دانسته اند این است که هر گاه کسی نام پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بشنود، صلوات بفرستد.

صلوات آثار و برکاتی دارد مثل اینکه باعث نزول رحمت و صلوات الهی می شود، در جامع الاخبار است که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

جبرئیل را ملاقات نمودام و به من بشارت داد که حق تعالی می فرماید: هر که

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۲۲۶

بر تو صلوات فرستند من بر او صلوات می فرستم و هر که بر تو سلام کند من بر او سلام می کنم و سپس پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می فرمایند: من برای این بشارت سجده شکر بجا آوردم.

حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل فرمود: هر که بر من صلوات فرستد حق سبحانه و تعالی و ملائکه بر او صلوات می فرستند و هر که خواهد خداوند بر او صلوات فرستد بر من بسیار صلوات فرستد.

و همچنین صلوات موجب خشنودی پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و کفاره گناهان و گفایت حاجات مؤمن در دنیا و آخرت می گردد چنانکه حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: مردی نزد رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمد و عرض کرد من ثلث دعای خودم را برای شما قرار دادم.

آن حضرت فرمود: خوب کردی عرض کرد که نصف آن را برای شما قرار دادم.

فرمود: این نیکوتر از آنست.

عرض کرد: کل آن را برای شما قرار دادم.

فرمود: حق تعالی امور دنیا و آخرت ترا کفایت خواهد کرد.

راوی می گوید به حضرت امام جعفر صادق عَلَيْهِ السَّلَام عرض کردم: چگونه دعای خود را برای آن حضرت قرار می داد؟

فرمود: از خداوند چیزی سؤال نمی کند مگر آنکه بصلوات فرستادن بر محمد و آل محمد ابتدا می کند.

و در جامع الاخبار از حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایتی به این مضمون نقل شده است: که برای هر دعائی در میان زمین و آسمان حجابی است که مانع از

۲۲۷ تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

استجابت ان می گردد تا آنکه بر محمد و آل محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صلوات فرستاده شود چون صلوات فرستند آن حجاب بر طرف می شود و اگر صلوات فرستاده نشود دعا بالا نمی رود.

یکی از دستورات مهم و اکید اسلام این است که هرگاه بر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صلوات فرستادید بر آل او نیز صلوات بفرستید.

و در این دعا اول صلوات بر خاتم الانبیاء صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و سپس بر خاتم الاوصیاء عَلَيْهِمُ السَّلَام صلوات فرستاده شده، لذا مثل این می باشد که بر تمام اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام صلوات فرستاده شده است.

محمد نبی رحمتک و کلمه نورک

«خدایا! حضرت محمد ﷺ پیامبر و رحمت تو است و کلمه‌ای از نور تو می‌باشد»

محمد نبی رحمتک

حضرت رسول اکرم ﷺ پیامبری است که در واقع رحمت الهی بر تمام مخلوقات می‌باشد چنانچه در قرآن آمده است:

و ما ارسلناک الا رحمةً للعالمین^(۱)

یعنی: ما تو را نفرستادیم مگر اینکه رحمت می‌باش برای تمام عالمیان لذا یکی از القاب و اوصاف آن حضرت پیامبر رحمت می‌باشد و باید به این مطلب توجه داشت که آن حضرت برای کسی رحمت است که قابلیت این رحمت را داشته باشد به عبارت دیگر قابلیت محلّ، شرط است. پس کسی که در اثر نافرمانی قبول رحمت نکند و خود را از این فیض بزرگ محروم نماید خود به نفس خودش ظلم کرده که خود را از جاده صراط مستقیم منحرف نموده و از رحمت الهی بی‌بهره مانده است و الا آن حضرت چنانکه آیه شریفه می‌فرماید «رحمة للعالمین» می‌باشند یعنی رحمت برای تمام

۲۲۹..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

عالمها و تمام مخلوقات می باشند و چنانکه در آیه دیگر می فرماید:
رحمتی وسعت کل شیء (۱)

یعنی: رحمت من هر موجودی را فرا گرفته است.
و کلمة نورک

حضرت پیامبر اکرم ﷺ کلمة نورالهی می باشند و در قرآن به پیامبر کلمه گفته شده بدلیل اینکه در سوره ال عمران می فرماید:
یا مریم ان الله یبشرك بلکلمة منه اسمہ المسیح (۲)

یعنی: ای مریم! خداوند تو را به کلمه ای که نامش مسیح است بشارت می دهد

و در آیه دیگری فرماید:

انما المسیح عیسی بن مریم رسول الله و کلمته (۳)

یعنی: مسیح عیسی بن مریم فرستاده خدا و کلمه اوست

پرو واضح است که در این آیه شریفه کلمه اطلاق بر حضرت مسیح شده است ولی چون پیامبر اسلام اکمل و افضل از جمیع انبیاء هستند در این فقره از دعا می فرماید: «کلمة نورک» یعنی «کلمه ای از نور تو» است یعنی پیامبر اکرم

ﷺ کلمه نور خدا می باشد و اطلاق نور به آن حضرت نیز در قرآن آمده است آنجا که می فرماید:

مثل نوره کمشکوٰة (۴)

۱- سوره اعراف - آیه ۱۵۴

۲- سوره ال عمران - آیه ۴۵

۳- سوره نساء - آیه ۱۷۱

۴- سوره نور - آیه ۳۵

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۲۳۰

یعنی: مثل نور خدا همانند مشکات است

که ذیل این آیه شریفه از ائمه اطهار علیهم السلام روایت شده است که منظور از "نور" در این آیه شریفه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می باشد.

وان تملأ قلبی نور الیقین

«و قلیم را از نور یقین مملو ساز»

ان تملأ قلبی

قلب هر بشری مثل ظرفی می باشد که باید آن را از صفات و رذائل اخلاقی تطهیر و پاک نمود تا محل و جایگاه صفات الهی گردد و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در کلامی اشاره به ظرف بودن قلب می کنند و می فرمایند:

ان القلوب اوعیة خیرها او عاها

یعنی: قلبها مثل ظرفهایی می باشند که بهترین آنها قلبی است که بزرگتر و وسیعتر باشد.

اینکه می فرمایند بزرگتر و وسیعتر، کنایه از تطهیر آن است به این معنا که هر چه قلب از رذائل پاک و تطهیر شود گنجایش آن برای پذیرش حقائق و کمالات بیشتر می گردد و به «شرح صدر» مرسد چنانکه قرآن می فرماید:

فمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نورٍ من ربه (۱)

یعنی: کسی که خداوند سینه اش را برای اسلام گشاده است بر فراز نور الهی

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۲۳۲

قرار گرفته.

ذیل این آیه شریفه دارد که از حضرت رسول ﷺ سؤال شد: منظور از شرح صدر چیست؟

حضرت فرمودند: منظور توسعه آن است، هرگاه نور در دل و قلب وارد شود سینه وسعت یابد.. (۱)

در این فقره از دعای بعد از زیارت، زائر از خداوند می خواهد که قلب و روحش را پر و لبریز از نور یقین گرداند.

نورالیقین

اگر قلب به یقین نرسد دچار وسوسه های شیطان می گردد و نتیجه مطیع و منقاد او می شود و حاصل آن فرمانبرداری از شیطان، دچار شدن به امراض و رذائل روحی مانند شک، شرک، ریا، سمعه، غشق و... است. ولی اگر قلب مسلح به یقین شود و منور به نور آن گردد دیگر در آن ظلمت و جهل جای نمی گیرد بلکه صفات ربّانی و حکمت و علم و دانش آن را احاطه می کند و به سبب آن ها هرگز نمی لغزد و نهایتاً در اثر آن قلب به ایمان مستقر می رسد. هرگاه نور یقین در قلب رسوخ کند و آن را به تمام معنا فراگیرد محل تجلیگاه صفات پروردگار می گردد و به غیر خواست و اراده خدا توجه ندارد و از احدی غیر از خدا نمی ترسد.

چنانکه حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: هر چیزی را اندازه و حدی هست

۲۳۳ تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

راوی گفت: فدای شما شوم! حدّ توکل کدام است؟
فرمود: اندازه و حدّ توکل یقین است و حدّ یقین آن است که از غیر خدا
نترسی.

و در روایتی دیگر آن حضرت علیه السلام در صحت و آثار یقین می فرمایند:
صحت یقین انسان این است که راضی نکند مردم را به چیزی که موجب
خشم حق تعالی گردد و ملامت نکند مردم را بر چیزی که خدا به او نداده
است، بدرستی که رزق را نمی کشاند حرص حریص، و ردّ نمی کند روزی را
کراهت کسی که نخواهد. و اگر کسی از روزی بگریزد چنانچه از مرگ می گریزد
هر آینه روزی او را دریابد چنانکه مرگ او را دریابد.

سپس می فرماید: حق تعالی به عدالت خود راحتی و شادی را در یقین و رضا
قرار داده است و اندوه و حزن را در شک و آزدگی از قضاهاى الهی مقرر
فرموده است.

پس فرمودند: عمل اندکی که بر آن مداومت نمایند و با یقین باشد بهتر است
از عمل بسیاری که بر غیر حالت یقین باشد.

خلاصه اینکه نور یقین موهبتی است الهی که در قلب هر که خداوند جای
دهد به مقصد می رسد و هدایت می شود و هر کس را خداوند تبارک و تعالی
بخواند به صورت خاص هدایت کند نور یقین را در قلب او جای می دهد. و
کانون جانش را با روشنائی این نور منور می سازد که هرگز متزلزل نشود.

و صدری نور الایمان

«و سینه‌ام را بنور ایمان منور گردان»

صدر - به معنای سینه می باشد

ولی در اینجا مراد از صدر قلب و روح است و به اعتبار آنکه قلب در سینه است به آن «صدر» گفته می شود.^(۱) مرکز روح سینه و صدر می باشد لذا "شرح و ضیق" به سینه اطلاق می شود مثلاً گفته می شود: شرح صدر داری، یا از شدت غم سینه‌ام تنگ شده^(۲)

جان کلام اینکه از خداوند به وسیله این جمله "صدری نور الایمان" تقاضای نور ایمان در قلب و روح شده است که در اثر آن زائر به هدایت و وصل به حقایق نائل می گردد چنانکه قرآن می فرماید:

فمن یرد الله ان یهدیه یشرح صدره للاسلام^(۳)

یعنی: هر کس که خداوند اراده فرماید هدایتش نماید سینه‌اش را آماده برای قبولی اسلام سازد.

۱- اشرح لی صدری طه - ۲۵

۲- یضیق صدری شعراء - ۱۳

۳- سوره انعام - آیه ۱۲۵

۲۳۵..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

و من یرد ان یضله یجعل صدره ضیقاً حرجاً (۱)

یعنی: و هر کس را که اراده کند گمراه نماید سینه‌اش را تنگ می‌گرداند (کنایه از اینکه جایی برای نفوذ اسلام و ایمان در آن نمی‌ماند).

و فکری نور النیات

«فکر و اندیشه‌ام را از نور نیت‌های خیر قرار ده»

النِّیَّات - از ماده «نوی نیَّة» گرفته شده به معنای آهنگ نمودن، روی آوردن و قصد نمودن می‌باشد.

عمل هر شخص مسبوق به نیت اوست به این معنا که اول نیت نموده سپس وارد عمل می‌شود و هرگاه انسان به «نورالنِّیَّات» نرسد نیات او در شرّ قرار می‌گیرد. که در این صورت عمل و نیت او مبعوض پروردگار نیز می‌گردد لذا در روایات وارد شده که:

نیت المؤمن خیر من عمله

یعنی: نیت مؤمن از عملش بهتر و مهمتر می‌باشد.

چون مؤمن نیاتش در خیر است و برای آن وارد عمل می‌شود به این جهت (یعنی نیتش) مورد پاداش قرار می‌گیرد و همچنین است عقاب اعمال که بر کشتش به نیت است چنانکه در روایتی دارد: از شخصی می‌پرسند در آنچه که دانستی و علم داشتی چه کردی؟

جواب می‌دهد: فلان کار و فلان کار را انجام دادم

خطاب می‌رسد: دروغ می‌گویی چون تو خواستی که بگویند فلانی عالم

۲۳۷..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

است (۱)

در این روایت، می‌فرماید خداوند عمل او را تکذیب نمی‌کند بلکه اراده و نیت او را تکذیب کرده است.

پرواضح است که فکر مقدمه نیت است یعنی اول فکر کرده و تصور نموده و نقشه آن را می‌ریزد آنگاه نیت ایجاد آن را می‌گیرد لذا در این دعا اگر "نور" صفت برای "فکری" باشد به این معنا که از خدا خواسته است فکر که مقدمه نیت و باعث و ایجاد نیت است منور به نور الهی گردد.

و به همین معنا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام اشاره فرموده:

تفکر، آدمی را به نیکی و عمل به آن دعوت می‌کند (۲)

و حضرت امام رضا علیه السلام می‌فرمایند:

با تفکر دلت را بیدار کن (۳)

در احوالات لقمان نوشته‌اند که لقمان بیشتر تنها می‌نشست، روزی غلامش به او گفت:

ای لقمان خیلی تنها می‌نشینی، اگر با مردم همنشین شوی انس تو با آنها بیشتر می‌شود

لقمان پاسخ داد: تنها نشستن برای فکر کردن است و طول دادن فکر راهنمای راه بهشت است (۴)

۱- محجة البیضاء جلد ۸ صفحه ۱۷۴

۲- اصول کافی جلد ۲ صفحه ۵۵.

۳- اصول کافی جلد ۲ صفحه ۵۴

۴- محجة البیضاء جلد ۸ صفحه ۲۳۹

و عزمی نور العلم

«و عزم و اراده‌ام را از نور علم و دانش قرار ده»

عزمی - از ماده «عزم» به معنای قصد، اراده، تصمیم و کوشش نمودن می‌باشد

نوالعلم - پر واضح است که علم نور می‌باشد که بوسیله آن فکر و قلب بشر برای درک حقائق منور می‌شود و در واقع علت تشبیه به نور این است که چنانکه اجسام بوسیله نورهای ظاهری مثل نور خورشید یا چراغ دیده و قابل رویت می‌باشند حقائق نیز بوسیله نور معنوی مثل علم و حکمت قابل درک و فهم می‌شوند به این جهت در روایات به علم اطلاق نور شده است مثل:

ليس العلم بالتعلم انما هو نور يقع في قلب من يريد الله ان يهديه (۱)

یعنی: علم و دانش فقط به تعلیم و فراگرفتن نیست بلکه نوری است که خداوند در قلب هر کس که بخواهد هدایت کند واقع می‌سازد.

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از «نور علم» یاد می‌کنند و می‌فرمایند: افرادی که جاهل هستند و به هر طرف کشیده می‌شوند از «نور علم» محرومند:

۲۳۹ تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

الناس ثلاثه، عالم ربانی و متعلم علی سبیل النجاة و همج رعاع یملون مع کل ریح، لم یستضیئوا بنور العلم (۱)

یعنی: مردم بر سه دسته هستند، عالم ربّانی، طایفه‌ای که در مقام تعلیم و علم هستند تا رستگار گردند، و مردمی پست و فرومایه که از هر طرف بادبوزد بهمان طرف می‌روند اینان از نور علم بهره‌ای نبرده‌اند.

در این عبارت از دعا "زائر" از خداوند می‌خواهد که اراده و تصمیم او را در کسب و تحصیل "نور علم" و کمالات قرار دهد.

و قوۃ نور العمل

«و نیرو و قوۃم را از نور عمل و کردار صالح قرار ده»
انسان باید بکوشد نیرو و توانی که خداوند به او ارزانی داشته و عطا فرموده در راه کارهای خوب و اعمال صالح بکارگیرد ولی چه بسا افراد بسیاری که این قوۃ و نیروی خدا دادی را در اطاعت از شیطان و اعمال غیر صالح استفاده می کنند نا جائی که فرصتهای درخشان برای رسیدن به سعادت از آنان فوت می شود.

لذا در این دعا برای نجات خود و رسیدن به سعادت دنیا و آخرت از خداوند "نور العمل" طلب نموده، یعنی خدایا! توان و نیرویم را در جهت اعمال صالح قرار ده که "نور" است و پر واضح است که عمل صالحی که مورد رضای خداوند متعال باشد "نور" است.

و حضرت امیرالمؤمنین به همین معنا در دعای کمیل اشاره می فرمایند:

قوۃ علی خدمتک جوارحی

یعنی: خداوندا! جوارحم را بوسیله قدرت خودت یاری فرما که در خدمت تو باشد و از خدمت تو منحرف نشود.

۲۴۱..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

و در دعاهای بعد از نوافل روز جمعه می خوانیم:

اللهم صل علی محمد و اله و استعمنی بطاعتک^(۱)

یعنی: خدایا بر محمد و ال او دورد فرست و مرا به طاعت خودت وادار و...

و لسانی نور الصدق

«و زبانم را نور صدق و راستگوئی قرار ده»

لسانی نور الصدق

لسان در اینجا کنایه از سخن گفتن می باشد یعنی اظهار و آشکار نمودن آنچه در دل و اندرون خود دارد، و پر واضح است تمام افکار و نیات انسان بوسیله لسان ظاهر می شود و صدق در لسان هنگامی است که هر چه بر زبان می راند و یا خبر می دهد حقیقت داشته و با عملش تطبیق کند و هر چه وعده و امثال اینها می دهد تحقق یابد. این روشنترین انواع صدق در زبان است

و مرتبه عالیتر صدق این است که هر کلمه ای از لسان و زبانش خارج می شود مطابق با رضای پروردگارش باشد و آنچه را حق به او دستور می دهد و دین او اقتضا می کند بگوید.

و در روایات آمده است:

باللسان یکبت اهل النار فی النار و باللسان یستوجب اهل القبور النور

فاحفظوا السننکم و اشغلوها بذكر الله (۱)

یعنی: بوسیله زبان است که دوزخیان به رو در دوزخ افتند و به زبان است که اهل قبور مستوجب نور گردند پس زبانهای خود را نگهدارید و به ذکر خدا سرگرمش سازید.

و حضرت امام محمد باقر علیه السلام می فرمایند:

ان للكل قول مصداقاً من عمل یصدقه او یکذبه فاذا قال بن ادم و صدق قوله بعمله رفع قوله بعمله الى الله، و اذا قال و خالف عمله قوله ردّ قوله على عمله الخبیث و هوی به الى النار (بحار الانوار جلد ۶۹ صفحه ۶۴).

براستی که هر گفتاری را مصداقی است از عمل که آن گفتار را تصدیق و یا تکذیب کند و چون فرزند آدم سخن گفت و سخن خود را با عمل تصدیق کرد سخن و گفته او با عملش به درگاه خدا بالا رود و اگر سخن گفت ولی عملش با گفته اش مخالف بود گفته اش و عمل ناپاکش باز گردد و به سراو را در آتش دوزخ اندازد.

معنای این عبارت این است که خدایا! به لسانم نور صدق عطا فرما که هر چه می گویم و از زبانم خارج می شود صادق بوده و مورد تصدیق تو باشد.

وَدینی نور البصائر من عندک

«و دینم را از نور بصیرتها و آگاهیها از جانب خودت قرار ده»
دینی - دین به معنای قانون، شریعت و به هر چیزی که به آن خداوند عبادت کرده شود می باشد.

البصائر - از ماده «بصر بصارة» گرفته شده و به معنای چشم، بینایی، فهم، دانستن آمده است.

در این فقره از دعا زائر از خداوند طلب می کند که دینش و آنچه که به آن معتقد است بر بصیرت و بینائی و فهمی که از جانب او است، (که همان راه وحی است) قرار دهد تا بتواند دین خود را کامل گرداند نه اینکه دین خود را از غیر "راه وحی" اخذ کند چنانکه بعضی دینشان را از غیر طریق وحی گرفتند و دچار مکاتیب باطل مثل فلاسفه و تصوف گردیده و به انحطاط فکری و عقیدتی کشیده شدند.

لذا تلاش همه انبیاء الهی و رهروان راستین آنان این بوده است که مردم را متوجه توحید و طریق وحی کنند و این "نور" در دید و فهم مردم قرار گیرد تا انسان هستی را آنگونه که هست ببیند و راه زندگی و بندگی را آن گونه که

۲۴۵..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

شایسته است و برای آنان خلق شده است انتخاب کند.
لذا در این عبارت می خوانیم "من عندک" یعنی حتماً بصیرت و علم و آگاهی
من از تو (ای پروردگارا) باشد. و به همین مطلب آیه شریفه تصریح می کند و
می فرماید:

قد جائکم بصائر من ربکم (۱)

یعنی: به تحقیق آمد برای شما بینائی و آگاهی از جانب پروردگارتان
خلاصه اینکه معنای این عبارت از دعا چنین می شود که: خدایا! نور بینائی و
آگاهی و فهمی به من عطا کن که دینم را بر اساس آن اخذ کنم و معتقد شوم.

و بصری نور الضیاء

«و چشمم را نور تشخیص و بینائی قرار ده»

الضیاء - از ماده ضوء می باشد که به معنای نور و روشنائی می باشد و در این عبارت به معنای درک و فهم است و در قاموس می نویسد: بقولی «ضیاء» آنست که به ذات باشد مثل نور خورشید و نار، و نور آنست که بالعرض و اکتسابی باشد، در مجمع می فرماید: «ضیاء» در کشف تاریکیها از نور ابلغ است (۱)

با توجه به معنای لغوی «ضیاء» معنای عبارت دعا چنین می شود که خدایا! در دیدگانم نور بینش و درک حقائق را عطا کن.

و تا این نور در کانون جان انسان روشن نشود پیمودن راه راست و تشخیص آن از راههای باریک و تاریک و پر پیچ و خم برای شناخت حقائق هستی سخت و دشوار بلکه غیر ممکن است. چنانکه حضرت امام سجاد علیه السلام در مناجات مریدین می فرماید:

سبحانک ما أضيّق الطرق علی من لم تکمن دلیله و ما أوضح الحق عند من

۲۴۷..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

هدیته سبيله (۱)

خدایا! منزهی چه باریک و تنگ است راهها بر کسی که تو دلیل و راهنمای او نباشی و چه واضح و آشکار است حق نزد کسی که تو او را به راه خود هدایت کنی.

و قرآن نیز می فرماید: "ضیاء" فقط از جانب خداوند است که موجب رستگاری و هدایت انسانها می گردد:

من الہ غیر اللہ یأتیکم بضیاء (۲)

یعنی: جز خدا کدام معبودی است که بتواند برای شما ضیاء و روشنائی بیاورد

۱- مفاتیح الجنان، مناجات مریدین

۲- سوره قصص - آیه ۷۱

و سمعی نور الحکمة

«و گوش و شنوائی مرا نور حکمت قرار ده»

هرگاه انسان سمع و گوش و هر یک از اعضاء را از پلیدی‌ها پاک و تزکیه نکند به معرفت و حکمت نمی‌رسد. لذا در این جا از خداوند کمک خواسته و می‌گوئیم: خدایا! سمع و گوش مرا چنان قرار بده که نور حکمت در آن جای گیرد و از اصوات عالم جز معرفت و حکمت چیزی نفهمم و حقائق را بشناسم

گوش و سمع انسان یکی از دریچه‌های شناخت و حکمت است چنانکه در روایتی دارد:

القلب ينبوع الحکمة و الاذن مغیضها

یعنی: قلب چشمه جوشان حکمت و گوش محل و مدخلی است که چشمه قلب از آن تغذیه می‌شود.

و قرآن نیز می‌فرماید: در هنگام قرائت و خواندن قرآن سکوت کنید و به آن گوش فرا دهید تا هدایت گردید:

۲۴۹..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

و اذا قرئ القرآن فاستمعوا له و أنصتوا لعلکم ترحمون^(۱)

یعنی: هنگامی که قرآن خوانده شود، گوش فرا دهید و خاموشی باشید، تا

مشمول رحمت خداوند شوید.

و مودتی نور الموالاة لمحمد و اله علیهم السلام

در خواست انوار الهی که در فقرات پیشین گذشت شرطی دارد و آن شرط این عبارت دعا است که می فرماید: موالاتم را نور محبت به محمد ﷺ و ال او ﷺ قرار ده، که اگر این شرط برای انسان فراهم نشود نه بلکه انوار قبلی حاصل نمی شود بلکه هیچ عملی و بندگی از او قبول نمی شود لذا با روشن نمودن چراغ محبت به اهل بیت ﷺ در دل، زمینه و شرایط پذیرفتن انواری که ذکر شد در قلب فراهم می شود.

و حضرت امام سجاد ﷺ یکی از فضیلت‌های اهل بیت ﷺ را، روشن شدن نور محبت در قلوب مؤمنین می شمارند و می فرمایند:

ای مردم خداوند به ما شش چیز اعطاء و فضیلت بخشیده، به ما علم، حلم، سخاوت، فصاحت، شجاعت، و المحبة فی قلوب المؤمنین عطا فرموده. ^(۱) بعضی از علما مرحوم مقدس اردبیلی را در خواب دیدند که در خارج از حرم مقدس امیرالمؤمنین ﷺ قرار داشت در حالی که در جامه‌ای زیبا و حالتی نیکو است از او پرسیدند:

۲۵۱..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

از کجا به این مقام رسیدی برای ما هم بازگویی تا انجام دهیم؟
مقدس اردبیلی رحمته گفت: ای شیخ این اعمالی که از ما سراغ داری در اینجا
بازارش کساد و کم مشتری بود، آنچه در اینجا به ما سود بخشید و ما را به این
مقام و منزلت رسانید محبت و دوستی صاحب این قبر یعنی امیرالمؤمنین
علیه السلام بود. (۱)

میر سید علی همدانی شافعی در مودة القربی از جابر بن عبدالله انصاری
نقل می کند که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود:

توسلوا بمحبتنا الی الله تعالی و استشفعوا بنا فان بنا تکرمون و بنا تحبون و
بنا ترزقون فمحبونا امثالنا غداً کلهم فی الجنة

یعنی: توسل بدوستی و محبت ما بسوی خدایتعالی و طلب شفاعت نمایند.
بدرستیکه بما اکرام می شوید و بوسیله ما دوست داشته می شوید و
بوسیله ما روزی داده می شوید، و دوستان ما امثال ما هستند فردای
(قیامت) تمامشان در بهشتند.

حتی القاک

«تا اینکه ملاقات کنم تو را (ای پروردگارا)»

حتی القاک

القاک از ماده «لقاء» به معنای روبرو شدن، مصادف شدن و دیدار کردن می باشد

هنگامیکه این انوار کمال و جلال که در دعا بر شمرده شد برای انسان حاصل شود نتیجه اش رسیدن به لقاء پروردگار می باشد و به این لقاء، خداوند در قرآن خبر داده و فرموده:

و اعلموا انکم ملا قوه و بشر المؤمنین^(۱)

یعنی: بدانید خدایتعالی را ملاقات خواهید کرد و به مؤمنان بشارت ده مطلبی که باید اینجا شرح و توضیح داده شود این است که لقاء پروردگار چگونه صورت می گیرد چون بجهت عدم سنخیت بین خالق و مخلوق می توان گفت: اصلاً لقاء و دیدار حق غیر ممکن و از محالات است لذا بعضی لقاء را به معنای مرگ گرفته اند و بعضی لقاء را به معنای رویارویی با

۲۵۳ تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

جزاء و عتاب و توابهای الهی دانسته‌اند که روز قیامت با آن روبرو خواهند شد.

و بعضی طبق تفاسیر موجود لقاء را به معنای رویارویی با اولیاء خدا دانسته‌اند گرچه این سه معنا با استفاده از روایات اهل بیت علیهم‌السلام بدست می‌آید ولی معنای دیگری نیز از یک دسته روایات دیگر نیز استفاده می‌شود که لقاء پروردگار در همین دنیا نیز صورت می‌گیرد و آن هنگامی است که سالک الی‌الله در اثر تزکیه نفس خود را از تمام قیود مملکی برهاند و به منکوت متصل نماید و به معدن نور برسد و به مرحله تجلی و دیدن قلب و تعلق روح نائل شود چنانکه در این دعا بعد از کسب این فضائل و کمالات نوری می‌فرماید: مرا به لقاء و تجلی معنوی و تعلق روحی برسان. و این همان ملاقاتی است که حضرت امیرالمومنین علیه‌السلام می‌فرماید:

لم اعبد رباً لم اره

یعنی: من معبودی را که نبینم و ملاقات نکنم نمی‌پرستم

و در روایات دیگری می‌فرماید: لکن تراه العیون بحقایق الایمان

یعنی: لیکن دلها بوسیله حقائق ایمان او را می‌بیند

لذا در لقاء پروردگار سالک یک لحظه غافل از حق نیست و در هر لحظه در

محضر و حضور ربوبی است تا جایی که به مرحله و مقام فناء فی‌الله

می‌رسد.

وقد وفیت بعهدک و میثاقک

«و در حالی که وفا کردم به پیمان و میثاق تو»

وفیت - از ماده «وفاء و ایفاء» می باشد و به معنای تمام کردن، پیمان را بانجام رسانیدن و به آن عمل کردن می باشد.

در این فقره "زائر" به پیشگاه پروردگار عرض می کند من به عهد و میثاقی که تو از من گرفتی عمل نموده و وفا کردم.

در قسمت زیارت در شرح "میثاق الله" معنای میثاق و عهد را بیان و شرح دادیم و گفتیم منظور از عهد و میثاق، همان عهد و میثاقی است که در عالم ذر گرفته شد مبنی بر اینکه موحد باشیم و جز خدای یکتا و بی همتا را نپرستیم.

و تصدیق انبیاء و بخصوص خاتم آنان یعنی حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله نموده و از آنان پیروی کنیم.

و ولایت و امامت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و فرزندان معصومش علیهم السلام را بپذیریم و آنها را یاری کنیم.

و شیطان را که دشمن قسم خودره بر اغوای بشریت است، پیروی نکنیم و از دستورات کتب الهی سرپیچی نکنیم و تمامی علوم و معارف آنها را قبول

۲۵۵ تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

نموده و احکام و شریعتشان را در زندگی فردی و اجتماعی خود پیاده کنیم و در صدد کسب کمالات و اخلاق حسنه باشیم و از رذائل و آنچه که خداوند اکراه دارد بپرهیزیم.

زائر در اینجا اقرار می کند به تمام این عهد و میثاقی که گرفته شده بود وفا نموده و در خواست اجر و سعادت می نماید چنانکه خداوند به آن وعده فرمود:

الذین یوفون بعهد الله و لا ینقضون الميثاق... (۱)

اولئک لهم عقبی الدار (۲)

جنات عدن یدخلونها و من صلح من ابائهم و ازواجهم و ذریاتهم و الملائکة یدخلون علیهم من کل باب سلام علیکم بما صبرتم فنغم عقبی الدار (۳)

یعنی: کسانی که وفاء به عهد الهی نموده و میثاق را نقض نمی کنند... از برای آنهاست دار عاقبت.

بهشتائی که همیشه در آن مخلد هستند داخل می شوند و هر کس از پدران و همسران و فرزندان شان که خود را صالح کرده باشند (و قابلیت برای دخول بهشت داشته باشند)، با آنها داخل می شوند و ملائکه نیز (از هر طرف) بر آنها نازل می شوند و سلام می کنند (و بشارت سلامتی معنوی و جسمی می دهند) و (می گویند این) بواسطه آن صبر و استقامتی است که کردید (و عهد و میثاق الهی را نشکستید)، پس نیکو جائی است عقبی الدار

۱- سوره رعد- آیه ۲۱

۲- سوره رعد- آیه ۲۳

۳- سوره رعد- آیه ۲۴

فتغشینی رحمتک یا ولی یا حمید

«پس مرا در رحمتت غوطه‌ور سازی ای سرپرست و ای ممدوح و ستوده»

فتغشینی رحمتک

فتغشینی از «ماده غشی غشاوۀ» به معنای پوشاندن و فرا گرفتن می‌باشد. از ناحیه ذات اقدس ربوبی جز رحمت و نعمت ناشی نمی‌شود چون نعمت و رحمت از مقتضیات الوهیت است و از لوازم صفت ربوبیت می‌باشد لذا خدایتعالی در سوره اعراف می‌فرماید:

و رحمتی وسعت کل شیء (۱)

یعنی: رحمتم همه چیز را فرا گرفته

این آیه شریفه اشاره به همین معنا دارد که رحمت الهی همه چیز از ملک و ملکوت را فرا گرفته است و این ما هستیم که در اثر خروج از عبودیت خارج از رحمت ربوبیت گردیده‌ایم، خدایتعالی آنها را مشمول "رحمت" و عنایت خود قرار می‌دهد که واجد شرایط آن باشند و هر کس که در تحصیل انوار ایمان و هدایت کوششی کند و خود را در مسیر آن قرار دهد مشمول

۲۵۷ تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

رحمت پروردگار خواهد گردید چنانکه و دنباله آیه شریفه می فرماید:

فسا کتبهما للذین یتقون

یعنی: و آن (رحمت الهی) را برای آنانکه تقوا پیشه کنند حتم و لازم خواهم کرد

لذا در این عبارت از دعا عرض می کنیم: حال که من به عهد و میثاق خودم ثابت قدم بودم پس مرا مشمول رحمت خود قرار ده.

یا ولی یا حمید

ولی - چنانکه در شرح مولی گذشت به معنای ولایت و صاحب اختیار می باشد که این ولایت و صاحب اختیار بودن بنحو اطلاق و ولایت کلیه از آن پروردگار عالم می باشد.

حمید - یعنی ستایش کننده، ستایش شده ای که تمام صفات حمیده و سنجیده را دارا می باشد.

این دو صفت نشانه قدرت و کمال خدایتعالی است به این معنا که فقط او سرپرست قادری است که نیازهای بندگان را تأمین می کند و آنها را مشمول الطاف خویش قرار می دهد چنانکه در سوره شوری به این دو صفت عظیم الهی اشاره می فرماید: هو الولی الحمید (۱)

یعنی: او ولی (و سرپرست) و صاحب صفات ستوده است

اللهم صل علی محمد ﷺ

«بارالها! صلوات و درود بفرست بر حجت م ح م د ﷺ»
حضرت بقیه الله (ارواحنا) در چند چیز شباهت تام به پیامبر اسلام ﷺ دارند که یکی از آنها نام آن حضرت است و این نام در حقیقت اسم اصلی آن حضرت می باشد چنانکه در روایات آمده است:

القائم من ولدی اسمه اسمی و کنیته کنیتی و شمائله شمائلی^(۱)

یعنی: (امام) قائم ﷺ از فرزندانم است و نامش نام من و کنیه اش کنیه من و شمائلش شمائل من می باشد.

و حضرت رسول ﷺ در روایت دیگری می فرمایند:

اسم المهدی اسمی^(۲)

یعنی: اسم (امام) مهدی اسم من است.

مطلبی که حائز اهمیت است و باید در این قسمت ذکر شود، نبردن نام مخصوص (یعنی م ح م د روحی له الفداه) آن حضرت در مجامع عمومی

۱- منتخب الاثر صفحه ۱۸۳.

۲- منتخب الاثر صفحه ۱۸۳.

۲۵۹..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

است به جهت روایات زیادی که در این مورد وارد شده است مثل این که حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرمایند:

لا یحلّ لهم تسميته (۱)

بردن نام او (بر مردم) جایز نمی باشد.

و حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرمایند:

الخامس من ولدی السابع یغیب عنکم شخصه و لا یحلّ لکم تسميته

یعنی: (مهدی علیه السلام) پنجمین امام از فرزندان امام هفتم است وجود مقدسش از شما پنهان می شود و برای شما بردن نام او جایز نیست (۲)

حضرت امام هادی به جناب عبدالعظیم حسنی فرمودند:

لا یحلّ ذکره باسم حتی یخرج (۳)

یعنی: یاد کردن حضرت بنام جایز نیست تا وقتی که قیام و خروج کند.

با توجه و ملاحظه روایاتی که نام بردن آن حضرت را به اسم خاص ممنوع نموده اند، ذکر اسم مقدس آن حضرت در مجامع عمومی و در محاورها و مکالمه ها جایز نبوده و حرام می باشد.

شاید علت آن، تعظیم و احترام به آن حضرت باشد که ایجاب می کند که به نام خاص خوانده نشوند و علت دیگر این که برای حفظ وجود مقدس آن جناب از گرداب ظلم و جور و قتل، از تصریح به نام خاص نهی شده است. بعضی خواسته اند بگویند با نبودن این خوف و ترس، نهی جاری نیست.

۱- بحار الانوار جلد ۵۱، صفحه ۱۵۰.

۲- وسائل الشیعه جلد ۱۱، صفحه ۴۸۴.

۳- بحار الانوار جلد ۵۱، صفحه ۲۸۴.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۲۶۰

ولی به جهت کثرت روایات وارد شده در این زمینه و موافق با احتیاط و موافق حصول تعظیم و احترام نسبت به آن حضرت، آن است که تصریح به نام خاص آن حضرت ننموده بلکه از القاب آن حضرت مثل بقیة الله و صاحب الزمان... استفاده شود، مگر در بعضی از دعاها و زیارات که به اسم خاص آن حضرت تصریح شده که فقط به آن مورد خاص باید اکتفا شود مثل دعای بعد از زیارت ال یس. که می فرماید اللهم صلی علی محمد ﷺ

حجتک فی ارضک

«حجت و دلیل و راهنمای تو در زمینت»

معنا و شرح «حجت» در قسمت شرح زیارت «السلام علیک یا حجة الله» بیان شد ولی در اینجا چون با قید «فی ارضک» آورده شده توضیح دیگری را مطلبد و آن این است که قبلاً گفتیم حجت یعنی دلیل و برهان که مقصود بوسیله آن روشن می شود و با توجه به قید «فی ارضک» چنین استفاده می شود که حضرت ولی عصر علیه السلام دلیل و برهان خداوند است برای افراد کره خاکی زمین، به این معنا که بوسیله آن حضرت خداوند حجت را بر مردم تمام کرده و تمام خلق را به اطاعت و محبت آن جناب امر فرموده است، و در حقیقت «فی ارضک» تأکید بیشتری است برای حجت بودن آن حضرت بر مردم.

چون هنگامی که خطاب به آن حضرت گفته شود «حجة الله» و قیدی نیاورد، معنایش وسیعتر می گردد یعنی آن حضرت دلیل و برهان پروردگار است بر جمیع مخلوقات ولی هنگامی که با قید «فی ارضک» آورده شود اشاره به افراد مکلف از جنّ و انس دارد که در کره زمین هستند یعنی آن حضرت

حجت خداوند است بر تمام افرادی که مکلف و صاحب عقلند تا راه عذری برای آنها باقی نماند و به همین معنا قرآن اشاره می‌کند و می‌فرماید:

لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرسل (۱)

یعنی: تا بعد از پیامبران، حجتی برای مردم باقی نماند (و بر همه مردم با آمدن انبیاء اتمام حجت شود)

و در سوره انعام می‌فرماید:

تلك حجتنا اتيناها ابراهيم على قومه... (۲)

یعنی: و آن حجت و دلیل ما بود که به ابراهیم دادیم تا بر قومش اظهار کند (و حجت را بر آنها تمام گرداند)

و مطلب دیگر که از این فقره دعا معلوم می‌شود این است که فقط حضرت بقیة الله (روحی له الفداه) حجت خداوند است بر مردم نه شخص دیگری و مشیت خداوند بر این قرار گرفته که در هر زمانی ناچاراً باید حجتی از جانب پروردگار باشد و هیچگاه زمین خالی از حجت الهی نشود، تا او هم واسطه فیوضات از جانب حق به سوی خلق باشد و هم اینکه خداوند بوسیله حضرتش بر مردم حجت را تمام کرده و بدون دلیل و حجت آنها را مؤاخذه نفرماید.

۱- سوره نساء - آیه ۱۶۵.

۲- سوره انعام - آیه ۸۳.

و خلیفک فی بلادک

«و خلیفه و جانشین تو در بلاد و شهرها»

همچنین قبلاً معنای شرح «خلیفه» داده شد، در این عبارت نیز مانند «حجتک فی ارضک» جمله «فی بلادک» قید برای «خلیفک» آورده شده است و معنای آن این است «خلیفه تو در شهرهایت»

و گفتیم «خلیفه» به معنای «نائب و جانشین» می باشد که حق تصرف بهر نحو که بخواهد از طرف منوبّ عنه، دارد و هنگامی که به آن حضرت خطاب شود «خلیفه الله» بدون قید، یعنی نائب خداوندی که حق تصرف در جمیع مخلوقات و کائنات را دارند و وقتی به آن حضرت خطاب شود «خلیفه الله فی البلاد» یا «خلیفک فی بلادک»، قید «فی بلادک» اشاره به اهل بلاد و شهرها دارد تا آنها از این جمله تأکید بیشتری را بفهمند و متوجه حضرتش گردند و بدانند آن حضرت از طرف خداوند صاحب اختیار آنها و حق تصرف در جمیع امور آنها را دارا می باشند لذا آن حضرت هر امری که فرمایند همه باید اطاعت کنند و همان اطاعتی که از خداوند دارند باید نسبت به نائب و جانشینی خدا نیز داشته باشند.

چنانکه خداوند خطاب به حضرت داود و می فرماید:

انا جعلناک خلیفۃً فی الارض فاحکم بین الناس بالحق^(۱)

یعنی: ما تو را خلیفه و جانشین خود در زمین قرار دادیم، پس در میان مردم بحق حکم و داوری کن.

وَالدَّاعِيَ إِلَى سَبِيلِك

«و دعوت کننده به راه و سیر بسوی تو»

الداعی - از ماده «دعی دعاء» و اسم فاعل می باشد و به معنای دعوت کننده، خواننده و هدایت کننده است.

کلمه «داعی» نیز در قسمت زیارت «داعی الله» شرح داده شد با این فرق که در این عبارت با قید «الی سبیلک» آمده که «سبیلک» به معنای راه و طریقه و مسلک و جاده آمده است لذا معنای عبارت چنین می شود که: حضرت بقیة الله (ارواحنا فداء) دعوت کننده بسوی راه خداوند می باشند چنانکه خداوند همین معنا را در قرآن به پیامبرش ﷺ می فرماید:

قل هذه سبيلي ادعوا الى الله... (۱)

یعنی: بگو ای پیامبر این راه من است که با بصیرت کامل همه مردم را به سوی آن دعوت می کنم

و پرواضح است که راه خدا همان مجموعه دین مقدس اسلام از عقائد حقه و اخلاق فاضله و احکام شرعیه و دستورات الهیه است و هر شخصی که

خود را در این جاده یعنی دین مقدس اسلام انداخت و صفات قلبی و کمالات نفسانی و اعمال جوارحیه و همچنین عقائد و اخلاق و افعال خود را کنترل کرد و طبق آئین الهی عمل نمود، این شخص در راه خداوند قرار داشته و اطاعت از «داعی الله» یعنی امام زمان عجله نموده است نکته مهم که در اینجا باید به آن توجه داشت این است که تحصیل این راه بدون راهنما و مرشد یعنی امام معصوم عجله هرگز میسر نیست لذا آن حضرت «الداعی الی سبیلک» هستند یعنی فقط آن حضرت است که مردم را به سوی راه خداوند دعوت می کند و اگر کسی غیر از این راه و طریق حرکت کند گمراه خواهد شد و حضرت امام جعفر صادق عجله در بیان معنای مهدی (عج) همین مطلب را متذکر می شوند و می فرمایند:

انما سمی القائم مهدياً لانه یهدی الی امر مضلول عنه و سمی القائم لقیامه بالحق (۱)
 یعنی: حضرت قائم عجله «مهدی» گفته می شود زیرا به چیزی که مردم از آن گم شده اند هدایت می کند و به او «قائم» گفته می شود زیرا قیام به حق می کند.

و القائم بقسطک

«بر پا کننده قسط و عدالت تو»

القائم - (لازم - متعاضی) به معنای ایستاده، بر پا دارنده، متصدی، متولی نیز آمده است.

بقسطک - از ماده قسط که یک فرد از معانی وسیع عدالت است و آن این است که قسط به معنای عدالت در تقسیم اموال و ارزاق می باشد و عدالت در تقسیم حصّه و نصیب نیز گفته می شود برای روشن شدن معنای بیشتر «قسط» چند مثال از کتاب «لسان العرب» می آوریم.

أخذ كل واحدٍ من الشركاءِ قسطه ای حصته

یعنی: هر یک از شریکها قسط خود را برداشت یعنی بهره خود را برداشت (که در اینجا قسط به معنای بهره می باشد)

تقسطوا الشئ بینهم ای تقسموه علی العدل و السواء

یعنی: شئی را بین خودشان به قسط تقسیم کردند یعنی بهره خود را به عدالت و مساوی تقسیم کردند.

القسط هو نصیب كل مخلوق

یعنی: قسط بهره هر مخلوق می باشد.

همچنین این معنایی که برای «قسط» ذکر شد از آیات قرآن نیز استفاده می شود چنانکه قرآن وفای به کیل و میزان که دو شیئی برای محاسبه و پیمانه ارزاق و حیوانات است، «قسط» می نامد:

افوالکیل و المیزان بالقسط^(۱)

یعنی: حق پیمانه و وزن را بعدالت ادا کنید

واقیموا الوزن بالقسط و لا تخسرو المیزان^(۲)

یعنی: و وزن را بر اساس عدل بر پا دارید و میزان را کم نگذارید

وانزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوموا الناس بالقسط^(۳)

یعنی: و با آنها کتاب (آسمانی) و میزان (وسیله سنجش) نازل کردیم تا مردم

قیام به عدالت کنند

این آیات خود دلیل روشنی است که معنای قسط، عدالت اجتماعی است

لذا می فرماید در کیل و میزان عدالت داشته باشید که آن «قسط» است یعنی

در حقوق تمام افراد به عدالت رفتار شود.

با توجه به آیات و معنای لغوی «قسط» معنای این فقره از دعا چنین می شود

که آن حضرت «قیام بقسط» الهی می کنند و در امت خویش نیز به عدالت

الهی رفتار می نمایند و تمام افراد نسبت به حقوقشان بسوییه و عدالت

برخورد می شود و «قسط» را آن چنانکه پروردگار برای بندگانش مقرر

۱- سوره انعام - آیه ۱۵۲.

۲- سوره الرحمن - آیه ۹.

۳- سوره حدید - آیه ۲۵.

۲۶۹..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

فرموده، در حقوقشان نسبت به یکدیگر بر پا می‌دارند به این جهت آن حضرت قائم بقسط پروردگار است و سرسوزنی به کسی ظلم و اجحاف نمی‌شود و همچنان که خداوند این مؤریت «قیام به قسط» را به پیامبرانش امر فرموده، آن حضرت نیز بر پا می‌دارند:

قل امر ربی بالقسط (۱)

یعنی: بگو پروردگارم امر به عدالت کرده است

ان حکمت فاحکم بینهم بالقسط ان الله یحب المقسطین (۲)

یعنی: و اگر در میان آنها داوری کنی، با عدالت داوری کن که خدا عادلان را دوست می‌دارد.

و اولو العلم قائماً بالقسط (۳)

یعنی: و صاحبان دانش گواهی می‌دهند که خداوند عالم قیام به عدالت دارد

۱- سوره اعراف - آیه ۲۹.

۲- سوره مائده، آیه ۴۲.

۳- سوره ال عمران - آیه ۱۸.

والتائر بامرک (السائر بامرک)

«(امام علیؑ) خونخواه (خون همهٔ بندگان صالح) بامر تو است»
التائر - از مادهٔ «ثار» به معنای انتقام گیرنده، قصاص کننده و کشته شده آمده است و مرحوم طریحی در مجمع البحرین می فرماید: «تائر» کسی است که بر هیچ وضعی قرار و آرام نمی گیرد تا این که خونبهای خویش را بگیرد.^(۱)
امام زمان علیؑ وارث تمام انبیاء و اوصیاء هستند و انتقام گیرنده از دشمنان و قاتلین آن بزرگواران نیز خواهند بود و این عمل حضرت به امر پروردگار می باشد و تا حتی یکی از اهداف قیام آن حضرت شمرده شده است.
بله آن همه تعدی و تجاوز که نسبت به برگزیدگان خدا به عمل آمد و فرصتی برای قصاص و انتقام گرفتن از متجاوزین حاصل نگردید و آن همه ستمکاری که در هر دوران از طرف متعدیان بر مظلومان وارد آمده و می آید که تا دامنهٔ ظهور امام زمان علیؑ به سرعت و شدت ادامه می یابد، توسط آن حضرت و بامر خدایتعالی با آنها مقابله می شود و آن وجود مقدس پیروزمندانه تمام متجاوزین را سرکوب می کند و حکومت عدل الهی را برقرار می نماید و انتقام

۲۷۱..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

از تمام متجاوزین و قاتلین انبیاء و اوصیاء می‌گیرد چنانکه حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

الا انه مدرک کلّ ثار لاولیاء الله عزوجلّ

یعنی: آگاه باشید که او (امام و منتظر علیه السلام) خونخواه خون همه بندگان صالح خدا است (۱)

و به همین معنا است که در زیارت عاشورا خطاب به حضرت امام حسین علیه السلام می‌خوانیم:

ان یرزقنی طلب تارک مع امام منصور من اهل بیت محمد صلی الله علیه و آله

یعنی: از خداوند درخواست می‌کنم روزی من گرداند تا با امام منصور از اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله خون خواه تو باشم.

و در دعای ندبه نیز به همین معنا اشاره شده که می‌فرماید:

این الطالب بذحول الانبیاء و ابناء الانبیاء

یعنی: کجاست آن امام منتقمی که از ظلم و ستم امت بر پیامبران و اولاد پیامبران دادخواهی می‌کند

این الطالب بدم المقتول بکربلا

یعنی: کجاست آن آقایی که از خون شهید کربلا انتقام خواهد کشید

در بعضی از عبارات زیارات ال یس «السائر بامرک» آمده یعنی به جای «ثائر» کلمه «سائر» ذکر شده که به معنای باقی و باقی ماندن می‌باشد بنابراین، که جمله دعای «السائر بامرک» می‌باشد، چنین معنا می‌شود.

(امامی) که به امر تو (ای خدا) باقی مانده است.

ولی المؤمنین و بوار الکافرین

«او (امام علیؑ) سرپرست مؤمنان و نابود کننده کافران است»

ولی المؤمنین

چنانکه گذشت «ولی» یعنی صاحب اختیار و حضرت بقیه الله صاحب اختیار دین و دنیای مؤمنین می باشند و در حقیقت آن حضرت هم اولی بتصرفه هم نگهبان، هم ناصر و هم دوست و بعبارت جامعی بوسیله آن حضرت مؤمنین مورد عنایات پروردگار قرار می گیرند و به آنان عزت می بخشند و این همان منصب الهی است که خداوند بجانشین خود تفویض نموده است آنجا که می فرماید:

والله ولی المؤمنین (۱)

یعنی: خداوند ولی و سرپرست مؤمنین است

وبوار الکافرین

بوار از ماده «بور» به معنای کساد و بی بهره می باشد و چون کساد موجب فساد است از «هلاکت» تعبیر به «بوار» می شود مثل این آیه شریفه:

۲۷۳..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

و اهلوقومهم دارالبوار^(۱)

یعنی: قوم خویش را ساکن در خانهٔ هلاکت (و کساد) کردند.

در این آیه شریفه از «البوار» هلاکت و جهنم قصد شده است.

خلاصهٔ کلام این که همچنان که مؤمنین به جهت ایمانشان به ولایت و امامت آن حضرت مورد لطف و رحمت الهی قرار می‌گیرند، کافرین نیز به جهت ایمان نیاوردنشان به آن حضرت دچار کساد و فساد در دنیا و آخرت می‌گردند و در نهایت به هلاکت می‌رسند.

و این حقیقت را نیز خدایتعالی نسبت به قرآن که عدل امام زمان علیه السلام است، فرموده:

و نزل من القرآن ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین و لا یزید الظالمین الا خساراً^(۲)

یعنی: ما از قرآن (حقایقی) را نازل کردیم که موجب شفاء و رحمت برای مؤمنین است و برای افرادی که (ایمان نیاوردن) و ظلم (به نفس خود نموده‌اند) جز خسارت و زیان چیزی افزوده نمی‌شود.

نکته‌ای که در این جمله از دعا باید به آن توجه داشت دو کلمه «مؤمن» و «کافر» است به این معنا که هر کس ایمان به آن حضرت آورد و اطاعت نمود مورد مهر و محبت و الطاف آن امام رؤوف و ولی مطلق واقع می‌شود و هر کس به آن حضرت کفر ورزید و ایمان نیاورد مورد هلاکت و نابودی و خسارت واقع می‌شود.

۱- سوره ابراهیم - آیه ۲۸.

۲- سوره اسراء - آیه ۸۲.

و مجلی الظلمة و منیر الحق

« (امام علیؑ) بر طرف کننده ظلمت و تاریکی و آشکار کننده حق می باشند »
مَجَلَّى الظُّلْمَةِ - یعنی جلی دهنده و بر طرف کننده ظلمت ها و تاریکیهای جهل
و ظلم و نادانی

منیر الحق - روشن گر و بیان کننده حق و حقیقت.

حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) بر طرف کننده هر ظلمت و تاریکی می باشند
که لازمه آن روشن شدن حق است به این معنا که بوسیله آن حضرت حق و
حقیقت آشکار می شود لذا آن وجود مقدس در روایات به خورشید تشبیه
شده است.

یعنی: چنانکه خورشید مُشرق عالم است و با ظهورش تمام تاریکیها از بین
می رود همچنین بوسیله آن حضرت حق و ظلمت از یکدیگر جدا می شوند
بلکه هر چیزی از سایر اشیاء ممتاز می شوند و قدر و مرتبه آنها معلوم و
آشکار می گردد چنانکه خود آن امام همام فرمودند:

و اذا اذن الله لنا في القول ظهر الحق و اضمحل الباطل (۱)

یعنی: هرگاه خداوند به ما اجازه سخن گفتن بدهد، حق ظاهر می شود و

باطل نابود می‌گردد

و جدّ امجدش امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

انما مثل بینکم کمثل السراج فی الظلمة^(۱)

همانا مثل من در میان شما، همچون چراغ در تاریکی است.

خلاصه اینکه یعنی: آن حضرت همانند خورشید تاریکیهای ظلمت و جهل را از بین می‌برند و حق را روشن می‌کنند گرچه آن حضرت در پس پرده غیبت بسر می‌برند ولی باز از نور وجودشان استفاده می‌شود مانند مثالی که خود حضرت بقیه الله (روحی الفداه) می‌آورند، آن حضرت در دنباله توفیق و نامه مسائل اسحاق بن یعقوب می‌فرمایند:

اما وجه انتقاع و بهره بردن از وجود من در دوران غیبتم، همانند انتقاع بردن از خورشید است به هنگامی که ابرها آن را از دیده‌ها پنهان بنماید.

و من امان از برای اهل زمین همانگونه که ستارگان امان از برای اهل آسمانند^(۲)

این کلام حضرت این معنا را می‌رساند که گاهی از اوقات قطعاتی از ابرها جلو خورشید را می‌گیرند به گونه‌ای که آن را از دیده بینندگان مخفی و پنهان می‌سازند و در عین حال از آفتاب استفاده می‌شود و نور در همان حال موجود است و نقاط دیگر که زمینه برای آنها فراهم هست مستقیماً از نور خورشید بهره می‌برند و هرگز مانند شب تیره و تاریک نیست که بکلی نوری نباشد، و در حقیقت این ما هستیم که در اثر اعمال ناپسند، خود را زیر ابر قرار داده‌ایم نه اینکه خورشید به پشت ابر برود، و ابرها همان آثار اعمال و کردار ما است که موجب غیبت گردیده است.

۱- میزان الحکمة

۲- احتجاج جلد ۲ صفحه ۴۶۸.

و الناطق بالحكمة و الصدق

«(امام علیؑ) گویندهٔ حکمت و صدق (و راستی است)»

حضرت امام عصرؑ دارای تمام علوم و حکمت‌های الهی بلکه آنچه شایستهٔ مقام عصمت و امامت است، می‌باشند چنانکه قرآن می‌فرماید:

فقد اتينا آل ابراهيم الكتاب والحكمة (۱)

یعنی: ما به آل ابراهیمؑ کتاب و حکمت دادیم

ذیل این آیه شریفه روایات بسیار زیادی وارد شده است که مردم چگونه نزول کتاب و حکمت را برای آل ابراهیمؑ قبول می‌کنند ولی برای آل محمد ﷺ قبول نمی‌کنند، در حالی که تمام علوم و حکمت‌ها به ائمهٔ اطهارؑ افاضه شده است لذا خداوند آنها را مخازن علم و حکمت خود قرار داده چنانکه در زیارت جامعه خطاب به آنان می‌خوانیم:

خزنة لعلمه و مستودعاً لحكمته

یعنی: ائمهٔ اطهارؑ مخزن‌های علم پروردگار و محل و ودایع حکمت الهی

هستند

۲۷۷..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

بله خداوند آنها را خازن علم و حکمت خود قرار داده و هیچ علمی از علوم تشریح و تکوین از آنها پوشیده نیست و صاحب علم اولین و آخرین می باشند لذا امام علیه السلام ناطق به حکمت هستند یعنی حقائق عالم وجود را بیان می کنند و به هر کس به اندازه طاق و ظرف وجودش سیراب می گردانند و تمامی آنها «صدق» است به این معنا که هر چه امام از علوم و حکمت بیان می کند به حق و به جای خود است و خارج از مرز تحدید نمی باشد چنانکه راجع به انبیاء دارد:

ان الله عزوجل لم یبعث نبیاً الا بصدق الحدیث^(۱)

یعنی: خداوند عزوجل هیچ پیامبری را مبعوث نمی گرداند مگر با گفتار و حدیث صادقی که مطابق با واقع است.

لذا امام زمان علیه السلام ناطق به حکمت و صدق هستند یعنی هر چه بگویند حکمت و با واقع مطابقت دارد و خلاف نیست.

وکلمتک التامة فی ارضک

«(امام زمان علیه السلام) کلمه تام تو در پهنه زمینت است»

قبلاً در شرح «کلمه نورک» راجع «به کلمه الهی» مطالبی ذکر کردیم، ولی در این قسمت با شرح بیشتری عرض می‌کنیم کلمه به معنای سخن است یعنی لفظی که دارای معنا باشد که پنهان و غیر مکشوف بوده، ظهور کلمه در انسانها بصورت صوتی است که از حنجره و ارتعاش تارهای صوتی و با تکیه بر مخارج حروف، خارج می‌شود ولی در مورد پروردگار «کلمه» به چیزی گفته می‌شود که اراده خدایتعالی به آن ظاهر می‌شود یعنی اصل «کلمه» در اراده و مشیت حضرت حق است لذا می‌توان گفت تمام موجودات عالم اعم از ملک و ملکوت «کلمه خدایتعالی» هستند که بوسیله آنها پروردگار اسماء و صفات خفیه خود را ظاهر می‌سازد و قرآن می‌فرماید:

تمت کلمة ربک صدقاً و عدلاً لا مبدل لکلماته (۱)

یعنی: کلمه پروردگار اعم از موجودات عالم و کتب آسمانی و انبیاء و اوصیاء، تمام و کامل بوده و جای هیچ نقص و عیبی نیست و تمامی آنها

صادق بوده و از روی عدل الهی هر یک بجای خود قرار گرفته اند و هیچکس نمی تواند آنها را تبدیل یا تغییر دهد.

در عالم وجود هر کلمه ای مرتبه و منزلتی دارد که حسب آن بعضی بر بعضی دیگر از نظر اهمیت و قرب اختلاف دارند مثلاً کتب آسمانی کلمات الله می باشند چنانکه می فرماید:

کلمة الله هي العليا^(۱)

این آیه اشاره دارد به این که کلام خداوند بلندترین و رفیعترین هر کلامی می باشد

و در جای دیگر قرآن از انبیاء به «کلمه» تعبیر فرموده:

ان الله يبشرك بكلمة منه اسمه المسيح عيسى بن مريم^(۲)

در آیه شریفه از حضرت عیسی که یکی از انبیاء الهی است به «کلمه الهی» تعبیر شده است و همچنین پیامبر اسلام ﷺ و اهل بیت معصومش  در قرآن به «کلمه» یاد شده اند که بالاترین مقام و منزلت را نزد خداوند دارند و آیات فراوانی در این زمینه وجود دارد:

اذا ابتلى ابراهيم ربه بكلمات^(۳)

یعنی: خداوند ابراهیم را به کلمات امتحان فرمود

در تفاسیر با ذکر روایات وارده از ائمه اطهار  نوشته اند منظور از «کلمات» چهارده نور پاک حضرت محمد ﷺ و حضرت علی  و حضرت فاطمه  و یازده فرزند معصومشان  می باشند چنانکه از حضرت امام محمد

۱- سوره توبه - آیه ۴۰

۲- سوره آل عمران - آیه ۴۵.

۳- سوره بقره - آیه ۱۲۴.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۲۸۰

باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:

نحن کلمات الله

یعنی: مائیم کلمات پروردگار

و همچنین این آیه شریفه در معرفی منزلت و مقام ائمه اطهار علیهم السلام نازل شده، که می فرماید:

قل لو كان البحر مدادا لکلّما ربی لنفد البحر قبل ان تنفد کلمات ربی و لو جئنا بمثله مدداً (۱)

یعنی: بگو اگر دریاها برای نوشتن کلمات پروردگار مرکب شوند، پیش از آنکه کلمات الهی به آخر رسد دریاها خشک خواهد شد هر چند دریاها را دیگر ضمیمه و کمک آنها قرار دهیم.

با توجه به این آیه شریفه و آیات دیگر که در شأن اهل بیت علیهم السلام نازل و از آنان به «کلمات» تعبیر شده، پی به مقام و منزلت آنان می بریم که هیچ کلمه‌ای و موجودی در عالم خلقت به مقام و منزلت آنان نمی رسد و نخواهد رسید لذا در این فقره از دعا از امام زمان علیه السلام تعبیر شده است به: کلمه و می فرماید:

کلمتک التامّه

یعنی: کلمه تو (ای خدا) که تامّ است

تامّ - به معنای تمام است یعنی خروج کلمه به نهایت درجه امکان از حیث وجود و کمال و جلال، که همان عقل کامل و عقل کل است که گاهی تعبیر به «نور» هم می شود، و آن حضرت حجة بن الحسن روحی له الفداء می باشد.

المرتقب الخائف

«(امامی که) منتظر و مراقب و خائف است»

المرتقب - از ماده «رqb» به معنای حفظ، انتظار، نگهبانی، و محافظت می باشد.

الخائف - از ماده «خاف خوفاً» به معنای ترسیدن و بیم داشتن است. امام زمان علیه السلام در حالی که انتظار فرج دارند خائف و بیم ناک نیز هستند. در اینجا شاید بگوئید خوف و ترس با مقام شامخ ولایت و امامت آن حضرت منافات دارد ولی باید دانست آن حضرت بلکه تمامی ائمه اطهار علیهم السلام چون برای هدایت و ارشاد مردم آمده بودند لذا همانند آنها زندگی می کردند و در میان آنها بودند بدون اینکه از قدرت ولایت و امامت استفاده کنند چون نیروی ولایت و اعجاز در موارد خاصی مثل معرفی امام به دیگران استفاده می شود نه این که دائماً از خود اعجاز نشان دهند بلکه آنها در میان مردم مثل مردم زندگی می کردند تا مردم به روال طبیعی و با تلاش و کوشش، خود را در راستای احکام اسلام قرار دهند و به کمالات معنوی و روحی برسند. و به این وسیله امتحان شوند

لذا اگر امام علیه السلام در میان مردم ظاهر شوند خوف از قتل وجود دارد چنانکه اباء و اجداد طاهرینش علیهم السلام را به قتل رساندند و به این جهت نیز هست که یکی از علت‌های غیبت را خوف از قتل شمرده‌اند.

وجه دیگر از معنای خوف این است که آن حضرت خوف از طولانی تر شدن غیبت و تأخیر فرج دارند

و یا این که خوف آن حضرت از برای مؤمنین است که دچار مشکلات و دام‌های شیاطین شده و در جهت صراط مستقیم دین واقع نشوند.

خلاصه اینکه آن حضرت از این جهت که «مترقب الخائف» هستند شباهت به حضرت موسی علیه السلام دارند چون خداوند این عنوان را در قرآن به حضرت موسی علیه السلام داده است.

آنجا که می‌فرماید:

فاصبح فی المدینه خائفاً یترقب^(۱)

یعنی: (موسی) در شهر صبح کرد در حالی که ترسان بود و انتظار می‌کشید و در آیات بعد می‌فرماید:

فخرج منها خائفاً یترقب^(۲)

یعنی: و از شهر خارج می‌شد در حالی که بیمناک بود و انتظار می‌کشید. اصل حکایت آن چنین است که: بعد از این که نام موسی علیه السلام بر سر زبانها افتاده بود و فرعون و فرعونیان در صدد دستیابی به او بودند موسی علیه السلام در

۱- سوره قصص، آیه ۱۸.

۲- سوره قصص، آیه ۲۱.

۲۸۳..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

شهر مخفی و ترسان بود و هر لحظه در انتظار حادثه‌ای، بسر می‌برد. و بجهت اینکه حضرت موسی علیه السلام مظلومی را نجات داد. بیشتر مورد تهدید قرار گرفت تا جایی که حکم قتل موسی علیه السلام را صادر کردند تا اینکه مردی از نقطه دور دست شهر (جناب حزقیل مؤمن ال فرعون) به سرعت خود را به حضرت موسی علیه السلام رساند و گفت: ای موسی! این جمعیت برای کشتن توبه مشورت نشسته‌اند فوراً از شهر خارج شو که من از خیر خواهان توام. (۱)

حزقیل از اوضاع زمان رنج می‌برد و چشم امید به حضرت موسی علیه السلام دوخته بود لذا حضرت موسی علیه السلام خیرخواهی این مرد را ارج نهاد و در حال ترس و در انتظار حادثه‌ای (یعنی فرج) از شهر خارج شد و به پروردگار خود گفت:

رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۲)

۱- و جاء رجل من اقصى المدينة يسعى قال يا موسى ان الملاء يأترون بك ليقتلوك فاخرج اني لك من الناصحين سورة قصص - آیه ۲۰.

۲- سورة قصص، آیه ۲۱

والولی الناصح

«سرپرستی که خیر خواه است»

الولی - معنای آن در شرح جملات قبل «ولی» بیان شد

الناصح - از ماده «نصح نصحاً» به معنای پند دادن، نصیحت کردن و به معنای حقیقت شیء را بازگو کردن نیز آمده است و چون نصیحت از روی خلوص نیت و خیر خواهی محض، حقیقتی بازگو می شود به معنای اخلاص نیز آمده است.

امام عصر علیه السلام رهبر و امامی است که امت را از روی مهر و محبت به حقیقت بندگی نصیحت می کنند و آنها را هدایت می فرمایند و همچنانکه در معنای «نصیحت» گذشت آن حضرت حقیقت را به مردم گوش زد نموده و به دستورات اسلام و عمل نمودن به آن پند می دهند چنانکه قرآن این امر را از زبان پیامبران الهی بیان می کند که به دستورات خدایتعالی پند و نصیحت می نمودند:

أبلغکم رسالات ربی و أنا لکم ناصح أمین (۱)

۲۸۵ تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

یعنی: رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و من خیرخواه امینی برای شما هستم

و قال یا قوم لقد ابلغتکم رسالۃ ربی و نصحت لکم (۱)

یعنی: و گفت ای قوم! من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و شما را نصیحت کردم

و در زیارت جامعه خطاب به ائمه اطهار علیهم‌السلام عرض می‌کنیم:

و نصحتم له فی السرّ والعلانیة

یعنی: مردم را نصیحت و پند دادید هم در خفاء و هم در آشکارا

سفينة النجاة

«(امامی علیه السلام که) کشتی نجات است»

سفینه- به معنای کشتی است و این کلمه نیز کنایه از این است که حضرت بقیة الله علیه السلام همانند کشتی می باشند که هر کس خود را به آن رساند از گرداب ضلالت و گمراهی نجات می یابد چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روایات متعددی فرمودند:

مثل اهل بیتی فیکم کمثل سفینة نوح من دخلها نجا و من تخلف عنها هلك (۱)
یعنی: مثل اهل بیتم در میان شما همانند سفینه نوح است که هر کس داخل در آن شد نجات یافت و هر کس از آن تخلف کرد هلاک گردد.
پر واضح است که رکوب و سوار شدن در این کشتی به این معنا است که معالم دین را باید از آنان اخذ کرد و به آن عمل نمود و تأکید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر همین بوده که امت بعد از رحلتشان تمام علوم و تکالیف اسلام را از آنان اخذ کنند تا گمراه نشوند.

کشتی نوح است این کشتی نجات
که ستوده حق بتقرآنش صفات
ساخته نوح است این کشتی بلی
از محمد تربیت جسته علی
هر که اندر او نشست از غرق رست
گشت ناجی آنکه اندر او نشست
این نشستن اعتماد و اتکاست
فرق بین دو نشستن بس خطاست
لاجرم بارمز و ایما کردگار
بر پیغمبر کرد این راز آشکار
که توئی نوح و علی کشتی بود
که نجات خلق از او می شود
هر که را نبود در این کشتی مقام
غرق طوفان گردد آخر لا کلام
در حق آن کشتی آنچه حق بگفت
بوده در حق علی اندر نهفت

و علم الهدی

«(امام علیؑ) پرچم هدایت است»

در قسمت شرح زیارت (السلام علیک ایها العلم المنصوب) معنای «علم» را بطور مفصل نگاشتیم که به معنای پرچم و نشانه بود، در این قسمت به معنای «الهدی» می پردازیم تا معنای این عبارت بطور واضح معلوم گردد. «هدی» که یکی از اسماء پروردگار نیز هست به معنای هدایت، ارشاد، راهنمایی آمده است.

بطور کلی هدایت بر دو گونه است هدایت عامه و تکوینی که بوسیله عقل و فهم و فکر و وجدان و غرائزی که خداوند در وجود انسان قرار داده صورت می گیرد به این معنا که با کمک آنها انسان راه های زندگی سالم و تدبیر امور فردی و اجتماعی خود را میابد لذا قرآن می فرماید:

رینا الذی اعطى کل شیء خلقه ثم هدی^(۱)

یعنی: پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی آنچه لازمه آفرینش او بوده داده، سپس براه کمالش هدایت کرده است.

و هدایت دوم که فرع هدایت اول است یعنی اگر بشر طبق هدایت فطری خود عمل نماید و از آن منحرف نمی شود به هدایت دوم می رسد و آن هدایت دوم پیامبر ﷺ، قرآن و امام علیؑ می باشد که به آن هدایت خاصه و تشریحی هم گفته می شود به این معنا که هدایت پیامبر ﷺ و امام علیؑ خاص افرادی است که طبق هدایت فطری خود عمل نموده باشند.

و این عبارت از دعا (علم الهدی) این معنا را به ما می فهماند که حضرت امام عصر (ارواحنا فداه) عَلم و نشانه الهی است که خلق را بسوی خدا هدایت و دعوت می کنند چنانکه ذیل این آیه و علامات و بالنجم هم میهندون^(۱) یعنی: (خداوند) علامات و ستارگانی قرار داد (که بوسیله آنها خلق هدایت می شوند

حضرت امام جعفر صادق علیهما السلام فرمودند: «نجم» رسول خدا ﷺ و «العلامات» ائمة اطهار علیهم السلام بعد از او می باشند.

لذا امام زمان علیهما السلام سبب هدایت خلق به سوی حق می باشند. و حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) در توقیعی به همین معنای هدایتگری خود و اباء کرامشان اشاره می فرمایند:

... آیا ندیدید که خداوند چگونه از برای شما پناهگاههایی قرار داد که در آن مأوی بگیرید و عَلمها و نشانه های بلندی که بدانها هدایت یابید و این رشته از زمان آدم علیهما السلام تا وقتی که (حضرت امام حسن عسکری علیهما السلام) ظاهر گردید ادامه داشت که هر زمان عَلمی از چشمها پنهان می شد عَلم دیگری ظاهر می گردید و چون ستاره ای غروب می کرد ستاره دیگری طلوع می کرد...^(۲)

۱- سوره نحل - آیه ۱۶

۲- احتجاج، جلد ۲، صفحه ۲۷۸. بحار الانوار جلد ۵۳، صفحه ۱۷۹.

و نور البصار الوری

«(و امامی علیه السلام که) نور دیده مخلوقات است»

و نور

در این عبارت از امام زمان علیه السلام تعبیر به «نور» شده است چنانکه ابو خالد کابلی می گوید از حضرت امام محمد باقر علیه السلام پرسیدم تفسیر این آیه شریفه چیست؟

فامنوا بالله و رسوله و النور الذی انزلنا (۱)

یعنی: پس به خدا و رسول او و نوری که نازل کردیم ایمان بیاورید
آن حضرت فرمودند: ای آبا خالد بخدا سوگند که مقصود از نور ائمه علیهم السلام از
ال محمد صلی الله علیه و آله و سلم می باشند تا روز قیامت. (۲)

و در تفسیر کلمه نور در آیه شریفه:

یجعل لکم نوراً تمشون به (۳)

یعنی: برای شما نوری قرار دهد که با آن راه بروید

۱- سوره تغابن - آیه ۸.

۲- اصول کافی جلد ۱، صفحه ۲۷۶.

۳- سوره حدید - آیه ۲۸.

۲۹۱..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: یعنی امامی که به او اقتدا کنید. (۱)
و در روایت دیگری محمد بن فضیل می گوید از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام از این آیه شریفه سؤال کردم: یزیدون لیطفئو نورالله بأفواههم (۲)
یعنی: می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند
آن حضرت فرمود: یعنی می خواهند ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام را با دهانشان خاموش کنند.

عرض کردم منظور از این آیه شریفه چیست؟
والله متّم نوره (۳)

یعنی: ولی خدا نور خود را کامل می کند
فرمود: یعنی خداوند کامل کننده امامت است و امامت همان «نور» است و همانست که خدای عزوجل می فرماید:
بخدا و رسولش و نوری که فرو فرستاده ایم ایمان آورید (۴) مقصود از «نور» همان امام علیه السلام است. (۵)

ابصار الوری

الوری - وری به معنای «پشت و بعد» آمده است و در اینجا مقصود بعد از خدایتعالی هر چه در عالم وجود دارد، می باشد.

۱- اصول کافی جلد ۱، صفحه ۲۷۷.

۲- سوره صف - آیه ۸.

۳- سوره صف - آیه ۸.

۴- سوره تغابن - آیه ۸.

۵- اصول کافی جلد ۱، صفحه ۲۷۹.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۲۹۲

در عالم وجود هر موجودی به اندازه استعداد و ظرفی که به او تفویض شده است می تواند از طریق این نور (امام زمان علیه السلام) حقائق را درک کند و خود را در جهت بندگی و عبودیت حق قرار دهد چنانکه قرآن می فرماید:

و ان ما من شیء الا و یسبح بحمده (۱)

هر چه هست در عالم خلقت، خالق خود را تسبیح و حمد می کند، این تسبیح و تمجید آنها بواسطه امام علیه السلام است که همانند نوری می باشند که به آنها بصیرت و بینش به اندازه استعدادشان عطا می فرماید: لذا امام زمان علیه السلام نورابصارالوری می باشند یعنی نور بینش و بصیرت تمام موجودات عالم وجود هستند.

و خیر من تقمص و ارتدی

یعنی: بهترین کسی که پیراهن پوشیده و رداء بر دوش انداخته
تقمص - قمیص یعنی پیراهن و تقمص به معنای «پوشیدن پیراهن را»
می باشد

ارتدی - از ماده «رداء» به معنای لباسی که بالای بدن بر روی لباسها و بر دو
کتف انداخته می شود و «ارتدی» یعنی:
«پوشید رداء را»

همانطور که معنای لغوی «تقمص» و «ارتدی» بیان شد که به معنای دو
پوششی هستند که تمام بدن را شامل می شوند ولی در اینجا معنای کنائی آن
منظور است، برای پی بردن به معنای کنائی ما به روایاتی که این دو کلمه را
استفاده نموده اند و از آن معنایی غیر از معنای لغوی را منظور فرموده اند،
می آوریم تا معنای کنائی این دو کلمه کاملاً روشن شود.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از کلمه «تقمص» در خطبه ای که ایراد می فرمایند
معنای «پوشیدن لباس خلافت» را منظور می کنند و می فرمایند:

لقد تقمصها ابن ابی قحافه و هو يعلم انّ محلی منها محل القطب من الریحی (۱)
یعنی: آگاه باشید قسم بخداوند که پسر ابی قحافه (ابوبکر که اسم اصلیش
عبدالعزّی بوده) خلافت را مانند پیراهنی پوشید و حال آنکه می دانست من
برای خلافت مانند قطب آسیا هستم.

پر واضح است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در این خطبه اشاره به غضب
خلافت توسط ابی قحافه می کنند و منظور شان از کلمه «تقمصها» همان
پوشیدن لباس خلافت است.

و همچنین در روایتی کلمه «رداء» را آورده و در آن معنایی غیر از معنای لغوی
منظور شده است چنانکه می فرمایند:

العز رداء الله و الکبریاء أزاره (۲)

یعنی: مقام ارجمندی و عزت همانند رداء و کبریاء همانند پوشش برای
خداوند است.

با توجه به معنای لغوی این دو کلمه و روایاتی که ذکر شد معنای این فقره از
دعا چنین می شود که حضرت بقیه الله (ارواحنا فداء) بهترین فرد برای
منصب خلافت و امامت و مقام ارجمند و عزت می باشند.

این جمله در روایاتی به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز نسبت داده شده است
چنانکه از ابن عباس سؤال شد چه می گوئی در مورد حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام گفت:

۱- نهج البلاغه خطبه ۳.

۲- مجمع البحرین، صفحه ۱۸۱.

۲۹۵..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

ابوالحسن علی علیه السلام کان والله علم الهدی... و سید من تقمص و ارتدی
یعنی: به خدا قسم حضرت ابوالحسن علی علیه السلام پرچم هدایت... و سید
و بزرگ کسانی است که لباس (خلافت) در تن نموده و رداء (بزرگواری) بر
دوش انداخته‌اند (۱)

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه‌ای می فرمایند:
انا کمل من تقمص و ارتدی (۲)

یعنی من کاملترین کسانی هستم که لباس (خلافت) پوشیده و رداء (عزت و
بزرگواری) بر دوش انداخته‌اند.

۱- بحار الانوار جلد ۴۴، صفحه ۱۱۳.

۲- بحار الانوار جلد ۲۵، صفحه ۳۲.

و مجلی العمی (مجلی الغما - الغمات)

«روشن دهنده و زداینده کوری و نادانی»

مجلّی از ماده «جلی» به معنای آشکار و روشن شدن و هویدا شدن می باشد.

العمی - به معنای نابینائی، کوری، جهل و نادانی می باشد.

همانطور که چشم بدون نور ظاهر نمی تواند راه را از چاه تشخیص دهد، روح

و نفس نیز بدون «نور وحی» نمی تواند راه تکامل و سعادت را از چاه ضلالت

و هلاکت تشخیص دهد لذا امام زمان علیه السلام آن نور الهی می باشند که انسانها را

از کوردلی و جهل و ضلالت نجات می دهند چنانکه در دعای ندبه نیز به این

معنا اشاره شده آنجا که در شأن آن حضرت می خوانیم:

نوراً من العمی

یعنی آن بزرگوار همانند نوری می باشند که خلق را از کوردلی و ظلمت به نور

و روشنائی معنوی راهنمایی می کنند و اگر کسی از این نور روی برگرداند به

کوردلی و عمی مبتلی می شود و در آخرت نیز کور محشور می گردد:

و من کان فی هذا اعمی فهو فی الآخرة اعمی و اضلّ سبیلاً^(۱)

۲۹۷ تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

یعنی: و هر کسی در این دنیا (از دیدن حق) کور و نابینا است در آخرت نیز نابینا و گمراه خواهد بود.

در بعضی از نسخه‌های «زیارت ال یس» آمده است:

مَجَلِي الْقَمَا يَا مَجَلِي الْغَمَاتِ

الغَمَا - الغمات - به معنای غم و اندوه‌گین بودن است و همچنین به معنای، تیرگی و تاریکی و ابرگرفتگی نیز آمده است که در این صورت معنای این فقره از دعا چنین می‌شود: امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ جَلِيْ دهنده و بر طرف‌کننده تاریکیها و تیرگیهای جهل و نادانی هستند.

الذی یملا الارض عدلاً و قسطاً کما ملئت ظلماً و جوراً

«آنکه (یعنی امام علیه السلام) زمین را از عدل و داد پر کند آنچنانکه از ظلم و جور پر شده باشد»

عدل و قسط سرلوحه برنامه‌ها در حکومت حضرت بقیه الله (روحی فداء) قرار دارد که در اثر آن تحول عظیمی در جهان پدید می‌آید و آتش ظلم و تبعیض و حقکشی و استثمار رخت بر می‌بندد، عدالت اجتماعی به معنای واقعی آن که تعاون و توازن در هر جهت باشد برقرار می‌گردد که این خود آروزی انبیاء و عدالتخواهان الهی و جامعه بشریت بوده است، می‌توان گفت بیشترین درگیری و مبارزه پیامبران نیز بر سر اجرای عدالت بوده است و تا حتی کفر و شرک ورزیدن و قبول نکردن توحید در ارتباط با عدالت بوده به این معنا که نپذیرفتن توحید که خود یک حقیقت مسلم نزد فطرت و وجدان هر بشری است نشانه بی‌عدالتی و یک نوع ظلم محسوب می‌شود.

لذا انبیاء برای اجرای این چنین عدالتی فداکارهای فراوان کردند تا اعتقاد به اصول و مبانی دینی را برپا دارند، آنها در این راه، دچار موانع و کارشکنیهای فراوان شیاطین جنی و انسی می‌شدند و اغلب تلاش و مأموریتشان در

۲۹۹..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

اجرای عدالت نافرجام می مانده که با قیام حضرت بقیة الله (ارواحنا فداء) تحقق می یابد لذا در روایات بسیار زیادی وارد شده است که آن حضرت زمین را پر از عدل و داد می فرمایند و این امر یکی از آن وعده های حتمی خداوند متعال است که هرگز تخلف پذیر نیست.

فرق عدل و قسط

عدل و عدالت دو کلمه ای هستند که به معنای مطلق مساوات می باشند. قسط را معنا کرده اند: دست یافتن به سهم و نصیب از روی عدالت لذا واژه «عدل» معنایش عمومیت بیشتری از «قسط» دارد و به این جهت است که بیشتر نقطه مقابل «عدل» «ظلم» و نقطه مقابل «قسط» «جور» قرار می گیرد چنانکه در این دعا هویدا است.

جور - از ماده «جارو جور» که به معنای ستمکار به غیر، مائل شدن از راستی و راه است

ظلم - به معنای ستم کردن می باشد که معنی عامی دارد که هم شامل خود و هم دیگران می شود.

با توجه به معنای لغوی ظلم و جور، جور یعنی دیگران را از حقوق خودشان محروم کردن و به ایداء و اذیت آنها بر آمدن و بر مال و جان مردم مسلط شدن و تبعیظهای ناروا قائل شدن است و نقطه مقابل آن «قسط» است.

عامی دارد که هم شامل خود و دیگران می گردد به این معنا

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۳۰۰

عدل را مقابل ظلم و قسط را مقابل جور قرار داده است.
و صاحب کتاب مکیال المکارم در معنای عدل و «قسط» و فرق آن دو می نویسد:

آنچه از موارد استعمال به دست می آید این است که مفهوم «عدل» از مفهوم «قسط» عمومیت بیشتری دارد، زیرا که «قسط» در مورد ادای حق دیگران به کار می رود چون ادای شهادت و قضاوت و وزن و پیمانہ کردن و امثال آن... و به عبارت دیگر «قسط» تنها در مواردی استعمال می شود که به حق غیر مربوط باشد (و عدل در مورد حق دیگران و حق خود انسان بکار می رود) پس معنای عدل موافقت با حق است بطور مطلق (حق خود انسان باشد یا حق دیگران) و قسط موافقت با حق مردم است^(۱)

آیا جهان باید پر از ظلم و جور شود؟!

بسیاری از مؤمنین سؤال می کنند باید دنیا پر از ظلم و جور شود تا آن حضرت ظهور کنند و آیا دنیا پر از ظلم و جور نشده است؟! البته معنی این جمله «یمل الارض عدلاً و قسطاً کما ملت ظلماً و جوراً» حسب ظاهر چنین است که امام زمان علیه السلام دنیا را پر از عدل و داد خواهد کرد هماهنگونه که از ظلم و جور پر شده باشد

ولی باید گفت یکی از معانی واضح و بارز ظلم و جور محروم نگه داشتن مردم جهان از درک حقائق و علوم و معارف و کمالات معنوی است که این ظلم از زمانی که در خانه حضرت فاطمه زهرا علیها السلام آتش زده شد، تمام جهان را فراگرفت لذا در دعا می فراید (امام زمان) دنیا را پر از عدل و داد خواهد

۳۰۱..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

کرد همانطور که دنیا پر از ظلم و جور شده است. (کما ملئت ظلماً وجوراً) و هرگاه شرائط دیگر ظهور فراهم شود مثل این که مردم جهان به رشد و فهمی برسند که درک کنند احتیاج به یک منجی الهی دارند که آنها را از قیدهای شقاوت و بدبختی نجات دهد، زمینه ظهور فرا می رسد.

انگ علی کل شیءٍ قدیر

«براستی که تو (ای خداوندا) بر هر چیزی توانائی»
این جمله از دعا اشاره به سلطنت و حکومت الهی بر تمام اجزاء عالم دارد که هر چه بخواهد فوراً انجام می شود:
انما امره اذا امره شیاءً یقول له کن فیکون
یعنی: هرگاه امر و خواست پروردگار بر ایجاد شئی تعلق بگیرد می گوید:
باش، فوراً محقق می گردد.
چنانکه در روایتی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: «کن» به معنای «فعل» است یعنی تا اراده کرد آنآ واقع می شود.
و این فراز از دعا این مطلب را تثبیت می کند که خداوند قادر است و قادر مختاری که هر کاری را که حکمتش اقتضا کند می کند و هر کاری را که حکمتش اقتضا ندارد نمی کند و بسیاری از امور اعتقادش متوقف است بر این که انسان خداوند را قادر و توانا بداند و وقتی که خدایتعالی را قادر و توانا دانست و فهمید هر کاری که خداوند بخواهد برای او سهل و آسان است، منکر هیچکدام از افعال و کردارهای خدایتعالی نمی شود مثل معراج یا معاد

۳۰۳..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

جسمانی یا تعجیل در فرج حضرت بقیة الله (روحی فداء). لذا در آیات قرآن اموری را که بعضی منکر آنها بودند، با جمله «ان الله على كل شیء قدير»^(۱) آورده و به این بیان قدرت و توانائی خداوند را تثبیت و به مردم تفهیم می نماید مثل:

فقد جاءكم بشیر و نذیر و الله على كل شیء قدير^(۲)

یعنی: به تحقیق که (پیامبر خدا) بشارت دهنده و انداز کننده به سوی شما آمد و خداوند بر هر کاری قادر و توانا است.

و در آیه دیگر می فرماید:

حتى یأتی بامرہ ان الله على كل شیء قدير^(۳)

یعنی: تا خداوند فرمان خود را بفرستد خداوند بر هر چیزی توانا است

۱- سوره طلاق - آیه ۱۲.

۲- سوره مائده - آیه ۱۹.

۳- سوره بقره - آیه ۱۰۹.

اللهم صلّ علی ولیک و بن اولیائک

خداوند! صلوات و درود فرست بر ولی خودت و فرزند اولیاء خودت»

اللهم صل علی ولیک

معنای «ولی» در شرح عبارتهای قبل روشن و معلوم گشت که امام زمان علیه السلام دارای مقام ولایت از جانب خداوند متعال می باشند و از جانب پروردگار صاحب اختیار امر و نهی، و سرپرست خلق هستند.

و بن اولیائک

در این عبارت از دعا «و بن اولیائک» نکته ای قابل توجه است و آن این است که این عبارت در مقام معرفی امام زمان علیه السلام از جهت نسب می باشد به این معنا که آن جناب از سلاله فرزندان پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که همگی از اولیاء و حجج اللهی علیهم السلام بودند، می باشد که در حقیقت این تصریح در نسب و معرفی آن حضرت برای رسوا و مفتضح کردن شیادان و افرادی است که برای اغفال خلق و برای رسیدن به امیال نفسانیشان خود را «مهدی» معرفی می کنند، می باشد لذا این دعا می فرماید «مهدی علیه السلام» از فرزندان ائمه اطهار علیهم السلام است که همگی از اولیاء خدا و اطاعتشان بر همه خلق واجب و دارای مقام

۳۰۵ تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

عصمت می باشند چنانکه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سؤال شد:
یا رسول الله آیا ائمه ای که بعد از شما می آیند از فرزندان شمایند؟
فرمود: بله! دوازده نفر امام که نه نفر از آنها از صلب امام حسین علیه السلام و همه
آنها امین و معصوم هستند و از ما است مهدی این امت.
آگاه باشید که آنها اهل بیت و عترت من هستند و از گوشت و خون من
می باشند (کنایه از اینکه همه فرزندان نسبی آن حضرت می باشند)
چه شده است آن اقوامی که مرا در مورد آنها اذیت می کنند؟! خداوند
شفاعت مرا هرگز شامل حال آنها نمی گرداند. (۱)

عبارت «و بن اولیائک» در موارد دیگری از دعاها نیز ذکر شده و به آن تصریح
نموده اند مثل صلوات ائمه معصومین علیهم السلام که از محمد عابد بدالیه نقل شده
است که می گوید:

در سنه دویست و پنجاه و پنج در منزل مولایم حضرت امام حسن عسکری
علیه السلام در شهر سامرا بودم از آن حضرت سؤال کردم: چگونه بر ائمه علیهم السلام
صلوات بفرستم؟ آن حضرت کیفیت صلوات فرستادن بر پیامبر صلی الله علیه و آله و
اوصیاء آن حضرت را بر من املاء فرمود و من در حالی که کاغذ بزرگی همراه
خود برده بودم، آنچه که می فرمودند می نوشتم.

آن حضرت بدون این که در کتابی یا کاغذی نگاه کنند این صلوات را بر من
املاء فرمودند و من می نوشتم تا این که رسیدند به صلوات بر قائم آل محمد
صلی الله علیه و آله که فرمودند:

اللهم صل علی ولیک و بن اولیائک الذین فرضت طاعتهم و اوجبت حقهم و

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۳۰۶

اذهبت عنهم الرجس و طهرتهم تطهیرا...

یعنی: بارالها! درود فرست برویّت و فرزند اولیائت، آنانکه طاعت و حقوق آنها را بر خلق فرض و واجب گردانیدی و آنها را از هر رجس و پلیدی دور ساختی و پاک طاهر قرار دادی

الذین فرضت طاعتهم و اوجبت حقهم

«آن (ائمه‌ای که) اطاعت و حقوقشان را بر خلق فرض و واجب گردانیدی»
الذین فرضت طاعتهم

این عبارت در معرفی ائمه اطهار علیهم‌السلام و ابناء و اجداد معصوم امام زمان علیه‌السلام می‌باشد که می‌فرماید اطاعت از آنها را بر جمیع خلق فرض و واجب قرار داد چنانکه قرآن در وجوب اطاعت از ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌فرماید:

يا ايها الذين امنوا اطيعوا الله و اطيعوا الرسول و اولى الامر منكم فان تنازعتم فى شىء فـرّوه الى الله و الرّسول ان كنتم تؤمنون بالله و اليوم الاخر ذلك خير و احسن تأويلاً (۱)

یعنی: از خدا و رسول و صاحبان امر اطاعت کنید و اگر در چیزی نزاع و اختلاف کردید آن را به خدا و رسول برگردانید چنانچه به خدا و روز قیامت ایمان دارید.

این آیه شریفه یکی از صدها دلیل بر وجوب اطاعت از ائمه علیهم‌السلام است که

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۳۰۸

می فرماید همانطور که اطاعت «پیامبر» ﷺ واجب است اطاعت «اولی الامر» نیز واجب است چون اولی الامر را در ردیف «رسول» قرار داده و با یک فعل امر می فرماید «اطیعوا» و از طرفی «اطیعوا» مطلق آورده شده و مقید به قیدی و شرطی نیست که خود می رساند که «اولی الامر» همانند «رسول» مطلقاً در هر کاری و امری باید اطاعت شوند و کسی حق اعتراض نسبت به آنها ندارد همانطوری که نسبت به پیامبر ﷺ حق اعتراض ندارد چنانکه در سوره حشر می فرماید:

ما اتاکم الرسول فخذوه و ما نهاکم عنه فانتهوا (۱)

یعنی: به آنچه رسول خدا دستور دهد عمل کنید و از هر چه نهی کند واگذارید

پر واضح است که «اولی الامر» کسانی هستند که همانند رسول خدا ﷺ دارای علم و عصمت می باشند و هیچ خطا و اشتباهی ندارند که بصریح روایات فریقین از شیعه و سنی اولشان امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام و آخرشان حضرت بقیه الله علیه السلام می باشد لذا آنها را در آیه «اطیعوا الله و اطیعوا الرسول...» در ردیف پیامبر ﷺ قرار داده و می فرماید همانند پیامبر اکرم ﷺ باید اطاعت شوند.

و اوجبت حقهم

خداوند رعایت حق اهل بیت پیامبر ﷺ را بر مردم واجب گردانید به این معنا که در هر موردی حق آنها مقدم و رعایت آن واجب می باشد و از هر کس

۳۰۹..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

که حق اهل بیت پیامبر ﷺ را رعایت ننمود باید از او بیزاری جست
چنانکه در زیارت جامعه می خوانیم:

برأت الی الله عزوجل من... الجاحدین لحکم

یعنی: بسوی خداوند عزوجل از دشمنان شما... و افرادی که حق شما را
منکر شوند براءت و بیزاری می جویم.

و بزرگترین رعایت حق همان اطاعت همراه با محبت به آن بزرگواران
می باشد.

واذہبت عنہم الرجس و طہرتہم تطہیرا

«هر پلیدی و ناپاکی را از آنها (اهل بیت علیہم السلام) بر طرف نمودی و پاک و منزہ قرار دادی»

واذہبت عنہم الرجس

در این قسمت از دعا معرفی مقام عصمت ائمه اطهار علیہم السلام می شود و اشاره به آیه سوره احزاب دارد که می فرماید:

انما یرید اللہ لیذہب عنکم الرجس اهل البیت و یطہرکم تطہیرا^(۱)

یعنی: خداوند چنین می خواهد که فقط پلیدی و گناه را از شما اهل بیت پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ وسلم دور کند و کاملاً پاک و منزہ سازد

کلام در این آیه شریفه در چند مقام واقع می شود اول در مورد شأن نزول این آیه شریفه است که به اعتراف و تصریح عامه و خاصه منظور از اهل بیت حضرت علی علیہ السلام و حضرت فاطمه علیہا السلام و فرزندان ایشان می باشد. و روایات وارده از هر دو گروه فوق حدّ تواتر است.

دوم اینکه این آیه شریفه با کلمه «انما» که افادۀ حصر می کند یعنی فقط اهل

۳۱۱..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

بیت پیامبر ﷺ این مقام بزرگ را دارا می باشد.
سوم اینکه رجس شامل تمام پلیدیها می شود اعم از شرک و کفر و ضلالت و جهالت و تمام صفات خبیثه و ردائل اخلاقی که همین معنای عصمت است و به اجماع تمام مسلمین از عامه و خاصه در زمان پیامبر اکرم ﷺ احدی دارای این مقام از عصمت نبوده تا حتی همسران پیامبر ﷺ مگر پنج تن ال عبا علیهم السلام که از طهارت معنوی و روحی برخوردار بودند و مستجمع جمیع کمالات و فضائل بودند.

اللهم انصره و انتصر به لدینک

«خدایا! او را یار کن و بدستش دینت را پیروز گردان»

اللهم انصره

در این دعا از خدای توانا یاری و نصرت آن حضرت را می خواهیم که در حقیقت فرج و ظهور آن جناب را درخواست نموده ایم به این معنا که فرج فرا رسد و مساوات و عدالت در همه پهنه گیتی حاکم شود و سطح زندگی در حد بسیار عالی از رفاه معنوی و مادی قرار گیرد و این چنین نصرتی در دنیا و عده ای است که خدایتعالی فرموده:

انا لنتصر رسلنا و الذین آمنوا فی الحیاة الدنیا^(۱)

یعنی: ما بیقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده اند در دنیا و (آخرت) یاری خواهیم کرد.

این نصر و یاری که قرآن از آن برای انبیاء و مؤمنین خبر می دهد با دست پر توان حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) تحقق می یابد.

لذا به مؤمنین امر شده است برای نصرت و یاری خدایتعالی بوجود مقدس

۳۱۳ تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

امام زمان دعا کنند تا آرمان آنها و رسالت انبیاء تحقق یابد چنانکه به همین مضمون از دعای زیارت آل یس در دعای افتتاح آمده است و از خداوند نصرت حضرتش طلب شده است:

و انصره و انتصر به وانصره نصراً عزیزاً و فتح له فتحاً یسراً و جعل له من لدنک سلطاناً نصیراً

«و او را یاری کن و ما را باو یاری فرما و او را نصرت کامل با عزت و اقتدار بخش و باسانی جهان را بدست او فتح کن و از جانب خود او را سلطنت و قدرت عنایت فرما.

و انتصر به لدینک

پرواضح است که امام علیه السلام حافظ دین و یاری دهنده آن است و امام است که حقیقت دین را به شکل صحیح برپا می دارد.

و به جهت فاصله گرفتن مردم از ولایت و امامت دین خدا متروک گردید و به آن عمل نمی شود لذا آن حضرت با ظهور و قیام خود دین خدا را یاری می کند و آن را از مهجوری نجات می دهد و آئین و احکام و قوانین آن را بنحوائم و اکمل برپا می دارد و از دشمنان دین انتقام می گیرد.

و حضرت امام محمد باقر علیه السلام در نصرت دین بوسیله امام زمان علیه السلام می فرمایند:

گویا می بینم دین شما پیوسته رو به ضعف و از بین رفتن خواهد ماند و در خون خود دست و پا خواهد زد و کسی آن را بر شما باز نمی گرداند مگر

مردی از ما اهل بیت (۱)

و همچنین حضرت امام محمد باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه:

الذین ان مکنّاهم فی الارض اقاموا الصلاة و اتوا الزکاة و امرؤ بالمعروف و نهوا
عن المنکر و لله عاقبة الامور (۲)

یعنی: همان کسانی که هرگاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم نماز را برپا می
دارند، و زکات می دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می کنند، و پایان همه
کارها از آن خداوند است.

فرمودند: این (آیه) برای آل محمد علیهم السلام است مهدی و اصحاب او، خداوند
مشارق و مغارب زمین را به تصرف آنها در آورد و دین را آشکار سازد، و
خداوند متعال به وسیله او و یارانش بدعتها و باطل را از بین می برد.
همچنانکه سنیهان حق را میرانده، باشند تا جائی که اثری از ظلم دیده نشود
و امر به معروف و نهی از منکر خواهند نمود و آخر کار ما به دست خدا
است. (۳)

و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در معرفی فرزندشان مهدی موعود علیه السلام فرمود:

الا انه ناصر دین الله عزوجل

یعنی: آگاه باشید که او یاور دین خدای عزوجل است (۴)

۱- مکیال جلد ۱، صفحه ۱۰۶.

۲- سوره حج، آیه ۴۱.

۳- مکیال جلد ۱، صفحه ۲۸۹.

۴- بحار الانوار جلد ۳۷، صفحه ۲۱۳.

و انصر به اولیائک و اولیائہ و شیعتہ و انصارہ و اجعلنا منہم

«و یاری نما بوسیله او دوستانت و دوستان او را و پیروان و یارانش را و ما را نیز از آنان قرار ده»

خداوند بوسیله آن حضرت اولیائش اعم از انبیاء و اوصیاء و بندگان صالحش را یاری و نصرت می دهد به این معنا که امال و آرزوهای آنها را در جهت اقامه قوانین و آئینهای الهی، عملی می سازد.

و همچنین آن حضرت یاری دهنده مؤمنین و شیعیانسان هستند چه قبل از ظهور و چه بعد از ظهور و این وعده ای است که خداوند در قرآن به مؤمنین داده است آنجا که می فرماید:

و کان حقاً علینا نصر المؤمنین (۱)

یعنی: و برخورد نصرت و یاری مؤمنان را حتم گردانیدیم.

حضرت بقیة الله با ظهور خود موانع راه رشد و تکامل را از بین می برند و راه رسیدن به بندگی خدایتعالی را سهل و آسان می نمایند و همچنین امنیت اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را در جامعه برقرار می نمایند لذا مؤمنین در

سایه آن حضرت به عزت و شرف بزرگی می‌رسند و افرادی که حقیقتاً از اولیاء و شیعیان و انصار آن حضرت باشند و در مسیر رضای آن حضرت حرکت کنند قبل از ظهور نیز مشمول عنایات خاص آن حضرت خواهند شد و این معنا را از لابلای روایات و دعاهایی که راجع به آن حضرت است بدست می‌آید. چنانکه آن حضرت در توقیع و نامه اول به شیخ مفید^ع می‌فرمایند:

ما هرگز امور شما را مهمال نگذاشته، شما را فراموش نمی‌کنیم و اگر عنایات و توجهات ما نبود مصائب و حوادث زندگی، شما را در بر می‌گرفت و دشمنان شما را از بین می‌بردند.^(۱)

در دعای ندبه می‌خوانیم:

و ادل به اولیائک

یعنی: دوستان را به آن حضرت هدایت و عزیزگردان

و یا در زیارتهای آن حضرت وارد شده است.

السلام علی معز الاولیاء و مدل الاعداء

یعنی: سلام بر عزت بخش دهنده دوستان خدا و ذلیل کننده دشمنان خدا

و در دعای بعد از زیارتی که از سید بن طاووس نقل شده است، می‌فرماید:

مفرج الكرب و مزیل الهم و کاشف البلوی

یعنی: (آن حضرت) آسایش بخش رنجها و سختیها و برطرف کننده هم و غم

و نجات دهنده از بلاها می‌باشند.

در این فقره زائر از خدایتعالی طلب می‌کند که جزء دوستان و شیعیان و یاران

۳۱۷ تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

امام زمان علیه السلام قرار دهد تا مورد الطاف خاص آن حضرت نیز قرار گیرد و پر واضح است که در صورتی می توان جزء شیعیان و یاران آن حضرت شد که سنخیت روحی با شیعیان و یاران واقعی امام زمان علیه السلام پیدا کرد و این سنخیت با گذراندن یک دوره اخلاق عملی و با جدیت و پشتکار حاصل می شود.

اللهم اعذه من شر كل باغٍ و طاغٍ و من شر جميع خلقك

«بارالها! او را از شر هر ستمگر و آشوبگری، و از شر همه مخلوقهایت پناه ده»

اللهم اعذه من شر كل باغٍ و طاغٍ

باغ - از ماده «بغی» به معنای طلب توأم با تجاوز از حدّ خود است و معنای تعدّی و ظلم را نیز شامل می شود چنانکه در قرآن می فرماید:

و یبغون فی الارض بغير الحق - یعنی روی زمین بنا حق ظلم و تعدّی می کنند.

طاغ - از ماده «طغی طغیاناً» گرفته شده یعنی تجاوز از حد و مرز در تمام ابعاد زندگی، به همین جهت به این گونه افراد «طاغوت» گفته می شود.

هر کس از حدّ و مرزی که خدایتعالی برای آنها ترسیم نموده، تعدّی کنند «باغی» و «طاغی» نامیده می شوند لذا این افراد در حکومت حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) به جهت نرسیدن به امیال نفسانی و شهوانی خود از حدّ مرز خود تعدّی می کنند و در مقام عداوت و اذیت امام علیه السلام بر می آیند چنانکه در طول تاریخ خود کامگان سیاهکار توانستند بسیاری از اجداد پاک آن حضرت را در سختترین شرایط محاصره و به شهادت رسانند و همچنین در ایام طفولیت که هنوز غیبت نفرموده بودند حاکمان ستمگر در صدد گشتن و

۳۱۹..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

شهید نمودن آن وجود مقدس برآمده بودند و به دفعات به بیت و منزل امام علیه السلام هجوم می بردند.

حکام ستمگر مأمورینی را نگهبان بیت حضرت امام حسن عسگری علیه السلام قرار داده بودند و به ویژه معتمد عباسی که بر حسب نقل، قابله‌هایی را مأمور کرده بود که داخل خانه‌های بنی هاشم تردد کنند و مخصوصاً در خانه امام حسن عسگری علیه السلام بدون اذن وارد شوند و از حال حضرت حجت علیه السلام تفتیش نمایند و مانند فرعون که نقشه‌های خطرناک برای نابود کردن حضرت موسی علیه السلام می کشید و می خواست آن حضرت را با مادر بقتل رساند، عمل می نمود.

علی رغم تلاشهای آنان و با همه توطئه‌ها خداوند وجود مقدس امام زمان علیه السلام را همانند حضرت موسی علیه السلام از گزند حکومت‌های جبار و ملحد حفظ و نگهداری فرمود.

چنانکه در کتاب الزام الناصب می نویسد: روزی حضرت نرجس خاتون (س) در حالی که کودک ماه روی خود را در آغوش داشت ناگهان مأموران دولتی می آیند، دچار اضطراب شدیدی شد و فرصتی نیافت که فرزند برومند خود را از دید قابله‌ها و مأموران مخفی کند در این حال، هاتفی او را صدا زد و گنت:

القی حجة الله القهار في البئر التي في صحن الدار

یعنی: حجت خدا را در چاهی که در صحن خانه است بگذار
حضرت نرجس (س) هم کودک خود را در چاه گذاشت، قابله‌ها که صدای کودک را شنیده بودند به سرعت وارد خانه شدند ولی هر چه تفحص و

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۳۲۰

جستجو کردند اثری از او نیافتند از این رو و اله و حیران خارج شدند. هنگامی که خانه خالی از دشمنان شد حضرت نرجس (س) بر سر چاه آمد تا بنگرد بر سر فرزند و نور چشمش چه آمده، چون نگاه به داخل چاه کرد دید آب بالا می آید و آنقدر بالا آمد تا مساوی زمین شد و حجت خدا مانند ماه درخشان روی آب قرار داشت و حتی قنடைه او هم تر نشده بود، پس او را گرفت و شیر داد و خداوند را حمد و سپاس گفت و سجده شکر بجای آورد که فرزند عزیزش به سلامت از چاه بیرون آمد و خداوند او را حفظ و نگهداری فرمود.

این یک نمونه از آن واقایع اسفبار بود که برای از بین بردن امام (ع) به دفعات به بیت امام عسکری علیه السلام هجوم می بردند و بعد از شهادت پدر بزرگوارشان (حضرت امام حسن عسکری علیه السلام) نیز در صدد دسترسی به آن حضرت بودند.

لذا یکی از علتها و حکمتهای غیبت در روایات کثرت دشمنان آن حضرت شمرده شده است.

به این جهت در این فقره از دعای زیارت آل یس، زائر توجه خود را به حق تعالی معطوف داشته و از ذات اقدس احدیت خواستار حفظ آن امام عزیز علیه السلام می شود و برای حفظ آن وجود مقدس چه قبل از ظهور و بعد از ظهور، دعا می کند.

و من شرّ جمیع خلقک

در اینجا دفع شرّ از هر موجودی اعم از «باغی» و «طاغی» که از او (چه آگاهانه یا نا آگاهانه) متوجه آن امام عزیز شود خواسته شده است لذا می فرماید خدایا! او را از شرّ جمیع خلق حفظ و نگهداری کن.

و احفظه من بین یدیه و من خلفه و عن یمنه و عن شماله و احرسه و امنه من ان یوصل الیه بسوءٍ

او محفوظ دار او را از پیش رویش و پشت سرش و از طرف راست و طرف چپش، او را تو نگهبان باش، و مانع شو که بدی به او برسد»
در اینجا زائر از خداوند رحمت و لطف و عنایات خاصه و بی حدّ و انتاه را در هر وقت و هر ساعت و دقیقه و هر آن و لمحهای بر سراسر وجود مقدس آن حضرت خواستار می شود و در حقیقت این عبارات توجه زائر را به لحظه لحظه حالات و اطوار امام زمان علیه السلام می دهد که در اثر آن یک نوع توجه و محبت خاص نسبت به آن بزرگوار پیدا می کند و باعث اظهار یک نوع محبت و عشق معنوی می شود و الا آن وجود مقدس احتیاجی به دعای ما ندارند چون در *أمن اللّهی* قرار گرفته اند و برای اقامه حکومت اللّهی باقی خواهند ماند.

وجه دیگر اینگونه دعا نمودن این است که یک نوع نصرت و محبت زبانی بلکه قلبی نسبت به آن وجود مقدس اظهار می شود چنانکه در روایتی فرمودند:

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۳۲۲

هر کس به زبان ما را یاری کند روز قیامت در زمره ما محشور می شود.
لذا در این فقره از دعا می فرماید: خدایا آن حضرت را حفظ فرما از پیش رو و
پشت سر و از چهار طرف راست و چپ، پائین و بالا و مانع شو از اینکه هر
سوء و بدی به آن وجود مقدس برسد.

واحفظ فیہ رسولک و آل رسولک

«و محفوظ دار بوسیله حفظ او، پیامبرت و خاندانش را»
با حفظ و نگهداری حضرت بقیة الله علیه السلام در حقیقت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام حفظ و نگهداری شده‌اند.
چون آن وجود مقدس آخرین فرزند معصوم محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله است.
معنای دیگر این است که بوسیله حفظ حضرت بقیة الله علیه السلام حرمت پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندانش نگاه داشته می‌شود و قدر و منزلت آنان به وسیله آن حضرت آشکار می‌گردد
و معنای دیگر آن این است که به وسیله آن وجود مقدس تمام بلاها و ورنجها و غمها از پیامبر صلی الله علیه و آله و فرزندانش برداشته می‌شود چنانکه ظریف خادم امام حسن عسگری علیه السلام می‌گوید:
به خدمت مولایم صاحب الزمان ارواحنا فداء شرفیاب شدم فرمود: چوب
صندل سرخ برای من بیاور
چون آوردم، فرمود: مرا می‌شناسی؟
عرض کردم: آری

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۳۲۴

فرمود: من کیستم؟

عرض کردم شما سرور من و فرزند سرور من هستید

فرمود: منظورم این نبود

عرض کردم: جانم به فدای شما! منظور خود را توضیح دهید

فرمود: انا خاتم الاوصیاء و بی یدفع البلاء عن اهلی و شیعتی

من آخرین وصی (خدا) هستم که بوسیله من خداوند بلاها را از اهلبیتم و

شیعیانم دفع می کند.

واظهر به العدل وايدّه بالنصر وانصر ناصريه

او به دست او عدالت را آشکار ساز و با نصر و یاریت تأییدش نما و یارانش را نصرت ده»

واظهر به العدل

چنانکه در عبارتهای قبل گذشت حقیقت عدل بوسیله آن حضرت در سراسر گیتی ظاهر می شود، عدالت در مذهب و عقیده و آزادی، عدالت در معیشت و در همه امور از برنامه های فردی و اجتماعی به تمام معنای خود پیدا و عملی می شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به دخت گرامیشان حضرت فاطمه (س) در حدیث مفصلی فرمودند: ای فاطمه! سوگند به خداوندی که مرا به حق برانگیخت مهدی علیه السلام این امت از این دو (امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام) می باشد چون دنیا پر از هرج و مرج شد و فتنه ها همه جا را گرفت و راه ها ناامن شد، و گروهی بر گروهی شبیخون زدند، و بزرگان بر زیر دستان ترحم نکردند، و کوچکها احترام بزرگان را رعایت نکردند، خداوند در چنین زمانی کسی را می فرستد که قلعه های ضلالت را فتح می کند و درهای بسته را می گشاید و دین را در

آخر الزمان بر پا می دارد چنانکه من در اول زمان بر پا داشتم و

وَمِلاَ الْاَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَّتْ جَوْرًا

یعنی: و زمین را پر از عدل و داد می کند چنانچه پر از ستم شده باشد.

و ائده بالنصر

«و او را با نصر و یاریت تأیید فرما»

حقیقت نصر و یاری از آن خداوند است که بر هر کس بخواهد می دهد

چنانکه خدایتعالی در قرآن می فرماید:

وَاللّٰهُ يُوۡدِئُ بِنَصۡرِهِۦ مَنۡ يَّشَآءُ (۱)

یعنی: خداوند بهر کس خواهد، توانائی و یاری می دهد

لذا در این فقره از دعا از خدایتعالی درخواست می شود که بقوه و قدرت

خود آن حضرت را یاری و نصرت دهد و بر تمام ادیان غالب سازد و این

مطلبی است که خداوند به آن وعده داده چنانکه می فرماید:

هُوَ الَّذِيۦ اَرْسَلَ رَسُوْلَهٗ بِالْهُدٰى وَ دِيۡنِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلٰى الدِّيۡنِ كُلِّهِۦ وَلَوْ كَرِهَ

المشركون (۲)

یعنی: اوست خدائی که رسولش را با دین حق فرستاد تا بر همه ادیان عالم

برتری و غالب گرداند، هر چند مشرکان کراحت داشته باشند.

ذیل این آیه شریفه روایات متعددی است که می فرماید خداوند حضرت

۱- سوره ال عمران - آیه ۱۳.

۲- سوره توبه - آیه ۳۳.

۳۲۷ تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

بقية الله (ارواحنا فداء) را یاری دهد و بر تمام ادیان غالب کرده‌اند تا مشرکی باقی نماند (۱)

و همچنین در روایات زیادی وارد شده است که خداوند بوسیله جبرائیل و میکائیل و اسرافیل آن حضرت را یاری و نصرت دهد.

و همچنین در روایتی از حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام وارد شده است که: خداوند او (حضرت حجت علیه السلام) را تأیید می‌کند بملائکه.

و در روایات دیگر وارد شده است که خداوند بوسیله ملائکه منزلین و ملائکه کروبین و ملائکه مقربین آن حضرت را نصرت و یاری می‌فرماید.

همانطور که معلوم گشت خدایتعالی حضرت ولی عصر علیه السلام را بوسیله قوه و قدرت خود بر تمام ادیان نصرت می‌دهد و غالب می‌سازد و این وعده الهی است که هرگز تخلف نمی‌پذیرد ولی در این فقره از دعا درخواست تعجیل این نصرت و یاری از خداوند متعال شده است به این معنا که: خدایا آن نصرت و یاری که به حضرتش وعده دادی هر چه زودتر عملی ساز و آن وجود مقدس را برای اصلاح جهان و جهانیان مبعوث گردان.

و انصر ناصریه

در اینجا برای مؤمنینی که به یاد امام زمان علیه السلام هستند و در صدد یاری رساندن، آن حضرت می‌باشند دعا شده است که خداوند آنها را نیز یاری فرماید.

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۳۲۸

پرواضح است که حضرت بقیة الله در هر زمانی دشمنانی از انس و جن دارند که بوسائل گوناگون عداوت و عناد خود را اظهار می‌دارند و باعث تأخیر فرج می‌گردند، پس بر هر مؤمنی که آن حضرت را امام و مقتدای خود می‌داند واجب است در مقام یاری و نصرت دادن به حضرتش برآید.

نصرت و یاری رساندن به امام زمان علیه السلام به تناسب حال افراد و توان آنان فرق می‌کند لذا نصرت و یاری رساندن به آن حضرت به طرق و انحاء مختلف صورت می‌پذیرد مثل دفع و ردّ شباهت دشمنان که نسبت به آن حضرت ایراد می‌کنند و باعث غفلت جمع و گروهی از آن حضرت می‌شوند و

- دعا کردن برای فرج آن حضرت

- تزکیه نفس نمودن برای یاری و اطاعت کامل از آن حضرت.

- ایجاد وسائل و طرق تبلیغی برای معرفی آن وجود مقدس

- اقامه مجالس به نام آن حضرت.

**واخذل خاذلیه و اقصم قاصمیه و اقصم به جابرة الكفر و اقبل به الكفار
و المنافقین و جمیع الملحدين حيث كانوا من مشارق الارض و مغاربها
برها و بحرها**

«بدخواهانش را خوارنما و در هم کوب کوبندگانش را، سرداران کفر و زورگو را بدست او نابود ساز، بوسیله او نابود ساز کافران و منافقان و ملحدان را، در هر کجا که باشند در مشرقها و مغربهای زمین، یا در خشکی و دریای زمین»
و اخذل - از ماده «خزل خزلاً» به معنای شکستن، بریدن و ذلیل نمودن می باشد.

و اقصم - از ماده «قصم قصماً» به معنای جدا کردن، و در هم کوبیدن می باشد.
جابرة - از ماده «جبر» و به معنای افراد سرکش و متکبر است.

ملحدین - جمع ملحد به معنای کافر و مشرک و از دین برگشته می باشد.
هنگام ظهور، حضرت بقیة الله (عج) مأموریت دارند تمامی کفار و منافقینی که به ظاهر اسلام آورده‌اند از بین ببرند تا بتوانند حکومت حقّ اللّهی را برقرار نمایند و امنیت کامل در سراسر عالم بوجود آورند.

آن حضرت گردنکشان را هلاک و جهان را از لوث انسانهای کافر و منافق پاک و پاکیزه می گرداند این امر لازمه اقامه حکومت عدل اللّهی است چون کفار که انکار توحید و آیات اللّهی می کنند سرسختانه با حکومت عدل اللّهی

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۳۳۰

مخالفتند و همچنین منافقینکه در ظاهر ایمان آورده و در صدد زمینه برای از بین بردن آیات الهی و حکومت آن حضرت می باشند.

حضرت ولی عصر علیه السلام در ابتدا طریق حق را بر تمام جهانیان عرضه می دارند و حجت را تمام می کنند لذا اکثر مردم ایمان آورده و اطاعت می کنند، فقط افرادی که در متن دعا ذکر شده اند با آن حضرت به مبارزه بر می خیزند و این طور نیست که در اثر تبلیغات سوء و انمود کرده اند آن جناب دو سوم از مردم کره زمین را قتل عام می کنند که اثر چنین تبلیغی این است که مردم ترسیده و از توجه به آن حضرت منصرف می شوند، بلکه آن حضرت فرزند و جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که خدایتعالی در حق او می فرماید:

انک لعلی خلق عظیم

یعنی: تودارای اخلاق عظیم حسنه (و عفو بیشماری) می باشی
بله امام زمان علیه السلام به صریح این جملات دعا باسه گروه در ستیز و جنگ می شوند که آنها را چنین معرفی می نماید:

- کافر

- منافق

- ملحد

آن حضرت همانند پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که ۱۳ سال مردم را به حق دعوت نمود و سپس با کفار و منافقین به ستیز و جنگ برخواست، عمل می نماید لذا پس از ارائه دلیل و منطق از جانب امام زمان علیه السلام اکثر مردم به جهت رشد فکری لازم در مقابل آن حضرت خاضع و ایمان می آورند مگر تعداد قلیل و بسیار کمی که زیر بار حقائق نمی روند و بر کفر و نفاق خود باقی هستند و بر الحاد خود اسرار می ورزند.

واملاء به الارض عدلاً و اظهر به دین نبيک صلی الله عليه و آله

«بوسيلة او زمين را پراز عدالت گردان و آيين پیامبرت ﷺ را آشکار فرما»
واملاء به الارض عدلاً

همانطور که قبلاً در واژه «عدل» گفتیم حضرت بقیة الله ﷺ دنیا را پراز عدل می گرداند و از واژه «املاء» که به معنای «پر شدن» است چنین استفاده می شود که عدالت به معنای واقعی در سراسر جهان بر پا می شود و سر سوزنی بی عدالتی یافت نمی شود.

و اظهر به دین نبيک ﷺ

در اثر گذشت زمان و دسیسه های منافقان در دین و بوسيلة بدعتها و کج رویهای آنان دین رسول خدا ﷺ از مسیر اصلیش خارج شده و احکام و حدود و قوانین اسلام به فراموشی سپرده شده و به وضوح مشاهده می شود که مذاهب و ادیان متعددی با سنتهای بیشمار و باطل بوجود آمده و از حقیقت دین الهی خبری نیست.

ولی خداوند وعده داده که دین حق را ظاهر و آشکار می سازد در آنجا که می فرماید:

لیظهره علی الدین کله^(۱)

یعنی: و به (رسول خدا) وعده دادی که دینش را بر تمام ادیان عالم برتری و غلبه می دهی هر چند مشرکان خوش نداشته باشند و در دعای ندبه می خوانیم:

و وعدته ان تظهر دینه علی الدین کله و لو کره المشرکون

۸ یعنی: و به (پیامبرت ﷺ) وعده دادی که دینش را بر تمام ادیان غلبه دهی هر چند مشرکان اکراه داشته باشند.

و پیامبر اکرم ﷺ در مورد ظهور آئینشان بدست فرزندشان فرمودند:

فیعلن امر الله و یظهر دین الله عزوجل^(۲)

یعنی: (امام عصر عجلت) امر خدا را ظاهر می سازد و دین خدا را آشکار می کند و این ظهور دین حق بوسیله حضرت بقیة الله عجلت صورت می گیرد و آن را در جهان پیاده می نماید تا حتی بعضی خیال می کنند آن حضرت دین جدیدی غیر از اسلام عرضه کرده است و این به جهت بدعتها و کج رویهایی است که دشمنان در اسلام بوجود آورده و از اسلام راستین خبری نبوده است لذا آنان چنین خیالی می کنند و الا دین اللهی تغییر پذیر نیست و به هیچ وجه قابل تغییر و تبدیل نمی باشد و آنچه که حضرت بقیة الله عجلت می آورند عین دین پیامبر اسلام است.

و در دعای افتتاح از خداوند چنین طلب می کنیم:

اللّهم اظهر به دینک و سنة نبیک حتی لا یستخفی بشیء من الحق مخافة احد من الخلق

یعنی: بار خدایا! بدست او دینت را و سنت پیغمبر ترا آشکار ساز تا آنکه دیگر چیزی از حق و حقیقت از ترس احدی از خلق مخفی نماند.

۱- سوره توبه آیه ۳۳.

۲- کمال الدین صفحه ۲۵۷.

واجعلنی اللهم من انصاره و اعوانه و اتباعه و شیعتہ

«(خدایا) مرا جزءِ یاوران و پشتیبانان و پیروان و شیعیان آن حضرت قرار ده»
معنی قرار دادن خداوند انسان را از این طایفه آن است که توفیق عطا فرماید
و آدمی را از شرّ نفس و وسوسه شیطان حفظ فرماید تا آنکه چون امام علیه السلام
ظاهر شود حجابی از مشاهده انوار حضرتش برای او نماند و او را بشناسد و
تصدیق نماید و از جان و دل ناصر و معین حضرتش گردد.

مطلبی که باید به آن توجه داشت این است که هر کس از روی صدق و توجه
این دعا را بخواند، همین دعا عین نصرت و اعانت به آن حضرت محسوب
می شود گر چه در ظاهر هنوز امام علیه السلام ظاهر نشده باشند و محک امتحان که
صدق و کذب مشخص مشخص شود در میان نیامده باشد و نصرت و یاری
ظاهری به عمل نیامده باشد، شاهد بر این مطلب روایات بسیار زیادی است
که در مورد «نیت مؤمن» وارد شده است به این معنا که اساس عمل و ثمره
آن، «نیت» است و خداوند متعال به لطف و کرمش «نیت مؤمن» را که هنوز
عملی نشده، بجای عمل قبول می فرماید: و همان اجر و پاداش را به فضل
خود عطا می کند چنانکه در زیارت شهداء کربلا می خوانیم:

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۳۳۴

یالیتنی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً

یعنی: ایکاش من هم (در کربلا) با شما بودم و به آن سعادت و پیروزی بزرگ نائل می شدم

که در روایت وارد شده است اگر در این گفتار و نیت خود صادق باشد گویا در میان شهداء کربلا بوده و فیض شهادت را دریافته باشد هر چند بر حسب ظاهر در میان آنها نبوده و به شهادت نرسیده است.

نکته دیگری که از این عبارت دعا فهمیده می شود مراتب و درجات یاران آن حضرت است چنانکه به ترتیب می فرماید:

- انصاره

- اعوانه

- اتباعه

- شیعتہ

انصار بودن نسبت به آن حضرت به زبان و آروزی یاری رساندن به آن حضرت تحقق می یابد.

اعوان - در وقتی محقق می شود که یاری گردش به فعل برسد.

اتباع - در صورتی است که از حضرت بقیة الله (عج) متابعت کند

شیعه - کسی است که در تمام امور و مسائل فردی و اجتماعی به ائمه

اطهار علیهم السلام اقتدا کند و دارای سه صفت ذکر شده (انصار - اعوان - اتباع) باشد

چنانکه مرحوم طریحی در معنای شیعه می فرماید: الشیعة: الاتباع و الأعوان

و الانصار یعنی: شیعه کسی است از «اتباع» و «اعوان» و «انصار» باشد که با

تحصیل این صفات بجائی می رسد که خود را میان اهل بیت علیهم السلام می بیند و

۳۳۵..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

خواست او خواست آنها و تنفر او از هر چه که آنها متنفر هستند می‌گردد لذا شیعه واقعی یعنی سلمان و ابوذر جان کلام این که عالی‌ترین مقام و شریفترین مرتبه در مقام آدمیت این است که در زمره یاران قائم علیه السلام در آید و نام او در دفتر فدائیان حضرتش ثبت و شیعه حقیقی گردد.

در روایتی دارد که پیامبری از پیامبران خدا توسط قومش طرد گردید، او پناهنده به دیلم شد، مردم دیلم او را پناه داده و یاری نمودند و از او درخواست کردند که برای آنان دعا کند آن پیامبر خدا برای آنان دعا کرد که خداوند عددشان را زیاد کند و قدرتشان را افزون گرداند و بر دشمنان غالب شوند و زمین و شهر آنان را از دستبرد دیگران نگاه دارد و **يجعل فيهم و منهم انصاراً اللقائم المهدي من آل محمد صلوات الله عليهم**

یعنی: و همچنین از خداوند خواست که در میان آنها و از آنها یارانی برای قائم آل محمد صلوات الله عليهم قرار دهد.

با توجه به این روایت اهمیت و عظمت یاران قائم علیه السلام فهمیده می‌شود که پیامبر بزرگواری که مردمی پناهنش دادند در حق آنان دعا می‌کند و از خداوند می‌خواهد که آنها را از انصار و یاران مهدی آل محمد صلوات الله عليهم قرار دهد.

به جهت این اهمیت و عظمت و شرافت است که در این فقره از دعا از خداوند خواسته می‌شود که ما را از زمره انصار و اعوان و اتباع و شیعه امام زمان علیه السلام قرار دهد.

و از طرفی یکی از علت‌های غیبت نبودن ناصر و یاور، ذکر شده است و تا حتی ائمه هدی علیهم السلام از نداشتن یاور و ناصر شکایت می‌نمودند چنانکه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از غصب خلافت می‌فرماید: اگر من چهل یاور و ناصر

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین..... ۳۳۶

می داشتم قیام می نمودم و حق خود را از ظالمان می گرفتم.
و همچنین حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام می فرماید: اگر من ناصر می داشتم
با معاویه صلح نمی کردم.

و هنگامی که تاریخ را مورد مطالعه و بررسی قرار می دهیم می بینیم تمامی
ائمه علیهم السلام ناصر و یاوران درستی نداشتند و اگر هم یارانی بودند تعدادشان
بسیار اندک و انگشت شمار بوده لذا ائمه اطهار علیهم السلام یا در حبس و یا تحت
نظر شدید بودند و یا در تنگی بسر می بردند.

پس با نبودن ناصر و حامی هیچ راهی بهتر از غیبت و اختفاء برای آن
حضرت نیست، حال اگر مسلمانان خود را مهیا نموده و جزء انصار و یاران
آن حضرت قرار دهند زمینه ظهور را فراهم کرده اند.

وارنی فی ال محمد علیهم السلام ما یأملون و فی عدوهم ما یحذرون

«و نشانم ده درباره آل محمد صلی الله علیه و آله آنچه را که امید دارند و درباره دشمنانشان آنچه را که از آن در هراسند»

ما یأملون - از ماده «امل املاً» است و به معنای آرزو و امید می باشد
یحذرون - از ماده «حذر حذراً» است و به معنای پرهیز و احتراز کردن می باشد ائمه اطهار علیهم السلام تماماً امید و آرزویشان این بوده که عدالت و احکام فردی و اجتماعی اسلام پیاده شود و همه بسوی خدایتعالی حرکت و سیر نمایند و این آرزوی آنها با قیام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله تحقق می یابد لذا در کلمات و روایتشان این امل و آرزوی خویش را ظاهر ساخته اند و از این طریق دیگران را به آن متوجه و دعوت نموده اند مثلاً حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آرزوی خود را چنین بیان می کنند:

و یا شوقاً الی رؤیتهم فی حال ظهور دولتهم^(۱)

یعنی: چقدر بسیار شائقم که آنها را (یاران قائم علیهم السلام) در زمان تشکیل دولتشان

ببینم

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۳۳۸

و در خطبه دیگری آرزوی خود را چنین اظهار می دارند!

اللهم فاجعل بيعته خروجاً من الغمة واجمع به شمل الأمة فان خارا لله لك فاعزم و
لا تنثن عنه ان وفقت له ولا تجيزن عنه ان هدیت اليه هاه - و اما بيده الى صدره -
شوقاً الى رؤيته (۱)

یعنی: بارالها بیعت او را پایان بخش غمها و اندهها قرار بده پراکندگی امت
رابه دست او به یگانگی مبدل فرما.

اگر خداوند (به تو اراده خیر کند) و چنین روزی را نصیب تو سازد همانند کوه
استوار باش.

و اگر چنین روزی را درک کردی به سوی احدی غیر از او روی متاب و اگر به
کویش راه یافتی از او در مگذر

سپس در حالی که آهی از دل بر کشید بادت مبارکش به طرف سینه اش
اشاره کرد و فرمود:

آه چقدر مشتاق دیدار او هستم

و حضرت امام جعفر صادق عليه السلام آرزوی خویش را نسبت به آن حضرت
چنین بیان می کنند:

لوا در کته لخدمته ایام حیاتی (۲)

یعنی: اگر من زمان او را درک کنم همه عمرم را با خدمتگذاری او سپری
می کنم

۱- بحار الانوار جلد ۵۱، صفحه ۱۱۵.

۲- بحار الانوار جلد ۵۱، صفحه ۱۴۸.

۳۳۹..... تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین

و فی عدوهم ما یحذرون

دشمنان ائمه اطهار علیهم السلام در ذائل اخلاقی غرق شده، و فقط حیات مادی و شهوات نفسانی را درک می کنند و چشم دل آنان از دیدن حق و پی بردن به آخرت و حیات ابدی کور گردیده است لذا مشغول لهو و لعب و فساد و تباهی و جنایت هستند و قرآن راجع به این افراد می فرماید:

و ترى كثيراً منهم یسارعون فی الاثم و العدوان و اكلهم السحت لبئس ما کانوا یعملون (۱)

یعنی: و بسیاری از آنان را می بینی که در گناه و ستمکاری، و خوردن مال حرام، از یکدیگر سبقت می گیرند، چه بسیار زشت است کاری که انجام می دهند

اینجاست که اراده خدایتعالی بر این امر تعلق گرفته که تمامی مخالفین و دشمنان ائمه اطهار علیهم السلام را به اشد مجازات در دنیا و آخرت برساند و این مأموریت عظیم به آخرین حجت خود یعنی حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) داده که آنان را سرکوب و منکوب گرداند لذا دشمنان از فرا رسیدن ظهور و از دست دادن دنیا و زخارف آن در هراس بوده و رعب دارند در روایتی مفصل جناب محمد بن مسلم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام نقل می کنند که فرمود: ... اما شباهتی که به جدش محمد مصطفی صلی الله علیه و آله دارد! قیام به شمشیر و کشتن دشمنان خدا و رسول، و جباران و گردنکشان و پیروزی وی بوسیله

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۳۴۰

شمشیر و رعبی است که در دل‌های (دشمنان) پدید می‌آورد. (۱)
و این فقره از دعا به همین مطلب اشاره می‌فرماید که: خدایا! آنچه دشمنان
اهل بیت پیامبر ﷺ از آن در هراس هستند و از آن پرهیز می‌کنند (کنایه از
مجازات آنان بدست امام زمان عجل الله فرجه) به من بنما و من شاهد آن باشم.

اله الحق امین یا ذا الجلال و الاکرام یا ارحم الراحمین

«ای معبود حق، مستجاب کن، ای صاحب جلال و اکرام، ای که رحیمترین
رحم کنندگان هستی»

اله الحق امین

هنگامی که زائر، از زیارت و دعای بعد از آن فارق شد دست بر دعای
دیگری بر می دارد و متوجه نام و صفات مقدس پروردگار می شود و از ذات
اقدس احدیت می خواهد زیارت او را قبول نموده و تمام خواسته‌هایش را که
در جملاتی از این دعا عرض کرد بید قدرت و توانای خود مستجاب گرداند و
عرضه می دارد: ای خداوندی که حق هستی مستجاب گردان ای پروردگاری
که تو صاحب جلال و اکرام هستی
و ای خدائی که مهربانترین مهربانان هستی آنچه عرض کردم مستجاب
گردان.

آثار و برکات

زیارت ال یاسین

آثار و برکات زیارت ال یاسین

زیارت ال یاسین برای برآمدن حاجات و دفع مشکلات بسیار موثر بوده و تا حتی بعضی از مؤمنین بوسیله این زیارت با حضرت بقیة الله (ارواحنا فداه) ملاقات نموده‌اند.

لذا ما در این قسمت از تفسیر و شرح زیارت ال یاسین حکایت‌های افراد سعادت‌مندی که از این طریق یعنی زیارت ال یاسین مورد مهر و لطف قطب عالم امکان قرار گرفته‌اند می‌آوریم تا مؤمنین و منتظرین امام عصر عجلتو متوجه این زیارت شده و به آن اهمیت بیشتری دهند و از این طریق ارتباط روحی و معنوی با آن حضرت برقرار کنند و به خواست‌ها و حوائج خود برسند و این حقیر را از دعای خیر فراموش نفرمایند.

قبل از اینکه حکایتها را نقل کنیم شما را متوجه گفتار مرحوم صدر الاسلام همدانی می‌کنیم که در طریقه توسل و خواندن زیارت ال یاسین می‌فرماید:

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۳۴۴

هرگاه تو را مطلبی و مهمی روی دهد، یا در صحرای خلوت یا در مکان خلوتی برو که کسی تو را نبیند و تو هم کسی را نبینی. اگر بتوانی غسل بکن یا وضوی کاملی بساز و سر را برهنه کن جامه آستین و زانوها را بالا بزن گناهان خود را ممثل کن و تقصیرات خود را در شرائط بندگی با مولای خود مجسم نما. قدری خاک بر سر ریز و صدا را به وا ویلا و اغو شاه و وا اماماه بلند کن. پس از آن متوجه شو از صمیم قلب به آن حضرت و سلام کن به سلامی که اول آن این است "سلام علی ال یس"

پس از خواندن این سلام، دعایی که بعد از آن وارد شده (بخوان) بعد از آن به تضرع و زاری و ناله و سوگواری بگو: اللهم عظم البلاء..

پس از آن حضرت را ممثل بدار پیش روی خود و به هر زبانی که اقرب به تملق و تخضع و تخشع است مطالب خود را عرض کن و قسم بده آن حضرت را به حق آباء گرامیش که حاجت تو را برآورد. امیدوارم که سریعاً حاجت روا و دردت دوا شود و این از اسرار مکنونه و مطالب مخزوننه بود که به یادگار گذاشتم و پرده از آن برداشتم. (۱)

حکایت اول

طلبه‌ای که از دوستان نزدیکم می‌باشد در
مجلسی که زیارت ال یس خوانده
می‌شد و مورد لطف و توجه حضرت قرار
گرفته بود می‌گفت:

در مجلسی که شبهای ماه مبارک رمضان برگزار می‌شد و در آخر مجلس
مشغول زیارت ال یس می‌شدند، شرکت کرده بودم.
چراغها خاموش بود و بعد از خواندن زیارت رو به قبله نشسته بودم و سرم را
روی زانو گذاشته بودم در فراق آن حضرت اشک می‌ریختم که ناگهان مثل
اینکه در عالم رؤیا می‌دیدم حضرت امام عصر (ارواحنا لتراب مقدمه الفداه)
وارد مجلس شدند و بر سر تمام حضار مجلس دست می‌کشیدند و از آنها
تفقد می‌نمودند و به این وسیله آن امام مهربان به همه محبت نمودند.

حکایت دوم

خانم بزرگواری که از منتظرین و محبین
حضرت بقیة الله علیه السلام هستند و بملاحظه
جهاتی از ذکر ایشان خودداری نمودم می گفت:

گرفتاری و مشکلات مادی و معنوی از هر سو به ما روی آورده بود تا جائی
که می خواست زندگیمان متلاشی شود و من به توصیه یکی از بزرگان
مشغول خواندن زیارت ال یس شدم و از این طریق به مولایم و اقایم امام
زمان علیه السلام متوسل شدم. پس از چند روزی در عالم رؤیا دیدم زیارت ال یس
را می خوانم تا اینکه به عبارت اشهد انک حجة الله و ان رجعتکم حق لا
ریب فیه... رسیدم که ناگهان شبهی مثل نور دیدم که با توجه و حالت
خاصی این عبارت را (اشهد انک حجة الله) خطاب به آن شخص می گفتم.
هنگامی که از عالم رؤیا بیدار شدم، دیدم از برکت آن خواب زیارت ال یس
حفظم شده و می توانم تمام زیارت را از حفظ بخوانم. از آن زمان خواندن این

۳۴۷..... آثار و برکات زیارت ال یاسین

زیارت از من فوت نشده و همچنین پس از آن الطاف و عنایات آن حضرت شامل حالمان شد و زندگیمان سر و سامان گرفت و تمامی آن مشکلات بر طرف شد.

حکایت سوم

جناب استاد معظم حضرت آیه الله ابطحی

حفظه الله تعالی می فرماید:

مرحوم شهید حجة الاسلام و المسلمین جناب آقای حاج سید عبدالکریم
هاشمی نژاد استادی داشت بنام آقای شیخ علی فریده الاسلام کاشانی رحمته که
من مختصر شرح حالی از او را در کتاب پروار روح نوشته‌ام.

ایشان نقل می‌کرد که شبی مرحوم استاد در ایوان اطاق فوقانی که در قم
بودیم رو به حیاط منزل ایستاده بود و حضرت بقیة الله ارواحنا فداء را با
زیارت ال یس زیارت می‌کرد و با آن حضرت مناجات می‌نمود.

منهم در کنار او منقل را برای کرسی درست می‌کردم یعنی آتش را باد می‌زدم
تا برای زیر کرسی آماده شود.

ناگهان دیدم مرحوم استاد تکانی خورد و حال توجه‌اش بیشتر شد و گریه‌اش
شدت کرد من سرم را بالا آوردم تا ببینم چه خبر است با کمال تعجب دیدم:

حضرت بقیة الله (ارواحنا فداء) در میان زمین و آسمان مقابل استادم ایستاده و باو تبسم می کند و من در آن تاریکی شب تمام خصوصیات قیافه و حتی رنگ لباس آن حضرت را می دیدم.

سپس سرم را پائین انداختم باز دو مرتبه که سرم را بالا کردم آن حضرت را با همان قیافه و همان خصوصیات دیدم.

بالاخره چند بار این عمل تکرار شد و در هر مرتبه جمال مقدس آن حضرت را مشاهده می کردم تا آنکه در مرتبه آخر که سرم را پائین انداختم متوجه شدم که استادم آرام گرفت.

وقتی سرم را بالا کردم و بطرف آن حضرت نگاه نمودم دیگر آن آقا را ندیدم معلوم شد که مناجات استادم با رفتن آن حضرت تمام شده است.

وقتی من و استادم پس از این جریان در میان اطاق زیر کرسی نشسته بودیم و استادم بگمان آنکه من چیزی ندیده ام می خواست موضوع را از من کتمان کند

من ابتداء باو گفتم: استاد شما آقا را به چه لباسی میدیدید؟

او با تعجب از من سؤال کرد و گفت مگر تو آن حضرت را دیدی؟

گفتم: بلی با لباس راه راه و عمامه ای سبز و قیافه ای جذاب که خالی در کنار صورت داشت و خلاصه آنچه از خصوصیات در آن حضرت دیده بودم باو گفتم و او مرا تصدیق کرد و تشویق نمود و خوشحال شد که من لیاقت ملاقات با امام (ارواحنا فداء) را پیدا کرده ام. (۱)

حکایت چهارم

جناب آقای صادقی که از افراد متدین و

موثق می‌باشند و از دوستان نیز هستند نقل

نمودند:

بر اثر حوادث روزگار مشکلات مادی سختی به من رسید و به اصطلاح اهل بازار ورشکست شده بودم، لذا شب و روز برای حفظ ابرویم به دامان اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام متوسل شده بودم تا اینکه شبی که خیلی به من سخت گذشته بود در عالم رؤیا سید بزرگواری که آثار هیبت و عظمت از آن جناب آشکار بود به من فرمود: برو به مجلس زیارت ال یس و اشاره کردند به کوچه‌ای.

از عالم خواب بیدار شدم و روزها از دیدن آن خواب می‌گذشت که داشتم در یکی از خیابانهای شهر می‌رفتم که چشم به کوچه‌ای افتاد که شبیه به همان کوچه‌ای بود که در عالم رؤیا دیده بودم، و آن آقا به آن اشاره کرده بود زود از

۳۵۱ آثار و برکات زیارت ال یاسین

ماشین پیاده شدم و رفتم داخل گویچه و از مغازه‌های آنجا سؤال کردم در این محله مجلس روضه است؟

گفتند: بله همه شب جمعه در فلان منزل مجلس روضه خانی هست. شب جمعه که شد به آن مجلس رفتم دیدم این مجلس معروف است به مجلس زیارت ال یس.

و بعد از ذکر مصائب اهل بیت «ع» تمام افراد مجلس سر پا ایستاده و مشغول خواندن زیارت ال یس شدند و متوسل به آن حضرت گردیدند. آن شب من بسیار منقلب شدم و بسیار اشک ریختم (متوسل به قطب عالم امکان شدم و عرض کردم: آقا یا صاحب زمان اگر نمی‌خواستید به من توجه کنید مرا به این مجلس راهنمایی نمی‌کردید، حلال مشکلات من شمائید به من لطفی کنید و نجاتم دهید

آنشب خیلی منقلب شده بودم بعد از آن توسل و توجه به آن حضرت روز به روز وضع زندگیم عوض شد و الحمدلله از آن ورشکستگی نجات پیدا کردم و من سعی کردم دیگر هرگز زیارت ال یس را ترک نکنم و بر آن مداومت داشته باشم.

حکایت پنجم

زیارت ال یس که مکرر افرادی از اولیاء خدا بوسیله این زیارت با حضرت بقیه الله (ارواحنا فداه) ملاقات کرده اند و شبهایی در جلسات پرجمعیتی که این زیارت خوانده می شد انواری مشاهده می گردید که حاکی از حضور آن جناب در مجلس بود.

یکی از اولیاء خدا گفت اگر کسی با قرب حقیقی این زیارت را بخواند و جواب سلام خود را نگیرد مرا ملامت کند.
از او سؤال شد که قرب حقیقی چیست؟

در جواب گفت: او حیات و صفات انسانی را تقویت کردن و اخلاقیات و غرائز حیوانی را تضعیف و یا از بین بردن و آنچه از آنها تضعیف شده اختیارش را به دست روحیات و صفات انسانی دادن و به هیچ وجه گناه نکردن سبب قرب حقیقی می شود و انسان از مقربین درگاه آن حضرت می گردد.

۳۵۳..... آثار و برکات زیارت ال یاسین

بطور مثال وقتی شخصی که دست به دست زن نامحرم زده و توبه نکرده می‌خواهد با امام صادق علیه السلام مسافحه کند آن حضرت می‌گوید:

دستیکه گناهکار است نمی‌تواند با دست امام زمانش مسافحه نماید چگونه چشمیکه گناه کرده، دستیکه گناه کرده، بدنیکه سرتا پا گناه است می‌تواند با امام زمان علیه السلام ملاقات نماید؟!

بنابراین اولین شرط ملاقات با آن حضرت و شنیدن پاسخ سلامهایی که باو داده است اینست که با پاکی روح و خلوص و اخلاص با آن وجود مقدس روبرو گردد و لذا اگر آن حضرت را با چشم دل دیدی در مقابلش بایست و بگو:

سلام علی ال یس.... (۱)

حکایت ششم

در قدیم ساختمان مسجد جمکران در قم آنقدر وسعت نداشت که جمعیت زیادی در آن جمع شود.

علاوه راه ماشین خوبی هم نداشت که مردم بسهولة بتوانند به آنجا بروند، لذا مسجد جمکران تنها برای چند نفر عاشقان پر حرارت آن حضرت باقی می ماند که آنها بهر نحوی که ممکن بود شبهای جمعه خود را به آنجا می رسانند. ولی بقیه شبها مسجد خالی بود که طبعاً درش را خادم مسجد می بست و می رفت.

پیرزن با صفائی که شاید مکرر خدمت حضرت ولی عصر علیه السلام در خواب و بیداری رسیده بود، پس از آنکه مسجد را توسعه داده بودند شب جمعه ای به مسجد جمکران می رود و صدها و بلکه هزارها نفر را می بیند که در مسجد و اطاقها و حتی در فضای باز اطراف مسجد برای عبادت و توسل به آن حضرت جمع شده اند و همه نسبت به آن حضرت عرض ارادت می کنند.

۳۵۵..... آثار و برکات زیارت آل یاسین

خودش می‌گفت: من وقتی این جمعیت را دیدم و با جمعیت قبل از توسعه مسجد مقایسه کردم خیلی خوشحال شدم که بحمدالله مردم اطراف مولایم حضرت حجة ابن الحسن علیه السلام جمع شده‌اند و به آنحضرت اظهار علاقه می‌کنند، با این خوشحالی وارد مسجد شدم و اعمال مسجد را انجام دادم و سپس زیارت آل یاسین را خواندم و مقداری با زبان خودم با آن حضرت حرف زدم، ضمناً به آن وجود مقدس عرض کردم؛ آقا خیلی خوشحالم که مردم زیاد بشما علاقه پیدا کرده‌اند و شبها جمعیت زیادی به دور مسجد جمع می‌شوند و به شما اظهار علاقه می‌کنند.

سپس از مسجد بیرون آمدم و غذای مختصری از همان غذاهائی که در مسجد به همه می‌دادند خوردم و بیکی از حجرات مسجد که قبلاً برای استراحتم آن را آماده کرده بودم رفتم و خوابیدم، در عالم خواب و یا در عالم معنی دیدم حضرت بقية الله علیه السلام به مسجد جمکران تشریف آورده‌اند و در میان مردم راه می‌روند ولی کسی به آن حضرت توجهی نمی‌کند من از اطاقم بیرون دویدم و سلام کردم آقا با کمال ملاطنت جواب فرمودند. کلماتم را که در بیداری خدمتشان عرض کرده بودم تکرار کردم و گفتم آقا جان قربان خاک پای شما گردم، خوشحالم که بحمدالله مردم بشما علاقه و محبت زیادی پیدا کرده‌اند و به اینجا این همه جمعیت برای شما آمده‌اند.

آن حضرت آهی کشیدند و فرمودند همه اینها برای من به اینجا نیامده‌اند، بیا با هم برویم از آنها سؤال کنیم که چرا به اینجا آمده‌اند.

گفتم قربانتان گردم در خدمتتان هستم.

در همان عالم در خدمت حضرت ولی عصر ارواحنا فداء به میان جمعیت

تفسیر و شرح زیارت آل یاسین ۳۵۶

آمدیم، آن حضرت از یک یک مردم سؤال می فرمود شما چرا اینجا آمده اید؟

یکی می گفت: آقا مریضی دارم که اطباء جوابش گفته اند: دیگری می گفت: مستأجرم خانه ملکی می خواهم. سوّمی می گفت: مقروضم فشار طلبکار مرا بدر خانه شما دوانده است.

چهارمی از شوهرش می نالید و پنجمی از دست زنش شکایت داشت و بالاخره هر یک حاجتی داشتند که در واقع خود خواهی و حبّ نفس، آنها را وادار کرده بود که به آنجا بیایند.

حضرت فرمودند: فلانی دیدی، اینها برای من به این جا نیامده اند، اینها تازه افراد خوب این جمعیت هستند که به من اعتقاد دارند و حاجتشان را از من می خواهند و مرا واسطه فیض می دانند و اگر از اینها بگذریم جمع زیادی هستند که تنها برای تفریح به اینجا آمده اند، حتی بعضی از اینها یقین بوجود من ندارند.

سپس در همان حال دیدم یک نفر در قسمتی از این مسجد نشسته که او برای آقا ولی عصر علیه السلام آمده است حضرت فرمود بیا تا احوال او را هم بپرسیم. در خدمت آقا در همان عالم خواب نزد سید معممی که فکر می کنم از علماء بود رفتیم او زانوهایش را در بغل گرفته بود و در گوشه ای نشسته بود و چشمش باطراف می گردید، دنبال گمشده اش می گشت. وقتی چشمش به آقا افتاد از جا پرید و به دست و پای آقا افتاد و گفت پدر و مادر و جانم بقرابانتان کجا بودید که به انتظارتان نزدیک بود قالب تهی کنم.

حضرت دست او را گرفتند و او به دست آن حضرت بوسه می زد و گریه می

۳۵۷..... آثار و برکات زیارت ال یاسین

کرد. آقا از او سؤال کردند که شما چرا اینجا آمده‌اید. او چیزی نگفت و بر شدت گریه‌اش افزود. حضرت دوباره از او سؤال‌شان را تکرار کردند. او گفت آقا من کی از شما غیر و صل شما را خواسته‌ام؟ من شما را می‌خواهم! بهشتم شما، دنیا و آخرت شما! من یک لحظه ملاقات شما را به ما سوی الله نمی‌دهم!

جان چه باشد که نثار قدم دوست کنم

این متاعی است که هر بی سروپایی دارد

آقا روبمن کردند و فرمودند مثل این شخص که فقط برای من به اینجا آمده باشد چند نفری بیشتر نیستند که آنها هم بمقصد می‌رسند. (۲)

فهرست مطالب

مقدمه	۶
سند و راوی زیارت آل یس.	۹
فضیلت زیارت امام زمان <small>علیه السلام</small>	۱۱
درس معارف در زیارت آل یس.	۱۶
عرضه داشتن عقائد به پیشگاه امام زمان <small>علیه السلام</small>	۲۱
تفسیر و شرح زیارت آل یاسین	۱
لا لامره تعقلون	۳۲
و لا من اولیائه تقبلون	۳۵
حکمة بالغة	۳۶

- فماتغن النذر عن قوم لا يؤمنون ٣٨
- السلام علينا و على عبادالله الصالحين ٤٠
- اذا اردتم التوجه بناالى الله و الينا ٤٣
- فقولوا كما قال الله تعالى سلام على آل يس ٤٥
- السلام عليك يا داعى الله و ربانى آياته ٥١
- السلام عليك يا باب الله و ديان دينه ٥٥
- السلام عليك يا خليفة الله و ناصر حقه ٥٩
- السلام عليك يا حجة الله و دليل ارادته ٦٣
- السلام عليك يا تالى كتاب الله و ترجمانه ٦٦
- السلام عليك فى آناء ليلك و اطراف نهارك ٧٠
- السلام عليك يا بقية الله فى ارضه ٧٢
- السلام عليك يا ميثاق الله الذى أخذه و وكّده ٧٦
- السلام عليك يا وعدالله الذى ضمنه ٨٤
- السلام عليك ايها العلم المنصوب والعلم المصبوب و الغوث والرحمة

٨٨	الواسعه
٨٨	وعداً غير مكذوب
١٠٠	السلام عليك حين تقوم، السلام عليك حين تقعد
١٠٢	السلام عليك حين تقرأ و تبين
١٠٤	السلام عليك حين تصلى و تقنت
١٠٧	السلام عليك حين تركع و تسجد
١٠٩	السلام عليك حين تهلل و تكبر
١١٢	السلام عليك حين تحمد و تستغفر
١١٥	السلام عليك حين تصبح و تمسى
١١٧	السلام عليك فى الليل اذا يغشى و النهار اذا تجلى
١١٩	السلام عليك ايها الامام المأمون
١٢١	السلام عليك ايها المقدم المأمول
١٢٣	السلام عليك بجوامع السلام
١٢٦	اشهدك يا مولاي
١٣٠	انى اشهدان لا اله الا الله وحده لا شريك له

- و انّ محمداً عبده و رسوله..... ١٣٥
- لا حبيب الا هو و اهله..... ١٣٧
- و اشهدك يا مولاي انّ علياً امير المؤمنين حجته..... ١٤١
- والحسن حجته والحسين حجته و علي بن الحسين حجته و محمد
بن علي حجته و جعفر بن محمد حجته و موسى بن جعفر حجته و
علي بن موسى حجته و محمد بن علي حجته و علي بن محمد
حجته و الحسن بن علي حجته..... ١٤٤
- و اشهد انك حجت الله..... ١٤٨
- انتم الاول و الاخر..... ١٥٠
- و ان رجعتكم حق لا ريب فيها..... ١٥٧
- يوم لا ينفع نفساً ايمانها لم تكن امنت من قبل او كسبت في ايمانها
خيراً..... ١٦١
- و ان الموت حق..... ١٦٤
- و ان ناكراً و نكيراً حق..... ١٦٧
- و اشهد ان النّشر حق..... ١٧٠
- و البعث حق..... ١٧٣

- و ان الصراط حق ١٧٦
- و المرصاد حق ١٧٨
- و الميزان حق ١٨٠
- والحشر حق ١٨٣
- و الحساب حق ١٨٦
- و الجنة و النار حق ١٨٩
- الوعد و الوعيد بهما حق ١٩٦
- يا مولاي شقى من خالفكم و سعد من أطاعكم ١٩٩
- فاشهد على ما اشهدتك عليه ٢٠٢
- و انا ولى لك برئى من عدوك ٢٠٤
- فالحق ما رضيتموه و الباطل ما اسخطتموه ٢٠٦
- و المعروف ما امرتم به و المنكر ما نهيتم عنه ٢٠٩
- فنفسى مؤمنة بالله و حده لا شريك له و برسوله و بامير المؤمنين و
بكم يا مولاي اولكم و آخركم ٢١٢
- و نصرتى معدة لكم ٢١٥

و مودتی خالصةً لكم ۲۱۸

آمین آمین..... ۲۲۲

تفسیر و شرح دعای زیارت آل یاسین..... ۲۲۳

اللهم انی اسئلك ان تصلى علی ۲۲۴

محمد نبی رحمتک و کلمة نورک ۲۲۸

و ان تملاء قلبی نور الیقین ۲۳۱

و صدری نور الایمان ۲۳۴

و فکری نور النیات ۲۳۶

و عزمی نور العلم ۲۳۸

و قوتی نور العمل ۲۴۰

و لسانی نور الصدق ۲۴۲

و دینی نور البصائر من عندک ۲۴۴

و بصری نور الضیاء ۲۴۶

و سمعی نور الحکمة ۲۴۸

- و مودتى نور الموالاة لمحمد و اله عليهم السلام ٢٥٠
- حتى الفاك ٢٥٢
- و قد وفيت بعهدك و ميثاقتك ٢٥٤
- فتغشيني رحمتك يا ولى يا حميد ٢٥٦
- اللهم صل على محمد ﷺ ٢٥٨
- حجتك فى ارضك ٢٦١
- و خليفتك فى بلادك ٢٦٣
- و الداعى الى سبيلك ٢٦٥
- و القائم بقسطك ٢٦٧
- و الثائر بامرک (السائر بامرک) ٢٧٠
- ولى المؤمنين و بوار الكافرين ٢٧٢
- و مجلى الظلمة و منير الحق ٢٧٤
- و الناطق بالحكمة و الصدق ٢٧٦
- و كلمتك التامة فى ارضك ٢٧٨
- المرتقب الخائف ٢٨١

- والوَلَى النَّاصِحَ ٢٨٤
- سفينة النجاة ٢٨٦
- و علم الهدى ٢٨٨
- و نور البصار الورى ٢٩٠
- و خير من تقمص و ارتدى ٢٩٢
- و مجلى العمى (مجلى الغمما - الغمات) ٢٩٦
- الذى يملأ الارض عدلاً و قسطاً كما ملئت ظلماً و جوراً ٢٩٨
- انك على كل شىء قدير ٣٠٢
- اللهم صل على وليك و بن اوليائك ٣٠٤
- الذين فرضت طاعتهم و اوجبت حقهم ٣٠٧
- و اذهب عنهم الرجس و طهرتهم تطهيرا ٣١٠
- اللهم انصره و انتصر به لدينك ٣١٢
- و انصر به اوليائك و اوليائه و شيعته و انصاره و اجعلنا منهم . ٣١٥
- اللهم اعذه من شر كل باغ و طاغ و من شر جميع خلقك ٣١٨
- و احفظه من بين يديده و من خلفه و عن يمينه و عن شماله و احرسه

- تفسير و شرح زيارت آل ياسين..... ٣٦٦
- و امنعه من ان يوصل اليه بسوء..... ٣٢١
- و احفظ فيه رسولك و آل رسولك ٣٢٢
- و اظهر به العدل و ايده بالنصر و انصر ناصريه ٣٢٥
- واخذل خاذليه و اقصم قاصميه و اقصم به جبابرة الكفر و اقتل به
الكفار والمنافين و جميع الملحدين حيث كانوا من مشارق الارض و
مغاربها برها و بحرها ٣٢٩
- و املاء به الارض عدلاً و اظهر به دين نبيك صلى الله عليه و آله ٣٣١
- و اجعلنى اللهم من انصاره و اعوانه و اتباعه و شيعته ٣٢٣
- وارنى فى ال محمد عليهم السلام ما ياملون و فى عدوهم ما يحذرون . ٣٢٧
- اله الحق امين يا ذا الجلال و الاكرام يا ارحم الراحمين..... ٣٤١

آثار و بركات زيارت ال ياسين ٣٤٢

آثار و بركات زيارت ال ياسين..... ٣٤٣

حكايت اول ٣٤٥

حكايت دوم ٣٤٦

۳۴۸ حکایت سوم

۳۵۰ حکایت چهارم

۳۵۲ حکایت پنجم

۳۵۴ حکایت ششم

بخشی از کتب نشر شده

توسط انتشارات یاران قائم علیه السلام:

۱- امام زمان علیه السلام و سید بن طاووس رحمتهما

۲- امام زمان علیه السلام سید بن بحر العلوم رحمتهما

۳- امام زمان علیه السلام و شیخ مفید رحمتهما

۴- ملاقات با امام عصر علیه السلام

۵- پاسخنامه در پاسخ به مشکلات جوانان

۶- تزکیه، ۲۹